

پروژه
شکوفایی
ایران



کتابچه مرحله اضطراری



NUFDI

اسفند ۱۴۰۴/۲۵۸۴



مرحله اضطراری

پارلمانی یا جمهوری؛ سپس، انتخاب مجلس مؤسسان برای تدوین قانون اساسی جدید؛ پس از آن، برگزاری همه‌پرسی درباره قانون اساسی پیشنهادی؛ و در پایان، برگزاری انتخابات مهستان (مجلس). اجرای این مراحل تضمین می‌کند که آینده ایران به‌دست شهروندانش رقم بخورد و همین امر به تقویت همبستگی میان گروه‌های قومی، دینی و اجتماعی می‌انجامد.

در این راستا، از همه احزاب و شخصیت‌های سیاسی که به چهار اصل زیر پایبند باشند، برای پیوستن به ائتلافی برای تحقق طرح مذکور استقبال می‌شود: نخست، حفظ تمامیت ارضی ایران؛ دوم، استقرار دموکراسی سکولار مبتنی بر جدایی دین از حکومت؛ سوم، تضمین آزادی‌های فردی، برابری در برابر قانون و برخورداری یکسان از حمایت قانونی؛ و چهارم، به رسمیت شناختن حق مردم ایران برای انتخاب آزادانه سامانه حکومتی خود (اعم از پادشاهی پارلمانی و جمهوری).

خطاب به مردم ایران: عزم راسخ شما پایه‌های استبداد را سست کرده است. این طرح با فراهم کردن ابزارهای لازم برای بازسازی کشورمان، فداکاری‌های شما را ارج می‌نهد؛ کشوری که در آن حقوق فردی مصون است، زنان و مردان در همه جوامع مذهبی و قومی ایران به‌طور برابر رشد می‌کنند و فرصت‌های گسترده‌ای در آموزش، صنعت و نوآوری فراهم است. ایران آزاد، با بهره‌گیری از منابع طبیعی، سرمایه‌ی انسانی و موقعیت راهبردی خود، به رشد سریع، پایداری زیست‌محیطی و رفاه اجتماعی دست خواهد یافت. با اتحاد در هدف، می‌توانیم چالش‌ها را به پیشرفت تبدیل کنیم و جایگاه ایران را، همچون مهد تمدنی که همواره بوده است، به‌عنوان کانون شکوفایی بازایابیم.

خطاب به رهبران و سیاست‌گذاران منطقه و جهان: ایران دموکراتیک به‌عنوان شریکی قابل اعتماد و متعهد به صلح منطقه‌ای و همکاری جهانی ظهور خواهد کرد. ایران ره‌اشده از سیاست‌های تروریستی جمهوری اسلامی، برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای و جنگ‌های نیابتی، روابط خود را عادی‌سازی خواهد کرد، به هنجارهای بین‌المللی احترام خواهد گذاشت و در تحقق اهداف مشترکی، همچون مقابله با بنیادگرایی و ایجاد ثبات در خاورمیانه، مشارکت خواهد داشت. با حمایت از این گذار از طریق به‌رسمیت‌شناختن دیپلماتیک، گسترش همکاری‌های اقتصادی و ارائه کمک‌های فنی، شما در متحدی پایدار سرمایه‌گذاری می‌کنید که موجب تقویت امنیت، توسعه تجارت و استحکام منافع مشترک خواهد شد.

این کتابچه، فراخوانی برای اقدام است، ریشه در واقع‌گرایی و امید دارد، و مسیر را برای ایرانی ترسیم می‌کند که هم به نفع مردمش است و هم به نفع جهان.

رضا پهلوی



پروژه شکوفایی ایران این کتابچه را به‌عنوان طرحی برای ۱۸۰ روز نخست پس از سقوط جمهوری اسلامی (مرحله اضطراری) ارائه می‌کند تا به‌عنوان راهنمایی کاربردی برای گذار ایران به آزادی و ثبات عمل کند. این کتابچه که به‌دست متخصصانی از داخل ایران و ایرانیان خارج از کشور تدوین شده است، با تکیه بر دانش دست‌اول به چالش‌های فوری حکمرانی، امنیت، اقتصاد و جامعه در دوران اولیه‌ی پس از سقوط رژیم می‌پردازد.

در بیش از چهار دهه، جمهوری اسلامی با تحمیل حکمرانی استبدادی، به سرکوب میراث فرهنگی غنی و ظرفیت‌های اقتصادی ایران پرداخته و کشور را به انزوای بین‌المللی کشانده است. سیاست‌های این رژیم موجب رنج‌های گسترده‌ای شده است، از جمله نقض حقوق بشر، تخریب محیط زیست، بحران‌های مالی و سایر آسیب‌ها. با این حال، پایداری و تاب‌آوری مردم ایران، که در اعتراضات مستمر و خواست مداوم ایشان برای تغییر آشکار است، نشان می‌دهد که آغاز فصلی تازه دور نمی‌باشد.

این کتابچه مسیری ساختارمند برای آینده پیشنهاد می‌دهد که بر یک «سامانه گذار» برای اداره ایران در طول این دوره متمرکز است و از سه رکن اصلی تشکیل شده است: مهستان گذار (قوه مقننه)، دولت گذار و دیوان گذار (قوه قضاییه). اولویت‌های کلیدی این مسیر شامل تامین امنیت مرزها، تداوم خدمات عمومی ضروری، تثبیت اقتصاد از طریق بودجه‌ریزی شفاف و اصلاحات مبتنی بر بازار، بازتعریف سیاست خارجی و اصلاح نظام آموزشی است.

در قلب این چارچوب، سازوکارهای دموکراتیک قرار دارد: نخست، برگزاری همه‌پرسی برای تعیین نوع سامانه حکومتی (پادشاهی



متخصصان، رهبران جامعه مدنی و ایرانیان مقیم خارج کمک کند چالش‌های فوری دوران گذار را بررسی کرده و پاسخ‌های واقع‌بینانه و اصولی را شناسایی کنند. این سند بازتاب این باور بدیهی است که آمادگی اهمیت دارد. گذار موفق نه تنها به شجاعت در خیابان‌ها، بلکه به شایستگی، هماهنگی و دوراندیشی نیز نیازمند است. من عمیقاً سپاس‌گزار تمام کسانی هستم که زمان، تخصص و میهن‌پرستی خود را به این تلاش اختصاص داده‌اند.

مردم ایران پیشاپیش شجاعت خارق‌العاده‌ای نشان داده‌اند. مسئولیت ما، به‌ویژه آن دسته که بیرون از ایران از آزادی برنامه‌ریزی و آماده‌سازی برخورداریم، این است که آن شجاعت را با آمادگی همراه کنیم. ما باید آماده باشیم تا از یک گذار مسالمت‌آمیز حمایت کنیم، از هرج‌ومرج جلوگیری به عمل آوریم و اطمینان حاصل کنیم که نخستین گام‌های ایران پس از جمهوری اسلامی، کشور را به مسیر درست راهنمایی می‌کند.

ما این دفترچه را به نشانه اعتماد به آینده ایران عرضه می‌کنیم. راه پیش رو آسان نخواهد بود؛ اما ایران از هیچ آغاز نمی‌کند. ایران ملتی بزرگ با میراث تمدنی غنی، جمعیتی با استعداد و ظرفیتی قوی برای بازسازی است. با آمادگی مناسب، رهبری مبتنی بر اصول و حمایت مردمی متحد، ایران از این فصل تاریک نیرومندتر، آزادتر و شکوفاتر از پیش سر بر خواهد آورد.

دکتر سعید گنجی
رئیس/مدیرعامل نوفدی

اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران (نوفدی) یک سازمان غیرانتفاعی و فراحزبی مستقر در واشنگتن دی‌سی است. نوفدی می‌کوشد صدای جامعه ایرانی-آمریکایی را ارتقا دهد؛ جامعه‌ای که بی‌وقفه تلاش می‌کند حمایت بین‌المللی از آرمان‌های دموکراتیک مردم ایران را تقویت کند و در شکل‌گیری یک چارچوب سیاست‌گذاری جدی برای گذار مسالمت‌آمیز و ثبات بلندمدت، نقش‌آفرین باشد. ما در پی آن هستیم که ایرانیان مقیم خارج، سیاست‌گذاران، رسانه‌ها و جامعه مدنی را حول هدفی مشترک گرد هم آوریم؛ حمایت از مردم ایران، منزوی کردن ماشین سرکوب جمهوری اسلامی، و آمادگی برای ایرانی دموکراتیک در آینده؛ ایرانی که بتواند به‌عنوان یک ملت مسئول و شکوفا به جامعه جهانی بازگردد.

چشم‌انداز نوفدی، ایرانی آزاد، دموکراتیک و دارای حاکمیت ملی است؛ کشوری که مردم آن بتوانند از طریق مشارکت سیاسی مسالمت‌آمیز، انتخابات آزاد و حاکمیت قانون، آینده خود را تعیین کنند. ما بر این باوریم که آینده ایران باید بر پایه‌ی شهروندی برابر، پاسخ‌گویی و کرامت ملی بنا شود و همراه با تضمین آزادی بیان، آزادی دین و حق هر ایرانی برای زیستن بدون هراس از سرکوب باشد. در بنیان خود، نوفدی ایرانی را پس از جمهوری اسلامی تصویر می‌کند که سامانه حکومتی آن سکولار، برخاسته از اراده مردم و حافظ تمامیت ارضی، میراث فرهنگی و وحدت ملی ایران باشد. در نوفدی، ما همواره بر این باور بوده‌ایم که حمایت از مردم ایران، صرفاً مخالفت با جمهوری اسلامی نیست، بلکه یاری‌رساندن به آنان در ساختن بنیانی برای آینده‌ای است که پس از جمهوری اسلامی فرامی‌رسد.

این کتابچه، «مرحله اضطراری» از «پروژه شکوفایی ایران»، بخشی از تعهد نوفدی برای کمک به آمادگی مسئولانه و جدی برای آینده است. هدف این کتابچه تعیین آینده‌ی ایران نیست؛ آن آینده از آن مردم ایران است. بلکه، این سند ابزاری عملی برای برنامه‌ریزی است که طراحی شده تا به سیاست‌گذاران،

درباره پروژه شکوفایی ایران



ساختار پروژه

پروژه شکوفایی در سه مرحله طراحی شده است که هر یک زمان‌بندی اجرایی ویژه خود را دارند. مرحله نخست «مرحله اضطراری» است که شش ماه نخست از دوران گذار را در بر می‌گیرد. تمرکز این مرحله بر مواجهه با چالش‌های فوری، هم‌زمان با آماده‌سازی کشور برای آینده‌ای دموکراتیک و سرشار از شکوفایی اقتصادی است. این کتابچه به تفصیل به مرحله اضطراری می‌پردازد. پیش‌نویس کتابچه در تابستان ۲۵۸۴ (۱۴۰۴) با هدف دریافت بازخورد عمومی منتشر گردید و نویسندگان آن بر اساس بازخوردهای دریافت‌شده، متن را بازنگری کردند.

مرحله دوم «مرحله تثبیت» است که از ماه هفتم تا پایان دوران گذار ادامه می‌یابد و مرحله سوم «مرحله بازآرایی بلندمدت پس از گذار» نام دارد که با تشکیل نخستین دولت منتخب آغاز می‌شود. کتابچه‌های مربوط به این دو مرحله به ترتیب بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی راهبردی برای دوران گذار و همچنین ارائه توصیه‌هایی برای بازآرایی بلندمدت تمرکز دارند. بخش‌هایی از این کتابچه‌ها تاکنون تکمیل شده‌اند و سایر بخش‌ها نیز به محض نهایی‌شدن در اختیار عموم قرار خواهند گرفت.

افزون بر کتابچه‌های مرحله‌بندی‌شده، پروژه شکوفایی یک بخش موضوع‌محور نیز دارد که از مجموعه‌ای از سپیدنامه‌های سیاست‌گذاری در دو حوزه «تثبیت بنیادین» و «نوسازی صنعتی» تشکیل شده است. این سپیدنامه‌ها چارچوب‌های سیاست‌گذاری ملی را برای پشتیبانی از ثبات بلندمدت اقتصادی، تاب‌آوری بازار کار و رشد پایدار ترسیم می‌کنند و هم‌زمان چشم‌انداز و نیازهای سرمایه‌گذاری هر بخش را مشخص می‌سازند. پیش‌نویس بخش اقتصادی سپیدنامه‌های «تثبیت بنیادین» در بهار ۲۵۸۴ (۱۴۰۴) برای دریافت بازخورد عمومی منتشر شد و انتظار می‌رود نسخه کامل آن در ماه‌های آینده منتشر شود. کار بر روی سپیدنامه‌های «نوسازی صنعتی» نیز از پیش آغاز شده است و پیش‌نویس اولیه آن‌ها در آینده نزدیک منتشر خواهد شد.

ایران کشوری بزرگ است و ایرانیان ملتی بزرگ و فرهیخته. آنان شایسته آزادی، رفاه و احترام‌اند. پروژه شکوفایی ایران برنامه‌ای جامع برای بازگرداندن شکوه و پیشرفت این سرزمین تدوین کرده است.

دکتر سعید قاسمی‌نژاد
مدیر پروژه

پروژه شکوفایی ایران («پروژه شکوفایی») با گردهم‌آوردن کارشناسان برجسته در حوزه‌های تخصصی گوناگون و تدوین برنامه‌ای جامع، عملی و داوری‌شده برای آینده ایران پس از جمهوری اسلامی، نقشه‌راهی روشن برای بازسازی کشور در دوران گذار^۲ و پس از آن ارائه می‌دهد؛ نقشه‌ای که پاسخ‌گوی نیازهای اجتماعی و اقتصادی کشور است و آن را برای تبدیل‌شدن به یک قدرت اقتصادی آماده می‌سازد. مأموریت ما ترسیم مسیری به سوی ایرانی آزاد و شکوفاست و نشان دادن حقیقت که آرزوهایی که میلیون‌ها ایرانی برای ایران نوین در سر دارند، دست‌یافتنی است.

چشم‌انداز ما

چشم‌انداز ما احیای ایران به‌عنوان زادگاه تمدنی باشکوه است؛ کشوری که نزدیک به پنج دهه ناکارآمدی و خشونت رژیم اسلام‌گرا آن را تا آستانه فروپاشی پیش برده است. این رژیم ده‌ها میلیون ایرانی را از فرصت دستیابی به رفاه محروم کرده و جهان را نیز از آن‌چه ایران و ایرانیان می‌توانند عرضه کنند، بی‌بهره ساخته است. از زمان به قدرت رسیدن این رژیم، مردم ایران برای آزادی و برخورداری از فرصت شکوفایی، همچون همسایگان منطقه‌ای و هم‌تایان جهانی خود، مبارزه کرده‌اند.

هنگامی که این رژیم سقوط کند - که رخدادی محتوم است - ملت ایران بازسازی کشور خود را آغاز خواهد کرد. پروژه شکوفایی برنامه‌ای ارائه می‌دهد که بر آرمان‌ها و اولویت‌های مردم ایران استوار است. در چارچوب یک نظام سیاسی دموکراتیک، ایرانیان می‌توانند با کار و تلاش، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و گسترش تجارت بین‌المللی، رونق و رشد از دست‌رفته را بازیابند و هم‌زمان به استقرار نظمی قانون‌محور در سطح جهانی یاری رسانند. برای جهان، ایران آزاد و دموکراتیک یکی از آخرین بازارهای بزرگ و دست‌نخورده به‌شمار می‌آید. با برخورداری از موقعیتی راهبردی، منابع طبیعی فراوان، نیروی کار تحصیل‌کرده و ماهر و زیرساخت‌های قابل‌توجه موجود، کشور آماده است تا سرانجام ظرفیت‌های اقتصادی نهفته خود را آزاد سازد.

ایران آینده می‌تواند روابط اقتصادی بلندمدت خود را با همسایگان بر پایه احترام متقابل بنا کند و به‌جای صدور افراط‌گرایی و تروریسم از سوی رژیم کنونی، به تقویت ثبات و همکاری در سراسر منطقه یاری رساند. در داخل کشور نیز گسترش تجارت بین‌المللی به موتور محرکه‌ای نیرومند برای اقتصاد ایران بدل خواهد شد و به احیای جایگاه آن به‌عنوان یکی از قدرتهای منطقه‌ای کمک خواهد کرد.

^۲ اصطلاح «دوران گذار» به بازه زمانی میان سقوط رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک دولت منتخب دموکراتیک اشاره دارد.

حقوقی و سیاسی است. پروژه شکوفایی با درگیر کردن ذی‌نفعان کلیدی داخلی و بین‌المللی، در پی ایجاد چارچوبی تاب‌آور برای حکمرانی دموکراتیک، و بازسازی قرارداد اجتماعی حاکم است؛ به‌گونه‌ای که هم ثبات تامین شود و هم تداوم نهادی در بلندمدت تضمین گردد. حتی اگر سقوط رژیم با تاخیر، به‌صورت ناقص یا نامتوازن رخ دهد، منطق مرحله اضطراری تبیین‌شده در این کتابچه همچنان قابل اعمال خواهد بود.

تیم پروژه شکوفایی، پیش‌نویس این کتابچه را در تابستان ۲۵۸۴ (۱۴۰۴) برای دریافت نظر عمومی منتشر کرد تا از طریق فرایندی دموکراتیک، دیدگاه‌ها، نظرات و دغدغه‌های ایرانیان گردآوری شود. نویسندگان کتابچه پس از بررسی بازخوردهای دریافتی، متن را مورد بازنگری قرار داده‌اند. هرچند تمرکز اصلی این کتابچه بر مرحله اضطراری است، اما دربرگیرنده عناصری که بر ثبات میان‌مدت و بلندمدت ایرانی آزاد و دموکراتیک اثرگذار خواهند بود نیز می‌باشد.

پیش‌زمینه: جمهوری اسلامی ضعیف، آسیب‌پذیر و مشروعیت خود را از دست داده است

واکنش خشونت‌بار رژیم به خیزش دی ماه ۲۵۸۴، موسوم به «انقلاب شیر و خورشید»، سبب تثبیت اجماع داخلی و بین‌المللی پیرامون ناپایداری و عدم مشروعیت جمهوری اسلامی شده است. رژیمی که با رکود مزمن اقتصادی و سرکوب فراگیر اجتماعی و سیاسی تعریف می‌شود و ثبات آن بیش از پیش بر اثر شکست‌های راهبردی، ناکامی‌های نظامی، و تمرکز قدرت در دستان علی‌خامنه‌ای – رهبر سالخورده و به‌طور فزاینده بدگمان نظام – تضعیف شده است. تلاش‌ها برای اصلاح رژیم از دهه ۲۵۵۰ (۱۳۷۰) به‌طور نظام‌مند از درون مسدود شده‌اند، و در نتیجه، افکار عمومی ایران و حتی بخش‌هایی از درون حاکمیت، عملاً هرگونه امید به اصلاحات معنادار که بتواند منجر به تغییرات ملموس سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی شود را، از دست داده‌اند.

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ دگرگونی عمیقی در بافت اجتماعی ایران ایجاد کرد؛ دگرگونی‌ای که با محدودیت‌های شدید بر آزادی‌های مدنی و تفسیر سخت‌گیرانه‌ای از شریعت همراه بود. مداخله نظام‌مند رژیم در زندگی خصوصی شهروندان، از انتخاب پوشش گرفته تا نحوه استفاده از شبکه‌های اجتماعی، به تضادی مداوم میان حکومت و جامعه انجامیده است. سرکوب خیزش شهریور ۲۵۸۱ (۱۴۰۱) در پی قتل دلخراش مهسا امینی پس از بازداشت که به دلیل ادعای عدم رعایت قوانین حجاب رخ داد، نمونه‌ای آشکار از اجرای خشونت‌بار سیاست‌های سرکوبگرانه عمومی توسط رژیم به شمار می‌رود.

سیاست منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی نه تنها بی‌ثباتی اقتصادی داخلی را تشدید کرده، بلکه این رژیم را به کنشگری تنش‌آفرین در عرصه بین‌المللی بدل کرده است. این سیاست‌ها



هدف: نقشه‌راهی کاربردی برای بازسازی ایران

در دی ۲۵۸۴، جهان با وحشت نظاره‌گر آن بود که جمهوری اسلامی ظرف تنها چند روز، بنابر گزارش‌های معتبر، ده‌ها هزار معترض مسالمت‌جو را در سراسر ایران به خاک و خون کشاند. این جنایت، نقطه عطفی تعیین‌کننده بود: رژیم، آخرین بقایای مشروعیت داخلی ادعایی خود را به‌طور کامل از دست داد و جایگاهش به عنوان حکومتی مطرود در جامعه بین‌المللی بیش از پیش تثبیت شد. جمهوری اسلامی امروز به‌مثابه یک نظام سیاسی شکست‌خورده و منفور شناخته می‌شود که صرفاً با تکیه بر خشونت عربیان و برخلاف اراده مردم به قدرت چنگ زده است. پس از نزدیک به پنج دهه ناکارآمدی فاحش، سرکوب داخلی، ماجراجویی‌های منطقه‌ای و فساد ساختاری، فروپاشی جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگری محتمل به نظر می‌رسد و از دید بسیاری، اجتناب‌ناپذیر است.

برای بازپس‌گیری و بازسازی ایران، شاهزاده رضا پهلوی راهبردی پنج‌محوری ترسیم نموده‌اند: (۱) اعمال حداکثر فشار بر جمهوری اسلامی؛ (۲) ارائه حمایت حداکثری از مردم ایران؛ (۳) تشویق ریزش حداکثری نیروها از درون رژیم؛ (۴) بسیج حداکثری ایرانیان در داخل و خارج از کشور؛ و (۵) برنامه‌ریزی برای بازسازی ایران پس از سقوط رژیم. محور پنجم، مربوط «بازسازی ایران»، مبنای شکل‌گیری پروژه شکوفایی ایران (از این پس، «پروژه شکوفایی») بوده است؛ پروژه‌ای که نقشه‌راهی جامع و کاربردی برای مواجهه با چالش‌های ساختاری گذار از یک نظام دین‌سالار به نظامی نوین در ایران ارائه می‌دهد. پروژه شکوفایی، سه مرحله را پوشش می‌دهد که هرکدام زمان‌بندی اجرایی خود را دارند. مرحله نخست، که شش ماه ابتدایی پس از سقوط رژیم را دربر می‌گیرد، «مرحله اضطراری» نام دارد و موضوع اصلی این کتابچه است.

هدف اصلی این کتابچه، کاهش نوسانات و بی‌ثباتی‌های مرحله اضطراری از طریق اقداماتی هماهنگ برای بازسازی اقتصادی،

² اصطلاح «دوران گذار» به بازه زمانی میان سقوط رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک دولت منتخب دموکراتیک اشاره دارد.

شامل تلاش‌های مربوط به گسترش سلاح‌های هسته‌ای، نابودی اسرائیل و بی‌ثبات‌سازی خاورمیانه و شمال آفریقا، از جمله موارد دیگر، می‌شود. افزون بر این، کارزارهای راهبردی رژیم برای کاستن از نفوذ ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس، حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی فرامرزی و مداخله در جنگ روسیه و اوکراین، ایران را بیش از پیش منزوی کرده است. در نتیجه، بسیاری از تحلیلگران اکنون بر این باورند که تغییر رژیم، عملی‌ترین پاسخ به این چالش‌های ساختاری می‌باشد.

چشم‌انداز راهبردی خاورمیانه پس از کارزار اسرائیل علیه «محور مقاومت»، در پی رویدادهای پس از اکتبر ۲۰۲۳، دستخوش تغییرات چشمگیری شده است؛ کارزاری که به تضعیف قابل‌توجه حماس و حزب‌الله انجامید. سقوط متعاقب رژیم اسد نیز، جمهوری اسلامی را بیش از پیش منزوی ساخت و دهه‌ها سرمایه‌گذاری ژئوپلیتیکی آن در سوریه و شبکه‌های نیابتی منطقه‌ای را با چالشی جدی مواجه کرد. افزون بر این، جنگ ۱۲ روزه در خرداد-تیر ۲۵۸۴ خسارات سنگینی به برنامه هسته‌ای و توانمندی‌های نظامی جمهوری اسلامی وارد آورد. کشته شدن شمار زیادی از فرماندهان، هم در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی («سپاه پاسداران») و هم در نیروهای مسلح متعارف رژیم، ضعف‌های نهادی بنیادین آن را در مواجهه با یک دشمن خارجی مصمم و توانمند آشکار کرد و به بازنگری در ظرفیت نظامی رژیم انجامید. این تحولات روایت شکست‌ناپذیری جمهوری اسلامی را در هم شکست و به تشدید شکاف‌ها و نارضایتی‌های درونی دامن زده است؛ به‌گونه‌ای که حتی برخی از مقام‌های ارشد رژیم کارآمدی استراتژی منطقه‌ای آن را مورد تردید قرار داده‌اند.

شاخص‌های کلان اقتصادی ایران از زمان انقلاب اسلامی ۲۵۳۶ (۱۳۵۷) حاکی از رکودی بلندمدت است؛ به‌گونه‌ای که درآمد سرانه واقعی همچنان به‌طور قابل‌توجهی پایین‌تر از سطح پیش از ۲۵۳۶ (۱۳۵۷) باقی مانده و به‌طور مستمر از هم‌تایان با درآمد متوسط رو به بالا و نیز میانگین‌های منطقه‌ای عقب‌تر بوده است. این رکود با نرخ متوسط تورم سالانه ۲۲ درصد از سال ۲۵۳۶ (۱۳۵۷) تاکنون تشدید شده است، که نشان از افزایش چشمگیر نسبت به میانگین حدود ۶ درصدی ثبت‌شده در فاصله سال‌های ۲۵۱۹ (۱۳۳۹) تا ۲۵۳۶ (۱۳۵۷) دارد. نرخ تورم در سال ۲۵۸۴ (۱۴۰۴) از ۶۰ درصد نیز فراتر رفت. فروپاشی بانک آینده - که زمانی یکی از بزرگ‌ترین مؤسسات مالی خصوصی کشور به شمار می‌رفت - آسیب‌پذیری ساختاری نظام بانکی رژیم را بیش از پیش آشکار کرد. در نتیجه، اجماعی رو به گسترش در میان بخش‌های عمومی و خصوصی ایران شکل گرفته است مبنی بر این‌که توسعه اقتصادی پایدار با چارچوب حکمرانی کنونی از اساس ناسازگار است. این رویکرد در اعتصاب گسترده بازار در دی ۲۵۸۴ متجلی شد؛ اعتصابی که به‌عنوان مقدمه‌ای تعیین‌کننده برای انقلاب شیر و خورشید عمل کرد و نشان‌دهنده تغییر نگرش بازار - نهادی که سال‌ها یکی از ستون‌های پایگاه اجتماعی جمهوری اسلامی محسوب می‌شد - بود.

از سال ۲۵۷۶ (۱۳۹۶)، فضای سیاسی ایران از گفتمان «اصلاحات» به گفتمان «انقلاب» تغییر مسیر داده است. این

تغییر با موج‌های بزرگ اعتراضی در سال‌های ۲۵۷۶ (۱۳۹۶)، ۲۵۷۸ (۱۳۹۸)، ۲۵۸۱ (۱۴۰۱) و ۲۵۸۴ (۱۴۰۴) همراه بوده است. هر موج اعتراضی، علی‌رغم تشدید سرکوب، از نظر گستره و شدت بزرگ‌تر از موج پیشین بوده است. در دی ۲۵۸۴، میلیون‌ها نفر در سراسر کشور به خیابان‌ها آمدند. در شهرها و استان‌ها و از گروه‌های اجتماعی گوناگون، معترضان نامی واحد را فریاد می‌زدند و خواستار رهبری یک تن بودند: شاهزاده رضا پهلوی. گستردگی، پراکندگی جغرافیایی و انسجام این خواسته بی‌سابقه بود. انقلاب شیر و خورشید نشان‌دهنده شکل‌گیری همگرایی آشکاری پیرامون یک چهره ملی و وحدت‌بخش بود. با این حال، جمهوری اسلامی با خشونت بی‌سابقه به معترضان پاسخ داد و تنها در چند روز، بنا بر گزارش‌ها، ده‌ها هزار نفر را به قتل رساند. هم‌گرایی فزاینده خیزش‌های سراسری با اعتصاب‌های کارگری محلی نشان می‌دهد که رژیم دیگر با اعتراضاتی مقطعی و پراکنده روبه‌رو نیست، بلکه با یک جنبش انقلابی فراگیر مواجه است. در این زمان، شاهزاده رضا پهلوی به‌عنوان رهبری شناخته‌شده و مورد پذیرش گسترده مردم ایران ظهور کرده است.

در مجموع، این تحولات از امکان واقعی تغییر رژیم از طریق یک انقلاب مردمی حکایت دارد.

اهمیت کتابچه مرحله اضطراری

پرسشی اساسی که ایرانیان و همچنین جامعه بین‌المللی مطرح می‌کنند این است که چه سامانه سیاسی و اقتصادی‌ای جایگزین جمهوری اسلامی خواهد شد. بدون برنامه‌ریزی دقیق و مواجهه جدی با سناریوهای محتمل در دوران گذار، خطر هرج‌ومرج و بی‌ثباتی به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد. راهبرد مشروح در این کتابچه، با هدف دستیابی به پیشرفت‌های ملموس اجتماعی-اقتصادی (از جمله گسترش آزادی‌ها و از سرگیری رشد اقتصادی)، تدوین شده است تا پایداری یک ایران دموکراتیک را در میان‌مدت و بلندمدت تضمین نماید. پروژه شکوفایی، با درنظر گرفتن مقوله «برنامه‌ریزی» به‌عنوان فرایندی تکرارشونده (نیازمند به بهینه‌سازی مداوم) و انعطاف‌پذیر، می‌کوشد ریسک‌های ذاتی مرحله اضطراری را کاهش دهد و در عین حال مسیری معتبر و امیدبخش به‌سوی آینده ارائه کند. از دیدگاه تحلیلی، برای موفقیت سیاست داخلی مذکور، بایستی پیوند تنگاتنگ آن با اهداف ژئوپلیتیکی گسترده‌تر (از جمله امنیت منطقه‌ای و بازپیوستن به اقتصاد جهانی) مد نظر قرار گیرد. از این‌رو، این کتابچه مسیری ساختاریافته برای تعامل جامعه بین‌المللی با سامانه سیاسی نوین ایران، بر پایه اصل منافع متقابل، فراهم می‌آورد.

ساختار کتابچه مرحله اضطراری

این کتابچه شامل چهارده سپیدنامه است که به چهارده موضوع اساسی مرتبط با دوران گذار می‌پردازند. دو سپیدنامه نخست بر چارچوب‌های حقوقی و سیاسی سازوکار حکمرانی در دوران گذار تمرکز دارند. سایر سپیدنامه‌ها، حوزه‌هایی کلیدی همچون سیاست خارجی، ساختار نظامی و امنیتی، امنیت سایبری،

بازآرایی مالی و کلان اقتصادی و آموزش را پوشش می‌دهند. سپیدنامه‌های حقوقی و سیاسی، برنامه‌ای جامع برای گذار ایران از یک حکومت تئوکراتیک اسلامی به یک دموکراسی سکولار ارائه می‌دهند، و بازآرایی لازم برای تحقق این هدف را تشریح می‌کنند. بر اساس چارچوب حقوقی پیشنهادی، شاهزاده رضا پهلوی فرمانی رسمی صادر خواهند نمود که شامل سه بخش می‌باشد: ۱) لغو قانون اساسی جمهوری اسلامی به منظور ایجاد گسستی روشن از رژیم؛ ۲) حفظ قوانین و نهادهای موجود در طول دوران گذار - به عنوان پیش‌فرض و به استثنای موارد مذکور در بخش سوم - با هدف تضمین ثبات حقوقی؛ ۳) لغو هر قانون و انحلال هر نهادی که در تعارض آشکار با هویت تاریخی و ملی ایران یا با اعلامیه جهانی حقوق بشر باشد. سپس، برای جلوگیری از ایجاد خلأ حقوقی در دوران گذار، قوانین و نهادهای جایگزین از دوران پادشاهی پهلوی اقتباس خواهند شد. چنانچه قانونی یا نهادی از آن دوران پاسخگوی نیازهای روز نباشد، یا به روزرسانی شده یا با نمونه‌ای جدید جایگزین خواهد شد، بسته به این‌که کدام روش کارآمدتر باشد. بر این اساس، چارچوب حقوقی پیشنهادی خواستار دگرگونی کامل و بنیادین نهادها و قوانین موجود در دوران گذار نمی‌باشد، بلکه بر بازآرایی هدفمند و موردی تمرکز دارد. مسئولیت نوسازی کامل قوانین و نهادها به پارلمان آتی واگذار می‌شود؛ پارلمانی که به صورت دموکراتیک توسط مردم ایران انتخاب خواهد شد.

چارچوب سیاسی دوران گذار شامل سه نهاد است: قوه مقننه گذار، دولت گذار، و قوه قضائیه گذار. نهاد اخیر برنامه‌ای برای عدالت انتقالی نیز خواهد داشت که متشکل است از یک دادگاه تخصصی و یک کمیسیون حقیقت‌یاب برای رسیدگی به نقض‌های حقوق بشر ارتكابی توسط جمهوری اسلامی. فرایند سیاسی در نهایت به برگزاری یک همه‌پرسی ملی برای تعیین سامانه حکومت آینده؛ انتخابات مجلس مؤسسان برای تدوین قانون اساسی نوین و مدرن؛ برگزاری همه‌پرسی دیگری برای تصویب قانون اساسی پیشنهادی؛ و در نهایت، برگزاری انتخابات برای نهاد قانون‌گذاری (پارلمان) و تشکیل دولت منتخب؛ پس از این مرحله، نهادهای گذار منحل خواهند شد.

سپیدنامه نظامی و امنیتی، برنامه‌ای جامع برای دگرگونی ساختاری حوزه نظامی و امنیتی در دوران گذار ترسیم می‌کند. هدف اصلی این برنامه، تضمین ثبات ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور هم‌زمان با گذار به ساختاری حرفه‌ای، غیرایدئولوژیک و پاسخ‌گو در حوزه دفاعی است. عناصر کلیدی این برنامه عبارتند از: ۱) یکپارچه‌سازی نهادی: انحلال ساختارهای ایدئولوژیک و موازی از جمله سپاه پاسداران - شامل نیروی قدس و بسیج - و ادغام سرمایه فنی و نیروهای تایید صلاحیت‌شده آن‌ها در قالب یک ارتش ملی واحد و یک «سازمان ملی اطلاعات و امنیت»؛ ۲) پالایش سنجیده نیروها: پرهیز از تکرار اشتباهات انقلاب‌های گذشته از طریق حفظ بخش عمده پرسنل عادی، و ارجاع افرادی که مرتکب جرایم فاحش شده‌اند به یک فرایند قضایی شفاف؛ ۳) نظارت دموکراتیک: بازسازی اعتماد عمومی و تضمین پاسخ‌گویی از طریق اعمال تفکیک سخت‌گیرانه میان

حوزه نظامی و حوزه سیاست، و ایجاد سازوکارهای نظارت غیرنظامی؛ و ۴) گذار مرحله‌بندی‌شده: اجرای یک جدول زمانی سه‌مرحله‌ای (از ماه صفر تا ماه بیست‌وچهار) که با مدیریت فوری بحران و تامین امنیت مرزها آغاز شده و به نوسازی نهادی بلندمدت و توسعه همکاری‌های دفاعی بین‌المللی ختم می‌شود.

سپیدنامه سیاست خارجی، نقشه‌راهی عمل‌گرایانه و غیرایدئولوژیک برای سیاست خارجی دولت گذار ارائه می‌دهد. هدف محوری آن، اولویت‌بخشی به منافع ملی، امنیت کشور و احیای اقتصادی از طریق بازپیوستن ایران به جامعه جهانی است. عناصر کلیدی این سپیدنامه عبارت‌اند از: ۱) شفافیت هسته‌ای: توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم و پذیرش بازرسی‌های نامحدود آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای تسهیل رفع تحریم‌ها؛ ۲) بازآرایی روابط جهانی: عادی‌سازی روابط با ایالات متحده و اتحادیه اروپا و شناسایی رسمی - حقوقی اسرائیل در چارچوب «پیمان کوروش»؛ و ۳) ثبات منطقه‌ای: ایجاد سازوکاری به نام «چارچوب ثبات منطقه‌ای» همراه با کشورهای همسایه، بر پایه اصل عدم مداخله و امنیت مرزی. این سپیدنامه همچنین در بر دارنده پیشنهادهایی پیرامون بازآرایی نهادی برای بازسازی وزارت امور خارجه و تشکیل یک کارگروه دیپلماسی اقتصادی با هدف جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد.

سپیدنامه اقتصاد کلان، برنامه‌ای راهبردی برای تثبیت اقتصاد ایران در دوران گذار ترسیم می‌کند. هدف اصلی این برنامه، جلوگیری از فروپاشی سیستمی و فراهم کردن بستر لازم برای احیای بلندمدت اقتصاد تحت حاکمیت یک دولت دموکراتیک در آینده می‌باشد. پنج محور اصلی این برنامه عبارت‌اند از: ۱) سیاست مالی: بازپس‌گیری کنترل بر امور مالی عمومی و بانک مرکزی به منظور تضمین تداوم پرداخت‌های دولتی و ارائه خدمات عمومی اساسی؛ ۲) نظام بانکی و پولی: اعطای استقلال کامل و کارکردی به بانک مرکزی برای اجرای سیاست‌های پولی به منظور مهار تورم؛ ۳) جریان سرمایه و نظارت: اعمال کنترل بر سرمایه و تلاش برای دسترسی به دارایی‌های بین‌المللی مسدود شده؛ ۴) بازارهای مالی: تعلیق موقت فعالیت بورس برای جلوگیری از فروش‌های هراس‌محور، هم‌زمان با حسابرسی بنگاه‌های دولتی؛ و ۵) شبکه‌های حمایت اجتماعی: تضمین پرداخت بی‌وقفه مستمری‌ها و یارانه‌ها برای حفظ اعتماد عمومی.

سایر سپیدنامه‌های این کتابچه، به ارزیابی فنی و ارائه توصیه‌های سیاستی در حوزه‌های کلیدی همچون کنترل دارایی‌ها، انرژی، صنعت، امنیت سایبری، آب، محیط‌زیست، سلامت و آموزش، می‌پردازند. در مجموع، این سپیدنامه‌ها چارچوبی کاربردی شکل می‌دهند که هدف از آن احیای خدمات اساسی، رسیدگی به کمبودهای فوری و قرار دادن ایران در مسیری مبتنی بر ثبات و رشد است.

دکتر سعید قاسمی‌نژاد
دکتر محمدرضا جهان‌پرور

مدیر پروژه



سعید
قاسمی نژاد

نویسندگان



شبم
پناهی



آیدین
پناهی



مهدی
بیهقی



لیلا
بهمنی



نجات
بهرامی



مصطفی
بابایان



کاوه
راد



کامران
خوانساری نیا



سیامک
جوادی



محمد رضا
جهان پرور



سحر
تحویلی



حسین
پورمند



پوریا
مجابی



شیرین
گلی



مهدی
کتابچی



سعید
قاسمی نژاد



پیام
علی پور



سورن
رایان

نویسندگان (ادامه)



بهرام
واحدی



بورگان
نظامی نرج آباد



محمد
نایب یزدی



نوید
محبی

مشاوران



فریدون
ایزدستا



مرتضی
انواری



مهدی
امیری



افشین
الیان



امیر
آقا کوچک



آرمند
اشرفزاده



امیر
بیدگلی



مریم
بنی هاشمی



نامدار
بقایی یزدی



رویا
بزرگنیا



سعید
بشیر تاش



الن
بستاکیان



تینوش جمالی
جغدانی



مهسا
تهرانی



شروین
پیشه ور



سعید
پیراسته



نور
پهلوی



امیر مبارز
پرستا

مشاوران (ادامه)



بابک
شکرابی



نیکی
سرمدی



نازنین
سیلور



شهرام
سبزواری



آروین
خوشنود



اردوان
خوشنود



رامین
لاکانی



بیژن
کیان



سروش
قاضی



اسماعیل
فلاحی



رضا
عرب



دریا
صفایی



فرهاد
نصیرخانی



شاهین
نژاد



پویا
ناصری



منوچهر
میرسپنج



علی
مهران



سعید
مستقیم



محسن
یاسینی



هوشنگ
وزیر



امیر
وردی

تیم اجرایی



جرمی
ریزنر



آناهیتا
حسینی



محمدرضا
جهان پرور



تایماز
توماج



آیدین
پناهی



لیلا
بهمنی



آرمیتا
هومان



ساقی
لقایی



علیرضا
کیانی



سعید
قاسمی نژاد



احمد
عشقیار



امیر
شریف امامی

پروژه
شکوفایی
ایران



مرحله اضطراری

فهرست مطالب

1.....	حقوقی: روند و ساختار گذار از جمهوری اسلامی
9.....	سیاسی: روند و ساختار گذار از جمهوری اسلامی
24.....	نظامی و امنیتی: مدیریت مخاطرات و حفاظت از امنیت و منافع عمومی
44.....	سیاست خارجی: بازآرایی اولویت‌ها بر اساس منافع ملی
67.....	کارکردهای اصلی و ضروری دولت: تداوم خدمات، فعالیت‌ها و انجام وظایف
71.....	اقتصاد کلان: مدیریت ریسک‌های مالی و پولی
89.....	دارایی‌های ملی: بازپس‌گیری و حفاظت
107.....	انرژی: مدیریت زیرساخت‌های اساسی و پایداری زنجیره تامین
119.....	صنعت: مدیریت منابع و تولید
129.....	امنیت سایبری: حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی و ارتباطات
142.....	محیط زیست: مدیریت و حفاظت از منابع طبیعی
152.....	آب: مدیریت منابع و زیرساخت‌های تامین
161.....	بهداشت و درمان: مدیریت زنجیره تامین دارو و خدمات درمانی
173.....	نظام آموزشی: تداوم آموزش و ایدئولوژی‌زدایی

سلب مسئولیت: نویسندگان این کتابچه، آن را به سفارش نوفدی تدوین کرده‌اند. دیدگاه‌های مطرح‌شده صرفاً متعلق به نویسندگان و/یا نوفدی می‌باشد و لزوماً بازتاب‌دهنده مواضع و دیدگاه‌های کارفرمایان نویسندگان نیست.

این صفحه عمداً سفید گذاشته شده است.

حقوقی: روند و ساختار گذار از جمهوری اسلامی

اسفند ۲۵۸۴

این سپیدنامه به ارزیابی ساختار حقوقی ممکن برای مدیریت امور حقوق داخلی ایران توسط «سامانه گذار»^۱ می‌پردازد. بر اساس ساختار پیشنهادی، در زمان سقوط رژیم جمهوری اسلامی، شاهزاده رضا پهلوی (رهبر خیزش ملی) فرمانی رسمی صادر می‌نماید که دربرگیرنده سه بخش است:

بخش اول — انحلال قانون اساسی جمهوری اسلامی. این بخش به طور رسمی جمهوری اسلامی را منحل می‌کند، به سامانه گذار رسمیت می‌بخشد و گسستی آشکار از رژیم پیشین نشان می‌دهد، که خود امکان شناسایی رسمی سامانه گذار از سوی سایر دولت‌ها و کسب حمایت جهانی از آن را فراهم می‌نماید.

بخش دوم — حفظ تمام قوانین و نهادهای موجود، مگر آن دسته که در «بخش سوم» صریحا لغو می‌شوند. این رویکرد ثبات حقوقی را تضمین می‌کند و از هرج و مرج در دوران گذار جلوگیری می‌نماید.

بخش سوم — لغو قوانین و مقررات و همچنین انحلال نهادها و سازمان‌هایی که با یکی از سه معیار پیش‌رو تضاد آشکار دارند: (الف) هویت تاریخی و ملی ایران، (ب) اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸، و (ج) پیشرفت سامانه گذار. قوانین و نهادهای جایگزین، از دوران پادشاهی انتخاب خواهند شد. در مواردی که قوانین و نهادهای دوران پادشاهی به دلیل گذر زمان پاسخگوی نیازهای روز نباشند، به‌روزرسانی می‌شوند یا قوانین و نهادهای جدید در نظر گرفته خواهد شد (هر کدام که سریع‌تر امکان‌پذیر باشد).

این ساختار رویکردی عمل‌گرا، ثبات‌آفرین و امیدبخش برای دوران گذار ارائه می‌دهد. ترکیب تداوم حقوقی با لغو و انحلال هدفمند قوانین و نهادها، از یک سو ضامن ثبات حقوقی تا زمان تصویب قوانین جدید است و از سوی دیگر، از حجم کار حقوقی سامانه گذار می‌کاهد (تا بتواند بر اولویت‌های فوری تمرکز کند)، و بازنگری جامع قوانین را به مهستان منتخب در آینده واگذار می‌نماید. اعمال این ساختار مسیر را برای حرکت به سوی نوسازی دموکراتیک نظام حقوقی ایران هموار می‌سازد.

بخش اول – زمینه و تعاریف

۱ - به طور کلی، بر اساس «اصل تداوم قوانین»، پس از انحلال قانون اساسی یک رژیم، قوانینی که در دوران آن رژیم سرنگون شده تصویب شده‌اند، به صورت خودکار بی‌اعتبار نخواهند شد مگر اینکه ریشه در ایدئولوژی آن رژیم داشته باشند. بنابراین، عموماً، قوانین مدنی، کیفری و اداری تا زمانی که مرجع حقوقی جدیدی آن‌ها را به طور رسمی لغو کند، همچنان معتبر باقی خواهند ماند. با این حال، در مورد جمهوری اسلامی، بسیاری از قوانین (به‌ویژه بخش‌هایی از قانون مدنی و کلیت قانون مجازات اسلامی) از ایدئولوژی دینی و سیاسی رژیم جدایی‌ناپذیر هستند. در نتیجه، این قوانین به محض انحلال قانون اساسی

^۱ عنوان «سامانه گذار» چتری است در برگیرنده سه نهادی که اداره ایران را در دوران گذار، تحت رهبری شاهزاده رضا پهلوی، بر عهده خواهند داشت. این سه نهاد عبارتند از: مهستان گذار (قوه مقننه)، دولت گذار (قوه مجریه) و دیوان گذار (قوه قضائیه). برای اطلاعات بیشتر، مراجعه شود به سپیدنامه «روند و ساختار سیاسی گذار از جمهوری اسلامی».

جمهوری اسلامی، از دید بسیاری، به صورت خودکار فاقد اعتبار خواهند شد که حتی ممکن است سبب بی‌اعتباری برخی اسناد حقوقی و مدارک صادر شده بر اساس آن قوانین نیز شود. این وضعیت ناگزیر به هرج و مرج منجر خواهد شد و لزوم ایجاد یک ساختار حقوقی جامع برای جلوگیری از چنین پیامدی را نشان می‌دهد.

۲ - هنگام تدوین یک ساختار حقوقی برای دوران گذار در ایران، باید میان دو ضرورت رقیب توازن برقرار نمود: از یک سو، میل مشروع به حذف فوری تمام قوانین واپس‌گرای جمهوری اسلامی و از سوی دیگر، نیاز حیاتی به حفظ ثبات در دوران گذار (که ممکن است تا سه سال به طول انجامد). هدف، طراحی ساختاری بهینه‌ای است که بتواند بین این ضرورت‌های رقیب توازن برقرار سازد.

۳ - اصطلاح «ساختار بهینه» در این سپیدنامه به ساختاری حقوقی اطلاق می‌شود که واجد سه معیار باشد:

۳.۱ - امکان‌پذیر بوده، یعنی با توجه به مسئولیت‌های گسترده سامانه گذار، این ساختار باید قابلیت اجرا داشته باشد؛

۳.۲ - ثبات‌آفرین بوده، یعنی باید ضامن استمرار و ثبات حقوقی در امور روزمره کشور و مردم در طی دوران گذار باشد؛ و

۳.۳ - امیدبخش بوده، یعنی باید الهام‌بخش امید و اعتماد در میان مردم ایران باشد. فقدان این عنصر روانی، حتی در صورت تحقق دو معیار دیگر، ممکن است به سرخوردگی جمعی منجر شود و در نهایت موفقیت سامانه گذار را به خطر اندازد.

۴ - بخش‌های آتی، با در نظر داشتن این سه معیار، به بررسی ساختارهای حقوقی موجود برای دوران گذار می‌پردازد تا گزینه‌ای که معیارهای فوق را برآورده سازد، شناسایی کند.

بخش دوم – ساختارهای حقوقی ممکن

۵ - برای ساختار حقوقی دوران گذار، سه گزینه موجود است:

۵.۱ - گزینه بازگردانی. این گزینه –

- کلیه قوانینی را که توسط نهادهای قانون‌گذاری جمهوری اسلامی تصویب شده‌اند لغو نموده، چرا که این قوانین ریشه در قدرت نامشروع، فساد، ناکارآمدی و تبعیض دارند؛ و
- بلافاصله، قوانین دوران پادشاهی را بازمی‌گرداند.

۵.۲ - گزینه حفظ. این گزینه –

- قوانین موجود جمهوری اسلامی را در دوران گذار حفظ نموده؛ و
- وظیفه نوسازی قوانین را به مهستان منتخب در آینده واگذار می‌نماید.

۵.۳ - گزینه ترکیبی. این گزینه –

- به صورت پیش‌فرض، قوانین جمهوری اسلامی را در دوران گذار حفظ می‌نماید؛ ولیکن

• بلافاصله، قوانین و مقرراتی را که در تضاد آشکار با یکی از سه شرط پیش رو باشند، لغو می‌کند: هویت تاریخی و ملی ایران، اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و یا پیشرفت سامانه گذار.

۶ - بنا به دلایلی که در ادامه توضیح داده می‌شود، گزینه ترکیبی تنها گزینه‌ای است که با هر سه معیاری که برای بهینگی یک ساختار برشمرده شد (یعنی امکان‌پذیری، ثبات‌آفرینی و امیدبخشی) هماهنگی دارد.

الف - گزینه بازگردانی

۷ - لغو تمام قوانین جمهوری اسلامی و بازگرداندن تمام قوانین دوران پادشاهی، گزینه مناسبی برای دوران گذار محسوب نمی‌شود و در نتیجه، این سپیدنامه آن را توصیه نمی‌نماید. دلیل آن است که گزینه بازگردانی گرچه جذاب به نظر می‌آید، اما به دلیل فقدان دو معیار نخستین بهینگی (یعنی امکان‌پذیری و ثبات‌آفرینی)، به بی‌نظمی حقوقی و اجتماعی منجر خواهد شد.

۸ - جمهوری اسلامی تقریباً به مدت پنجاه سال حکومت کرده است. طی این مدت، تحولات عمده‌ای در زندگی روزمره مردم در سراسر جهان، از جمله در ایران، رخ داده است. به عنوان نمونه، می‌توان به ظهور فناوری‌های نوین، اشکال جدید معاملات، و پیشرفت‌های علمی اشاره کرد؛ اموری که در نیم قرن پیش وجود نداشتند و در نتیجه، هیچ قانون خاصی نیز برای آن‌ها وضع نشده بود. در این پنج دهه، جمهوری اسلامی تعداد فراوانی قوانین و مقررات وضع کرده است تا، در حد امکان، با این نیازهای نوین هماهنگ شود. این قوانین و مقررات، با وجود ناکارآمدی و نداشتن رویکرد علمی، نقش مهمی در پر کردن خلأ حقوقی ایفا می‌کنند.

۹ - یکی از اهداف کلیدی در دوران گذار، تضمین ثبات در امور روزمره مردم ایران است (معیار ثبات‌آفرینی). لغو فوری تمام قوانین جمهوری اسلامی نیل به این هدف را دشوار می‌سازد، چرا که قوانین دوران پادشاهی نمی‌توانند خلأ حقوقی که ایجاد خواهد شد را به طور کامل و مؤثر پرکنند. تنها راه پرکردن چنین خلأی این خواهد بود که سامانه گذار حجم عظیمی از قوانین جدید را وضع کند؛ مسئولیتی که با توجه به اولویت‌ها و وظیفه‌های پرشمار سامانه گذار، امکان‌پذیر نخواهد بود (معیار امکان‌پذیری).

۱۰ - بدیهی است که این تحلیل به معنای حفظ دائمی قوانین جمهوری اسلامی نیست. قوانین واپس‌گرایانه، غیرعلمی و تبعیض‌آمیز قطعاً جایگزین شوند، اما موضوع، زمان‌بندی آن است. دوران گذار زمان مناسبی برای چنین بازنگری بنیادینی و فراگیری نیست. در عوض، پس از انتخابات مهستان، قوانین دوران پادشاهی می‌تواند به عنوان نقطه آغاز مناسبی برای بازنگری و نوسازی نظام حقوقی ایران، متناسب با نیازها و آرمان‌های نوین ملت، در نظر گرفته شود.

ب - گزینه حفظ

۱۱ - این گزینه شامل حفظ تمام قوانین جمهوری اسلامی در دوران گذار و واگذاری نوسازی آن‌ها به مهستان منتخب در آینده است. این سپیدنامه گزینه حفظ را نیز توصیه نمی‌نماید. گرچه این گزینه با معیار اول (یعنی امکان‌پذیری و سهولت در اجرا) هم راستا است، اما از تحقق معیار سوم (یعنی امیدبخشی) ناتوان است.

۱۲ - بخش قابل توجهی از نارضایتی‌ها و حتی خصومتی که مردم ایران نسبت به جمهوری اسلامی احساس می‌کنند، ریشه در این دارد که قوانین موجود، زندگی روزمره آنان را به چالشی طاقت‌فرسا بدل کرده‌اند. از آن‌جا که دوران گذار ممکن است تا سه

سال به طول انجامد، انتخاب گزینه حفظ، مردم ایران را از احساس تغییر در زندگی روزمره که انتظارش را دارند، محروم می‌کند و احتمالاً به نارضایتی جمعی منجر خواهد شد.

۱۳ - افزون بر این، قوانین متعددی (مانند قوانینی که علیه زنان تبعیض روا می‌دارند، مجازات بدنی را تحمیل می‌کنند، یا دسترسی به اینترنت را محدود می‌سازند) به طور بنیادین با مفهوم آغاز دوران نوین برای کشور در تضاد است.

ج - گزینه ترکیبی

۱۴ - این گزینه از دو عنصر کلیدی تشکیل شده است: حفظ قوانین موجود در دوران گذار به عنوان پیش‌فرض، همراه با لغو گزینشی آن دسته که با هر یک از سه معیار ذیل تضاد آشکار دارند:

۱۴.۱ - هویت تاریخی و ملی ایران؛

۱۴.۲ - اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸؛ و یا

۱۴.۳ - پیشرفت سامانه گذار.

۱۵ - این سپیدنامه گزینه ترکیبی را توصیه می‌نماید چرا که هر سه معیار یک ساختار بهینه را برآورده می‌سازد:

۱۵.۱ - امکان پذیری — گزینه ترکیبی از حجم کار حقوقی سامانه گذار می‌کاهد و اجرای آن را بدون تحمیل بار اضافی بر منابع این سامانه امکان پذیر می‌سازد؛

۱۵.۲ - ثبات آفرینی — با حفظ تداوم حقوقی در امور روزمره کشور و مردم، گزینه ترکیبی ضامن ثبات حقوقی تا زمان تصویب قوانین جدید خواهد بود؛ و

۱۵.۳ - امیدبخشی — لغو هدفمند قوانین مرتبط با جمهوری اسلامی نشانگر پیشرفتی ملموس است، و امید و اعتماد ملت را نسبت به اینکه سامانه گذار در مسیر درست قرار دارد تقویت می‌کند.

۱۶ - پرسش بعدی آنکه آیا گزینه ترکیبی برگرفته از نمونه‌های شناخته شده تغییر رژیم در پنج دهه گذشته است؟

بخش سوم - نمونه‌هایی از سایر کشورها

الف - اتحاد جماهیر شوروی، عراق، تونس و مصر

۱۷ - بررسی تغییر رژیم در کشورهای دیگر طی پنج دهه گذشته نشان می‌دهد که تجربه‌های آن‌ها راهنمای چندانی برای ایران فراهم نمی‌کنند. علت این است که چالش‌های پیش روی ایران با چالش‌های پیش روی آن کشورها تفاوت اساسی دارد. انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران صرفاً ساختار سیاسی کشور را دگرگون نکرد، بلکه نظام حقوقی آن را به شکلی بنیادی و ماهوی تغییر داد.^۲ چنین تغییر ایدئولوژیکی در نظام حقوقی سایر کشورهایی که سامانه سیاسی آن‌ها دچار دگرگونی شد مشاهده نمی‌شود.

^۲ اصطلاح «نظام حقوقی» هم دربرگیرنده منابع حقوق است و هم نهادهای حقوقی (مانند پارلمان و دادگاه‌ها).

۱۸ - به عنوان نمونه، انقلاب ۲۰۱۱ مصر که در پی «بهار عربی» رخ داد ساختار سیاسی مصر را دگرگون کرد، اما نظام حقوقی آن دستخوش تحولات اساسی ایدئولوژیک نشد. این موضوع درباره انقلاب تونس در همان سال، و تا میزان زیادی درباره عراق در ۲۰۰۳، نیز صادق است.

۱۹ - نمونه برجسته تغییر رژیم از سال ۱۳۵۷ که می‌توان گفت با یک دگرگونی ایدئولوژیک همراه بوده، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱ است. انتظار می‌رفت این دگرگونی ایدئولوژیک سبب گذار از کمونیسم به اقتصاد بازار آزاد و اصول دموکراتیک شود. اینکه آیا این آرمان‌ها در روسیه محقق شد یا خیر، موضوع بحث ما نیست، بلکه نکته آن است که میزان تغییرات حقوقی در روسیه، در مقایسه با دگرگونی حقوقی پس از انقلاب ۱۳۵۷ در ایران، بسیار محدود بود. بسیاری از اجزای زیرساخت حقوقی شوروی حفظ شدند و تغییرات عمدتاً در چارچوب همان نظام حقوقی قبلی صورت گرفت.

۲۰ - فقدان دگرگونی ایدئولوژیک در نظام حقوقی این کشورها، تجربه آن‌ها را از تجربه ایران متمایز می‌سازد. بنابراین، دوران گذار آن‌ها نیز اطلاعات کاربردی چندانی برای مواجهه با وضعیت منحصربه‌فرد ایران فراهم نمی‌آورد. خنثی‌سازی تغییرات ایدئولوژیک تحمیل شده به نظام حقوقی ایران در ۱۳۵۷، نیازمند رویکردی به همان میزان بنیادی و ماهوی است. برای الهام‌گیری، باید به تجارب کشورهای نگاه بیندازیم که گذاری ایدئولوژیک در نظام حقوقی خود تجربه کرده‌اند.

۲۱ - پژوهش انجام شده برای این سپیدنامه نشان می‌دهد که تجربه حقوقی بریتانیا در دوران «برگزیت»، نزدیک‌ترین و در نتیجه مرتبط‌ترین نمونه برای الهام‌گیری می‌باشد.

ب - بریتانیا

۲۲ - خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (که در سال ۲۰۱۶ به آن رای داده شد و در سال ۲۰۲۰ به طور رسمی اجرا گردید) به تغییرات عمده‌ای در قوانین این کشور انجامید؛ فرایندی که همچنان ادامه دارد. برآورد می‌شود که بیش از ۵۰,۰۰۰ قانون در بریتانیا مرتبط با اتحادیه اروپا بوده‌اند. ممکن است این پرسش مطرح شود که برگزیت چه ارتباطی با ایران دارد، به ویژه که هیچ تغییری در سامانه سیاسی بریتانیا نیز روی نداده است.

۲۳ - باید توجه داشت که برخی عوامل ریشه‌ای و مهم برگزیت، ایدئولوژیک یا شبه ایدئولوژیک بودند، مانند حاکمیت ملی و ناسیونالیسم، و یا مهاجرت و پوپولیسم ضد نظام مستقر. این عوامل سبب تغییراتی بنیادی و ماهوی در نظام حقوقی بریتانیا شدند. در نتیجه، دوران گذار طراحی شده توسط قانون‌گذاران بریتانیایی می‌تواند منبع مهمی برای الهام‌گیری باشد. فارغ از ارزیابی مثبت یا منفی از پیامدهای سیاسی و اقتصادی برگزیت برای بریتانیا، وظیفه قانون‌گذاران آن کشور ایجاد یک چارچوب قانونی برای دوره گذار بود و آنها ماهرانه چارچوب زیر را تدوین کردند.

۲۴ - بر اساس این چارچوب، هنگامی که برگزیت در سال ۲۰۲۰ به طور رسمی اجرایی شد، دوره‌ای به مدت حدود یک سال برای گذار در نظر گرفته شد. در این دوره—

۲۴.۱ - قوانین اتحادیه اروپا که در روز خروج در بریتانیا قابل اجرا بودند، به عنوان قوانین داخلی باقی ماندند تا از بروز هرجومرج حقوقی جلوگیری شود؛ اما

۲۴.۲ - قوانین خاصی از اتحادیه اروپا که نماد بارز عضویت بریتانیا در این اتحادیه تلقی می‌شدند (مانند قانون جوامع اروپایی ۱۹۷۲)، از همان روز نخست لغو شدند.

این رویکرد، به قانون‌گذاران بریتانیایی امکان داد تا از خلأ حقوقی اجتناب کرده و در عین حال، فضای لازم را برای ابقا یا لغو قوانین اتحادیه اروپا به صورت دموکراتیک در آینده فراهم کند.

۲۵ - تجربه بریتانیا در برگزیت و طراحی دوران گذار آن، نمونه‌ای موفق و مرتبط با ایران به شمار می‌آید که می‌تواند الهام‌بخش ما باشد. گزینه ترکیبی که پیش‌تر در بند ۱۴ شرح داده شد، از این رویکرد الهام گرفته است.

۲۶ - از نظر حقوقی، بریتانیا و فرانسه دو سنت برجسته را نمایندگی می‌کنند: کامن‌لا (حقوق عرفی) و سیویل‌لا (حقوق مدنی)؛ و از نظر سیاسی، دو سامانه متفاوت ولی هر دو دموکراتیک: پادشاهی پارلمانی و جمهوری نیمه‌ریاستی. برخلاف فرانسه، بریتانیا سنت پادشاهی خود را کنار نگذاشت، بلکه به مرور آن را به پادشاهی پارلمانی تبدیل نمود. این تداوم تاریخی در طول قرن‌ها، به قانون‌گذاران بریتانیایی امکان داد تا مهارت بالایی در زمینه پیاده نمودن تغییرات بنیادین حقوقی (با ایجاد کمترین اختلالات اجتماعی ممکن) کسب نمایند. طراحی دوره گذار برای برگزیت نیز نمونه‌ای از این مهارت است.

۲۷ - ساختار حقوقی پیشنهادی در این سپیدنامه بر پایه «گزینه ترکیبی» و الهام گرفته از تجربه حقوقی بریتانیا در برگزیت می‌باشد. جزئیات این ساختار در بخش چهارم آورده شده است.

بخش چهارم - ساختار حقوقی پیشنهادی

۲۸ - در زمان سقوط رژیم جمهوری اسلامی، رهبر خیزش ملی فرمانی رسمی صادر می‌نمایند که دربرگیرنده سه بخش است:

- بخش اول - انحلال قانون اساسی جمهوری اسلامی. از دیدگاه حقوقی، این بخش به طور رسمی جمهوری اسلامی را منحل می‌کند، به تاسیس سامانه گذار رسمیت می‌بخشد و گسستی ضروری از رژیم جمهوری اسلامی ایجاد می‌نماید که خود، حمایت جهانی و مشروعیت بین‌المللی به همراه خواهد آورد.
- بخش دوم - اعلام اینکه علی‌رغم انحلال قانون اساسی جمهوری اسلامی، تمامی قوانین، مقررات، نهادها و سازمان‌های موجود معتبر خواهند ماند، به استثنای آن دسته که در «بخش سوم» صریحاً فهرست خواهند شد. هدف از «بخش دوم» حفظ ثبات حقوقی در دوران گذار است.
- بخش سوم - اعلام لغو تعداد مشخصی از قوانین و مقررات و همچنین اعلام انحلال یا ادغام برخی نهادها و سازمان‌ها از یک سو، و از سوی دیگر، دادن اختیار به مهستان گذار برای وضع قوانین جایگزین و جدید و دادن اختیار به دولت گذار برای بازآرایی نهادها و سازمان‌ها. قوانین و نهادهای جایگزین، از دوران پادشاهی پهلوی انتخاب خواهند شد. در مواردی که قانون و یا نهادی از دوران پادشاهی به دلیل گذر زمان پاسخگوی نیازهای روز نباشد، یا به روز می‌شود یا قانون جدیدی وضع می‌گردد (هر کدام که سریع‌تر امکان‌پذیر باشد).

۲۹ - این ساختار امکان می‌دهد که فعالیت‌های اجتماعی بدون وقفه ادامه یابند و از بروز اختلال ناگهانی حقوقی یا از کارافتادگی قضایی نیز جلوگیری شود. همچنین، این ساختار حجم کار نهاد خیزش ملی را کاهش داده تا بتواند بر اولویت‌های مهم‌تر تمرکز نماید. افزون بر این، به نمایندگان منتخب مهستان امکان می‌دهد تا در آینده به صورت دموکراتیک درباره تغییرات بنیادین در قوانین ایران بحث و تصمیم‌گیری نمایند.

۳۰ - پرسش کلیدی آن که بایستی از چه فرمولی برای شناسایی قوانینی که در «اقدام سوم» لغو می‌شوند، استفاده کرد؟ در این راستا، قوانین و مقرراتی که که تنها با یکی از سه معیار ذیل تضاد آشکار دارند، در «بخش سوم» فرمان رهبر خیزش ملی لغو خواهند شد:

۳۰.۱ - هویت تاریخی و ملی ایران؛

۳۰.۲ - اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸؛ و یا

۳۰.۳ - پیشرفت سامانه گذار.

نتیجه

۳۱ - این سپیدنامه ساختارهای ممکن برای مدیریت امور حقوق داخلی ایران در دوران گذار پس از جمهوری اسلامی و همچنین، روند ناشی از هر ساختار را، بررسی نمود. سه گزینه مورد ارزیابی قرار گرفت و سرانجام، «گزینه ترکیبی» به عنوان مناسب‌ترین ساختار پیشنهاد شد.

۳۲ - گزینه ترکیبی، بعد از انحلال قانون اساسی جمهوری اسلامی، قوانین موجود را به صورت پیش‌فرض حفظ کرده، لیکن قوانین یا مقرراتی را که با یکی از سه معیار پیش‌رو تضاد آشکار دارند، لغو می‌کند: هویت تاریخی و ملی ایران، اعلامیه جهانی حقوق بشر و یا پیشرفت سامانه گذار.

۳۳ - این رویکرد مرحله‌ای، تداوم کارکردهای اجتماعی را بدون ایجاد تنش‌های عمومی و یا از کارافتادگی قضایی تضمین می‌نماید. همچنین این امکان را به مهستان گذار می‌دهد که بر اولویت‌های فوری تمرکز کند، و بازنگری جامع قوانین و مقررات را به مهستان منتخب در آینده واگذار می‌کند.

۳۴ - اجرای این ساختار حقوقی می‌تواند زمینه‌ساز گذاری موفق و مسالمت‌آمیز به آینده‌ای دموکراتیک برای ملت ایران باشد.

این صفحه عمداً سفید گذاشته شده است.

سیاسی: روند و ساختار گذار از جمهوری اسلامی

اسفند ۲۵۸۴

این سپیدنامه چارچوبی جامع و مرحله‌بندی‌شده برای روند و ساختار سیاسی گذار از جمهوری اسلامی ارائه می‌دهد و بخشی از برنامه‌ریزی حاکمیتی پروژه شکوفایی ایران برای دوره انتقالی پس از فروپاشی رژیم کنونی است. سند حاضر نقشه راهی حقوقی و نهادی برای مدیریت کشور در دوران گذار، تحت رهبری رهبر خیزش ملی، ترسیم می‌کند. در این چارچوب، «سامانه گذار» به‌عنوان ساختاری یک‌پارچه متشکل از سه رکن اصلی (مهستان گذار، دولت گذار و دیوان گذار) پیشنهاد می‌شود که هدف آن تضمین تداوم اداره کشور، حفظ تمامیت ارضی، برقراری نظم عمومی و فراهم‌سازی بستر مشروعیت دموکراتیک است.

این سپیدنامه به‌تفصیل به صلاحیت‌ها، سازوکارهای انتصاب، و برقراری نظارت و توازن میان ارکان سامانه گذار می‌پردازد و مسیر گذار را با زمان‌بندی مشخص ترسیم می‌کند: از برگزاری همه‌پرسی درباره سامانه حکومت آینده، تا انتخابات مجلس مؤسسان، تدوین و تصویب قانون اساسی نوین، انتخابات مهستان و در نهایت انتقال قدرت به حکومت منتخب. این گذار به‌گونه‌ای طراحی شده است که نه شتاب‌زده باشد و نه نامحدود، و به‌طور کلی بازه‌ای ۱۸ تا ۲۴ ماهه را، با امکان تمدید محدود و مشروط، در نظر می‌گیرد. این سپیدنامه تلاشی است برای ارائه الگویی واقع‌بینانه و اصول‌محور جهت گذار مسالمت‌آمیز ایران به حکومتی دموکراتیک، سکولار، مبتنی بر حاکمیت قانون و برابری شهروندان.

تأکید می‌شود که این برنامه صرفاً برای دوران گذار است؛ ساختار سیاسی پس از دوران گذار در قانون اساسی نوین (که به دست نمایندگان منتخب مردم نوشته خواهد شد) ترسیم می‌گردد. همچنین، لازم به ذکر است که منظور از «دوران گذار» مدت زمان بین انحلال رژیم جمهوری اسلامی و تشکیل دولت منتخب مردم است، و «دوره اضطرار» نیز به شش ماه نخست از دوران گذار اطلاق می‌شود.

بخش اول – پیش از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

- ۱ - شاهزاده رضا پهلوی در جایگاه رهبر خیزش ملی و با هدف مدیریت دوران گذار (از این پس، «رهبر خیزش ملی») مبادرت به تشکیل دو نهاد خواهند نمود:
- ۱.۱ - «نهاد خیزش ملی» که نقش مشورتی داشته و بازوی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری رهبر خیزش ملی محسوب می‌شود. هموندان این نهاد اشخاصی از درون و بیرون کشور خواهند بود.
- ۱.۲ - «نهاد اجرایی موقت» که وظیفه آن عملی کردن سیاست‌ها و اجرای تصمیمات رهبر خیزش ملی می‌باشد. هموندان این نهاد نیز اشخاصی از درون و بیرون کشور خواهند بود.

۲ - بنابر ملاحظات امنیتی، اسامی این اشخاص در زمان مناسب با صلاحدید رهبر خیزش ملی آشکار خواهد شد. چارچوب فعالیت‌های این دو نهاد (نهاد خیزش ملی و نهاد اجرایی موقت) بر اساس راهبرد پنج‌گانه‌ای است که رهبر خیزش ملی از پیش بر آن تأکید نموده‌اند:

۲.۱ - فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی؛

۲.۲ - حمایت حداکثری از مردم ایران؛

۲.۳ - ریزش حداکثری از رژیم؛

۲.۴ - سازماندهی حداکثری نیروهای فعال داخل و خارج کشور؛ و

۲.۵ - برنامه‌ریزی برای بازسازی ایران پس از سرنگونی رژیم از طریق «پروژه شکوفایی ایران».

کتابچه مرحله اضطراری، که این سپیدنامه فصلی از آن می‌باشد، در راستای راهبرد پنجم (پروژه شکوفایی ایران) تدوین شده است.

بخش دوم - پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

۳ - پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به دست ملت ایران، «سامانه گذار» به اداره کشور در دوران گذار خواهد پرداخت. سامانه گذار زیر نظر رهبر خیزش ملی عمل خواهد کرد و شامل سه نهاد است که عبارتند از «مهیستان گذار»،^۳ «دولت گذار» و «دیوان گذار».^۴ در این سپیدنامه، هر یک از سه نهاد به صورت جداگانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴ - نصب و عزل رؤسای دولت گذار و دیوان گذار توسط رهبر خیزش ملی و پس از مشورت با مهیستان گذار انجام می‌پذیرد. رئیس مهیستان گذار توسط هموندان این نهاد و با رأی اکثریت مطلق آنها انتخاب خواهد شد.^۵

۵ - رهبر خیزش ملی فرمانده کل نیروهای نظامی خواهند بود.

۶ - همزمان با صدور فرمان انحلال جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن، رهبر خیزش ملی فرمان اعمال تغییرات ساختاری، از جمله موارد ذیل را، صادر خواهند نمود:^۶

۶.۱ - حذف عنوان «جمهوری اسلامی» از نام رسمی کشور ایران؛

۶.۲ - حذف پرچم جمهوری اسلامی و بازگرداندن پرچم سه‌رنگ شیر و خورشید نشان ایران؛

۶.۳ - حذف سرود جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با سرود «ای ایران» تا زمان انتخاب سرود ملی؛

^۳ در راستای تمایل مردم ایران به جایگزینی واژگان بیگانه با معادل‌های پارسی، این سپیدنامه به جای اصطلاح عربی «مجلس شورا» برای قوه مقننه، از اصطلاح «مهیستان» استفاده می‌کند.

^۴ به همان دلیلی که در پاورقی پیشین آمده است، واژه «دیوان» به جای اصطلاح عربی «قوه قضاییه» استفاده می‌شود.

^۵ در این سپیدنامه، «اکثریت مطلق» به معنای موافقت بیش از نیمی از کل هموندان مهیستان گذار با یک موضوع است، و «اکثریت ساده» به معنای موافقت اکثریت هموندان حاضر در یک جلسه با همان موضوع می‌باشد.

^۶ ساختار فرمان رسمی رهبر خیزش ملی در سپیدنامه «روند و ساختار حقوقی گذار از جمهوری اسلامی» به تفصیل توضیح داده شده است.

- ۶.۴ - انحلال نهاد ولایت فقیه،^۷ مجلس خبرگان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان؛
- ۶.۵ - انحلال سپاه پاسداران و تمامی زیرمجموعه‌های آن، در راستای ادغام بخش نظامی آن در ارتش. هدف از این بازآرایی پایان دادن به ساختارهای موازی نظامی و تشکیل یک ارتش ملی، متمرکز و حرفه‌ای است که به لحاظ ساختاری زیرمجموعه وزارت دفاع خواهد بود.^۸ بخش اقتصادی و فرهنگی سپاه و زیرمجموعه‌های آن به دولت گذار منتقل می‌شود و بخش اطلاعاتی آن مشمول بند ۶.۶ خواهد شد؛
- ۶.۶ - انحلال وزارت اطلاعات و سایر تشکیلات اطلاعاتی موازی برای جمع‌آوری توان اطلاعاتی کشور و ایجاد یک سازمان نوین با نام «سازمان اطلاعات و امنیت ملی» که به لحاظ ساختاری زیرمجموعه دولت خواهد بود؛^۹
- ۶.۷ - انحلال دادگاه انقلاب، دادسرای انقلاب، دادگاه ویژه روحانیت و دادسرای ویژه روحانیت، در راستای بازگرداندن مرجعیت به دادگاه عمومی و دادسرای عمومی؛
- ۶.۸ - انتقال دادستانی کل کشور از قوه قضاییه به قوه مجریه، و قرار دادن آن در ذیل وزارت دادگستری. این امر در راستای ایجاد «روند دادرسی عادلانه» و زدودن «تعارض وظایف و منافع» در ساختار کنونی قوه قضاییه است، چرا که قوه‌ای که مسئولیت قضاوت را بر عهده دارد نمی‌بایست همزمان عهده‌دار پیگرد قانونی نیز باشد؛
- ۶.۹ - ایجاد سازوکار استقلال کامل کانون وکلا؛
- ۶.۱۰ - انحلال پلیس امنیت اخلاقی (معروف به پلیس گشت ارشاد)، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی؛
- ۶.۱۱ - انحلال سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی و بازتاسیس سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران؛
- ۶.۱۲ - تغییر نام سازمان «جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران» و بازگرداندن آن به «جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران»؛ و
- ۶.۱۳ - ایجاد سازوکار عدالت انتقالی به منظور رسیدگی به نقض‌های فاحش حقوق بشر و غارت یا نابودی اموال ملی یا عمومی در راستای کشف حقیقت، برقراری عدالت، التیام درد قربانیان و ایجاد بازدارندگی از تکرار چنین فجایعی.
- ۷ - در صورتی که رهبر خیزش ملی امکان انجام وظایف محوله را نداشته باشند، «شورای موقت رهبری» متشکل از رؤسای دولت گذار، مهستان گذار و دیوان گذار، مسئولیت‌های رهبر خیزش ملی را موقتا بر عهده خواهند گرفت. تصمیمات این شورای موقت با رأی اکثریت گرفته خواهد شد.

الف - مهستان گذار

- ۸ - مهستان گذار نقش قوه مقننه را در دوران گذار بر عهده خواهد داشت. همچنین نقش مشورتی نهاد خیزش ملی که در بند ۱.۱ به آن اشاره شده است را نیز ایفا خواهد کرد.

^۷ مالکیت نهادهای مالی، اقتصادی و خدماتی زیرمجموعه نهاد ولایت فقیه به دولت گذار منتقل خواهد شد. دولت گذار در وقت مقتضی درباره انحلال یا ابقای هر یک (با یا بدون تغییر) تصمیم‌گیری خواهد کرد.

^۸ برای بررسی دقیق این موضوع، به سپیدنامه «نظامی و امنیتی» مراجعه شود.

^۹ همان.

۹ - نصب، عزل و تغییر تعداد کل هموندان مهستان گذار که گوناگونی و رنگارنگی ملت یکپارچه ایران را نمایندگی خواهند کرد، توسط رهبر خیزش ملی صورت می‌گیرد. به غیر از اقدام اول (یعنی انتصاب)، دو اقدام دیگر (یعنی عزل هموندان و تغییر تعداد کل آنها) می‌تواند از طریق رأی اکثریت مطلق هموندان مهستان گذار و تایید رهبر خیزش ملی نیز صورت پذیرد.

۱۰ - از جمله وظایف مهستان گذار موارد ذیل است:

۱۰.۱ - تعیین آن دسته از قوانین که با سقوط جمهوری اسلامی بایستی ابطال شوند و آن دسته که تا تشکیل مهستان منتخب قابلیت بقا خواهند داشت. جزئیات این روند در سپیدنامه «روند و ساختار حقوقی گذار از جمهوری اسلامی» توضیح داده شده است.

۱۰.۲ - وضع قوانین موقت برای جایگزینی قوانین ابطال شده (مشروح در بند پیشین) و همچنین در مواردی که به درخواست دولت، برای اداره کشور در دوران گذار، قوانین جدید لازم باشد. در این راستا، مهستان گذار موظف است به تعیین یک گروه پنج نفره از حقوقدانان برجسته برای مشورت مستقیم و لحاظ نمودن نظر این گروه در وضع قوانین.

۱۰.۳ - بررسی و تایید بودجه‌ای که دولت گذار پیشنهاد می‌نماید.

۱۰.۴ - تعیین «شمار» کرسی‌های مجلس مؤسسان و «شرایط» نامزدها (برای نمونه، حداقل سن و حداقل مدرک تحصیلی مورد نیاز) که در یک انتخابات آزاد انتخاب خواهند شد (مشروح در بند ۱۵.۷). این موارد می‌بایست تا قبل از همه‌پرسی نوع حکومت (مشروح در بند ۱۵.۶) تعیین شوند تا مردم و احزاب سیاسی بتوانند در فاصله بین همه‌پرسی نوع حکومت و انتخابات مجلس مؤسسان، با آگاهی از شمار کرسی‌ها و شرایط نامزدها، به گفت‌وگویی ملی پیرامون انتخابات بپردازند.

۱۱ - با انتخاب نمایندگان مهستان، نقش تقنینی مهستان گذار به اتمام خواهد رسید، ولیکن به نقش مشورتی خود به رهبر خیزش ملی ادامه خواهد داد تا زمان انحلال دولت گذار که منجر به انحلال مهستان گذار نیز خواهد شد (مشروح در بند ۱۵.۹).

ب - دولت گذار

۱۲ - دولت گذار نقش قوه مجریه را در دوران گذار ایفا خواهد کرد.

۱۳ - شاکله دولت گذار (به عنوان نمونه، تعیین تعداد و اسامی وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادها) امری است که در وقت مقتضی، توسط رئیس دولت گذار در مشورت با مهستان گذار، و با تأیید رهبر خیزش ملی مشخص خواهد شد. همچنین است بازبینی نهادها، سازمان‌ها و نمادهای مهم دوران جمهوری اسلامی با هدف تعیین آن دسته که بایستی منحل شوند و آن دسته که می‌توانند با و یا بدون تغییرات ابقا شوند.

۱۴ - تمام وزرا، به جز وزیر دفاع، توسط رئیس دولت و پس از تایید مهستان گذار (به رأی اکثریت مطلق) منصوب می‌گردند. عزل هر یک از وزرا، به جز وزیر دفاع، نیز به دست رئیس دولت صورت می‌پذیرد. نصب و عزل وزیر دفاع توسط رئیس دولت و پس از تایید رهبر خیزش ملی انجام می‌پذیرد. نصب و عزل فرماندهان و رؤسای عالی‌ترین سطوح ارتش نیز توسط رهبر خیزش ملی صورت خواهد گرفت.

۱۵ - از جمله وظایف دولت گذار موارد ذیل است:

۱۵.۱ - اجرای قوانین و اداره امور روزمره کشور و مردم.

۱۵.۲ - پاسداری از مرزهای ایران و حفظ یکپارچگی و امنیت کشور از طریق نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی.

۱۵.۳ - تهیه بودجه پیشنهادی سالانه کشور.¹⁰

۱۵.۴ - مدیریت امور بین‌الملل کشور، همچون:

۱۵.۴.۱ - در دست گرفتن سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های ایران در تمامی کشورها و فرستادن نمایندگان موقت به آنها؛

۱۵.۴.۲ - جایگزین کردن نمایندگان ایران در تمامی سازمان‌های بین‌المللی که ایران در آن‌ها هموندی دارد؛

۱۵.۴.۳ - ارسال اطلاعات رسمی به سازمان ملل متحد از طریق نمایندگی دائم ایران در این سازمان، مبنی بر حذف عنوان «جمهوری اسلامی» از نام رسمی کشور، بازگرداندن پرچم سهرنگ شیر و خورشید نشان ایران به عنوان پرچم رسمی کشور، و درخواست جهت اطلاع‌رسانی رسمی این تغییرات به تمامی کشورهای عضو، سامانه‌های سازمان ملل و سازمان‌ها و نهادهای وابسته. همچنین به طور جداگانه، اعلام این تغییرات از سوی سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های دیپلماتیک ایران به کلیه کشورهای جهان و سایر سازمان‌های بین‌المللی، و درخواست به‌روزرسانی مکاتبات، اسناد و سامانه‌های آن‌ها؛

۱۵.۴.۴ - مدیریت و حفاظت از دارایی‌های ایران در خارج از کشور؛

۱۵.۴.۵ - شروع مذاکرات با سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، دولت‌های خارجی و نهادهای بین‌المللی، برای رفع هرچه سریع‌تر تمامی تحریم‌ها علیه ایران (اعم از مالی، تجاری، حقوق بشری و تسلیحاتی) و همچنین برداشتن محدودیت‌های روادید علیه ایرانیان؛

۱۵.۴.۶ - بازبینی تعهدات بین‌المللی ایران در جهان و منطقه خاورمیانه با هدف هماهنگ‌سازی این تعهدات با عصر نوین رقم خورده در ایران؛¹¹

۱۵.۴.۷ - ایجاد تغییرات لازم در گذرنامه و سایر اسناد مسافرتی ایرانیان؛ و

۱۵.۴.۸ - اعلام به دولت سوئیس (به عنوان امین کنوانسیون‌های ژنو) مبنی بر تصمیم ایران برای استفاده مجدد از نشان شیر و خورشید سرخ، و درخواست از آن دولت جهت اطلاع‌رسانی رسمی این تصمیم به سایر دولت‌های عضو کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو.

۱۵.۵ - تعیین سیاست و ایجاد تغییرات لازم در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان و دانشجویان در راستای انطباق این کتاب‌ها با ارزش‌های عصر نوین رقم خورده در ایران.

۱۵.۶ - برگزاری همه‌پرسی نوع حکومت: دولت گذار می‌بایست در بازه‌ای چهار ماهه همه‌پرسی تعیین شکل دموکراسی آینده ایران (پادشاهی پارلمانی یا جمهوری) را برگزار نماید. لازم به ذکر است که:

¹⁰ در بودجه پیشنهادی سالانه کشور می‌بایست ردیفی به «اداره معاضدت قضایی» که زیر نظر کانون وکلا فعالیت می‌نماید، اختصاص داده شود. این امر در راستای افزایش کمک حقوقی به افراد بی‌بضاعت است و هدف از آن، کاهش آسیب وارده به این گروه ناشی از سیر پُرسرعت تغییر قوانین در طول دوران گذار می‌باشد. تخصیص این بودجه به معنای امکان دخالت در حوزه اختیارات کانون وکلا نخواهد بود.

¹¹ برای بررسی این موضوع، به سپیدنامه «سیاست خارجی» مراجعه شود.

۱۵.۶.۱ - احزاب و کنشگران سیاسی طرفدار هر یک از دو سامانه حداقل سه ماه (از بازه چهار ماهه) فرصت خواهند داشت تا سامانه مورد نظر خود را به مردم معرفی و ترویج نمایند.¹² نهادها و سازمان‌های دولت گذار که در این فرآیند دخیل می‌باشند (برای نمونه، سازمان رادیو و تلویزیون ملی و بنگاه‌های خبررسانی دولتی)، با حامیان هر دو سامانه به طور یکسان رفتار خواهند کرد و فرصت و امکانات برابر به آنها خواهند داد.

۱۵.۶.۲ - این همه‌پرسی به صورت آزاد و با رعایت استانداردهای بین‌المللی برگزار خواهد شد و شرکت در آن برای تمام ایرانیان واجد حق رأی فراهم خواهد بود.

۱۵.۶.۳ - به منظور پاسداری از ارزش‌های دموکراتیک هر دو سامانه، این متن در هر دو برگه رأی پادشاهی پارلمانی و جمهوری درج خواهد شد:

«فارغ از نوع سامانه حکومت (پادشاهی پارلمانی یا جمهوری)، هفت اصل ذیل جزء مبانی تغییرناپذیر سامان حقوقی آینده ایران بوده و در قانون اساسی نوین و سایر قوانین کشور همواره مصون از خدشه خواهند بود:

- تمامیت ارضی ایران و یگانگی ملت ایران؛
- کرامت انسانی و حقوق و آزادی‌های بنیادین فردی، با الهام از منشور کوروش بزرگ، و مبتنی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۴۸؛
- دموکراسی از طریق انتخابات آزاد، منصفانه و ادواری، بر اساس اصل «هر شهروند، یک رأی»؛
- حاکمیت قانون؛
- جدایی کامل دین از دولت (سکولاریسم)؛
- تفکیک قوا؛ و
- استقلال و بی‌طرفی دیوان.»

۱۵.۷ - برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان: پس از مشخص شدن نتیجه همه‌پرسی نوع حکومت، دولت گذار می‌بایست در یک بازه حداکثر دو ماهه، انتخابات مجلس مؤسسان را برگزار نماید. این انتخابات به صورت آزاد و با رعایت استانداردهای بین‌المللی برگزار خواهد شد و شرکت در آن برای تمام ایرانیان واجد حق رأی فراهم خواهد بود. دستور کار مجلس مؤسسان تنظیم قانون اساسی نوین بر اساس نوع حکومتی است که ملت در همه‌پرسی بند ۱۵.۶ تعیین کرده‌اند.¹³ این مهم، در یک بازه شش ماهه صورت خواهد گرفت. در این راستا، مجلس مؤسسان موظف است به:

۱۵.۷.۱ - مشورت مستقیم با هیأت‌هایی تخصصی در اموری چون اقتصاد، صنایع، بهداشت و درمان، فرهنگ و اجتماع، خانواده، آموزش، محیط زیست، سیاست خارجی، دفاع و امنیت؛

۱۵.۷.۲ - تعیین یک گروه هفت نفره از حقوقدانان برجسته (که سه نفر از آنها متخصص در رشته حقوق اساسی می‌باشند) و لحاظ نمودن نظر این هیات در تنظیم هر اصل قانون اساسی. این اقدام در راستای تضمین بالاترین سطح استانداردهای حقوقی برای متن قانون اساسی نوین است؛ و

۱۵.۷.۳ - انتشار گسترده هر اصل تنظیم شده. این امر با هدف آگاه سازی مستمر ملت از روند کار و همچنین دریافت و پیاده سازی بازخوردهای ایشان در تنظیم اصول قانون اساسی می‌باشد.

¹² هدف از این زمان‌بندی، ایجاد تعادل میان دو اولویت است: از یک سو، فراهم کردن زمان کافی برای شکل‌گیری بحثی ملی درباره موضوعی با اهمیت، و از سوی دیگر، جلوگیری از طولانی شدن دوران گذار.

¹³ در صورت انتخاب گزینه پادشاهی پارلمانی توسط ملت، مجلس مؤسسان می‌تواند قانون اساسی مشروطه را مبنای کار خود در تنظیم قانون اساسی نوین قرار دهد.

۱۵.۸ - برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی: پس از تنظیم قانون اساسی پیشنهادی توسط مجلس مؤسسان، دولت گذار موظف به برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی در یک بازه حداکثر یک ماهه خواهد بود. این همه‌پرسی به صورت آزاد و با رعایت استانداردهای بین‌المللی و با امکان شرکت برای تمام ایرانیان واجد حق رأی برگزار خواهد شد.

۱۵.۸.۱ - چنانچه ملت ایران به قانون اساسی پیشنهادی رأی منفی دهد، مجلس مؤسسان می‌بایست ظرف مدت حداکثر دو ماه تغییرات لازم را در متن قانون اساسی پیشنهادی، مطابق با بازخورد ملت، پیاده نموده و سپس دولت گذار این متن پیشنهادی دوم را به همه‌پرسی خواهد گذاشت. چنانچه ملت ایران مجدداً به قانون اساسی پیشنهادی رأی منفی دهند، این مجلس مؤسسان منحل می‌شود و دولت گذار، در یک بازه دو ماهه، انتخاباتی برای تشکیل مجلس مؤسسائی جدید برگزار خواهد کرد. این مجلس مؤسسان جدید می‌بایست ظرف مدت حداکثر دو ماه تغییرات لازم را در متن قانون اساسی پیشنهادی، مطابق با بازخورد ملت، پیاده نموده و سپس دولت گذار این متن پیشنهادی سوم را به همه‌پرسی خواهد گذاشت.

۱۵.۸.۲ - چنانچه ملت ایران به قانون اساسی پیشنهادی رأی مثبت دهند و:

۱۵.۸.۲.۱ - پیش از آن، سامانه پادشاهی را در همه‌پرسی نوع حکومت انتخاب کرده باشند (مشروح در بند ۱۵.۶)، دولت گذار موظف است مراسم تاجگذاری پادشاه را در حداکثر دو هفته پس از تصویب قانون اساسی برگزار نماید. در این مراسم، سوگند پادشاه در برابر مجلس مؤسسان ادا خواهد شد و پس از آن، این مجلس منحل می‌شود؛ ولی

۱۵.۸.۲.۲ - در صورتی که ملت سامانه جمهوری را در همه‌پرسی نوع حکومت انتخاب کرده باشند، مجلس مؤسسان بلافاصله پس از تصویب قانون اساسی منحل خواهد شد. دولت گذار موظف است انتخابات ریاست جمهوری را تا حداکثر دو ماه (پس از تصویب قانون اساسی) برگزار نماید، و سوگند رئیس‌جمهور در برابر مهستان ادا خواهد شد؛ و

۱۵.۸.۲.۳ - فارغ از نوع حکومت (پادشاهی یا جمهوری)، دولت گذار موظف به برگزاری انتخابات مهستان در یک بازه زمانی سه ماهه پس از تصویب قانون اساسی است. این بدان معنا است که در صورت گزینه جمهوری، انتخابات مهستان و ریاست جمهوری (مشروح در بند پیشین) به طور همزمان برگزار خواهند شد. هر دوی این انتخابات به صورت آزاد و با رعایت استانداردهای بین‌المللی و برای تمام ایرانیان واجد حق رأی خواهند بود.

۱۵.۹ - آماده سازی شرایط برای تشکیل دولت منتخب: دولت گذار موظف به آماده سازی شرایط برای یکی از موارد ذیل، بسته به نوع حکومت تعیین شده در همه‌پرسی، خواهد بود:

۱۵.۹.۱ - در صورت گزینه پادشاهی، نخست‌وزیر و کابینه او (بر اساس ساختار پیش‌بینی شده در قانون اساسی نوین) انتخاب خواهند شد، سوگند یاد کرده و دولت منتخب را تشکیل می‌دهند. با سوگند دولت منتخب، دولت گذار منحل می‌شود.

۱۵.۹.۲ - در صورت گزینه جمهوری:

۱۵.۹.۲.۱ - چنانچه جمهوری پارلمانی باشد: نخست‌وزیر و کابینه او (بر اساس ساختار پیش‌بینی شده در قانون اساسی نوین) انتخاب خواهند شد، سوگند یاد کرده و دولت منتخب را تشکیل می‌دهند. با سوگند دولت منتخب، دولت گذار منحل می‌شود.

۱۵.۹.۲.۲ - چنانچه جمهوری ریاستی باشد: رئیس‌جمهور کابینه پیشنهادی خود را (بر اساس ساختار پیش‌بینی شده در قانون اساسی نوین) به مهستان معرفی می‌نماید. با سوگند دولت منتخب، دولت گذار منحل می‌شود.

اگرچه زمان مورد نیاز برای معرفی وزرای کابینه به مهستان و کسب رأی اعتماد در قانون اساسی جدید تعیین خواهد شد، اما برآورد می‌شود این فرآیند حدود دو ماه به طول انجامد. همان‌طور که گفته شد، با سوگند دولت منتخب، دولت گذار منحل می‌شود و با انحلال آن، مهستان گذار نیز منحل می‌گردد (مشروح در بند ۱۱).

ج - دیوان گذار

۱۶ - دیوان گذار نقش قوه قضاییه را در دوران گذار بر عهده خواهد داشت.

۱۷ - رئیس این دیوان، یک حقوقدان برجسته و خوشنام خواهد بود که نصب و عزل وی مطابق روند مشروح در بند ۴ این سپیدنامه انجام خواهد شد.

۱۸ - در راستای به کارگیری صحیح واژگان پارسی، در این متن عنوان «دادگاه عالی کشور» جایگزین «دیوان عالی کشور»، و عنوان «دادگاه عدالت اداری» جایگزین «دیوان عدالت اداری» می‌شود.

۱۹ - از جمله وظایف رئیس دیوان گذار به ترتیب ذیل است:

۱۹.۱ - نصب و عزل رئیس دادگاه عالی کشور، رئیس دادگاه عدالت اداری، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، رئیس سازمان پزشکی قانونی کل کشور، رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و رئیس سازمان بودجه دیوان (مشروح در بند ۱۹.۵).

۱۹.۱.۱ - نصب و عزل دادستان کل کشور جز وظایف وزیر دادگستری می‌باشد. در این رابطه، مراجعه شود به بند ۶.۷.

۱۹.۲ - تعیین تعداد کل شعب دادگاه عالی کشور و دادگاه عدالت اداری.

۱۹.۳ - معرفی قضات دادگاه عالی کشور و دادگاه عدالت اداری به مهستان گذار برای تأیید (با رأی اکثریت مطلق). عزل هر یک از قضات دادگاه عالی کشور و دادگاه عدالت اداری نیز با درخواست رئیس دیوان گذار و پس از تأیید مهستان گذار (با رأی اکثریت مطلق) انجام خواهد گرفت. رئیس دیوان گذار تنها در صورتی می‌تواند درخواست عزل هر یک از قضات این دو دادگاه عالی را به مهستان گذار ارسال نماید که اسنادی قوی دال بر وقوع یکی از موارد ذیل موجود باشد:

۱۹.۳.۱ - جرایم سنگین (به ویژه خیانت به کشور و رشوه)؛

۱۹.۳.۲ - سوء رفتار اجتماعی که موجب آسیب جدی به تصویر ایران در داخل یا خارج از کشور شود؛ و

۱۹.۳.۳ - ناتوانی (جسمی یا روانی) در ایفای وظایف برای بیش از یک ماه و عدم استعفای شخص.

۱۹.۴ - تأسیس نهادی با عنوان «نهاد قضایی» به شرح ذیل:

۱۹.۴.۱ - وظیفه این نهاد بازبینی مقررات حاکم بر نصب و عزل قضات (به جز قضات دادگاه عالی کشور و دادگاه عدالت اداری) و همچنین نظارت بر روند نصب و عزل آنها در سراسر کشور است.

۱۹.۴.۲ - این نهاد پنج هموند داشته که همگی از بین حقوقدانان با تجربه و خوش‌نام منصوب می‌گردند. در طول مدت هموندی در این نهاد، اشخاص نامبرده امکان اشتغال به قضاوت، دادستانی، وکالت و تدریس را نخواهند داشت.

۱۹.۵ - تأسیس سازمانی درون دیوان با عنوان «سازمان بودجه دیوان»: هدف از تأسیس این سازمان ایجاد استقلال مالی برای قوه قضاییه از قوه مجریه است. از جمله وظایف آن موارد ذیل است:

۱۹.۵.۱ - تهیه پیش‌نویس بودجه سالانه دیوان گذار.

۱۹.۵.۲ - ارسال پیش‌نویس بودجه سالانه به رئیس دیوان گذار، برای بررسی و تایید بودجه پیشنهادی.

۱۹.۵.۳ - ارسال بودجه پیشنهادی به دولت گذار برای گنجاندن در لایحه بودجه کشور که در نهایت به مهستان گذار برای بررسی و تصویب تقدیم خواهد شد. لازم به ذکر است که:

۱۹.۵.۳.۱ - بدون موافقت سازمان بودجه دیوان، دولت گذار مجاز به تغییر مفاد بودجه پیشنهادی این سازمان نمی‌باشد؛

۱۹.۵.۳.۲ - در بررسی لایحه بودجه، اگر مهستان گذار پرسشی پیرامون بخش مربوط به دیوان گذار داشته باشد، سازمان بودجه دیوان (مستقل از دولت گذار) در جلسه مربوطه حاضر شده و از بودجه پیشنهادی خود دفاع می‌نماید؛ و

۱۹.۵.۳.۳ - پس از تصویب بودجه در مهستان گذار، نظارت بر اجرای صحیح بودجه در دیوان گذار بر عهده دیوان محاسبات کشور خواهد بود.

۱۹.۶ - بررسی و تایید بودجه پیشنهادی توسط سازمان بودجه دیوان (مشروح در بند ۱۹.۵.۱).

۱۹.۷ - ایجاد سازوکار برنامه عدالت انتقالی که شامل یک دادگاه و یک نهاد حقیقت‌یاب، به شرح ذیل می‌باشد.

۱۹.۷.۱ - تأسیس دادگاهی تخصصی، مستقل و بی‌طرف، با صلاحیت انحصاری قضایی (از این پس «دادگاه عدالت انتقالی») به منظور رسیدگی و صدور حکم برای آمرین و مجریان جرایمی که نقض فاحش حقوق بشر محسوب می‌شوند (همچون کشتار جمعی، قتل فراقضایی، شکنجه، تجاوز و خشونت جنسی سیستماتیک و ناپدیدسازی قهری)، و همچنین برای موارد غارت و یا نابودی اموال ملی یا عمومی. هدف از این امر برقراری عدالت، التیام درد قربانیان و ایجاد بازدارندگی از تکرار چنین فجایعی است.

صلاحیت دادگاه عدالت انتقالی:

۱۹.۷.۱.۱ - این دادگاه دارای صلاحیت قضایی جهانی می‌باشد.

۱۹.۷.۱.۲ - از نظر زمانی، صلاحیت این دادگاه ناظر بر جرایم ارتكابی از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا روز سقوط رژیم جمهوری اسلامی می‌باشد.

۱۹.۷.۱.۳ - از نظر صلاحیت شخصی، صرف داشتن «سیمت اداری» سبب صلاحیت دادگاه بر فرد نمی‌شود. بنابراین، اصل بر آن است که مدیران و کارمندان اداری (اعم از کشوری و لشکری) مشمول بند ۱۹.۷.۱ نمی‌باشند، مگر این‌که دادستان ویژه (مشروح در بند ۱۹.۷.۱.۷) اسنادی قوی دال بر دخالت مستقیم فرد در نقض فاحش حقوق بشر و یا غارت یا نابودی اموال ملی یا عمومی در اختیار داشته باشد.

۱۹.۷.۱.۴ - لازم به ذکر است که هیچ مصونیت سیاسی (اعم از دیپلماتیک و پارلمانی)، مصونیت قضات، شمول مرور زمان و یا توجیهاتی برگرفته از قوانین جمهوری اسلامی، مانع مسئولیت کیفری متهمین نمی‌باشد.

قضات و شعب دادگاه عدالت انتقالی:

۱۹.۷.۱.۵ - قضات این دادگاه توسط «نهاد قضایی» (مشروح در بند ۱۹.۴) و پس از تأیید رئیس دیوان گذار، منصوب می‌شوند.

۱۹.۷.۱.۶ - تعداد و محل استقرار شعب این دادگاه توسط رئیس دیوان گذار، پس از مشورت با وزیر دادگستری و رئیس سازمان بودجه دیوان (مشروح در بند ۱۹.۵)، تعیین می‌گردد.

روند رسیدگی دادگاه عدالت انتقالی:

۱۹.۷.۱.۷ - آغاز رسیدگی دادگاه عدالت انتقالی به پرونده هر متهم، پس از اعلام جرم از سوی دادستان ویژه صورت می‌گیرد. دادستان ویژه توسط دادستان کل و پس از مشورت با وزیر دادگستری منصوب می‌گردد.

۱۹.۷.۱.۸ - برای اعلام جرم از سوی دادستان ویژه، بایستی یکی از شعب این دادستانی^{۱۴} ابتدا درخواست رسیدگی به پرونده فرد مربوطه را دریافت کرده باشد که:

- یا به صورت دریافت مستقیم پرونده از سوی نهادهای مربوطه در نیروهای مسلح و سازمان اطلاعات و امنیت ملی است؛
- یا به صورت دریافت شکایت مستقیم قربانیان و بازماندگان یا نمایندگان قانونی آنان از فردی خاص؛ و
- یا به صورت دریافت پرونده از سوی نهاد حقیقت‌یاب (مشروح در بند ۱۹.۷.۲).

سپس دادستان ویژه، با بررسی اسناد، مدارک و شواهد، به این نتیجه رسیده باشد که دلایل کافی برای محکومیت آن فرد وجود دارد.

۱۹.۷.۱.۹ - در صورتی که دادستان ویژه تصمیم بر عدم تعقیب کیفری فردی اتخاذ نماید، نهادها و افراد مذکور در بند ۱۹.۷.۱.۸ حق خواهند داشت ظرف مدت مقرر، درخواست تجدیدنظر نسبت به این تصمیم را به دادستان کل کشور ارائه دهند. تصمیم دادستان کل نهایی است و باید مکتوب، مستدل و قابل انتشار باشد.

۱۹.۷.۱.۱۰ - قوانین ماهوی و شکلی حاکم بر رسیدگی و صدور حکم در دادگاه عدالت انتقالی، قوانین ایران است. در صورت کمبود قوانین داخلی، دادگاه می‌تواند، پس از تأیید رئیس دیوان گذار، از قوانین رویه قضایی حقوق بین‌الملل کیفری و تجربه سایر کشورهای که دادگاه‌های مشابه برگزار کرده‌اند، بهره‌مند شود.

^{۱۴} تعداد و محل استقرار شعب دادستانی ویژه توسط دادستان کل کشور و پس از مشورت با وزیر دادگستری تعیین خواهد شد.

۱۹.۷.۱.۱۱ - آرای دادگاه عدالت انتقالی، پس از طی مرحله تجدیدنظر (به درخواست متهم یا دادستان ویژه)، لازم‌الاجرا و نهایی محسوب می‌شوند. مرحله تجدیدنظر صرفاً به بررسی صحت اعمال قانون محدود خواهد بود.

۱۹.۷.۲ - تأسیس نهادی با عنوان «نهاد حقیقت‌یاب» که شامل سه کمیته است: کمیته تحقیق، کمیته عفو مشروط و کمیته عالی. اعضای هر سه کمیته توسط «نهاد قضایی» (مشروح در بند ۱۹.۴)، پس از مشورت با دادستان ویژه و وزیر دادگستری منصوب می‌شوند. رئیس نهاد حقیقت‌یاب توسط رئیس دیوان گذار منصوب می‌شود. وظایف هر یک از سه کمیته به شرح ذیل خواهد بود.

کمیته تحقیق:

۱۹.۷.۲.۱ - جمع‌آوری، راستی‌آزمایی و مستندسازی مدارک و شواهد نقض‌های فاحش حقوق بشر و غارت یا نابودی اموال ملی یا عمومی که توسط اشخاص حقیقی، حقوقی (از جمله نهادهای دولتی، شبه‌دولتی، سازمان‌های مذهبی یا غیرمذهبی) و هر نهاد یا گروهی که به نوعی تحت کنترل، هدایت یا در پیوند ساختاری با ارکان حاکمیت جمهوری اسلامی بوده یا در راستای اهداف رژیم حاکم فعالیت کرده‌اند، می‌باشد. هدف از این امر کشف حقیقت و ایجاد درکی جامع و مستند از ماهیت، علل، الگوها و گستره این اعمال است.

۱۹.۷.۲.۲ - ایجاد بستری امن برای مشارکت قربانیان و بازماندگان تا بتوانند رنج‌ها و آسیب‌های وارده به خود را آزادانه بیان نمایند. هدف از این امر، کمک به حفظ و بازیابی کرامت انسانی، اجتماعی و مدنی ایشان، و ارائه تصویری کامل‌تر از ابعاد جنایات رژیم است.

۱۹.۷.۲.۳ - تهیه گزارشی کامل (از این پس «گزارش فراگیر») از روند کار خود به همراه:

- توصیه‌های مشخص حقوقی، ساختاری و سیاسی، با هدف جلوگیری از تکرار نقض‌های سازمان‌یافته و نظام‌مند حقوق بشر در حکومت آتی ایران؛
- پیشنهادهای مشخص برای جبران نمادین خسارات وارده به قربانیان و خانواده‌های آنان (مانند ایجاد یادمان‌های عمومی و تعیین روزی در تقویم ملی برای بزرگداشت قربانیان جمهوری اسلامی)؛
- بررسی سازوکارهای پرداخت غرامت یا ایجاد صندوق‌های حمایت مالی از قربانیان و خانواده‌های آنان. تصمیم‌گیری درخصوص این سازوکارهای مالی با مهستان منتخب مردم در دوران پس از گذار خواهد بود؛ و

ارسال این گزارش فراگیر به کمیته عالی (مشروح در بند ۱۹.۷.۲.۱۳).

۱۹.۷.۲.۴ - ارجاع پرونده به دادستان ویژه در صورتی که، در نتیجه تحقیق، مشخص شود جرم واقع شده در حوزه صلاحیت دادگاه عدالت انتقالی قرار دارد و نه کمیته عفو مشروط (مشروح در بند آتی).

کمیته عفو مشروط:

۱۹.۷.۲.۵ - دارای صلاحیت انحصاری رسیدگی به درخواست عفو یا مصونیت از سوی متهمین در مواردی است که جرایم آنها در حدی نباشد که در صلاحیت دادگاه عدالت انتقالی قرار گیرد (مشروح در بند

۱۹.۷.۱)، اما همچنان از اهمیت بالاتری نسبت به جرایم عادی برخوردار باشد، مشروط بر اینکه قربانی (یا اعضای خانواده/نمایندگان قانونی آنها) خواستار تعقیب کیفری و رسیدگی قضایی نباشد.

۱۹.۷.۲.۶ - اعطای هرگونه عفو یا مصونیت صرفاً به صورت فردی و بنابر درخواست فرد ذی‌نفع امکان‌پذیر است و در نتیجه، شامل عفو جمعی یا نهادی نخواهد بود.

۱۹.۷.۲.۷ - اعطای عفو یا مصونیت تنها در صورتی که احراز گردد:

- متقاضی، حقیقت را به صورت کامل، صریح و بدون قید و شرط، و همچنین در خصوص کلیه اعمال، تصمیمات، دستورات، ساختار فرماندهی، همدستان و زمینه‌های ارتکاب نقض حقوق بشر مرتبط با خود یا نهاد متبوع خویش، افشا می‌کند؛
- اعمال مورد درخواست عفو یا مصونیت در ارتباط مستقیم با اهداف سیاسی و در بستر سیاست‌های نظام حاکم ارتکاب یافته است؛
- میان هدف ادعایی و اعمال ارتكابی، تناسب معقولی وجود دارد. منظور از «تناسب معقول» آن است که اعمال ارتكابی فراتر از آنچه برای تحقق هدف سیاسی ادعایی ضروری بوده، نباشد و همچنین ماهیت اعمال ارتكابی با جایگاه و میزان اختیار متقاضی در ساختار تصمیم‌گیری یا اجرا همخوانی داشته باشد؛ و
- متقاضی، مسئولیت فردی خود را در حدود نقش ایفایی پذیرفته است.

۱۹.۷.۲.۸ - رعایت حق قربانیان و بازماندگان برای مشارکت در فرآیند رسیدگی، به اشتراک گذاشتن نظراتشان و دریافت اطلاعات رسمی از تصمیم نهایی کمیته.

۱۹.۷.۲.۹ - مطلع کردن هر متقاضی از این که هرگونه عفو یا مصونیت اعطایی، در صورت کشف دروغ و یا عدم افشای کامل حقیقت به صورت عامدانه، به طور خودکار لغو شده و بدون شمول حکم مرور زمان، موضوع جهت تعقیب قضایی به مراجع صالح ارجاع خواهد شد.

۱۹.۷.۲.۱۰ - مکتوب و مستدل کردن تمامی تصمیمات کمیته عفو مشروط، و انتشار آنان.

کمیته عالی:

(عالی‌ترین رکن نهاد حقیقت‌یاب)

۱۹.۷.۲.۱۱ - دارای مسئولیت نظارت کلان بر حسن اجرای مأموریت نهاد حقیقت‌یاب می‌باشد؛

۱۹.۷.۲.۱۲ - دارای صلاحیت انحصاری رسیدگی به درخواست‌های تجدیدنظر نسبت به تصمیمات صادر شده از سوی کمیته عفو مشروط است. تصمیمات کمیته عالی در چارچوب اختیارات مقرر، لازم‌الاجرا و نهایی است و باید مکتوب و مستدل بوده و منتشر شود؛ و

۱۹.۷.۲.۱۳ - موظف است به بررسی «گزارش فراگیر» ارسالی از سوی کمیته تحقیق (مشروح در بند ۱۹.۷.۲.۳)، نهایی‌سازی گزارش و انتشار گسترده داخلی و بین‌المللی آن.

۱۹.۷.۳ - اصل علنی بودن و استثنای محدود: در برنامه عدالت انتقالی (اعم از دادگاه عدالت انتقالی و نهاد حقیقت‌یاب)، اصل بر آن است که جلسات رسیدگی به صورت علنی و با حضور رسانه‌های داخلی و بین‌المللی برگزار خواهد شد، و اسناد، آرای صادره و گزارش جلسات در دسترس عموم قرار خواهند داشت. استثنا تنها در مواردی مجاز است که افشای اطلاعات موجب تهدید جدی و مستقیم علیه امنیت ملی، توانمندی‌های حیاتی اطلاعاتی

کشور (همچون اطلاعات حساس پیرامون منابع، روش‌ها یا شبکه‌های فعال اطلاعاتی) یا جان افراد بی‌گناه در دوره گذار باشد. در این راستا:

- ۱۹.۷.۳.۱ - اطلاعات مزبور بایستی مشخص و مستند (یا حداقل قابل احراز) باشند؛
 - ۱۹.۷.۳.۲ - تصمیم به غیرعلنی‌بودن تمام یا بخشی از جلسات یا اسناد، تنها با مجوز رئیس دادگاه عدالت انتقالی (در مورد پرونده‌های طرح شده مقابل این دادگاه) و رئیس نهاد حقیقت‌یاب (در مورد پرونده‌های طرح شده مقابل این نهاد) امکان‌پذیر است؛
 - ۱۹.۷.۳.۳ - در مواردی که تمام یا بخشی از رسیدگی در یک پرونده غیرعلنی گردد، اقرار، شهادت، یا اسناد مربوطه در جلسه‌ای غیرعلنی شنیده و ارائه می‌شود و جزئیات آن ثبت می‌گردد. مدت محرمانه ماندن این اسناد بر اساس آیین‌نامه تعیین خواهد شد؛ و
 - ۱۹.۷.۳.۴ - نهاد رسیدگی‌کننده موظف است بی‌درنگ خلاصه‌ای غیرمحرمانه از ماهیت کلی وقایع، مسئولیت‌ها و یافته‌های مرتبط را به صورت عمومی منتشر نماید به گونه‌ای که حق جامعه برای دانستن حقیقت به طور مؤثر حفظ گردد.
- ۱۹.۷.۴ - ماهیت برنامه عدالت انتقالی و بازه زمانی فعالیت آن:
- ۱۹.۷.۴.۱ - برنامه عدالت انتقالی (اعم از دادگاه عدالت انتقالی و نهاد حقیقت‌یاب) برنامه‌ای موقت و استثنایی بوده و پس از رسیدگی به پرونده‌های ارجاعی منحل خواهد شد.
 - ۱۹.۷.۴.۲ - دوره فعالیت برنامه عدالت انتقالی حداکثر پنج سال از تاریخ آغاز به کار رسمی آن خواهد بود. این بازه زمانی، با توجه به ماهیت استثنایی برنامه عدالت انتقالی و برای جلوگیری از تبدیل آن به سازوکاری دائمی یا فرسایشی تعیین شده است. تمدید این دوره صرفاً برای یک سال و تنها در صورت ضرورت، با تأیید رئیس دیوان، امکان‌پذیر خواهد بود. این مدت برای بار دوم قابل تمدید نمی‌باشد.
 - ۱۹.۷.۴.۳ - در صورتی که پس از انحلال برنامه عدالت انتقالی، اسناد و مدارکی یافت شوند که (الف) نشان‌دهنده وقوع جرایم مذکور در حوزه صلاحیت دادگاه عدالت انتقالی یا کمیته عفو مشروط باشند، و (ب) فرد یا افراد مشخصی را در معرض اتهام قرار دهند، پرونده به دادستان کل ارسال می‌شود تا براساس تشخیص ایشان، به شعبه مناسب دادستانی ارجاع گردد. دادگاهی که در نهایت پرونده به آن ارجاع می‌شود ملزم به اعمال رویه قضایی دادگاه عدالت انتقالی می‌باشد.
 - ۱۹.۷.۵ - لازم به ذکر است که برنامه عدالت انتقالی مشروح در بالا (اعم از دادگاه عدالت انتقالی و نهاد حقیقت‌یاب) تنها ناظر بر جرایمی است که پیش از سقوط رژیم جمهوری اسلامی ارتکاب یافته‌اند. بنابراین، چنانچه پس از سقوط رژیم، این افراد به هر ترتیبی علیه امنیت کشور، نظم عمومی و یا سامانه گذار اقدام کنند، جرمی جدید محسوب می‌شود که از طریق نظام کیفری عمومی مورد پیگرد و محاکمه قانونی قرار خواهند گرفت.

بخش سوم – زمان لازم برای دوران گذار

۲۰ - روند پیشنهادی در این متن نیازمند حداقل ۱۸ ماه و حداکثر ۲۴ ماه می‌باشد. بدیهی است که بروز رخداد‌های غیرقابل پیش‌بینی (مانند فجایع طبیعی یا جنگ) می‌تواند سبب تمدید زمان‌بندی یاد شده شود. در این صورت:

- ۲۰.۱ - هرگونه تمدید برای بیش از شش ماه، نیازمند تصویب هر سه نهاد (مهستان گذار، دولت گذار و دیوان گذار) و تایید رهبر خیزش ملی است؛ و
- ۲۰.۲ - چنانچه تمدید مورد نیاز برای بیش از ۱۲ ماه باشد، برگزاری یک همه‌پرسی نیز ضرورت خواهد داشت.

بخش چهارم - ماهیت ساختار پیشنهادی

۲۱ - ساختار پیشنهادی در این سپیدنامه بدین‌وسیله به عنوان «سند گذار» تعیین می‌شود. فرمان رسمی صادره از سوی رهبر خیزش ملی برای لغو قانون اساسی جمهوری اسلامی،^{۱۵} حاوی بندی خواهد بود که تصریح می‌کند «سند گذار» به عنوان سند حاکم و الزام‌آور کشور در دوره گذار تلقی می‌شود و تا زمانی که نهادهای تأسیس شده بر اساس قانون اساسی جدید، مطابق با آن قانون، مسئولیت‌های خود را بر عهده گیرند، لازم‌الاجرا باقی خواهد ماند؛ و در آن زمان، سامانه گذار منحل شده تلقی خواهد شد.^{۱۶}

^{۱۵} ساختار فرمان رسمی رهبر خیزش ملی در سپیدنامه «روند و ساختار حقوقی گذار از جمهوری اسلامی» به تفصیل توضیح داده شده است.

^{۱۶} مشروح در بند ۱۵.۹.

این صفحه عمداً سفید گذاشته شده است.

نظامی و امنیتی: مدیریت مخاطرات و حفاظت از امنیت و

منافع عمومی

اسفند ۲۵۸۴

پروژه شکوفایی ایران این برنامه جامع را برای اصلاح ساختار نظامی و امنیتی کشور ارائه می‌دهد. اهداف اصلی این برنامه حفظ نظم عمومی، تضمین یک گذار امن و مسالمت‌آمیز، صیانت از تمامیت ارضی، و فراهم‌سازی بستر لازم برای تحقق یک گذار دموکراتیک است. این طرح با در نظر گرفتن درس‌های اساسی تاریخی تدوین شده است، به‌ویژه خطاهای فاجعه‌باری که پس از انقلاب ۱۳۵۷ رخ داد. این برنامه با هدف جلوگیری از انتقام‌گیری، پاکسازی‌های گسترده و فروپاشی نهادهای دفاعی و امنیتی طراحی شده است و در عین حال، حفظ و تثبیت نظم سیاسی جدید، تامین امنیت مرزها و جلوگیری از بازگشت رژیم جمهوری اسلامی را تضمین می‌کند. رویکرد این طرح سازنده و مبتنی بر اصلاح و بازادغام حداکثری نیروها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود است. این برنامه از انحلال ناگهانی تمامی نهادها پرهیز می‌کند و افرادی را که توانایی مشارکت در آینده ایران را دارند حفظ می‌نماید؛ افرادی که بخش عمده بدنه نیروها را تشکیل می‌دهند. کسانی که مرتکب اعمال مجرمانه نشده‌اند اما به دلایل مختلف امکان ادغام در ساختار آینده نظامی و امنیتی کشور را ندارند، از مسئولیت‌های خود کنار گذاشته می‌شوند و در فرایند انتقالشان به مشاغل جدید یا بازنشستگی، مورد حمایت قرار خواهند گرفت. در عین حال، ناقضین حقوق بشر و افرادی که مرتکب جرایم سنگین مالی شده‌اند، به دستگاه قضایی معرفی خواهند شد.

اولویت‌های راهبردی در دوره گذار

آمادگی برای مدیریت بحران در دوره گذار

- دولت گذار طرح‌ها و برنامه‌های اضطراری لازم برای حفظ امنیت و ثبات سیاسی در طول دوران گذار را طراحی و اجرا خواهد کرد.
- فرماندهی جدید نظامی، نیروهای مسلح را با مشارکت فعال هسته‌های سازمان‌یافته انقلابی و همچنین نیروهای نظامی جدا شده از رژیم که پیش‌تر از طریق «پلتفرم همکاری ملی» و سازوکارهای دیگر شناسایی و ارزیابی صلاحیت شده‌اند، بازسازی خواهد کرد.
- نیروهای امنیتی بازسازی شده باید به‌صورت حرفه‌ای و مؤثر با هرگونه مقاومت مسلحانه سازمان‌یافته، اقدامات خرابکارانه، یا سایر تهدیدهای خشونت‌آمیز افراطی که از سوی نهادهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی («رژیم») سرچشمه می‌گیرد، جلوگیری و یا با آن مقابله کنند.
- فرماندهی جدید نظامی بر حفظ انسجام درونی نیروها و برقراری نظم تمرکز خواهد داشت.

- دولت گذار با دقت، طرح‌های اضطراری لازم برای پیشگیری از کودتا یا هرگونه تلاش از سوی وفاداران به رژیم برای بازپس‌گیری قدرت را تدوین و اجرا خواهد کرد.

بازگشت فوری نهادهای انتظامی، مرزبانی و امنیت ملی به کار

- دولت گذار با صدور یک دستورالعمل، مسئولیت‌های عملیاتی را بر اساس چارچوب‌ها و رهنمودهای جدید در نهادهایی از جمله نیروهای انتظامی، مرزبانی، نهادهای اطلاعاتی و ضدجاسوسی، و همچنین نیروهای مسئول دفاع از مرزهای زمینی، هوایی، دریایی و سایبری ایران، مجدداً برقرار خواهد کرد.
- این نهادها، تحت نظارت جدید، وظیفه تامین امنیت داخلی و حفاظت از مرزها را بدون وقفه یا تاخیر ادامه خواهند داد.
- پرداخت به‌موقع حقوق، مزایا و خدمات رفاهی تمامی پرسنل نظامی و انتظامی باید در اولویت باشد تا از سرخوردگی، نارضایتی و خلا امنیتی جلوگیری شود.
- دولت گذار اقدام‌های لازم را برای جلوگیری از فروپاشی نهادهای حاکمیتی و بازسازی سریع آن‌ها اتخاذ خواهد کرد و هم‌زمان تدابیری را برای پاکسازی عناصر فاسد و وفاداران به رژیم از مناصب دولتی و حاکمیتی به اجرا خواهد گذاشت.

تفکیک میان وفاداری به رژیم و رفتار مجرمانه

- دولت گذار میان وفاداران به رژیم که مشارکت آن‌ها در نقض حقوق بشر یا جرایم مالی احراز شده است و افرادی که به‌صورت حرفه‌ای و صادقانه در نهادهای دولتی و نظامی خدمت کرده‌اند، تفکیک روشن و قاطع قائل خواهد شد.

پرهیز از پاک‌سازی گسترده و عبرت از تجربه عراق و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷

- دولت گذار اقدام‌های لازم را برای جلوگیری از تکرار تجربه بعث‌زدایی عراق در سال ۲۰۰۳ و فروپاشی نهادهای نظامی ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ اتخاذ خواهد کرد.
- پاک‌سازی گسترده نیروهای نظامی در رده‌های مختلف می‌تواند موجب بی‌ثباتی، ایجاد خلأ امنیتی، تحریک خشونت و ناآرامی‌ها و قدرت‌گیری گروه‌های افراطی شود. اما افراد دخیل در نقض حقوق بشر یا جرایم سنگین مالی به مراجع قضایی جدید معرفی خواهند شد.
- سیاست رسمی دولت بر بازادغام بهینه، آموزش مجدد و بازسازی تدریجی و منظم نهادهای نظامی و امنیتی تاکید خواهد داشت.

ایجاد کمیته‌های بررسی منصفانه برای ارزیابی پرسنل

- دولت گذار باید نهادهای مستقلی را برای بررسی موردی سوابق نیروهای نظامی و امنیتی ایجاد کند؛ به‌گونه‌ای که فرآیند رسیدگی با رعایت شفافیت کامل و تضمین حق دفاع برای افراد همراه باشد.
- این کمیته‌ها باید بر پایه مسئولیت فردی، نه صرف وابستگی سازمانی تصمیم‌گیری کنند.

- افرادی که با موفقیت این فرایند را طی کنند، می‌توانند بنا به صلاحدید دولت گذار در ساختار جدید نهادهای نظامی و امنیتی ادغام شوند.

استفاده موقت از ساختارهای موجود برای جلوگیری از خلاء امنیتی

- تا زمانی که نهادهای نظامی و امنیتی جدید به‌طور کامل سازمان‌دهی و عملیاتی شوند، دولت گذار باید برای حفظ نظم عمومی، دفاع از حاکمیت ملی و تامین امنیت مرزها از ساختارهای موجود استفاده کند. نیروهای جداسده از رژیم که از طریق «پلتفرم همکاری ملی» پیوسته‌اند، همراه با هسته‌های انقلابی، نقش کلیدی در این مرحله گذار ایفا خواهند کرد.
- ایجاد کامل یک ارتش از نقطه صفر، اقدامی غیرضروری، پرهزینه و خطرناک است.

ادغام تدریجی نیروهای نظامی به‌جای انحلال ناگهانی

- دولت گذار اعضای واجد شرایط نیروهای نظامی و امنیتی را بازآموزی کرده و به تدریج در ساختارهای جدید نظامی و امنیتی ملی بازادغام خواهد کرد.
- این روند باید با دقت و برنامه‌ریزی اجرا شود تا امنیت کشور حفظ شود، انتقال قدرت به شکلی آرام و منظم انجام گیرد و از ظهور نیروهای بی‌ثبات‌کننده و گروه‌های تروریستی جلوگیری شود.

ایجاد اعتماد با نیروهای نظامی و امنیتی سابق

- دولت گذار موظف است از طریق پیام‌رسانی رسمی و اقدامات عملی، به‌روشنی تاکید کند که هدف آن بازآرایی است نه انتقام‌جویی. همچنین باید تصریح کند که میان ناقضین حقوق بشر (آمران و عاملان) و افرادی که در ارتکاب این جرایم نقشی نداشته‌اند، تمایز قائل است.
- برخورد با نیروهای رده‌میان و رده‌پایین باید محترمانه، مبتنی بر مقررات و آیین‌نامه‌های نظامی، عاری از هرگونه سوگیری شخصی یا تسویه‌حساب فردی، و با رعایت امنیت شغلی و کرامت انسانی انجام شود تا از شکل‌گیری نافرمانی، بی‌اعتمادی یا بی‌میلی به ادغام جلوگیری شود.
- در همین راستا، یک کارگروه تخصصی ایجاد خواهد شد تا اعضای نیروهای مسلح بتوانند مسائل و شکایات درون سازمانی خود را گزارش دهند. این کارگروه موظف است با ایجاد واحدهای تابعه در دستگاه‌ها و نهادهای وابسته در سراسر کشور، گزارش‌های ارائه‌شده را در اسرع وقت ارزیابی و بررسی کند.
- با این حال، نظارت بر پایبندی کارکنان به سلسله‌مراتب فرماندهی امری ضروری باقی می‌ماند و افرادی که مقررات را نقض کرده یا نظم سازمانی را مختل کنند، متناسب با شدت تخلف، به کمیسیون‌های ذی‌صلاح و مراجع قضایی صالح معرفی خواهند شد.

- در چارچوب «برنامه عدالت انتقالی»، رسیدگی قضایی به جرایم ناقضین نظامی و امنیتی حقوق بشر آغاز خواهد شد؛ چه درباره افرادی که دستور این اقدامات را صادر کرده‌اند و چه کسانی که آن را اجرا کرده‌اند.¹⁷

تضمین معیشت و امنیت شغلی در دوره گذار

- دولت باید با اتخاذ تدابیر لازم، نسبت به طراحی و اجرای برنامه‌های بازآموزی نیروها اقدام کند و هم‌زمان زمینه بازنشستگی نیروهایی را فراهم سازد که نه مرتکب جنایت شده‌اند و نه صلاحیت ادامه خدمت در ارتش و نهادهای انتظامی و امنیتی ملی را دارند، یا داوطلبانه درخواست خروج از خدمت ارائه می‌دهند.
- دولت گذار همچنین باید به عنوان یک امر فوری، نسبت به تدوین و تخصیص بودجه‌ای مشخص برای جذب نیروهای جدید اقدام کند. این گام می‌تواند به تسریع فرایند شکل‌دهی به هویت جدید ملی در نیروهای نظامی و امنیتی و نیز نهادهای انتظامی کشور کمک کند.

حفظ حافظه نهادی نظامی

- دولت گذار باید دانش تاکتیکی، اطلاعاتی، لجستیکی و جغرافیایی انباشته در میان پرسنل با تجربه را مستند، حفظ و در طراحی ساختار جدید به‌کار گیرد.

اصول اصلاح دموکراتیک ساختار نظامی

جداسازی نهاد نظامی از سیاست و ایدئولوژی

- دولت گذار نفوذ ایدئولوژیک را به‌طور کامل از ساختار نظامی کشور حذف خواهد کرد و نهادهای وابسته به رژیم، از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، را منحل خواهد ساخت.
- در دوران گذار، ارتش ملی سوگند وفاداری به کشور ایران و «سامانه گذار» یاد خواهد کرد و بر اساس «سند گذار»، تحت فرماندهی کل تعیین‌شده در همان سند فعالیت خواهد نمود.¹⁸ با آغاز به کار نهادهای مبتنی بر قانون اساسی نوین (که به معنای پایان سامانه گذار خواهد بود)، ارتش ملی سوگند وفاداری به قانون اساسی نوین ایران یاد خواهد کرد و مقام فرماندهی کل قوا را مطابق ترتیبات پیش‌بینی‌شده در آن قانون به رسمیت خواهد شناخت. چنانچه قانون اساسی نوین بر پایه سامانه پادشاهی پارلمانی تدوین شده باشد (بنا بر نتیجه همه‌پرسی سامانه حکومت)، سوگند وفاداری ارتش ملی، وفاداری به تاج‌وتخت را نیز در بر خواهد گرفت.

¹⁷ برای اطلاعات بیشتر، مراجعه شود به سپیدنامه «سیاسی: فرایند و چارچوب گذار از جمهوری اسلامی»، بند ۱۹.۷.

¹⁸ بر اساس سند گذار، شاهزاده رضا پهلوی (رهبر خیزش ملی) فرمانده کل قوا می‌باشند. برای اطلاعات بیشتر، مراجعه شود به سپیدنامه «سیاسی: فرایند چارچوب گذار از جمهوری اسلامی»، بندهای ۱، ۳، ۵ و ۲۱.

ادغام نیروهای نظامی و پایان ساختارهای موازی

- دولت گذار تمامی نیروها و تشکل‌های نظامی، از جمله ارتش و سایر نیروها، را در قالب یک ساختار نظامی واحد، متمرکز و پاسخگو ادغام خواهد کرد.
- ایجاد فرماندهی واحد، کاهش بوروکراسی و افزایش کارایی عملیاتی باید از اولویتهای اصلی این ساختار جدید باشد.

تاسیس ارتشی حرفه‌ای، ملی و پاسخگو

- نیروها و نهادهای نظامی آینده به‌عنوان مجموعه‌هایی حرفه‌ای، برخوردار از آموزش‌های پیشرفته، تجهیزات مناسب، جبران خدمات کافی و انگیزه کامل تعریف خواهند شد و در عین حال از عناصر ذخیره برای شرایط اضطراری برخوردار خواهند بود.

پایبندی به اصل تمامیت ارضی ایران

- ارتش جدید باید متعهد به دفاع از تمامیت ارضی، استقلال ملی و وحدت سرزمینی ایران در برابر هرگونه تهدید خارجی یا داخلی باشد. نیروهای مسلح باید در همه حال آمادگی مقابله با هرگونه اقدام خرابکارانه یا تروریستی، یا تحرک ضدامنیتی و مسلحانه — تحت هر عنوان و با هر بهانه‌ای، چه از ناحیه داخلی و چه خارجی — که تمامیت ارضی یا ثبات سیاسی و اجتماعی کشور و یا امنیت جانی و مالی شهروندان را هدف قرار می‌دهد، داشته باشند. در صورت وقوع چنین تهدیداتی، نیروهای مسلح موظف‌اند در سریع‌ترین زمان ممکن، با به‌کارگیری کامل ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود و با قاطعیت لازم اقدام کرده و ضمن دفاع مؤثر از خاک میهن، نسبت به برقراری مجدد امنیت و بازگشت آرامش در مناطق آسیب‌دیده اقدام نمایند.
- فرماندهی واحد نظامی موظف است که بر برگزاری منظم و مؤثر نشست‌های هماهنگی مرزی و نیز بر اجرای سازوکارهای هماهنگی میان نیروهای مرزبانی ملی و کشورهای همسایه نظارت کند، همچنین دولت گذار موظف است از طریق وزارت امور خارجه، ارتباطات دیپلماتیک لازم را با کشورهای همسایه برقرار کرده و با هدف جلوگیری از استفاده از خاک هر یک از طرفین برای ناامن‌سازی طرف مقابل، نسبت به انعقاد توافق‌نامه‌های لازم اقدام نموده و بر حسن اجرای آن‌ها به‌طور مستمر نظارت کند.
- دولت گذار موظف است که از طریق سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح زیرمجموعه وزارت دفاع و با هماهنگی ساختار فرماندهی واحد نظامی، نظارت مضاعف بر تامین و تثبیت امنیت مرزها را از طریق نیروهای مرزبانی و در صورت لزوم با بهره‌گیری از ارتش ملی اعمال کند. همچنین در صورت نیاز و بنا به درخواست فرماندهی واحد نظامی، مکلف است بودجه لازم را به‌صورت فوری به ایجاد و تجهیز پاسگاه‌ها و پایگاه‌های مرزی اختصاص دهد.
- معاونت اطلاعات نظامی ارتش ملی موظف است تحرک نیروهای نظامی و شبه‌نظامی در اطراف مرزهای ایران را با استفاده از ظرفیت سایر بخش‌های مرتبط در ارتش و هماهنگی با نهادهای اطلاعاتی ملی به‌طور ویژه و مستمر رصد کند و گزارشات خود را از طریق سلسله مراتب به فرماندهی واحد نظامی اطلاع دهد.

- اصل «تمامیت ارضی ایران»، مشروح در چهار بند فوق، باید در دکترین دفاع ملی، آموزش نظامی و ساختار فرماندهی نهادینه شود.

نوسازی نهادها و توانمندسازی دفاعی

تمرکز بر آموزش مدرن و توسعه سرمایه انسانی

- دولت گذار باید نظام آموزشی نظامی را با تاکید بر مهارت‌های فنی، جنگ سایبری و پهبادی، تحلیل اطلاعات، مدیریت بحران و اصول دموکراتیک و حقوق بشر نوسازی کند.
- همچنین باید فرصت برابر برای همه اقشار جامعه تضمین شود.

شفاف‌سازی مالی و بودجه‌ریزی هوشمند دفاعی

- دولت گذار باید با فساد، رانت‌خواری و پروژه‌های بی‌ثمر در ساختار دفاعی مقابله کند.
- گزارش‌های مالی و بودجه دفاعی باید به‌صورت عمومی و شفاف منتشر شود.

ایجاد نظام ارزیابی و نظارت بر عملکرد

- دولت گذار باید سازوکارهایی برای ارزیابی اصلاحات، کارایی عملیاتی و پاسخگویی فرماندهی نظامی ایجاد کند و از فناوری‌های داده‌محور برای نظارت استفاده کند.
- باید از فناوری‌های نوین مبتنی بر داده برای تقویت شفافیت و افزایش نظارت استفاده شود.

ارتقا روحیه و رفاه پرسنل نظامی

- دولت گذار باید حقوق، خدمات درمانی، آموزش و فرصت‌های شغلی مناسب برای پرسنل نظامی و خانواده‌هایشان فراهم کند تا انگیزه، اعتماد به نفس، وفاداری و اعتماد عمومی افزایش یابد.

نوسازی تجهیزات و فناوری‌های نظامی

- دولت باید در فناوری‌های نوین مانند پهپاد، دفاع سایبری، جنگ الکترونیک و هوش مصنوعی سرمایه‌گذاری کند.
- ارتش باید از ظرفیت علمی دانشگاه‌ها برای توسعه تجهیزات مدرن بهره‌برداری کند و سامانه‌های فرسوده را جایگزین نماید.

توسعه دیپلماسی دفاعی و همکاری‌های بین‌المللی

- دولت گذار باید به سیاست نظامی‌گری منطقه‌ای پایان دهد و به ائتلاف‌های صلح‌بان سازمان ملل و سایر ائتلاف‌های صلح‌بان بین‌المللی همسو با سیاست خارجی و دفاعی خود بپیوندد.

- ایران باید روابط دفاعی با کشورهای منطقه‌ای و جهانی برای افزایش بازدارندگی و تعامل نظامی سازنده برقرار کند.

مراحل بازسازی در دوره گذار (۲۴ ماهه)

هدف کلی: هدایت کشور پس از فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی به سوی تثبیت نهادهای ملی، دموکراتیک، پاسخگو و امنیت‌محور.

فاز نخست: دوره بلافاصله پس از فروپاشی رژیم (۰ تا ۳ ماه)

هدف: تثبیت شرایط بحرانی، جلوگیری از خلأ قدرت، حفظ نظم و آغاز جداسازی ساختارهای رژیم سابق.

اقدامات کلیدی

- اعلام بی‌طرفی ارتش و دعوت از همه نیروهای انتظامی، مرزبانی و امنیتی برای بازگشت به کار با نظارت جدید.
- تصرف و کنترل مسالمت‌آمیز نهادهای نظامی وابسته به رژیم سابق، استفاده مجدد از ظرفیت‌های آنان در صورت امکان، و در صورت لزوم تعلیق یا انحلال کامل این نهادها.
- انتشار دستورالعمل عدم استفاده از زور علیه شهروندان.
- حفاظت از مرزها، تاسیسات زیربنایی و منابع ملی (نفت، انرژی، بانک مرکزی، فرودگاه‌ها، نیروگاه‌ها).
- پرداخت فوری حقوق نیروهای نظامی، معلمان، کارکنان درمانی و کارمندان دولت برای جلوگیری از فروپاشی اجتماعی و حفظ ثبات عمومی.
- آغاز رسمی پروژه «بازتعریف هویت ارتش» به‌عنوان نهادی ملی، غیر سیاسی و غیر ایدئولوژیک زیر نظر دولت گذار.
- راه‌اندازی سامانه ثبت و ارزیابی نیروها به‌منظور تعیین صلاحیت برای ادامه خدمت، بازنشستگی یا ارجاع به مراجع قضایی.

فاز دوم: بازسازی نهادی در دوره گذار (۳ تا ۱۲ ماه)

هدف: طراحی و استقرار نهادهای جدید امنیت ملی، اطلاعاتی و انتظامی با هدف جایگزینی ساختارهای سرکوبگر رژیم.

اقدامات کلیدی

- تشکیل «سازمان اطلاعات و امنیت ملی جدید» (National Intelligence and Security Service — NISS) با ساختاری شفاف که زیرمجموعه دولت خواهد بود.
- اصلاح نیروی انتظامی کشور و آموزش مجدد ماموران با تمرکز بر حفظ نظم مدنی، رعایت حقوق بشر و نظارت دموکراتیک.

- استقرار سامانه نظارت مردمی (Community Oversight Boards) بر عملکرد پلیس و نیروهای امنیتی.
- تقویت امنیت مرزها در مناطق پرخطر و تدوین «برنامه نوین حفاظت مرزی» با همکاری ارتش و نیروهای بازآموزش‌دیده، بر پایه بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته نظارت و کنترل مرزی.
- ادغام تدریجی اعضای سابق سپاه پاسداران، و نهادهای اطلاعاتی در ساختارهای جدید نظامی و غیرنظامی، مشروط بر آن‌که از فرایند ارزیابی دقیق عبور کرده و ثابت شود که تهدیدی برای نظم سیاسی جدید محسوب نمی‌شوند.
- تدوین «قانون ممنوعیت دخالت نهادهای نظامی در سیاست».
- بازسازی دانشکده‌ها و آکادمی‌های نظامی با تمرکز بر دکترین‌های مدرن دفاعی غیر ایدئولوژیک، آموزش حرفه‌ای، جنگ سایبری و حقوق بین‌الملل.

فاز سوم: تثبیت و نهادینه‌سازی ساختارهای جدید (۱۲ تا ۲۴ ماه)

هدف: نهادینه‌سازی ساختارهای پاسخگو و حرفه‌ای دفاعی-امنیتی و آمادگی برای تحویل به دولت منتخب.

اقدامات کلیدی

- تضمین اعمال کنترل کامل دولت گذار بر ارتش، نیروی انتظامی، نیروهای مرزبانی و امنیت ملی از طریق مهستان گذار (مجلس دوره گذار) و کمیته‌های نظارتی.
- تشکیل یک واحد اطلاعات نظامی حرفه‌ای جهت مقابله با جاسوسی و نفوذ دشمنان (در چارچوب منشور همکاری بین‌المللی).
- بازنگری در ساختار وزارت دفاع و نهادهای پشتیبانی نیروهای مسلح با هدف کاهش بوروکراسی و فساد مالی.
- تکمیل فرآیند ادغام ساختارهای نظامی رژیم سابق و انحلال کامل نهادهای باقیمانده از رژیم.
- راه‌اندازی «مرکز مطالعات دفاع ملی» جهت تدوین دکترین امنیت ملی، آموزش افسران و همکاری منطقه‌ای.
- ثبت‌نام تدریجی نیروهای نظامی در برنامه‌های آموزشی بین‌المللی و ماموریت‌های چندجانبه دفاعی برای ارتقای دانش و هماهنگی با استانداردهای جهانی.
- طراحی سازوکار شفاف برای گزارش‌گیری عمومی و ارزیابی سالانه نهادهای دفاعی و امنیتی.
- آماده‌سازی زیرساخت‌های نهادی برای تحویل قدرت به دولت منتخب مردمی.

بازسازی ساختار نیروهای نظامی و امنیتی ایران

اصول بنیادین اصلاحات امنیتی در دوران گذار

- **ایدئولوژی‌زدایی:** حذف کامل نفوذ دینی، فرقه‌ای و انقلابی در ارتش، پلیس، و نهادهای امنیتی.

- **سیاسی‌زدایی:** ممنوعیت فعالیت سیاسی، جناحی یا تبلیغاتی توسط نیروهای مسلح و نهادهای اطلاعاتی.
- **ادغام:** جذب حداکثری پرسنل شایسته از ساختارهای پیشین و ادغام در ساختارهای نوین، به صورت تدریجی، شفاف و مشروط.
- **حرفه‌ای‌سازی:** استانداردسازی آموزش، ترفیع، ساختار فرماندهی و نظارت در چارچوب معیارهای بین‌المللی.
- **امنیت همراه با اعتماد:** تضمین امنیت کشور همراه با بازسازی اعتماد عمومی نسبت به نیروهای نظامی، انتظامی و اطلاعاتی.

ارزیابی ساختاری نیروهای مسلح و نهادهای شبه‌نظامی

جدول زیر روند بازسازی و آینده نهادهای نظامی، اطلاعاتی و انتظامی رژیم سابق را نشان می‌دهد. ممکن است عنوان‌ها و ساختار سازمانی این نهادها در دوران گذار تغییر کند و نام نهایی آن‌ها در قانون اساسی نوین و یا قوانین مصوب مهستان منتخب مردم تعیین شود.

دسته‌بندی: نهادهای اطلاعاتی

نهاد	وظیفه / مأموریت اصلی	وضعیت در دولت گذار
وزارت اطلاعات	اطلاعات داخلی و خارجی	انحلال سازمان، برکناری مقامات ارشد، پالایش و جذب نیروهای میانی در سازمان اطلاعات جدید
سازمان اطلاعات سپاه	اطلاعات موازی، تمرکز بر سرکوب مخالفان و عملیات سایبری	انحلال کامل سازمان
واحد اطلاعات بسیج	شبکه خبرچینان محلی	انحلال کامل سازمان
اطلاعات فرماندهی انتظامی کل کشور (فراجا)	شاخه اصلی اطلاعات نیروی انتظامی، رصد تهدیدات داخلی و مخالفان	انحلال بخش سرکوبگر، پالایش نیروها و بازسازی ساختار برای حفظ امنیت ملی و نظم عمومی
اطلاعات نیروی قدس	جمع‌آوری اطلاعات برای عملیات برون‌مرزی	انحلال کامل سازمان
ضدجاسوسی سپاه	ضدجاسوسی داخلی در سپاه	انحلال و ادغام در ارتش ملی
ضدجاسوسی ارتش	نظارت امنیتی بر فرماندهان و بدنه ارتش	حفظ ساختار و تداوم فعالیت پس از ارزیابی صلاحیت‌ها

دسته‌بندی: نیروهای نظامی

نهاد	وظیفه / ماموریت	وضعیت در دولت گذار
نیروی هوافضای سپاه	قابلیت‌های پیشرفته موشکی، پهپادی و فضایی	انحلال و ادغام در ارتش ملی
نیروی زمینی سپاه	نیروی زمینی وفادار به رهبر رژیم	انحلال و ادغام در ارتش ملی
نیروی دریایی سپاه	جنگ دریایی نامتقارن	انحلال و ادغام در ارتش ملی
نیروی زمینی ارتش	جنگ زمینی متعارف	حفظ ساختار و تداوم فعالیت پس از ارزیابی صلاحیت‌ها
نیروی قدس	عملیات خارجی و جنگ نیابتی	انحلال کامل سازمان
نیروی دریایی ارتش	دفاع دریایی متعارف	حفظ ساختار و تداوم فعالیت پس از ارزیابی صلاحیت‌ها
نیروی هوایی ارتش	عملیات هوایی متعارف	حفظ ساختار و تداوم فعالیت پس از ارزیابی صلاحیت‌ها
سازمان پدافند غیرعامل کشور	عملیات فنی-اطلاعاتی برای زیرساخت و دفاع سایبری	حفظ ساختار پس از اصلاحات اساسی و بازنشستگی نیروهای ایدئولوژیک
ستاد کل نیروهای مسلح	برنامه‌ریزی راهبردی نظامی و فرماندهی کل	حذف مقامات ارشد، بازسازی ساختار، حفظ بدنه پس از اصلاحات
دفتر امور نظامی رهبری	دفتر تصمیم‌گیری نظامی رهبر رژیم	انحلال کامل
سازمان بسیج	نیروی شبه‌نظامی برای سرکوب داخلی، کنترل ایدئولوژیک و عملیات سایبری	انحلال کامل سازمان

دسته‌بندی: نیروی انتظامی و پلیس (فراجا)

نهاد	وظیفه / ماموریت	وضعیت در دولت گذار
فرماندهی انتظامی کل کشور (فراجا)	اجرای قانون و حفظ نظم عمومی	حفظ ساختار و تداوم فعالیت پس از ارزیابی صلاحیت‌ها
پلیس راهور	کنترل ترافیک شهری و بین‌شهری	حفظ ساختار و تداوم فعالیت پس از ارزیابی صلاحیت‌ها
پلیس امنیت عمومی (پلیس آگاهی / پاوا)	مقابله با جرایم سازمان‌یافته و امنیت عمومی	حفظ ساختار و تداوم فعالیت پس از ارزیابی صلاحیت‌ها
پلیس امنیت اخلاقی (گشت ارشاد)	اعمال حجاب اجباری و آزار زنان و دیگر شهروندان	انحلال کامل سازمان

حفظ ساختار و تداوم فعالیت پس از ارزیابی صلاحیت‌ها	صدور گذرنامه، نظارت بر پایانه‌های مرزی و فرودگاه‌ها برای ورود و خروج قانونی و مدیریت اقامت اتباع خارجی	پلیس مهاجرت و گذرنامه
حفظ ساختار و تداوم فعالیت پس از ارزیابی صلاحیت‌ها	حفاظت از سفارتخانه‌ها و اماکن بین‌المللی	پلیس دیپلماتیک
انحلال بخش سرکوبگر و بازسازی با تمرکز بر امنیت سایبری ملی	رصد فضای مجازی و سرکوب فعالیت‌های اینترنتی	پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات (فتا)
حفظ ساختار و تداوم فعالیت پس از ارزیابی صلاحیت‌ها	تحقیقات جنایی، جمع‌آوری مدارک و تشکیل پرونده	پلیس آگاهی (جنایی)
حفظ ساختار و تداوم فعالیت پس از ارزیابی صلاحیت‌ها	فرماندهی کل ایستگاه‌ها و گشت‌های امنیتی	پلیس پیشگیری
حفظ ساختار و تداوم فعالیت پس از ارزیابی صلاحیت‌ها	حفاظت از مرزهای زمینی، دریایی و هوایی	پلیس مرزبانی
حفظ ساختار و تداوم فعالیت پس از ارزیابی صلاحیت‌ها	مقابله با قاچاق مواد مخدر	پلیس مبارزه با مواد مخدر
حفظ ساختار و تداوم فعالیت پس از ارزیابی صلاحیت‌ها	پاسخ اضطراری به تماس‌های مردمی و اعزام یگان‌ها	مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰
حفظ ساختار پس از اصلاح و حرفه‌ای‌سازی سیستم	مدیریت خدمت سربازی و معافیت‌ها	سازمان وظیفه عمومی
حفظ ساختار و تداوم فعالیت پس از ارزیابی صلاحیت‌ها	همکاری و پیگیری جرایم بین‌المللی	پلیس بین‌الملل (اینترپل ایران)
انحلال بخش سرکوبگر، ارزیابی نیروها و بازسازی برای مأموریت‌های ضدترور و ضدشورش قانونی	کنترل شورش، سرکوب اعتراضات، عملیات ویژه و حفاظت از اماکن حساس	یگان‌های ویژه فرجا
انحلال بخش سرکوبگر، بازسازی و آموزش مجدد در چارچوب استانداردهای حرفه‌ای بین‌المللی	عملیات ضدتروریستی، نجات گروگان، مقابله با شورش	یگان ویژه نوپو (عملیات ویژه پلیس)

چالش‌ها و راهکارهای کلیدی در اصلاحات نظامی-امنیتی

چالش‌ها و راهکارها در فرآیند اصلاح نظامی-امنیتی در دوره گذار:

چالش	راهکار پیشنهادی
اقدامات خرابکارانه از سوی وفاداران رژیم سابق در نهادهای امنیتی، اطلاعاتی و لجستیکی	ادغام کنترل‌شده و قانون‌مند هسته‌های انقلابی سازمان‌یافته و ارتقای نیروهای جداشده از نهادهای امنیتی و نظامی در ساختارهای جدید؛ اجرای فوری سامانه پالایش نیروها؛ شناسایی، خلع سلاح و بازداشت عناصر وفادار به رژیم سابق که تهدیدی برای نظم سیاسی جدید محسوب

می‌شوند؛ تدوین طرح‌های جایگزین برای سناریوهای مختلف؛ ایجاد کانال‌های گزارش‌دهی محرمانه درون‌سازمانی.	
استقرار سریع نیروهای بی‌طرف و آموزش‌دیده برای حفظ نظم عمومی در شهرها؛ اعمال محدودیت موقت رفت‌وآمد در مناطق بحرانی؛ بازادغام مرحله‌ای نیروهای سابق پس از آموزش مجدد.	خلأ امنیتی و ظهور شبه‌نظامیان یا نیروهای موازی
تشکیل سریع ائتلاف امنیتی منطقه‌ای با کشورهای همسایه و بازیگران جهانی همسو؛ پیوستن به توافقات دفاع جمعی؛ ایجاد ظرفیت بازدارندگی چندجانبه.	دخالت خارجی از سوی بازیگران متخاصم
انجام اصلاحات ساختاری در قوه قضاییه، نیروی انتظامی و نهادهای اطلاعاتی؛ تضمین شفافیت، نظارت غیرنظامی و پاسخ‌گویی فرماندهان؛ آغاز برنامه عدالت انتقالی.	بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نهادهای نظامی و امنیتی به دلیل سابقه سرکوب و خشونت
همکاری با نهادهای آموزشی و نظامی بین‌المللی برای اجرای دوره‌های فشرده تربیت و ارتقای رهبران نظامی و امنیتی جدید.	کمبود نیروهای آموزش‌دیده، کارآمد و وفادار به ارزش‌های دموکراتیک
بهبود فوری رفاه، حقوق و مزایا، شرایط حرفه‌ای و خدمات درمانی؛ پیام‌رسانی ملی متمرکز بر آینده و بازسازی ملی فراگیر.	سقوط روحیه و فروپاشی روانی در میان نیروهای نظامی و امنیتی پیشین
حذف نظام‌مند عناصر مشکوک از نهادهای امنیتی؛ انحلال نهادهای اطلاعاتی موازی؛ ایجاد سازمان ملی اطلاعات واحد و شفاف.	نفوذ شبکه‌های اطلاعاتی رژیم سابق در ساختارهای جدید
عمل ارتش جدید بر پایه دکترین حفظ تمامیت ارضی و در عین حال، رعایت عدالت فراگیر و برابری حقوق شهروندی؛ پاسخ قاطع اما هوشمند به هرگونه فعالیت تجزیه‌طلبانه.	تهدیدات تجزیه‌طلبانه و فرقه‌ای در مناطق مرزی

سند مکمل اجرایی برای طرح اصلاحات نظامی در دوره گذار ایران

مرحله صفر: عملیات پیش‌سقوط و آمادگی راهبردی

هدف: حفظ و تداوم فرماندهی، کاهش انسجام و کارآمدی ساختارهای سرکوبگر رژیم با تلفیقی از روش‌های ممکن، و آماده‌سازی نهادی و انسانی نیروهای گذار برای تصرف مراکز حاکمیتی، انتقال منظم مسئولیت‌ها در مراکز کلیدی و حاکمیتی کشور، با هدف جلوگیری از خلأ قدرت و بی‌ثباتی شهری و برقراری سریع امنیت در کشور.

اولویت‌های راهبردی

- دستیابی به برتری اطلاعاتی در داخل کشور.
- تشویق به جدایی از رژیم و خلع وفاداری ایدئولوژیک.
- ایجاد توانمندی عملیاتی پیش‌دستانه و یکپارچه‌سازی نیروی ایرانیان خارج از کشور.

• بستر همکاری ملی و همکاری

- ایجاد و تقویت سازوکارهای ارتباطی امن و قابل اعتماد با تمرکز بر حفظ امنیت افراد داخل ایران، به منظور حمایت از افرادی که به صورت داوطلبانه و مسالمت‌آمیز از رژیم جدا می‌شوند و قصد همکاری با فرآیند گذار را دارند.
- انجام ارزیابی و تایید صلاحیت به صورت لحظه‌ای همراه با تطبیق چهره از طریق فناوری‌های بیومتریک.
- تشکیل سامانه ثبت‌نام اولیه برای تعیین جایگاه و نقش این افراد در ساختارهای امنیتی و نظامی دولت گذار.

• چارچوب تضمین تداوم اداره و فرماندهی در شرایط اضطراری

- ایجاد پناهگاه‌های اضطراری در مناطق مختلف به همراه ارتباطات ماهواره‌ای برای شرایط بحرانی.
- حفاظت نهادی از اسناد، داده‌ها و فرآیندهای حیاتی فرماندهی شامل پیش‌بینی سازوکارهای امن برای نگهداری.
- دسترسی کنترل‌شده و جانشینی مدیریتی، مطابق با الزامات قانونی و اصول محرمانگی.
- پیش‌بینی مسیرهای ارتباطی پشتیبان و جایگزین در سطح نهادی به منظور حفظ ارتباطات ضروری در شرایط اضطراری، با اتکا به چارچوب‌های قانونی، همکاری‌های رسمی و ظرفیت‌های مورد تایید، بدون وابستگی به یک مسیر یا بستر واحد.

• واحد اعتبارسنجی و نقشه‌برداری

- ترکیب داده‌های جغرافیایی و هوش مصنوعی برای شناسایی و نقشه‌برداری از دارایی‌ها، تونل‌ها، پایگاه‌های هوایی، و نیروهای نیابتی وابسته به سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات.
- مدل‌سازی پیش‌بینانه برای شناسایی مناطق احتمالی خلأ قدرت پس از فروپاشی رژیم.

• مرکز تلفیق تهدیدات منطقه‌ای

- یک مرکز مشترک منطقه‌ای برای پایش و رصد تهدیدات فرامرزی.
- نظارت تخصصی بر فعالیت نیروهای نیابتی مانند حشدالشعبی، حزب‌الله و دیگر گروه‌های شبه نظامی وابسته به رژیم.

• برنامه یکپارچه‌سازی اطلاعاتی ایرانیان خارج از کشور

- به‌کارگیری نیروهای امنیتی متخصص در میان ایرانیان خارج از کشور که پیشینه آن‌ها به طور کامل بررسی و تایید شده است، برای اعزام به ایران.
- استفاده از این افراد برای پوشش برخی نقش‌های کلیدی در حوزه‌های قضایی، سایبری، پزشکی، قانونی، و امنیت اجرایی در ساختار دولت گذار با رعایت پروتکل‌های امنیتی و سازگار با منافع ملی.

○ ادغام نیروهای جدا شده و هسته‌های انقلابی در ساختارهای انتقالی پس از طی فرآیند ارزیابی و احراز صلاحیت فردی.

● شبیه‌سازی‌های ارزیابی ریسک

○ اجرای تمرین‌ها و شبیه‌سازی‌های راهبردی به منظور ارزیابی آمادگی نهادی در مواجهه با سناریوهای پرریسک، پیچیده و غیرمتعارف، صرفاً با هدف پیشگیری، کاهش آسیب‌پذیری و ارتقای تاب‌آوری ساختارهای فرماندهی و مدیریت بحران.

○ شناسایی آسیب‌پذیری‌های نهادی و نقاط شکست بالقوه در فرآیندهای فرماندهی و هماهنگی از طریق تحلیل‌های شبیه‌سازی شده و مرور فرآیندها، با تمرکز بر اصلاح رویه‌ها، بهبود زنجیره تصمیم‌گیری و تقویت سازوکارهای پاسخ‌گویی و پشتیبان.

● پروتکل تلفیق و ارزیابی خسارات

○ با استفاده از ظرفیت‌های اطلاعاتی و لجستیکی منطقه‌ای، وضعیت پایگاه‌ها و تاسیسات نظامی ارزیابی می‌شود و برای جایگزینی زیرساخت‌ها در شرایط اضطراری، طرح‌های پشتیبان تهیه می‌گردد. همچنین پادگان‌های موقت و مراکز فوریت‌های درمانی (تریاز) برای واکنش سریع به بحران‌های نظامی طراحی و مستقر می‌شوند.

مرحله A/B1: روزهای ۱ تا ۱۰ | تصرف و تثبیت

تمرکز راهبردی

- قطع دسترسی رژیم به اهرم‌های کنترل.
- تامین و تثبیت مناطق فرماندهی ملی.
- ایجاد و تثبیت اقتدار قانونی و قابل رؤیت دولت گذار.

اقدامات کلیدی

- **استقرار نیروهای ارتش:** استقرار هدفمند و مسئولانه نیروهای ارتش ملی در مراکز حساس کشور، به‌ویژه کلان‌شهرها و شهرهای مهم به تشخیص دولت گذار، با هدف برقراری و حفظ امنیت عمومی، پشتیبانی از تداوم خدمات حیاتی و جلوگیری از بروز خلأ امنیتی، بدون ایجاد فضای نظامی سرکوب‌گرانه یا اختلال در زندگی روزمره شهروندان.
- **واحد خنثی‌سازی سایبری:** قطع ارتباطات و پایگاه‌های داده رژیم ظرف ۴۸ تا ۷۲ ساعت.
- **مرجع اضطراری پخش سراسری:** آغاز پیام‌های وحدت ملی و مقابله با جنگ روانی و اطلاعات نادرست.
- **نیروی مهار سریع:** نابودی هسته‌های مقاومت فعال سپاه و بسیج.

- **تامین امنیت زیرساخت‌های حیاتی:** استقرار نیروهای گزینش‌شده ارتش برای محافظت از تاسیسات انرژی، آب، نفت، گاز و نیروگاه‌ها در برابر خرابکاری.
- **اعمال تدابیر امنیتی موقت و محدود:** اتخاذ تدابیری برای موارد امنیتی خاص در شرایط استثنایی، به صورت زمان‌مند و متناسب، در نقاط دارای وضعیت بحرانی، در چارچوب قانون و تحت نظارت دیوان گذار (قوه قضاییه دوران گذار)، با هدف حفظ جان شهروندان، جلوگیری از بروز خشونت و بازگرداندن سریع نظم عمومی. بدیهی است دولت گذار موظف است شرایط، ضرورت‌ها و دلایل اتخاذ این تدابیر را به صورت شفاف از طریق رسانه‌های جمعی با شهروندان در میان بگذارد و این اطمینان را فراهم سازد که این اقدامات صرفاً در راستای تامین و تقویت امنیت و آرامش انجام می‌شود.
- **یگان‌های تصرف پایگاه‌های نظامی:** تصرف زرادخانه‌های سپاه توسط نیروهای وفادار به ارتش.
- **پروتکل وفاداری ارتش:** نیروهای ارتش که پس از ارزیابی صلاحیت و آموزش مجدد تایید شده‌اند، به کار گرفته شوند و افراد وفادار به رژیم سابق جدا یا منزوی گردند.

مرحله A/B2: روزهای ۱۱ تا ۴۰ | غربال‌گری، خلع سلاح و خنثی‌سازی

تمرکز راهبردی

- آغاز انحلال ساختارهای رژیم.
- برقراری کنترل اطلاعاتی و قضایی.
- اجرای عملیات ضدجاسوسی و خنثی‌سازی نفوذ.

اقدامات کلیدی

- **پروتکل سه‌مرحله‌ای غربال‌گری (رده A/B/C):** طبقه‌بندی پرسنل برای حفظ، بازآموزی یا پیگرد قضایی.
- **ایجاد سازوکار هماهنگی در رابطه با کارکنان دخیل در جرم و جنایت:** هماهنگی در بازداشت ناقضین حقوق بشر و مرتکبین جرایم سنگین مالی.
- **چارچوب عفو کنترل‌شده:** خلع سلاح گروه‌های شبه نظامی رژیم، ارائه برنامه‌های بازپروری و افرای زدایی، و نظارت مستمر.
- **برنامه انحلال بسیج و حراست:** تعطیلی شبکه‌های نظارتی در دانشگاه‌ها و مساجد.
- **تیم‌های ضدجاسوسی اضطراری:** پاک‌سازی وزارتخانه‌ها، شرکت‌های مخابراتی و یگان‌های نظامی.
- **انتقال قدرت هوافضا و دریایی:** تامین امنیت انبارهای پهپاد، هواپیماهای سپاه، مین‌ها و رادارها.
- **پروتکل مشترک پایش حریم هوایی:** هماهنگی با متحدان برای ایجاد سامانه هشدار زودهنگام.

تمرکز راهبردی

در این مرحله، فرآیند بازسازی نهادهای دفاعی و امنیتی کشور وارد فاز تثبیت نهادی می‌شود. زیرساخت‌ها، تجهیزات، امکانات فیزیکی و ظرفیت‌های فنی موجود حفظ، ایمن‌سازی و مدیریت می‌گردد؛ اما اهداف، ماموریت‌ها، رویه‌های سازمانی و ساختارهای فرماندهی این نهادها به‌صورت بنیادین بازتعریف می‌شوند تا با اصول حاکمیت قانون، بی‌طرفی سیاسی، پاسخ‌گویی نهادی و الزامات دولت در دوران گذار هم‌راستا باشند. هدف این مرحله، پیشگیری از هرگونه خلأ امنیتی، در کنار نوسازی کارکردها و بازسازی هویت نهادی نیروهای دفاعی و امنیتی کشور است. در همین چارچوب، نام، ماموریت، حوزه اختیارات و چارچوب عملکرد نهادهای وابسته به رژیم، متناسب با نظم قانونی جدید، مورد بازنگری و بازتعریف قرار گرفته و در قالب ساختارهای مشروع دولت گذار سامان‌دهی می‌شوند.

استقرار نظارت غیرنظامی به‌معنای پاسخ‌گویی قانونی و نهادی

منظور از نظارت غیرنظامی، دخالت در فرماندهی عملیاتی یا تصمیمات تاکتیکی نظامی نیست، بلکه اعمال حاکمیت قانونی، سیاست‌گذاری کلان، نظارت نهادی و پاسخ‌گو کردن ساختارهای نظامی و امنیتی در برابر نهادهای مسئول غیرنظامی است. این نظارت از طریق دولت و وزارت دفاع، نظارت پارلمانی در چارچوب کمیسیون‌های تخصصی امنیتی و دفاعی، و سازوکارهای حسابرسی، ارزیابی و پاسخ‌گویی قانونی اعمال می‌شود، با رعایت کامل اصول محرمانگی اطلاعات، طبقه‌بندی اسناد و سطح‌بندی دسترسی. فرماندهی عملیاتی، تصمیمات میدانی و امور تخصصی نظامی همچنان در صلاحیت حرفه‌ای سلسله مراتب نظامی باقی خواهد ماند.

سامان‌دهی نیروی انسانی و ادغام‌گزینشی

پرسنل باقی‌مانده از نهادهای وابسته به رژیم، از جمله سپاه پاسداران، صرفاً در صورتی امکان ادامه خدمت یا بازگشت به ساختارهای جدید را خواهند داشت که فرآیندهای دقیق، فردمحور و مستند ارزیابی صلاحیت را با موفقیت طی کرده باشند. این فرآیندها شامل بررسی‌های امنیتی، بازآموزی حرفه‌ای، ارزیابی‌های رفتاری و روان‌شناختی، و احراز پایبندی به بی‌طرفی سیاسی و اصول قانونی است. افرادی که در سرکوب شهروندان، نقض حقوق بشر، فساد مالی یا اقدامات غیرقانونی نقش مؤثر یا مستقیم داشته‌اند، از این فرآیند مستثنی بوده و پرونده آنان برای رسیدگی به مراجع قضایی انتقالی ارجاع خواهد شد. در مقابل، نیروهای فنی، تخصصی و کارشناسی که فاقد سابقه مشارکت در سرکوب بوده‌اند، می‌توانند بر اساس نیازهای ساختار جدید، به ارتش ملی یا نهادهای اطلاعاتی و امنیتی تازه‌تاسیس جذب شوند. این ادغام‌گزینشی با هدف حفظ سرمایه‌های انسانی، انتقال دانش فنی ارزشمند و تضمین انطباق کامل با ماموریت‌ها، ارزش‌ها و الزامات دولت گذار صورت می‌گیرد.

اهداف کلیدی

- تدوین دکترین امنیتی مبتنی بر حاکمیت قانون.
- ایجاد سازوکار نظارت کمیسیون‌های مرتبط مجلس بر نیروهای امنیتی و نظامی.

اقدامات کلیدی

- **تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت ملی و پلیس ملی ایران**
 - دارای سه شاخه: داخلی (ضدجاسوسی و امنیت داخلی)، خارجی (جاسوسی و رصد نیروهای نیابتی) و سایبری.
- **آکادمی امنیت ملی**
 - برنامه آموزش فشرده برای نیروهای تازه‌وارد شامل اصول اخلاقی، زنجیره فرماندهی و آشنایی با قوانین.
- **چارچوب فرماندهی ارتش**
 - ارتش بازسازی‌شده به‌عنوان نیروی دفاعی ملی، پاسخگو، حرفه‌ای و بدون هرگونه وابستگی سیاسی عمل خواهد کرد.
- **فعال‌سازی ستاد بحران**
 - نیروی واکنش سریع برای پشتیبانی از غیرنظامیان در بحران‌ها و بلایای طبیعی.
- **کارگروه اطلاعات مالی دوران گذار**
 - شناسایی، توقیف، و بازتوزیع اموال و دارایی‌های شرکت‌ها و نهادهای وابسته به سپاه.
- **بستر شفافیت امنیتی**
 - ایجاد سازوکار اطلاع‌رسانی عمومی و قانون‌مند برای ارائه گزارش‌های کلی، غیرشخصی و تجمیعی درباره روند بازداشت‌ها، فرآیندهای ارزیابی صلاحیت و پیشرفت رسیدگی‌های قضایی، با هدف اعتمادسازی عمومی و نظارت شهروندی.

مرحله A/B4: روزهای ۱۰۱ تا ۱۴۰ | ادغام جهانی و قانونی‌سازی

تمرکز راهبردی

- قانونی‌سازی و تثبیت ساختارهای جدید در نهادهای اطلاعاتی و نظامی.
- آغاز برقراری ائتلاف‌ها و همکاری‌های بین‌المللی با کشورهای منطقه و ایجاد شفافیت و پاسخ‌گویی در برابر مردم و جامعه جهانی به‌منظور جلب اعتماد نسبت به دولت گذار.

اقدامات کلیدی

- **فعال‌سازی هیئت ملی نظارت امنیتی:** تشکیل هیئتی غیرنظامی برای بازرسی و حساب‌رسی از تمامی نهادهای امنیتی و نظامی.

تمرکز راهبردی

- اجرای شبیه‌سازی برای سنجش اثربخشی اصلاحات.
- تقویت اعتماد عمومی و آمادگی نهادها.

اقدامات کلیدی

- **مجموعه آزمون‌های ملی استقامت**
 - شبیه‌سازی حمله سایبری.
 - تمرین واکنش به ناآرامی‌های مدنی.
 - تمرین مقابله با شورش نیروهای نیابتی.
- **دستورالعمل بی‌طرفی اطلاعاتی ملی:** تضمین غیرسیاسی بودن کامل سازمان اطلاعات کشور.
- **انتشار طبقه‌بندی نهایی نیروها:** اعلام عمومی وضعیت تمام افراد مورد ارزیابی: حفظ، بازنشستگی، پیگرد قضایی.
- **نهادهای دائمی نظارت:** استقرار بازرسان کل مستقل و غیرنظامی در کلیه واحدهای نظامی و امنیتی برای نظارت مستمر و شفافیت نهادی.

نتایج راهبردی تا روز ۱۸۰

نهادهای امنیتی

- سازمان اطلاعات و امنیت ملی و پلیس ملی ایران به‌طور کامل عملیاتی شده‌اند.
- انحلال کامل سپاه پاسداران، بسیج، نیروی قدس و سایر نهادها و نیروهای مشابه صورت گرفته است.

نیروهای نظامی

- ارتش و گارد ملی گذار تحت فرماندهی غیرنظامی فعالیت می‌کنند.
- مرزها به‌طور کامل ایمن شده و یگان‌های هوافضا و دریایی بازسازی و یکپارچه‌سازی شده‌اند.

نهادهای عمومی

- نهادهای نظارتی و بسترهای شفافیت عمومی فعال شده‌اند.
- تعامل میان مردم و پلیس به حالت عادی بازگشته است.

مشروعیت بین‌المللی

- اجرای تغییرات با رعایت استانداردهای بین‌المللی.
- آغاز همکاری‌های امنیتی مشترک با کشورهای متحد.

شاخص‌های ثبات

- پایان نظارت گسترده و سرکوبگر.
- نظام قضایی شفاف و پاسخ‌گو.
- حفظ تفکیک کامل میان نهادهای نظامی و حکومت مدنی.

این صفحه عمداً سفید گذاشته شده است.

سیاست خارجی: بازآرایی اولویت‌ها بر اساس منافع ملی

اسفند ۲۵۸۴

این سپیدنامه، نقشه راه سیاست خارجی دولت گذار ایران را در دوره گذار پس از پایان جمهوری اسلامی ترسیم می‌کند. این چارچوب که بر پایه اصول عمل‌گرایی، منافع ملی و دیپلماسی غیرایدئولوژیک بنا شده است، با هدف پاسخ‌گویی به نیازهای فوری کشور در حوزه امنیت و سیاست خارجی، کسب مشروعیت بین‌المللی، و فراهم‌سازی بستر ثبات بلندمدت منطقه‌ای و احیای اقتصادی طراحی شده است.

دوره گذار فرصتی تاریخی برای بازتعریف جایگاه ایران در نظام بین‌الملل به شمار می‌رود. سیاست خارجی جمهوری اسلامی که بر پایه تقابل ایدئولوژیک و سیاست‌های بی‌ثبات‌کننده در منطقه و جهان استوار بوده است، جای خود را به دیپلماسی مسئولانه‌ای خواهد داد که بر همکاری، شفافیت و توسعه ملی تاکید دارد.

این سپیدنامه نه تنها اصول و اهداف سیاست خارجی نوین ایران را بیان می‌کند، بلکه برنامه‌ای زمان‌بندی‌شده برای صد روز نخست دوره گذار ارائه می‌دهد که شامل گام‌های عملی برای عادی‌سازی روابط با قدرت‌های جهانی، بازسازی اعتبار ایران نزد نهادهای بین‌المللی و آغاز ابتکارهای همکاری منطقه‌ای است. همچنین در این سند، پیشنهادهایی برای بازسازی ساختاری وزارت امور خارجه و تشکیل کارگروه ویژه دیپلماسی اقتصادی برای تسهیل روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی در آینده ارائه شده است.

اهداف بنیادین

دولت گذار بازسازی کامل سیاست خارجی کشور را پیش‌شرطی حیاتی برای نوسازی ملی، بازگشت فعال به جامعه جهانی و شکل‌گیری نظامی پایدار در منطقه می‌داند. این تحول بر اهداف زیر متمرکز خواهد بود:

- برقراری روابط مسالمت‌آمیز و همکاری با همه کشورها و نهادهای بین‌المللی؛ ایران بار دیگر بر تعهد خود به احترام متقابل، برابری، و اصول منشور سازمان ملل متحد تاکید می‌کند. با بازیابی جایگاه شایسته خود در جامعه جهانی و گسترش تعامل با شرکای بین‌المللی و منطقه‌ای، ایران در راستای تقویت صلح، ثبات و توسعه مشترک قدم خواهد برداشت.
- برای اطمینان بخشی به جامعه جهانی نسبت به ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود، ایران غنی‌سازی اورانیوم و فعالیت‌های مرتبط با رآکتور آب سنگین را متوقف خواهد کرد. بدین‌وسیله، شفافیت کامل، نیت صلح‌آمیز و پایبندی به هنجارهای بین‌المللی را نشان خواهد داد و از رهگذر همکاری عمیق‌تر با شرکای جهانی و گفت‌وگوی فراگیر منطقه‌ای، می‌کوشد تنش‌های گذشته را به فرصت‌هایی برای اعتمادسازی و شراکت تبدیل کند. رفع کامل تحریم‌ها در این مسیر یکی از اولویت‌های اصلی ایران خواهد بود.

- پایان دادن به انزوای بین‌المللی ایران و رسیدگی به مسئله تحریم‌های اقتصادی علیه کشور که هزینه سنگینی بر اقتصاد تحمیل می‌کنند.
 - جایگزینی سیاست خارجی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی با راهبردی عمل‌گرا، مبتنی بر منافع ملی و صلح‌محور.
- تصریح می‌شود که دولت انتقالی موظف است سیاست خارجی کشور را در چارچوب «سند گذار»، تحت هدایت رهبر خیزش ملی (شاهزاده رضا پهلوی) و در موارد مقتضی با مشورت مهستان انتقالی، تدوین و اجرا کند.¹⁹

شش اصل بنیادین در سیاست خارجی ایران آینده

• شفافیت کامل در حوزه هسته‌ای

یکی از نخستین اقدامات دولت گذار، حل‌وفصل مسالمت‌آمیز و دیپلماتیک پرونده هسته‌ای ایران خواهد بود. این رویکرد شامل توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم و فعالیت‌های بازفرآوری است. همچنین فراهم‌کردن امکان بازرسی کامل و بدون محدودیت برای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ضروری است تا ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران اثبات و زمینه برای لغو کامل تحریم‌ها فراهم شود.

• بازسازی روابط راهبردی با ایالات متحده آمریکا

ایران خواهان برقراری روابطی نوین و سازنده با ایالات متحده است که از نظر عمق و گستره، به دوران همکاری‌های دهه ۱۳۵۰ شباهت داشته باشد. این روابط بر پایه احترام متقابل، منافع امنیتی مشترک و همکاری اقتصادی شکل خواهد گرفت، که از تجربه تاریخی «پیمان مودت» الهام می‌گیرد؛ دورانی که روابط ایران و آمریکا نقش مهمی در ثبات خاورمیانه ایفا می‌کرد. ایران با بازگشایی کانال‌های گفت‌وگو و اعتمادسازی متقابل، خواهد کوشید خصومت‌های گذشته را به همکاری در زمینه‌های صلح منطقه‌ای، مبارزه با تروریسم، توسعه انرژی، تبادل فناوری و گسترش رفاه میان دو ملت و شرکای آنان تبدیل کند.

• رویکرد منطقه‌ای بر پایه عدم مداخله

ایران آینده سیاستی را دنبال خواهد کرد که بر احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورها استوار است. برخلاف رژیم جمهوری اسلامی که با صدور ایدئولوژی و ایجاد بی‌ثباتی در منطقه عمل می‌کرد، دولت گذار خود را متعهد به بازسازی داخلی و همزیستی مسالمت‌آمیز با همسایگان خواهد دانست.

• به رسمیت شناختن کامل اسرائیل و عادی‌سازی روابط

دولت گذار ایران، کشور اسرائیل را به صورت حقوقی به رسمیت خواهد شناخت و روند عادی‌سازی روابط را بدون پیش‌شرط آغاز می‌کند. این تصمیم تحولی تاریخی و نشانه‌ای از پایان دوره خصومت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی است.

¹⁹ رجوع شود به سپیدنامه «سیاسی: روند و ساختار گذار از جمهوری اسلامی»، بندهای ۱، ۳، ۸ و ۲۱.

• روابط متوازن با چین و روسیه

ایران با درک جایگاه جهانی چین و روسیه، همکاری‌های خود با این دو کشور را بر پایه احترام متقابل، شفافیت و منافع ملی تنظیم خواهد کرد تا در عین تقویت روابط اقتصادی و فناورانه، استقلال سیاسی و اولویت‌های ملی کشور حفظ شود.

• سیاست خارجی عمل‌گرا و مبتنی بر منافع ملی

سیاست خارجی ایران در دوره جدید بر پایه عمل‌گرایی، شفافیت و پاسخ‌گویی استوار خواهد بود. این سیاست از ایدئولوژی‌گرایی، شعارزدگی و دشمن‌تراشی فاصله خواهد گرفت و هدف آن تعامل مسئولانه، تامین منافع ملی و برقراری روابطی متوازن، سازنده و مستقل با همه کشورهاست.

اهداف راهبردی سیاست خارجی در دوره گذار

همکاری‌های امنیتی در سطح منطقه‌ای با رویکردی کاملاً دفاعی و در قالب روابط رسمی میان دولت‌ها انجام خواهد شد و بر پایه اصل عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر استوار خواهد بود. در دوره گذار، اولویت اصلی بر تثبیت شرایط داخلی کشور و بازسازی و تقویت نهادهای ملی قرار دارد. در همین چارچوب، اهداف سیاستی زیر پیگیری خواهد شد.

• دفاع مسئولانه؛ بستر همگرایی منطقه‌ای

ایران توانمندی‌های دفاعی و امنیتی معتبر و قابل اتکا ایجاد خواهد کرد تا از منافع ملی خود حفاظت کند و صلح و ثبات را در منطقه تضمین نماید.

• شراکت راهبردی با ایالات متحده برای ثبات منطقه‌ای

ایران می‌تواند به‌عنوان یک عامل تقویت‌کننده برای صلح و امنیت منطقه‌ای عمل کند و با مشارکت در مبارزه با تروریسم، تقویت همگرایی منطقه‌ای و پیشبرد توسعه اقتصادی، بار امنیتی ایالات متحده را کاهش دهد.

• روابط راهبردی با اسرائیل

عادی‌سازی روابط با اسرائیل نقطه عطفی تاریخی و گسستی بنیادین از دهه‌ها خصومت خواهد بود و مسیر را برای آغاز دوره‌ای تازه از همکاری هموار می‌کند. این رابطه به یکی از ارکان راهبرد منطقه‌ای ایران تبدیل خواهد شد و از طریق همکاری در مقابله با تروریسم، توسعه مشارکت‌ها در حوزه فناوری و نوآوری، و تقویت انسجام کلی منطقه‌ای، به پیشبرد صلح و ثبات کمک خواهد کرد.

پیش از سال ۱۳۵۷، ایران و اسرائیل دارای روابطی نزدیک در حوزه‌های دیپلماتیک، اقتصادی و امنیتی بودند. احیای روابط (بر پایه همان بنیان‌های تاریخی) و شناسایی حقوقی-رسمی اسرائیل در چارچوب «توافق کوروش»، می‌تواند کمک شایانی به پیشرفت صلح و ثبات منطقه‌ای و شکوفایی طرفین در بخش‌های کلیدی مانند انرژی، مدیریت منابع آب و فناوری، داشته باشد.

• شراکت‌های کلیدی منطقه‌ای با عربستان سعودی و ترکیه

عربستان و ترکیه از مهم‌ترین شرکای منطقه‌ای ایران خواهند بود. در همکاری با عربستان، تمرکز بر حوزه‌های انرژی، امنیت دریایی و همگرایی اقتصادی منطقه‌ای خواهد بود. در روابط با ترکیه، گسترش روابط در زمینه تجاری، مسیرهای ارتباطی، و هماهنگی در زمینه مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر در اولویت قرار خواهد گرفت. این همکاری‌ها بر پایه احترام متقابل، عمل‌گرایی و منافع مشترک پیش برده می‌شود.

• چارچوب‌های همکاری چندجانبه منطقه‌ای

ایران در نظر دارد به ابتکارات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حوزه خلیج فارس، شامات، آسیای مرکزی و فراتر از آن بپیوندد یا در شکل‌دهی و رهبری آن‌ها نقش ایفا کند؛ ابتکاراتی که حوزه‌هایی چون امنیت دریایی، بازسازی، مقابله با تروریسم، تجارت و پیوندهای ارتباطی را دربرمی‌گیرد.

• پایان سیاست خارجی ایدئولوژیک و خصمانه

دوران جدید، نشانه گذار از مداخله‌گری ایدئولوژیک به سمت دیپلماسی سازنده، عمل‌گرایانه و همسایگی مسئولانه خواهد بود. سیاست خارجی ایران بر اساس منافع ملی، احترام متقابل و همکاری منطقه‌ای شکل خواهد گرفت و جایگزین سیاست‌های مبتنی بر درگیری و صدور انقلاب می‌شود. نتیجه این تحول، ثبات، مشارکت و رفاه مشترک خواهد بود.

برنامه اقدام در صد روز نخست

زمان‌بندی و اقدامات کلیدی

• هفته نخست

- ارسال نامه‌های رسمی به قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای با اعلام پایان رژیم جمهوری اسلامی و آغاز دوره‌ای تازه از همکاری.
- به رسمیت شناختن کشور اسرائیل.
- درخواست آغاز فوری مذاکرات با ایالات متحده، اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل متحد با هدف رفع تحریم‌ها.
- انتصاب نمایندگان و فرستادگان دوره گذار نزد نهادها و سازمان‌های بین‌المللی.

• ماه نخست

- بازگشایی کانال‌های دیپلماتیک.
- ورود به گفت‌وگوهای رسمی درباره موضوعات اولویت‌دار با ایالات متحده، اتحادیه اروپا، اسرائیل، چین، روسیه و کشورهای همسایه.

- آغاز رسمی مذاکرات برای رفع تحریم‌ها.
- پذیرش بازرسی‌ها و نظارت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.

● ماه دوم تا سوم

- تدوین تفاهم‌نامه‌های همکاری در حوزه‌های تجارت، عدم تجاوز و امنیت منطقه‌ای.
- آغاز ابتکار مشترک برای همکاری‌های امنیتی و اقتصادی در منطقه.
- امضای نخستین توافق‌نامه‌ها با ایالات متحده و اسرائیل.

ایران و کشورهای همسایه

هفته نخست: پیام‌های رسمی به کشورهای همسایه

هدف

پیشگیری از سوءتفاهم‌ها، تاکید بر تعهد به روابط حسن همجواری و دعوت به همکاری منطقه‌ای.

اقدامات

دولت گذار در نخستین هفته، پیام‌های رسمی و دیپلماتیک به تمام کشورهای همسایه ارسال خواهد کرد که شامل تعهدات متقابل زیر خواهد بود:

- تجدید دوستی و تاکید بر اصل عدم مداخله در امور یکدیگر.
- تعهد مشترک برای حفظ امنیت مرزها از هر دو سو و جلوگیری از نفوذ گروه‌های مسلح و تروریستی.
- احترام متقابل به تمامیت ارضی یکدیگر.
- احترام متقابل به حاکمیت ملی هر کشور.
- دعوت صریح به آغاز گفت‌وگوی منطقه‌ای با هدف ثبات، اعتمادسازی و همکاری.
- تعهد به حفظ و عدم اخلال در توافقات موجود دوجانبه در زمینه تجارت، ترانزیت و گمرک، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، همراه با پذیرش مذاکره درباره برخی توافقات در زمان مناسب و معقول.

ماه نخست: سفرهای منطقه‌ای مقامات دولت گذار یا فرستادگان ویژه

● ترکیه

هدف اصلی: همکاری مشترک در مقابله با گروه‌های تروریستی و تجزیه‌طلب، تضمین ثبات در مرزهای غربی و مبارزه با

قاچاق مواد مخدر.

پیشنهاد اولیه: همکاری امنیتی در مرزها و ایجاد مرکز مشترک هماهنگی اطلاعاتی.

• **عراق**

هدف اصلی: گسترش تجارت دوجانبه و جلوگیری از ورود شبه‌نظامیان سابقاً مورد حمایت سپاه پاسداران و همچنین گروه‌های تجزیه‌طلب به خاک ایران و مداخله آن‌ها در امور داخلی کشور.
پیشنهاد اولیه: پایش مشترک مرزها و قطع نفوذ نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی و همچنین گروه‌های تجزیه‌طلب.

• **جمهوری آذربایجان**

هدف اصلی: گسترش روابط تجاری، کاهش تنش‌ها و توافق بر عدم اعمال تغییرات ژئوپلیتیکی یک‌جانبه.
پیشنهاد اولیه: توافق دوجانبه برای خودداری از حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب و حفظ مرزهای فعلی منطقه.

• **ارمنستان**

هدف اصلی: تضمین دسترسی پایدار به مسیرهای ترانزیتی و ثبات در کریدور سیونیک.
پیشنهاد اولیه: تضمین مسیرهای ترانزیتی و تعهد به پروژه جاده تاتو-آغوانی (مسیر جایگزین در سیونیک).

• **پاکستان**

هدف اصلی: همکاری در مقابله با تروریسم و تجزیه‌طلبی فرامرزی.
پیشنهاد اولیه: پایان دادن به هرگونه حمایت از گروه‌های مسلح و استقرار سازوکارهای پایش مشترک مرزی و پاسگاه‌های مشترک.

• **افغانستان**

هدف اصلی: تامین امنیت مرز شرقی، مدیریت جریان مهاجرت و مبارزه با قاچاق مواد مخدر.
پیشنهاد اولیه: تدوین چارچوبی مشترک برای مدیریت مهاجرت و اخذ تعهد دوجانبه به عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر.

• **عربستان سعودی**

هدف اصلی: آغاز روند تنش‌زدایی و بازتعریف روابط منطقه‌ای.
پیشنهاد اولیه: صدور بیانیه مشترک در محکومیت جنگ‌های نیابتی و تاکید بر آشتی و همکاری منطقه‌ای.

• **قطر**

هدف اصلی: برقراری تعهد متقابل به پرهیز از مداخله در امور داخلی یکدیگر، قطع حمایت از عناصر و وابستگان رژیم جمهوری اسلامی، و توسعه و تعمیق مبادلات تجاری میان دو کشور.
پیشنهاد اولیه: تفاهم‌نامه همکاری برای ثبات منطقه‌ای و اعلامیه مشترک در زمینه عدم مداخله.

• امارات متحده عربي

هدف اصلي: کاهش تنش و تضمين امنيت مسيرهاي انرژي و تجارت.
پيشنهاد اوليه: تقويت روابط ديپلماتيك و تجاري و ارائه تضمين براي مسيرهاي انرژي.

• بحرين

هدف اصلي: اطمينان بخشي درباره پايان نفوذ فرقه‌اي و احترام به حاکميت ملي بحرين.
پيشنهاد اوليه: اعلاميه مشترک در زمينه عدم مداخله و آغاز گفت‌وگوهاي اعتمادسازي.

• عمان

هدف اصلي: بهره‌گيري از و تقويت روابط ديرينه ديپلماتيك و تجاري.
پيشنهاد اوليه: هماهنگي در حوزه ديپلماسي منطقه‌اي، امنيت دريائي و همکاري‌هاي تجاري.

• کویت

هدف اصلي: تقويت روابط ديپلماتيك و هماهنگي منطقه‌اي.
پيشنهاد اوليه: امضای تفاهم‌نامه همکاري ديپلماتيك.

• ترکمنستان

هدف اصلي: حفظ ثبات مرزهاي شمال‌شرقي و تداوم همکاري‌هاي انرژي.
پيشنهاد اوليه: تمدید توافق‌هاي مرزي و انرژي و ادامه پروژه‌هاي مشترک گاز و ترانزيت.

محورهاي اصلي مذاکرات دوجانبه

امنيت و مرزها

- همکاري فوري در مديريت و کنترل مرزها.
- جلوگیری از ورود غيرقانوني سلاح و عناصر مسلح به خاک يکديگر.
- ايجاد «اتاق‌هاي عمليات مشترک مرزي» بين ايران و هر يک از کشورهاي همسايه براي هماهنگي امنيتي و واکنش سريع در مواقع بحراني.

اطلاعات و مقابله با تروريسم

- اشتراک‌گذاري اطلاعات درباره بقايای سپاه پاسداران و تهديدات تروريستي و تجزيه‌طلبانه، همراه با امضای توافق‌هاي همکاري امنيتي و اطلاعاتي.

عدم حمايت از گروه‌هاي تجزيه‌طلب

- تعهد متقابل کشورها به خودداري از اعطای پناهندي یا حمايت سياسي به گروه‌هاي تجزيه‌طلب یا مسلح.

اقدامات فوری در همکاری با کشورهای همسایه

- دولت گذار، با تاکید بر اصل حسن همجواری، سیاست گسترش روابط دوستانه با تمامی کشورهای همسایه را دنبال خواهد کرد. این رویکرد بر پایه احترام متقابل، همزیستی مسالمت‌آمیز، پرهیز از مداخله در امور داخلی یکدیگر و همکاری سازنده استوار است.

اقدامات اجرایی

- ایجاد کمیسیون‌های مشترک مرزی با کشورهای همسایه: نظارت شبانه‌روزی و دوجانبه بر مرزها و حل سریع هرگونه تنش یا اختلاف مرزی.
- بازگشایی کانال‌های ارتباطی نظامی و امنیتی: همکاری میان فرماندهان مرزی ایران و هم‌تایان آنان در کشورهای همسایه برای هماهنگی در زمینه امنیت و مدیریت بحران‌های مرزی.
- اجرای ممنوعیت متقابل تردد گروه‌های مسلح غیردولتی: اتخاذ تدابیر مشترک برای جلوگیری از عبور و فعالیت نیروهای مسلح یا بازیگران غیردولتی از مرزهای دو کشور.
- هماهنگی در ارسال کمک‌های بشردوستانه: تمامی کمک‌های امدادی باید از مسیرهای رسمی و تحت نظارت بین‌المللی، و با هماهنگی و مجوز دولت گذار انجام شود.

پیشنهاد برای ایجاد چارچوب همکاری منطقه‌ای

چارچوبی برای ثبات و امنیت منطقه

ایران پیشنهاد خواهد کرد سازوکاری مشترک با عنوان «چارچوبی برای ثبات منطقه» با حضور همه کشورهای همسایه تشکیل شود تا هماهنگی، شفافیت و اعتماد متقابل در منطقه تقویت گردد.

بر اساس این طرح

- نشست‌های ماهانه میان ایران و تمامی کشورهای همسایه به میزبانی ایران برگزار خواهد شد تا تحولات منطقه‌ای مورد بررسی قرار گیرد، اطلاعات امنیتی به صورت منظم تبادل شود و زمینه اعتمادسازی فراهم آید.
- در صورت لزوم، از ناظران بین‌المللی از سوی سازمان ملل متحد یا اتحادیه اروپا برای حضور در این نشست‌ها دعوت به عمل خواهد آمد تا شفافیت و بی‌طرفی این سازوکار تضمین شود.

روابط راهبردی فرامنطقه‌ای در دوره گذار

در دوره گذار، دولت گذار سیاست خارجی کشور را بر پایه احترام متقابل، اعتمادسازی بین‌المللی و همکاری عمل‌گرایانه با قدرت‌های جهانی بازتعریف خواهد کرد. هدف اصلی تثبیت اوضاع داخلی، مقابله با تهدیدهای فوری امنیتی و اقتصادی و بازگشت فعال ایران به نظام بین‌المللی است.

ایالات متحده آمریکا

دولت گذار عادی سازی کامل روابط با ایالات متحده را یکی از اولویت‌های اصلی خود قرار خواهد داد. این رابطه تازه باید بر پایه احترام متقابل و منافع مشترک استوار باشد، نه بر مبنای خصومت یا وابستگی.

ایران خواهان ایجاد شراکت راهبردی با ایالات متحده است؛ شراکتی که به لغو کامل تحریم‌ها و ثبات منطقه‌ای یاری رساند و زمینه ادغام دوباره ایران در اقتصاد جهانی را فراهم کند.

نقشه راه سه‌ماهه روابط با ایالات متحده

• هفته نخست

- ارسال نامه‌های رسمی به کاخ سفید، وزارت امور خارجه ایالات متحده و نمایندگی آمریکا در سازمان ملل متحد که شامل موارد زیر خواهد بود:
 - اعلام رسمی پایان جمهوری اسلامی.
 - اعلام آمادگی برای آغاز فوری گفت‌وگو درباره لغو تحریم‌ها و برقراری ثبات منطقه‌ای.
 - تعهد به اجرای کامل پیمان‌ها و اقدامات مرتبط با عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای.
 - دعوت رسمی برای بازگشایی سفارتخانه‌های دو کشور.

• ماه نخست

- ارائه درخواست رسمی برای لغو تحریم‌های اصلی در حوزه‌های بانکی، انرژی و سایر بخش‌های حیاتی.
- صدور بیانیه عمومی در تاکید بر همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شفافیت کامل در فعالیت‌های هسته‌ای.
- پیشنهاد آغاز گفت‌وگوهای دوجانبه و تعیین تیم ویژه مذاکرات برای پیگیری روند جدید روابط.

• ماه دوم تا سوم

- آغاز گفت‌وگوهای فنی درباره سازوکار تدریجی لغو تحریم‌ها.
- تدوین پیش‌نویس توافق‌نامه دوجانبه در حوزه‌های تجارت و سرمایه‌گذاری.
- آغاز مذاکرات برای شکل‌دهی به یک شراکت راهبردی جدید، با الگوگیری از همکاری‌های ایران و آمریکا در دهه ۱۳۵۰.

اسرائیل و چارچوب «پیمان کوروش»

ایران کشور اسرائیل را به‌طور حقوقی-رسمی به رسمیت خواهد شناخت و روند عادی‌سازی روابط را با سرعت آغاز می‌کند. این چرخش راهبردی نقطه پایانی بر ایدئولوژی خصمانه جمهوری اسلامی خواهد بود و مسیر تازه‌ای به سوی امنیت پایدار و همکاری‌های توسعه‌محور منطقه‌ای می‌گشاید.

این دگرگونی منطقه‌ای بر پایه اصول «پیمان کوروش» هدایت خواهد شد. این پیمان، دکترین سیاست خارجی ایران پس از جمهوری اسلامی است که هدف آن عادی‌سازی روابط، ایجاد اعتماد متقابل و گسترش همکاری‌های چندجانبه بر مبنای احترام متقابل و حاکمیت ملی است.

«پیمان کوروش» به‌عنوان سنگ‌بنای رویکرد جدید سیاست خارجی ایران در قبال اسرائیل با محورهای زیر عمل خواهد کرد:

- عادی‌سازی روابط و همزیستی مسالمت‌آمیز با اسرائیل به‌عنوان پایه‌ای برای صلح پایدار در منطقه.
 - همکاری مشترک در مواجهه با چالش‌های منطقه‌ای مانند تروریسم.
 - همگرایی اقتصادی از طریق ایجاد کریدورهای تجاری باز که خلیج فارس را از مسیر عراق، اردن و اسرائیل به مدیترانه متصل می‌کند.
 - دیپلماسی فرهنگی از راه ترویج پلورالیسم، مدارا و همزیستی میان جوامعی که سال‌ها از سیاست‌های فرقه‌گرایانه آسیب دیده‌اند.
- این چارچوب، گذار از دوران خصومت‌محور جمهوری اسلامی به دوره‌ای از روابط سازنده مبتنی بر همکاری نزدیک و شکوفایی متقابل را بازتاب می‌دهد.

نقشه راه سه‌ماهه روابط ایران و اسرائیل

• هفته نخست

- انتشار بیانیه رسمی شامل موارد زیر:
 - به رسمیت شناختن کشور اسرائیل.
 - اعلام پایان سیاست‌های خصمانه جمهوری اسلامی.
 - دعوت به گفت‌وگوی مستقیم در چارچوب «پیمان کوروش».

• ماه نخست

- ایجاد کانال ارتباطی رسمی برای آغاز مشورت‌ها و هماهنگی‌های اولیه.
- شروع گفت‌وگوها در محورهای زیر:
 - بازگشایی سفارتخانه‌های دو کشور.
 - همکاری مشترک برای خنثی‌سازی اقدامات خرابکارانه بقایای رژیم جمهوری اسلامی.
 - توسعه همکاری در حوزه‌های فناوری، کشاورزی، امنیت آبی، امنیت سایبری و انرژی.
 - تعهد متقابل به خودداری از هرگونه اقدام یک‌جانبه یا بدون هماهنگی.

• ماه دوم تا سوم

- امضای پیش‌نویس تفاهم‌نامه همکاری راهبردی میان دو کشور.
- آغاز برنامه‌های آموزشی و نهادی در حوزه‌های امنیتی که شامل موارد زیر خواهد بود:

- انتقال دانش و تجربیات فنی به نیروهای انتظامی، اطلاعاتی و مرزبانی ایران.
- گسترش همکاری‌های سایبری، اطلاعاتی و قضایی با هدف ارتقای توانمندی‌های مشترک.

اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در دوره گذار و بازسازی، یکی از مهم‌ترین شرکای ایران خواهد بود. دولت گذار به دنبال ایجاد شراکتی چندبُعدی با اتحادیه اروپا است که حوزه‌های تجارت، سرمایه‌گذاری، امنیت، و همکاری‌های بشردوستانه (از جمله مدیریت پناهندگان و مهاجرت) را در برگیرد.

نقشه‌راه سه‌ماهه

• هفته نخست

- ارسال پیام‌های رسمی به شورای اتحادیه اروپا، کمیسیون اروپا و پارلمان اروپا شامل موارد زیر:
 - اعلام پایان رژیم جمهوری اسلامی.
 - پیشنهاد همکاری در زمینه چالش‌های امنیتی مشترک.
 - آزادی فوری تمامی شهروندان اروپایی که به‌طور ناعادلانه در بازداشت هستند.

• ماه نخست

- درخواست رسمی برای لغو تحریم‌ها، به‌ویژه در حوزه‌های بانکی، انرژی و حمل‌ونقل.
- دعوت از هیئت رسمی اتحادیه اروپا برای سفر به تهران برای گفت‌وگو با مقامات دولت گذار.
- آغاز مذاکرات درباره سرمایه‌گذاری اضطراری در زیرساخت‌های حیاتی کشور.

• ماه دوم تا سوم

- تشکیل کارگروه مشترک میان ایران و اتحادیه اروپا با مأموریت‌های زیر:
 - بازسازی روابط بانکی و مالی، از جمله بازگشت ایران به نظام پیام‌رسان مالی «سوئیفت».
 - جذب سرمایه‌گذاری اروپایی در حوزه‌های انرژی، حمل‌ونقل و صنایع پیشرفته.

چین و روسیه

ایران جایگاه چین و روسیه را در نظام بین‌الملل به‌خوبی درک می‌کند و دولت گذار به دنبال برقراری روابطی سازنده، متوازن و شفاف با هر دو کشور خواهد بود.

اصول بنیادین این همکاری‌ها عبارت‌اند از

- تداوم همکاری‌های اقتصادی و فناورانه.

- بازنگری کامل در تمامی توافق‌های مبهم یا فاقد شفافیت و روشن‌سازی مفاد آن‌ها در چارچوب منافع ملی ایران.
- گذار از وابستگی ژئوپلیتیکی به‌سوی شراکت متقابل و سودمند بر پایه احترام، شفافیت و منافع مشترک.

نقشه‌راه سه‌ماهه

• ماه نخست

- تشکیل کمیته بررسی قراردادهای استراتژیک مانند:
 - توافق ۲۵ ساله با چین.
 - توافق جامع راهبردی ایران و روسیه.
- دعوت از شرکت‌های منتخب چینی و روس برای سرمایه‌گذاری شفاف.

• ماه دوم تا سوم

- تدوین چارچوب جدید همکاری اقتصادی و دفاعی.
- تعیین مرز شفاف همکاری و تفاهم مبنی بر عدم مداخله سیاسی و امنیتی متقابل.
- امضای «بیانیه اصول روابط مستقل و متقابل».

هند، ژاپن و کره جنوبی

هند، ژاپن و کره جنوبی به‌عنوان قدرت‌های دموکراتیک و پیشرفته شرق آسیا، از شرکای اصلی ایران در حوزه‌های انرژی، فناوری، توسعه پایدار و امنیت دریایی خواهند بود.

نقشه راه سه‌ماهه

• هند

- ازسرگیری پروژه بندر چابهار و تبدیل آن به مرکز تجاری جنوب‌شرقی ایران.
- احیای صادرات بلندمدت نفت خام ایران به بازار روبه‌رشد هند.

• ژاپن

- دعوت از ژاپن برای مشارکت در پروژه‌های بهداشتی، انرژی پاک و بازسازی زیرساخت‌ها.
- بازگرداندن و بازسازی نقش ایران به‌عنوان تامین‌کننده پایدار نفت و گاز طبیعی برای پالایشگاه‌های ژاپنی.

• کره جنوبی

- حل مسئله دارایی‌های بلوکه‌شده ایران در بانک‌های کره‌ای.
- عادی‌سازی روابط بانکی و کانال‌های تجاری.

- ازسرگیری صادرات نفت خام و میعانات گازی به‌عنوان پایه‌ای برای همکاری گسترده‌تر در زمینه فناوری و امنیت دریایی.

نقش ژئواکونومیک ایران

- ایران جایگاه خود را به‌عنوان یک مرکز ژئواکونومیک منطقه‌ای و پیونددهنده خلیج فارس و اقیانوس هند با شرق آسیا بازتعریف خواهد کرد.
- صادرات انرژی به هند، ژاپن و کره جنوبی ستون اصلی این شراکت‌های بلندمدت خواهد بود و با همکاری در حوزه‌های فناوری، تجارت و توسعه پایدار تکمیل می‌شود.
- این همگرایی ثبات جریان انرژی، امنیت مسیرهای دریایی و بازگشت ایران را به جایگاه تامین‌کننده‌ای قابل اعتماد برای دموکراسی‌های آسیایی تضمین خواهد کرد.

نهادهای بین‌المللی

ایران بلافاصله تعامل فراگیر خود را با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی از سر خواهد گرفت. در صدر این تلاش‌ها، همکاری کامل و شفاف با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) قرار دارد.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)

● هفته نخست

- ارسال نامه رسمی به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر:
 - اعلام آمادگی برای انجام بازرسی‌های نامحدود در تمام تاسیسات هسته‌ای کشور.
 - تعهد به شفافیت کامل و همکاری همه‌جانبه با آژانس.

● ماه نخست

- استقبال از حضور بازرسان آژانس برای آغاز ارزیابی‌های میدانی.
- تدوین نقشه راه فنی برای حل‌وفصل تمامی مسائل باقی‌مانده در پرونده هسته‌ای ایران.
- تعهد رسمی به اجرای «پروتکل الحاقی» و پایبندی کامل به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT).

● ماه دوم تا سوم

- تسهیل انتشار گزارش مقدماتی مثبت از سوی آژانس درباره همکاری ایران.
- استفاده از این همکاری برای تسریع در روند لغو تحریم‌های مرتبط با پرونده هسته‌ای.

سایر نهادهای بین‌المللی

• هفته نخست

- اطلاع‌رسانی رسمی به صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی درباره تشکیل دولت گذار و اعلام قصد حفظ و گسترش همکاری‌ها به‌عنوان حاکمیت جدید کشور.

• ماه نخست

- آغاز گفت‌وگو با دو نهاد برای دریافت کمک‌های فنی و مالی به‌منظور تثبیت اقتصادی، اصلاح نظام مالی عمومی و بازسازی خدمات حیاتی.
- تشکیل کارگروه‌های مشترک در حوزه‌های حکمرانی، بهداشت عمومی و آموزش.

• ماه دوم تا سوم

- تامین منابع مالی اضطراری برای بازسازی خدمات عمومی حیاتی کشور.
- بازگشت فعال ایران به طرح‌ها و ابتکارات جهانی در حوزه توسعه و تجارت.
- مذاکره و نهایی‌سازی بسته‌های مالی اضطراری برای بازسازی زیرساخت‌های اساسی و خدمات عمومی.
- ایجاد زمینه‌های لازم برای ازسرگیری تعامل با ابتکارات جهانی توسعه و تجارت.

نقش ایران در نظم منطقه‌ای و چارچوب‌های همکاری چندجانبه

در دوره گذار ایران باید نقش خود را به‌عنوان محور ثبات منطقه‌ای بازتعریف و تحکیم کند. با اتخاذ سیاست خارجی غیرایدئولوژیک، دولت گذار در پی پایان دادن به انزوای بین‌المللی کشور و مشارکت فعال در شکل‌دهی به ساختار جدید امنیتی و اقتصادی منطقه خواهد بود.

سیاست منطقه‌ای ایران در این دوره بر سه حوزه جغرافیایی راهبردی متمرکز خواهد بود:

- خلیج فارس و شبه‌جزیره عربستان.
- منطقه شام و عراق.
- آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی.

خلیج فارس و شبه‌جزیره عربستان

هدف راهبردی

ایران خواهان بازسازی روابط خود با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، پایان دادن به رقابت‌های فرقه‌ای و ایدئولوژیک، و ایجاد چارچوبی منطقه‌ای برای همکاری در حوزه‌های امنیت، انرژی و ترانزیت دریایی خواهد بود.

اقدامات و زمان‌بندی

• هفته نخست

- دولت گذار ایران نامه‌های رسمی دیپلماتیک به تمامی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس ارسال خواهد کرد که در آن موارد زیر را مورد تاکید قرار می‌دهد:
 - تعهد به اصول حسن همجواری و عدم مداخله در امور داخلی کشورها.
 - احترام کامل به تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی کشورهای عربی منطقه.
 - دعوت به آغاز گفت‌وگوهای منطقه‌ای در زمینه امنیت، اقتصاد و همکاری‌های متقابل.

• ماه نخست

- انجام سفرهای رسمی یا اعزام نمایندگان ویژه به پایتخت‌های ریاض، ابوظبی، دوحه، کویت، منامه و مسقط.
- آغاز مذاکرات دوجانبه در محورهای زیر:
 - امنیت دریایی و حفاظت از مسیرهای کشتیرانی.
 - همکاری در زمینه کریدورهای انرژی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک.
 - همکاری برای مقابله با افراط‌گرایی و خشونت مذهبی.

• ماه دوم تا سوم

- ارائه پیشنهاد تشکیل سازوکاری چندجانبه با حضور ایران، شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس و ناظران بین‌المللی از سازمان ملل متحد یا اتحادیه اروپا.
- پیشبرد روند تشکیل کمیسیون مشترک انرژی و امنیت دریایی برای مدیریت بحران‌ها و تضمین ثبات در تنگه هرمز.

منطقه شام و عراق

هدف راهبردی

ایران در دوره گذار، سیاست‌های مداخله‌گرایانه جمهوری اسلامی در منطقه شام و عراق را کنار می‌گذارد و به جای آن، همکاری در دیپلماسی بازرگانی و صلح و مدیریت مشترک بحران‌های مهاجرت، تروریسم و قاچاق مواد مخدر را در پیش می‌گیرد.

اقدامات و زمان‌بندی

• هفته نخست

- ارسال پیام‌های رسمی به دولت‌های سوریه، لبنان، اردن و عراق با محتوای زیر:
 - اعلام قطع کامل هرگونه حمایت از گروه‌های نیابتی.
 - تاکید بر احترام به حاکمیت ملی و استقلال سیاسی کشورها.

■ اعلام آمادگی برای همکاری در زمینه تجارت و تامین امنیت مرزها.

● ماه نخست تا سوم

- آغاز گفت‌وگوهای دوجانبه با دولت‌های یادشده با تمرکز بر محورهای زیر:
 - قطع کامل هرگونه حمایت از عناصر شبه‌نظامی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
 - حفظ روابط دیپلماتیک و امنیتی با دولت‌های رسمی.
 - تعمیق همکاری‌ها در حوزه‌های اقتصادی، دیپلماتیک، امنیتی و فرهنگی.
 - همکاری در زمینه مقابله با تروریسم و مبارزه با قاچاق مواد مخدر.
 - تقویت مدیریت و کنترل مرزها.

آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی

هدف راهبردی

ایران خواهان آن است که با گسترش همکاری در زمینه‌های ترانزیت، انرژی و امنیت مرزی و با تکیه بر پیوندهای فرهنگی و تاریخی خود با جوامع فارسی‌زبان، نقش خود را به‌عنوان حلقه اتصال ژئوپلیتیکی و اقتصادی میان خاورمیانه، روسیه، چین و آسیای مرکزی تقویت کند.

اقدامات و زمان‌بندی

● هفته نخست

ارسال پیام‌های رسمی به دولت‌های ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، جمهوری آذربایجان، گرجستان و ارمنستان با محورهای زیر:

- اعلام آمادگی ایران برای گسترش روابط اقتصادی و ترانزیتی.
- دعوت به همکاری مشترک در تامین امنیت مرزها و مقابله با قاچاق و افراط‌گرایی.

● ماه نخست

آغاز گفت‌وگوهای دوجانبه با کشورهای یادشده با تمرکز بر موارد زیر:

- فعال‌سازی کریدورهای اصلی حمل‌ونقل از جمله کریدور بین‌المللی شمال-جنوب و خط آهن سرخس-بندرعباس.
- گسترش صادرات برق، گاز و خدمات فنی و مهندسی.
- آغاز رایزنی‌های سه‌جانبه میان ایران، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان برای هماهنگی در حوزه ترانزیت و انرژی.

● ماه دوم تا سوم

- اعلام آمادگی ایران برای ایفای نقش فعال‌تر در سازمان همکاری اقتصادی (ا.ک.و).

○ مشارکت در طرح‌های منطقه‌ای اتصال ریلی و جاده‌ای با هدف تقویت پیوندهای اقتصادی و تجاری منطقه.

پیشنهاد سازوکار فراگیر منطقه‌ای

سازوکار پیشنهادی: «طرح گذار و ثبات منطقه‌ای ایران»

مؤلفه	شرح
هدف	جلوگیری از مداخله خارجی، کاهش تنش‌ها، تثبیت مرزها.
اعضا	ایران و کشورهای همسایه (ترکیه، عراق، پاکستان، افغانستان، کشورهای حاشیه خلیج فارس و غیره).
حمایت	نظارت سازمان ملل، اتحادیه اروپا و نهادهای منطقه‌ای.
سازوکار	جلسات ماهانه، مرکز هماهنگی امنیت مرزی، تبادل اطلاعات ضدتروریسم.
پیام	ایران خواهان صلح، ثبات و نقشی فعال در همکاری منطقه‌ای بر پایه منافع ملی و احترام متقابل است.

طرح اضطراری بازسازی وزارت امور خارجه در دوره گذار

در روزهای نخست دوره گذار، وزارت امور خارجه باید به‌طور کامل تحت کنترل سیاسی، اداری و راهبردی دولت گذار قرار گیرد. هدف اصلی، بازگرداندن ارتباطات بین‌المللی کشور، جلوگیری از ایجاد خلأ دیپلماتیک و آغاز بازسازی نهادی وزارتخانه بر پایه منافع ملی و دیپلماسی حرفه‌ای است.

اهداف اصلی

- در دست گرفتن فوری کنترل شبکه دیپلماتیک جمهوری اسلامی.
- انتصاب نمایندگان موقت در کشورهای کلیدی و نهادهای بین‌المللی.
- تداوم بی‌وقفه فعالیت سفارتخانه‌ها و خدمات کنسولی.
- آغاز فرایند ارزیابی و گزینش دیپلمات‌ها بر پایه شایستگی و وفاداری به دولت جدید.

برنامه اقدام چهارده روز نخست

- هفته نخست: اعلام رسمی از سوی دولت گذار
 - اعلام رسمی پایان سیاست خارجی ایدئولوژیک.
 - صدور دستورالعمل به تمامی سفارتخانه‌ها با تاکید بر موارد زیر:
 - حفظ نظم اداری و جلوگیری از هرگونه رهاسازی یا نابودی اسناد رسمی.

■ ممنوعیت صدور هرگونه بیانیه یا موضع‌گیری سیاسی مستقل از دولت گذار.

● **هفته دوم: انتصاب نمایندگان ویژه موقت در کشورهای کلیدی و نهادهای بین‌المللی**

با توجه به فوریت برخی روابط، دولت گذار بلافاصله سفرای جمهوری اسلامی در کشورهای کلیدی را برکنار کرده و نمایندگان ویژه موقت منصوب می‌کند تا:

- پیام رسمی تغییر نظام سیاسی را به دولت‌های میزبان ابلاغ کنند.
- کانال‌های جدید ارتباط دیپلماتیک را فعال و گسترش دهند.

فهرست کشورها و نهادهای کلیدی، اقدامات دولت گذار و ماموریت نمایندگان ویژه

کشور / نهاد	اقدام دولت گذار	ماموریت نماینده ویژه موقت
ایالات متحده (واشنگتن دی‌سی و سازمان ملل متحد)	برکناری نماینده فعلی و اعزام فرستاده ویژه موقت	اعلام رسمی تغییر نظام سیاسی و آغاز گفت‌وگوهای دیپلماتیک با دولت آمریکا و نمایندگی این کشور در سازمان ملل متحد.
بریتانیا	برکناری سفیر فعلی و انتصاب فرستاده ویژه موقت	حفظ ارتباط با وزارت خارجه بریتانیا، بررسی پرونده‌های مالی و حقوقی و هماهنگی در زمینه لغو تحریم‌ها.
فرانسه	برکناری سفیر فعلی و انتصاب فرستاده ویژه موقت	بازسازی روابط با کاخ الیزه، جلب حمایت اتحادیه اروپا در روند لغو تحریم‌ها و بررسی پروژه‌های مشترک سرمایه‌گذاری.
آلمان	برکناری سفیر فعلی و انتصاب فرستاده ویژه موقت	از سرگیری روابط با دفتر صدراعظم، ترغیب اتحادیه اروپا به اتخاذ سیاست اقتصادی انبساطی و سیاست تجاری آزاد در قبال ایران و گسترش همکاری‌های فناورانه و سرمایه‌گذاری.
چین	برکناری سفیر فعلی و اعزام فرستاده ویژه موقت	بازتنظیم روابط دوجانبه، گسترش گفت‌وگوهای تجاری و پیگیری پروژه‌های مشترک سرمایه‌گذاری.
روسیه	برکناری سفیر فعلی و اعزام فرستاده ویژه موقت	بازتنظیم روابط سیاسی، مدیریت گفت‌وگوهای امنیتی و شناسایی حوزه‌های جدید همکاری.
بلژیک (نهادهای اتحادیه اروپا)	برکناری سفیر فعلی و اعزام فرستاده ویژه به نهادهای اتحادیه اروپا	بازتعریف روابط ایران و اتحادیه اروپا و آغاز گفت‌وگوهای جدید سیاسی و اقتصادی.
اتریش و سوئیس (آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان ملل متحد)	برکناری سفرای فعلی و اعزام فرستادگان ویژه موقت به نهادهای وابسته به سازمان ملل	بازتنظیم روابط، تقویت همکاری‌ها و جلب حمایت و پشتیبانی فنی از نهادهای کلیدی سازمان ملل (از جمله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی) که برای موفقیت دوره گذار ضروری است.
اسرائیل	انتصاب فرستاده ویژه موقت	برقراری روابط دیپلماتیک رسمی، آغاز همکاری‌های راهبردی در حوزه امنیت و تبادل اطلاعات.

تعیین وضعیت بقیه سفارت‌ها و غربال‌گری دیپلمات‌ها

درباره سایر سفرا و کارکنان نمایندگی‌ها:

- در صورتی که فاقد وابستگی به ساختارهای اطلاعاتی، امنیتی یا ایدئولوژیک جمهوری اسلامی باشند، می‌توانند با تایید رئیس دولت گذار، فعلاً و تا اطلاع بعدی به کار خود ادامه دهند.
- در مواردی که سفیر یا دیپلمات ارشد مشکوک به وابستگی ایدئولوژیک یا امنیتی باشد، فوراً مسئولیت به یک نیروی بوروکرات سفارت منتقل شود تا دستورالعمل‌های بعدی ابلاغ شود.
- در تمام موارد، عملکرد نمایندگی باید از طریق دفتر مرکزی در تهران تحت رصد قرار گیرد.

تداوم خدمات کنسولی و حمایت از شهروندان ایرانی

به‌منظور جلوگیری از اختلال در ارائه خدمات به شهروندان ایرانی خارج از کشور، دولت گذار مجموعه اقدامات فوری زیر را در دستور کار قرار می‌دهد:

- تشکیل «کارگروه اضطراری کنسولی» در وزارت امور خارجه برای مدیریت و هماهنگی خدمات شهروندی در سراسر شبکه دیپلماتیک.
- صدور دستورالعمل فوری به تمامی سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها مبنی بر تداوم خدمات زیر:
 - صدور گذرنامه و روادید.
 - تایید و صدور اسناد رسمی.
 - ارائه خدمات اضطراری به ایرانیان مقیم خارج از کشور.
 - ارائه مشاوره و راهنمایی در زمینه‌های مهاجرت، اقامت، ازدواج، تولد و فوت.
 - ممنوعیت هرگونه رفتار تبعیض‌آمیز یا امنیتی در رسیدگی به امور شهروندان.
 - ارائه حمایت و تسهیلات فوری برای افراد دارای وضعیت خاص، از جمله ایرانیان نسل دوم فاقد گذرنامه یا تابعیت ایرانی.

ایجاد مقام «نماینده ویژه در امور ایرانیان خارج از کشور»

دولت گذار جامعه ایرانیان خارج از کشور را یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های ملی برای بازسازی ایران و بازگشت آن به جامعه جهانی می‌داند. میلیون‌ها ایرانی در سراسر جهان در عرصه‌های علم، اقتصاد، فرهنگ و فعالیت‌های مدنی نقش‌آفرینی می‌کنند و به‌دلیل دانش، تجربه و جایگاه خود می‌توانند نقشی اساسی در دوران گذار و نوسازی کشور ایفا کنند.

به‌منظور سازمان‌دهی و نهادینه‌سازی این ارتباط، دولت گذار نماینده ویژه در امور ایرانیان خارج از کشور منصوب خواهد کرد تا به‌عنوان پل ارتباطی میان دولت گذار و جامعه ایرانیان در خارج از کشور عمل کند.

وظایف و ماموریت‌های نماینده ویژه عبارت‌اند از:

- **بسیج اقتصادی و فنی ایرانیان خارج از کشور:** تسهیل سرمایه‌گذاری، کارآفرینی و انتقال دانش فنی از سوی ایرانیان مقیم خارج برای تسریع در روند بازسازی، صنعتی‌سازی و مدرن‌سازی کشور.
- **ارتباط و تعامل با جامعه ایرانیان مهاجر:** برقراری گفت‌وگوی مستمر با سازمان‌ها، نهادهای فرهنگی و شبکه‌های مدنی ایرانیان خارج از کشور به منظور اطمینان از مشارکت و نمایندگی دیدگاه‌های آنان در روند گذار سیاسی و بازسازی ملی.
- **حمایت از نیازها و مسائل ایرانیان خارج از کشور:** رسیدگی به امور کنسولی، صدور و تمدید گذرنامه و روادید، تایید اسناد رسمی و مسائل تابعیت از طریق همکاری نزدیک با سفارتخانه‌ها و کارگروه اضطراری کنسولی وزارت امور خارجه.
- **حمایت‌های بشردوستانه و اجتماعی:** استفاده از ظرفیت شبکه‌های ایرانیان خارج از کشور برای گسترش کمک‌های بشردوستانه، خدمات درمانی و فرصت‌های آموزشی در داخل ایران.
- **دیپلماسی عمومی و تبادلات فرهنگی:** ترویج همکاری‌های فرهنگی، دانشگاهی و علمی میان ایرانیان خارج از کشور و نهادهای داخلی، به منظور بازنمایی چهره‌ای نو از ایران؛ کشوری با درهای باز، مسئول و متعهد به همکاری جهانی.

ساختار اضطراری وزارت خارجه در دوره گذار

اصل راهبردی

وزارت خارجه نباید دچار از هم پاشیدگی شود، بلکه باید به سرعت از کنترل ایدئولوژیک خارج شده و بر مدار حرفه‌ای‌گری، ملی‌گرایی و تعامل مسئولانه با جهان بازسازی شود. این روند با ثبات فوری، غربال‌گری منصفانه و بازآموزی حرفه‌ای آغاز خواهد شد.

حوزه	اقدام پیشنهادی	توضیح
رهبری	تعیین سرپرست موقت	با سابقه دیپلماسی، غیرایدئولوژیک و ملی‌گرا
اداری	تشکیل «کمیته غربال‌گری دیپلمات‌ها»	بررسی سابقه وابستگی و عملکرد کارکنان
آموزشی	راه‌اندازی «مرکز بازآموزی دیپلماتیک»	تطبیق دیپلمات‌ها با سیاست خارجی جدید
رسانه‌ای	تشکیل «واحد شفافیت دیپلماتیک»	انتشار گزارش‌های ارتباطات خارجی
روابط منطقه‌ای	ایجاد «ستاد هماهنگی با کشورهای همسایه»	هماهنگی امنیتی و مرزی از طریق دیپلماسی فعال

طرح تشکیل «کارگروه ویژه دیپلماسی اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی»

هدف کلان

ایجاد یک سازوکار بین‌بخشی و حرفه‌ای در وزارت خارجه برای هدایت، تسهیل و تسریع روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی از طریق دیپلماسی اقتصادی فعال و هماهنگی کامل با تیم اقتصادی دولت گذار.

ضرورت راه‌اندازی کارگروه

- نیاز فوری به بازسازی اقتصادی ایران و تامین منابع خارجی.
- تبدیل وزارت خارجه به بازیگر فعال در توسعه اقتصادی هم‌زمان با انجام وظایف دیپلماتیک و نمایندگی رسمی.
- رقابت منطقه‌ای فشرده برای جذب سرمایه‌گذار.
- فرصت‌های گسترده ایران در انرژی، ترانزیت، صنعت، کشاورزی و فناوری.
- نیاز به دیپلماسی اقتصادی هدفمند و بین‌المللی‌سازی فرصت‌ها.

ساختار پیشنهادی کارگروه

بخش	وظایف
دبیرخانه مرکزی	برنامه‌ریزی کلان، هماهنگی با تیم اقتصادی دولت، نظارت بر کارکرد دفاتر سفارتی.
بخش جذب سرمایه‌گذاری دولتی	رایزنی با دولت‌ها، صندوق‌های توسعه، بانک‌های چندجانبه مانند IMF، WB، ADB.
بخش همکاری با شرکت‌ها	تعامل با شرکت‌های چندملیتی، SMEها، کارآفرینان جهانی.
بخش دیپلماسی اقتصادی عمومی	طراحی پیام‌های اقتصادی ایران، کمپین‌های رسانه‌ای، تولید محتوای بین‌المللی.
بخش برنامه‌ریزی رویدادها	برگزاری کنفرانس‌ها، نمایشگاه‌ها، نشست‌های سرمایه‌گذاری، هفته اقتصادی ایران.
بخش بین‌المللی‌سازی فرصت‌ها	حضور فعال در سمپوزیوم‌ها و کنفرانس‌های اقتصادی خارجی، برگزاری ورکشاپ‌های اقتصادی در کشورهای هدف، معرفی پروژه‌ها و فرصت‌های ایران در خارج از کشور.

ماموریت‌ها و اقدامات کلیدی

کوتاه‌مدت (۳ تا ۶ ماه نخست)

- تدوین یک نقشه‌راه جامع برای تقویت دیپلماسی اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) با هماهنگی و همکاری منسجم نهادهای دولتی مربوطه.

- تهیه و انتشار «کتابچه فرصت‌های اقتصادی ایران» به شش زبان رسمی سازمان ملل متحد (انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، عربی، چینی و روسی) و همچنین به زبان آلمانی و در صورت لزوم به سایر زبان‌ها.
- راه‌اندازی پلتفرم آنلاین سرمایه‌گذاری در ایران با زبان‌های متعدد.
- حضور در حداقل سه کنفرانس اقتصادی جهانی (داووس، GITEX، JETRO، OECD یا مشابه).
- برگزاری ورکشاپ معرفی فرصت‌های اقتصادی ایران در کشورهای کلیدی.

میان‌مدت (۶ تا ۱۸ ماه)

- ایجاد رایزنان اقتصادی در ۲۰ سفارت کلیدی.
- برگزاری سالانه «کنفرانس بین‌المللی اقتصاد ایران نوین» در تهران یا کشوری دیگر.

اصول کلیدی

- اصل شفافیت و ضدفساد در معرفی و جذب سرمایه‌گذاری.
- تسهیل خروج آزاد سرمایه و امنیت حقوق مالکیت.
- تمرکز بر پروژه‌های اشتغال‌زا و صادرات‌محور.
- تعامل هدفمند و غیرایدئولوژیک با تمامی قدرت‌ها و بازارها.

نهاد هماهنگ‌کننده

- دفتر دیپلماسی اقتصادی.
- تحت معاونت ویژه اقتصادی وزارت امور خارجه.
- با مشارکت نمایندگان وزارت اقتصاد، نفت، صنعت، بانک مرکزی، اتاق بازرگانی و دفتر رئیس دولت گذار.

این صفحه عمدتاً سفید گذاشته شده است.

کارکردهای اصلی و ضروری دولت: تداوم خدمات، فعالیت‌ها

و انجام وظایف

اسفند ۲۵۸۴

در این سپیدنامه به چارچوب عملیاتی حفظ عملکردهای اساسی در ۱۸۰ روز نخست پرداخته خواهد شد. همچنین وظایف اساسی، قواعد اولویت‌بندی در شرایط حساس و سازوکار حکمرانی برای تخصیص میان‌بخشی و اجرای استاندارد در سطح استان‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت. هرکدام از این موارد به تفصیل در بخش‌های بعدی تعریف شده‌اند.

اهداف

نخستین وظیفه دولت گذار تضمین تداوم بی‌وقفه عملکرد دولت است. این سپیدنامه، وظایفی اساسی را که به‌طور مستقیم بر زندگی روزمره و اعتماد عمومی موثر هستند، خلاصه می‌کند. همچنین قواعد اولویت‌بندی در ۱۸۰ روز نخست بررسی خواهد شد. جزئیات عملیاتی در سپیدنامه‌های مرتبط (انرژی، آب، بهداشت و درمان، دارایی‌های ملی، و نظامی و امنیتی) ارائه شده‌اند.

آنچه باید حفظ شود

- حفظ دسترسی سراسری به خدمات حیاتی، با اولویت حفاظت از جان انسان‌ها و تامین مصارف ضروری و حیاتی.
- صیانت از امنیت عمومی و نظم پایه، هم‌زمان با کاهش شایعه‌پراکنی، احتکار و جلوگیری از روی آوردن دولت به ابزار قهری.
- تداوم مشارکت اقتصادی ضروری و حفاظت از ظرفیت‌های تولیدی حیاتی.
- حفظ نیروی انسانی کلیدی و صیانت از دانش نهادی لازم برای اداره کشور.

حکمرانی و هماهنگی

دولت گذار برای هر بخش، مرجع موقت قدرت تعیین خواهد کرد. این مراجع قدرت، اولویت‌های ملی را تعیین می‌کنند و در مورد تخصیص منابع میان بخش‌های مختلف در شرایط کمبود تصمیم‌گیری می‌کنند. همچنین این مراجع با استقرار نظام گزارش‌دهی استاندارد و تعریف مسیرهای ارجاع سریع، از اجرای یکپارچه و هماهنگ در سطح استان اطمینان حاصل خواهند کرد. اطلاع‌رسانی عمومی بر پایه روالی منظم و پیش‌بینی‌پذیر، با تمرکز بر اولویت‌های خدماتی، سازوکارهای گزارش‌دهی، و رسیدگی به انحراف منابع و گران‌فروشی انجام خواهد شد.

وظایف حیاتی

در ۱۸۰ روز نخست وظایف زیر باید در سراسر کشور فعال و عملیاتی باقی بمانند و در شرایط کمبود، تخصیص منابع به آن‌ها در اولویت قرار گیرد:

- تامین و توزیع مواد غذایی.
- زنجیره‌های تامین حیاتی.
- حمل‌ونقل و لجستیک.
- خدمات زیربنایی (آب، برق، گاز و ارتباطات).
- خدمات بهداشت و سلامت عمومی.
- خدمات اضطراری، مدیریت شهری، و نظم عمومی.
- تداوم فعالیت کارکنان و محافظت از دانش سازمانی.

اقدامات بر اساس افق زمانی

از ساعت صفر تا ساعت ۷۲ (تثبیت فوری)

۷۲ ساعت نخست لحن و مسیر دوره انتقال را تعیین می‌کند. تداوم ملموس در تامین غذا، سوخت، برق و خدمات اورژانسی سریع‌ترین راه برای کاهش اضطراب عمومی و پیشگیری از ناآرامی است.

- **ایمن‌سازی شبکه‌های حیاتی تداوم:** مخازن سوخت، ذخایر غله و انبارها، مرزها و نقاط ورودی، بیمارستان‌های اصلی، تصفیه‌خانه‌های آب، مراکز تولید انرژی و کنترل خدمات زیربنایی، مراکز مخابراتی و کریدورهای کلیدی لجستیک.
- **تثبیت عملیات خدمات حیاتی:** اولویت‌بندی و رسیدگی به قطعی‌های بحران‌زا، تمرکز بر تعمیراتی که ظرفیت کل سامانه را بازی‌گرداند و طراحی مسیر اضطراری برای کالاهایی که در اولویت‌اند.
- **صدور دستورالعمل کوتاه تداوم برای عموم:** اعلام بخش‌های فعال و اولویت‌های آن‌ها، معرفی مجاری ثبت و گزارش اختلالات و سوءاستفاده‌ها، و تشریح سازوکار برخورد با گران‌فروشی و انحراف منابع.

روزهای ۳ تا ۳۰ (تثبیت و تریاژ)

- **ارزیابی ملی قابلیت دسترسی:** غذا، دارو، سوخت و قطعات یدکی؛ با شناسایی وابستگی‌های وارداتی و گلوگاه‌هایی که به تامین اضطراری یا حفاظت کریدورها نیاز دارند.
- **وضعیت تداوم خدمات زیربنایی:** اجرای اولویت‌بندی مصارف حیاتی و مراکز ضروری، همراه با تدابیر اضطراری؛ اطلاع‌رسانی شفاف درباره قواعد مدیریت خدمات برای حفظ همکاری عمومی.

- **وضعیت تداوم سلامت:** حفاظت از ظرفیت‌های اورژانسی، اجرای تامین و توزیع داروهای ضروری و استقرار پروتکل‌های افزایش ظرفیت در مواجهه با کمبودها و شیوع‌ها.
- **تداوم خدمات عمومی:** حفاظت از پاسخ اضطراری و کارکردهای شهری؛ در مواردی که تهدید معتبر، ارباب، یا اخلال سازمان‌یافته بر کارکنان اثر می‌گذارد، برنامه‌های جایگزین نیروی انسانی، تدابیر حفاظتی، و سازوکارهای ارجاع فوری اجرا شود.

روزهای ۳۱ تا ۱۸۰ (تداوم عملیاتی و نهادینه‌سازی)

- **گذار از اقدامات اضطراری به عملیات تکرارپذیر:** قراردادهای، انبارداری، چرخه‌های نگهداری، خطوط تامین نیروی انسانی مطمئن و اجرای استاندارد در سطح استان‌ها.
- **صیانت از دانش نهادی:** ایمن‌سازی و دیجیتال‌سازی رویه‌های عملیاتی حیاتی، اسناد و سوابق، حفظ اپراتورهای باتجربه برای آموزش جانشینان و تثبیت فرآیند تحویل و تحول.
- **تقویت ظرفیت توزیع محلی:** بهبود عملکرد استانی در چارچوب استانداردهای ملی، پاسخ‌گویی و شفافیت.

این صفحه عمدتاً سفید گذاشته شده است.

اقتصاد کلان: مدیریت ریسک‌های مالی و پولی

اصفند ۲۵۸۴

سپیدنامه تثبیت کلان اقتصادی و مالی، راهبردهای محوری برای احیای عملکرد اقتصادی ایران در طول دوره گذار را ترسیم می‌کند. تمرکز این بخش بر اعمال مجدد کنترل بر نهادهای بودجه‌ای، تثبیت نظام بانکی و چارچوب پولی، و بازسازی سلامت و تثبیت بازارهای مالی است. این تلاش‌ها برای جلوگیری از فروپاشی اقتصادی، حفظ ثبات مالی و پولی، مراقبت از سطح مصرف و سرمایه‌گذاری، و پی‌ریزی بنیانی برای اصلاحات معتبر و بازسازی بلندمدت، حیاتی هستند.

این سپیدنامه در سه حوزه‌ی به‌هم‌پیوسته، سیاست‌گذاری مالی، تثبیت سیستم بانکی و پول و بازاندیشی بازارهای مالی تدوین شده است. هرچند هر یک از این حوزه‌ها به ملاحظات هدفمند خاص خود نیاز دارند، همگی یک هدف مشترک را دنبال می‌کنند. هدف آن‌ها بازگرداندن اعتماد عمومی و اعتماد سرمایه‌گذاران به توانایی دولت در مدیریت اقتصاد است. زیربخش‌های پیش‌رو اهداف روشن، اولویت‌ها و اقدامات اجرایی را مشخص می‌کنند و در کنار آن، سازوکارهای نظارتی برای تضمین اجرای مؤثر و پاسخ‌گویی ارائه می‌دهند.

نکته قابل توجه این است که بانک مرکزی ایران در دوره گذار دو نقش مهم و متمایز ایفا می‌کند که اهمیت ویژه‌ای دارند. نخست، به‌عنوان مرجع پولی کشور، بانک مرکزی مسئول اجرای سیاست پولی، کنترل تورم، تثبیت نرخ ارز و نظارت بر نظام بانکی است. دوم، بانک مرکزی به‌عنوان عامل مالی و دارنده حساب خزانه عمل می‌کند و وظیفه‌ی پردازش پرداخت‌های دولتی، پرداخت یارانه‌ها و مستمری‌ها، و حفظ جریان عملیاتی هزینه‌های عمومی را بر عهده دارد؛ نقشی که در اقتصادهای پیشرفته کمتر دیده می‌شود. این نقش دوگانه بدان معناست که کنترل و مدیریت بانک مرکزی نه تنها برای ثبات بخشی کلان اقتصادی حیاتی است، بلکه برای تداوم کارکردهای پایه‌ای دولت و مصرف خانوارها نیز ضروری به شمار می‌آید.

در بخش‌های بعدی، ارجاع به بانک مرکزی-بسته به زمینه-متفاوت خواهد بود. نقش بانک مرکزی به‌عنوان مسئول مالی در بخش سیاست مالی بررسی می‌شود و نقش آن به‌عنوان مرجع پولی در بخش ثبات بخشی بانکی و پول مورد بحث قرار می‌گیرد. در کوتاه‌مدت، بلافاصله پس از فروپاشی رژیم، انتظار نمی‌رود این نقش‌های دوگانه به‌طور چشمگیری تغییر کنند و تا زمانی که گام‌های لازم برای نوسازی عملیات مالی و سیاست‌گذاری پولی در چارچوب یک قانون اساسی آینده برداشته شود، به قوت خود باقی خواهند ماند.

مرور کلی

این برنامه‌ی گذار، رویکردی راهبردی برای تثبیت سیاست مالی ایران در دوره‌ی انتقالی را ترسیم می‌کند و بر به دست گرفتن کنترل امور مالی عمومی، تداوم کارکردهای اساسی دولت و بازسازی مشروعیت اداری و بین‌المللی تمرکز دارد. هدف این برنامه اجرای اقداماتی فوری و عملی است که هزینه‌های پایه‌ای دولت را تامین کند، از فروپاشی نهادی جلوگیری نماید و فضای مالی لازم برای بهبود و اصلاحات را فراهم آورد.

اهمیت تثبیت سیاست‌گذاری مالی

تثبیت سیاست‌گذاری مالی در دوره‌ی گذار حیاتی است؛ زیرا به دولت امکان می‌دهد پرداخت‌های منظم را ادامه دهد، خدمات حیاتی را تامین مالی کند و حاکمیت خود بر منابع ملی را اعمال نماید. در نبود کنترل روشن و مؤثر بر سیاست مالی، اختلال در پرداخت مستمری‌ها، یارانه‌ها و عملیات اداری می‌تواند اعتماد عمومی را تضعیف و بی‌ثباتی اقتصادی را تشدید کند. همچنین، وجود یک چارچوب مالی معتبر و کارآمد پیش‌شرط با تعریف تعامل با نهادهای بین‌المللی و آزادسازی دارایی‌های مسدودشده است.

اهداف

- ایجاد ثبات اقتصادی و اداری.
- تضمین حاکمیت دولت.
- حفظ کارکردهای اساسی در مرحله انتقالی ایران.

اولویت‌های کلیدی

- کنترل نهادهای مالی و پولی.
- تامین مالی هزینه‌های ضروری عمومی.
- بهینه‌سازی ساختار حکمرانی دولت تا حد امکان.
- برقراری مجدد روابط پایه‌ای بین‌المللی.

مفروضات

- اجماع سیاسی گسترده در حمایت از دولت انتقالی.
- حمایت کافی در میان مدیران میان‌رده‌ی وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها.
- هیچ رقیب معتبر جایگزین معتبری برای به چالش کشیدن مشروعیت بین‌المللی وجود نداشته باشد.

• **ثبات اقتصادی**

- **کنترل نهادهای مالی/پولی:** حفظ نقش بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به عنوان عامل مالی (Fiscal Agent) و دارنده‌ی حساب‌های خزانه‌داری به منظور تداوم پرداخت‌های منظم دولت و مراقبت از مصرف بخش خصوصی (حدود ۵۰٪ از تولید ناخالص داخلی)، از جمله از طریق یارانه‌های عمومی برای کالاهای اساسی.
- **سیاست پولی:** توانمندسازی بانک مرکزی به عنوان نهادی مستقل (کنترل نرخ بهره با هدف مهار تورم).
- **کنترل سرمایه:** به طور موقت اعمال می‌شود تا از فرار سرمایه جلوگیری کند و دارایی‌های وابستگان رژیم پیشین را مسدود، منجمد و غیرقابل انتقال کند.
- **انتشار بدهی داخلی:** انتشار اوراق قرضه از طریق موسسات مالی محلی برای پوشش شکاف‌های کوتاه‌مدت بودجه.
- **حمایت از بازنشستگان موجود:** پرهیز از اختلال در پرداخت مزایای بازنشستگان فعلی تا جای ممکن.

• **روابط بین الملل**

- **به رسمیت شناخته شدن و دسترسی به دارایی‌های مسدودشده:** به رسمیت شناخته شدن دولت انتقالی از سوی بازیگران کلیدی جهانی (برای مثال: ایالات متحده، اتحادیه اروپا، چین، صندوق بین‌المللی پول، سازمان ملل) به عنوان پیش‌شرط آزادسازی ۱۲۰ تا ۱۵۰ میلیارد دلار ذخایر مسدودشده و آغاز دسترسی به منابع مالی بین‌المللی (برای مثال: برنامه‌های وام‌دهی صندوق بین‌المللی پول).
- **منابع اضطراری:** استفاده از دارایی‌های صندوق اضطراری برای تثبیت بخش مالی، پوشش کسری بودجه تامین مالی عملیات فوری دولت (از جمله پرداخت مستمری‌ها و یارانه‌ها) و از سرگیری صادرات نفت/گاز.
- **مشارکت مجدد در سطح جهانی:** مذاکرات رسمی را با نهادهای مالی بین‌المللی و مراجع تنظیم‌گری آغاز شود (برای مثال: صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، گروه ویژه اقدام مالی) تا اعتبار بازسازی شود و کشور دوباره به نظام مالی جهانی بازگردد. همچنین همکاری با سه مؤسسه اصلی رتبه‌بندی اعتباری - Fitch, Moody's, Standard & Poors - انجام شود تا رتبه اعتباری حاکمیتی دریافت شود. این فرایند مستلزم برخی اصلاحات حقوقی و نهادی است، از جمله برچیدن نهادهای ایدئولوژیک که در زیربخش بعدی با جزئیات بیشتری به آن پرداخته خواهد شد.

• **بهینه‌سازی اداری**

- **کوچک کردن نهادهای ایدئولوژیک:** از بین بردن یا کاهش نهادهای مرتبط با رژیم سابق برای کاهش هزینه‌های مالی و نشان دادن اراده برای اصلاحات. از جمله انحلال شورای عالی بورس و اوراق بهادار و لغو مقررات هم‌خوانی با چهارچوب‌های مالی اسلامی که سدی جلوی توسعه بازارها و شفافیت بوده.

- **ادغام وزارتخانه‌ها:** ادغام آژانس‌های اضافی برای افزایش کارایی. به‌طور خاص، بنیادها (بنیادهای شبه‌دولتی) – نهادهایی با دارایی‌های گسترده و عمدتاً معاف از مالیات – باید کوچک‌سازی شوند، تحت نظارت رسمی قرار گیرند، و مشمول مالیات شوند تا پاسخ‌گویی و انضباط مالی تضمین شود.
- **محدودیت اصلاحات اساسی:** تعویق اصلاحات ساختاری تا زمانی که یک دولت منتخب با حکم قانون اساسی تشکیل شود.

توصیه

عمل سریع و اولویت‌بندی:

- تضمین کنترل مالی/پولی.
- تلاش بر به رسمیت شناخته شدن بین المللی.
- آغاز اصلاحات کوچک و معتبر اداری.
- ثبات مالی و تحت نظر گرفتن احساسات عمومی برای تنظیم سیاست‌ها.

نتایج مورد انتظار

- جلوگیری از فروپاشی اقتصادی، تثبیت تورم و بازگرداندن اعتماد عمومی.
- برقراری مجدد تعامل بین‌المللی برای استفاده از سرمایه‌های حیاتی و فرصت‌های تجاری.
- کاهش هزینه‌ها و زمینه‌سازی برای اصلاحات درازمدت حکمرانی از طریق ساده‌سازی اداری.

نظارت و ارزیابی

- **اجرای بودجه و تراز مالی:** پایش درآمدها، هزینه‌ها و تراز کلی مالی را به‌صورت ماهانه، از جمله نحوه استفاده از ابزارهای بدهی داخلی و منابع مالی اضطراری.
- **تداوم پرداخت‌های دولت:** رصد به‌موقع بودن و کامل بودن پرداخت‌های کلیدی دولت، از جمله حقوق و دستمزد، مستمری‌ها و انتقال‌های یارانه‌ای.
- **کارایی هزینه‌کرد بخش عمومی:** سنجش سهم منابعی که به وظایف و خدمات ضروری اختصاص می‌یابد در مقایسه با هزینه‌های نهادهای میراثی یا ایدئولوژیک و هم‌زمان، ارزیابی روند و سرعت یکپارچه‌سازی اداری (برای مثال: ادغام وزارتخانه‌ها و اصلاح ساختار بنیادها).
- **دسترسی به منابع خارجی:** پیشرفت در مسیر آزادسازی دارایی‌های مسدودشده و پایش تامین مالی کوتاه‌مدت از نهادهای چندجانبه.

نمای کلی

این طرح انتقال، رویکرد راهبردی برای تثبیت بانکها و پول در دوره انتقالی را با تمرکز بر احیای سیاست‌گذار پولی، تثبیت عملیات بانکی، بازگرداندن اعتماد عمومی و خارجی، حفاظت از یکپارچگی مالی و به‌کارگیری نقدینگی اضطراری در صورت نیاز، ترسیم می‌کند. هدف این طرح اجرای گام‌های عملی است که در عین پرداختن به چالش‌های فوری، انتقال هموار را تسهیل می‌کند.

اهمیت تثبیت بانکها و پول

تثبیت بانکها و پول در طول دوره‌ی گذار بسیار مهم است، زیرا ثبات اقتصادی، دسترسی به خدمات مالی و اعتماد عمومی را تضمین می‌کند که برای بهبود و رشد ملی ضروری است. بدون احیای مجدد قدرت بانک مرکزی و حفظ عملیات بانکی، پس‌اندازها کاهش می‌یابد، فرار سرمایه تسریع می‌شود، تورم افزایش می‌یابد و اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و جامعه بین‌المللی از بین می‌رود.

اهداف

- ارزیابی سلامت بانک و تزریق نقدینگی اضطراری.
- حفظ عملیات بانکی و تداوم سیستم پرداخت.
- بازگرداندن اعتماد عمومی و طرفین خارجی و حفظ یکپارچگی مالی.

اولویت‌های کلیدی

- برقراری مجدد کنترل عملیاتی بر بانک مرکزی ایران و سیستم‌های پرداخت ملی برای اطمینان از تداوم خدمات بانکی و جلوگیری از اختلالات مالی.
- بازگرداندن اعتبار سیاست پولی با توانمندسازی یک بانک مرکزی مستقل برای رسیدگی به تورم و گذار به یک رژیم نرخ ارز شناور.
- مراقبت از یکپارچگی سیستم مالی از طریق کنترل سرمایه موقت و مسدود کردن دارایی‌ها با هدف قرار دادن افراد با جایگاه سیاسی برجسته (PEP) و نهادهای مرتبط با رژیم.
- بسیج منابع مالی خارجی با به رسمیت شناخته شدن بین‌المللی و دسترسی به دارایی‌های مسدود شده برای تثبیت بخش مالی و بازسازی اعتماد از جمله با بازبرقراری ارتباط با نظام‌های مالی جهانی مانند سوئیفت (SWIFT) و پایبندی به استانداردهای گروه ویژه اقدام مالی (FATF).

- اقتدار انتقالی کارآمد با کنترل نهادهای کلیدی (بانک مرکزی ایران، خزانه‌داری، بانک‌های بزرگ).
- ثبات نسبی بدون جنگ فعال و انتقال مسالمت آمیز یا محدود قدرت با حفظ زیرساخت‌های اصلی.
- دسترسی به زیرساخت‌های مالی، از جمله سیستم‌های پرداخت، تسهیلات بانک مرکزی و ارتباطات.
- رویکردی باز و فعال نسبت به تعامل بین‌المللی، از جمله فراهم‌سازی زمینه برای به رسمیت شناختن بالقوه توسط قدرت‌های بزرگ.
- مسیر رفع تحریم‌ها یا دسترسی قانونی به دارایی‌های مسدودشده در دسترس یا قابل مذاکره است.

اقدامات

- **رهبری و کنترل نهادی**
 - نصب یک رئیس جدید برای بانک مرکزی، وزیر خزانه‌داری موقت و مدیران موقت بانک‌های دولتی و خصوصی.
 - تثبیت کنترل فیزیکی و اداری بر بانک مرکزی ایران و زیرساخت‌های پرداخت ملی.
 - ایجاد یک کارگروه تثبیت مالی برای هماهنگی عملیات بانکی، مدیریت نقدینگی و ارتباطات عمومی.
- **تثبیت سیستم پولی و بانکی**
 - اعطای استقلال عملیاتی بانک مرکزی برای تعیین نرخ بهره، مدیریت نقدینگی و اجرای سیاست ضد تورم.
 - کنترل مقداری ترانزنامه‌ی شبکه‌ی بانکی برای کنترل رشد نقدینگی و افزایش نرخ بهره برای مقابله با فشارهای تورمی.
 - اصلاح بازار ارز از طریق یکپارچه‌سازی نظام چندنرخ‌ی فعلی و تبدیل آن به یک نظام دونرخ‌ی به‌عنوان یک گام گذار. این رویکرد می‌تواند در کوتاه‌مدت به ثبات نرخ ارز کمک کند و واردات کالاهای ضروری را در اولویت قرار دهد.
 - حفظ کنترل‌های سرمایه از ذخایر ارزی نیز مراقبت می‌شود. حفظ خدمات بانکی و پرداخت بدون وقفه را برای حمایت از مصرف بخش خصوصی و عملیات بخش عمومی.
 - انتشار اوراق قرضه داخلی از طریق موسسات مالی محلی برای رفع کسری بودجه کوتاه‌مدت.

- **یکپارچگی مالی و کنترل**
 - ارائه ضمانت سپرده صد درصد برای حساب‌های خرد و تجاری برای ۱۰۰ روز اول با محدودیت برداشت.
 - اجرای کنترل سرمایه موقت برای محدود کردن خروج جریان‌های مالی.
 - مسدود کردن حساب‌های ارزی بزرگ مرتبط با وابستگان رژیم، مؤسسات عمومی و افراد دارای پیوندهای سیاسی.

- شناسایی و بررسی تراکنش‌های با ارزش بالا (مثلا بالای ۱ میلیون دلار).
- ممنوعیت نقل و انتقالات خودی و فروش دارایی‌ها توسط نهادهای مرتبط با رژیم.
- هماهنگی با حوزه‌های قضایی خارجی (مانند چین، امارات متحده عربی) برای مسدود کردن و محافظت از دارایی‌های عمومی ایران در خارج از کشور.

توصیه‌ها

- اقدام سریع برای ایجاد کنترل بر نهادهای مالی و پولی برای جلوگیری از فروپاشی سیستماتیک.
- اولویت انتصابات رهبری موسسات مالی برای نشان دادن ثبات و حکمرانی تکنوکراتیک (مبتنی بر تخصص).
- استفاده از کنترل سرمایه و مسدود کردن دارایی‌ها به صورت استراتژیک برای محافظت از ثروت ملی در عین حال زمان‌دهی برای تحقیقات قانونی.
- تمرکز اقدامات اولیه بر روی تضمین سپرده و تداوم سیستم پرداخت برای حفظ اعتماد عمومی.
- تلاش برای به رسمیت شناخته شدن بین‌المللی (از ایالات متحده، اتحادیه اروپا، چین، صندوق بین‌المللی پول، سازمان ملل متحد) برای دسترسی به ۱۲۰ تا ۱۵۰ میلیارد دلار ذخایر منجمد.
- استفاده از وجوه اضطراری برای تثبیت سیستم بانکی، حمایت از عملیات مالی و شروع مجدد تجارت نفت و گاز.
- شروع تعامل دیپلماتیک با نهادهای چندجانبه برای بازسازی اعتبار ایران در بازارهای مالی جهانی.
- تعویق اصلاحات ساختاری یا قانون اساسی در مقیاس بزرگ تا زمان روی کار آمدن یک دولت منتخب دموکراتیک.
- کوچک کردن نهادهای ایدئولوژیک یا تکراری برای نشان دادن اصلاحات و کاهش بار مالی.
- نظارت مداوم بر احساسات عمومی و شرایط مالی برای بازتنظیم اقدامات به صورت آبی و همگام با تحولات.
- به‌کارگیری حسابرسان مستقل خارجی برای انجام حسابرسی جامع از نهادهای مالی و صورت‌های مالی آن‌ها، و هم‌زمان اجرای سیاست‌های اغماض/ تسهیل موقت الزامات کفایت سرمایه.
- واگذاری ماموریت دوگانه به بانک مرکزی ایران: ثبات قیمت‌ها و ثبات مالی. بنا نهادن سیاست‌ها بر سه ستون اصلی حکمرانی مدرن بانک مرکزی-استقلال، شفافیت و پاسخ‌گویی-با پشتیبانی گزارش‌دهی منظم و عمومی.

نتایج مورد انتظار

- عملیات بانکی تثبیت‌شده و خدمات مالی بدون اختلال.
- کاهش تورم و نوسانات ارز از طریق سیاست پولی معتبر.
- افزایش اعتماد عمومی به موسسات مالی از طریق تضمین، شفافیت و تغییر رهبری.
- جلوگیری از فرار سرمایه و سلب دارایی از طریق کنترل‌های هدفمند و مسدودسازی دارایی‌ها.

- تضمین دسترسی به منابع مالی با حفاظت از دارایی‌های عمومی و تعامل مجدد بین‌المللی.
- ایجاد زمینه برای اصلاحات بلندمدت تحت رهبری منتخب آینده.

نظارت و ارزیابی

• معیارهای موفقیت

- انتصاب و فعال‌سازی پست‌های رهبری کلیدی (رئیس بانک مرکزی، وزیر خزانه داری، مدیران بانک).
- کاهش نرخ تورم.
- مهار رشد حجم پول.
- مهار رشد ترازنامه‌ی شبکه‌ی بانکی.
- کاهش نوسانات نرخ ارز.
- افزایش حجم سپرده‌های بانکی.
- ادامه‌ی فعالیت پیوسته و بدون اختلال عملیاتی شعب بانک‌ها، سیستم پرداخت و دستگاه‌های خودپرداز.
- کاهش حجم جریان سرمایه خروجی.
- افزایش ارزش دارایی‌های وابسته به رژیم که در داخل و خارج از کشور شناسایی و مسدود شده‌اند.
- پیشرفت در بازگشایی و استفاده از دارایی‌های خارجی مسدودشده.

• فرآیند بررسی

- جلسات هفتگی هیئت انتقال، همراه با انتشار دستور کار و مصوبات.
- اطلاع‌رسانی منظم عمومی و انتصابات رهبری، ماموریت‌ها و انتقال.
- گزارش ماهانه ثبات پولی و مالی از بانک مرکزی و خزانه‌داری.
- به‌روز رسانی‌های دوره‌ای عمومی در مورد دسترسی بانکی، ضمانت سپرده‌ها، و پیشرفت اصلاحات.
- ردیابی ماهانه دارایی‌های مسدودشده در خارج از کشور و پیشرفت در همکاری‌های حقوقی بین‌المللی.

چالش‌های سیاسی پیش‌بینی‌شده

• چالش‌ها

- مقاومت وفاداران رژیم سابق.
- ایستایی بوروکراسی و چندپارگی نهادی.
- عدم اجماع سیاسی در مورد اولویت‌های اصلاحات.
- حوزه‌ی عمومی و نوسانات سیاسی.

○ دخالت در نهادهای تکنوکرات.

● استراتژی‌های کاهش

- تثبیت کنترل نهادی و دسترسی فیزیکی.
- تعیین رهبری انتقالی روشن و معتبر.
- ایجاد یک ساختار فرماندهی اقتصادی متمرکز.
- ایجاد کانال‌های ارتباطی سیاسی و عمومی.
- تعویق اصلاحات ساختاری و تمرکز بر اجماع تثبیت و ثبات.

تثبیت بازارهای مالی

نمای کلی

این طرح انتقال، رویکرد استراتژیک برای تثبیت بازارهای مالی ایران در دوره انتقالی را با تمرکز بر جلوگیری از اختلالات سیستمی، بازگرداندن شفافیت، حفاظت از ثروت ملی و بازسازی اعتماد سرمایه‌گذاران ترسیم می‌کند. هدف این طرح اجرای گام‌های عملی-مانند بسته شدن هدفمند بازار، اصلاحات ارزی، و بازگشایی مرحله‌ای - و در عین حال پرداختن به ریسک‌های فوری فرار سرمایه، قیمت‌گذاری نادرست دارایی‌ها و خرابی نهادی است.

اهمیت تثبیت بازارهای مالی

تثبیت بازار مالی در طول دوره گذار بسیار مهم است، زیرا تخصیص موثر سرمایه، اعتماد سرمایه‌گذاران، و ظهور قیمت‌های واقعی و معنادار را تضمین می‌کند، که همگی برای بازگرداندن ثبات اقتصادی و امکان بهبود و رشد ملی ضروری هستند. بدون تثبیت، نوسانات بازار، قیمت‌گذاری مخدوش و فرار سرمایه می‌تواند تلاش‌های اصلاحی گسترده‌تر را تضعیف کند و عادی سازی اقتصاد را به تاخیر بیندازد.

اهداف

- جلوگیری از اختلال سیستماتیک در بازارهای مالی.
- اطمینان از مسئولیت‌پذیری و حمایت از سرمایه‌گذار.
- ثبات بازار ارز.
- بازگشایی و عادی‌سازی بازارهای مالی.

اولویت‌های کلیدی

- پیشگیری از اخلال در بازار از طریق تعطیلی موقت بخش‌های آسیب‌پذیر بازار (برای مثال، بازار سهام و بازار بدهی شرکتی) به منظور جلوگیری از فروش‌های هراسانه و خروج/انتقال دارایی‌ها توسط افراد دارای دسترسی و اطلاعات داخلی.
- حسابرسی و بازنگری ارزش‌گذاری دارایی‌ها و تقویت چارچوب‌های حکمرانی، شفافیت اطلاعاتی و نظارت پیش از بازگشایی بازارها.
- بازگشایی گزینشی بازارهای مالی با آغاز از بازار اوراق خزانه تحت رویه‌های شفاف انتشار، و سپس بازگشایی مرحله‌ای بازار سهام و بدهی در چارچوب معیارهای مشخص اصلاحات.

مفروضات

- مرجع انتقالی فعال با کنترل نهادهای نظارتی مالی از جمله سازمان بورس و اوراق بهادار.
- ثبات نسبی بدون جنگ فعال و انتقال مسالمت‌آمیز یا محدود قدرت با حفظ زیرساخت‌های اصلی.
- کنترل فیزیکی و دیجیتالی کافی زیرساخت‌های مالی از جمله بورس اوراق بهادار تهران، سیستم‌های معاملاتی و بسترهای داده بازار.
- در دسترس بودن تخصص تکنوکراتیک برای انجام ممیزی، مدیریت کنترل سرمایه و نظارت بر اصلاح بازار.
- کانال‌های بین‌المللی برای هماهنگی در مورد مسدود شدن دارایی‌ها، نظارت بر سرمایه و در نهایت ادغام مجدد در بازارهای جهانی باز است.

اقدامات

- انتصاب رهبری جدید در نهادهای کلیدی بازار مالی از جمله بورس اوراق بهادار تهران، سازمان بورس و اوراق بهادار و صندوق توسعه بازار سرمایه برای اطمینان از نظارت معتبر و همسویی سیاست‌ها.
- تعلیق موقت معاملات در بورس اوراق بهادار تهران (TSE) به مدت ۹۰ تا ۱۸۰ روز برای جلوگیری از فروش‌های هراسانه و فراهم‌سازی امکان انجام حسابرسی‌ها.
- تعطیلی بازار بدهی شرکتی به مدت ۱۰۰ روز به دلیل عدم نقدشوندگی و عدم یکپارچگی قیمت‌گذاری.
- انجام حسابرسی مستقل و ارزیابی مجدد ارزش‌گذاری شرکت‌های بورسی و ابزارهای مالی قابل معامله عمومی.
- استقرار نظام دونرخی ارز به‌عنوان گام گذار: نرخ مدیریت شده برای واردات ضروری و نرخ شناور برای سایر معاملات.
- اعمال کنترل سرمایه برای جلوگیری از خروج منابع مالی مرتبط با وابستگان رژیم سابق یا دارندگان ثروت نامشروع.

- از سرگیری عملیات بازار خزانه ظرف ۳۰ روز، با اولویت‌بندی ابزارهای کوتاه مدت و با الزام به شفافیت کامل درباره بازده و سررسید.
- تدوین مقررات حمایت از سرمایه‌گذار را قبل از بازگشایی بازار، از جمله تقویت شفافیت اطلاعاتی، استانداردهای حکمرانی شرکتی و محدودیت‌های معاملات مبتنی بر اطلاعات مخفیانه.
- تعیین معیارها و شرایط برای بازگشایی مرحله‌ای بازار، مشروط به ارتقای شفافیت اطلاعاتی، اصلاحات حقوقی، و تکمیل حسابرسی‌ها.
- هماهنگی با موسسات مالی بین‌المللی و تنظیم‌کننده‌های بازار برای همسو کردن اصلاحات پس از گذار با استانداردهای جهانی.

توصیه‌ها

- تعلیق فوری بازارهای آسیب‌پذیر برای جلوگیری از فروش بی‌نظم و حفظ ارزش دارایی در روزهای آغازین دوره گذار.
- اولویت در شفافیت و تدابیر قانونی و قبل از بازگشایی هر بازار مالی برای اطمینان از یکپارچگی و حمایت از سرمایه‌گذار.
- استفاده از بازار خزانه به عنوان یک لنگر اعتبار، و بازگشایی زودتر آن تحت استانداردهای سخت‌گیرانه شفافیت اطلاعاتی و قیمت‌گذاری.
- بازگشایی مرحله‌ای بازارها بر پایه‌ی معیارهای قابل تایید، مانند تکمیل ممیزی‌ها، ایجاد حمایت از سرمایه‌گذار و آمادگی نظارتی.
- کنترل سرمایه تا زمانی که ردیابی دارایی و بررسی‌های قانونی کامل شود، به‌ویژه برای افراد با جایگاه سیاسی برجسته و نهادهای مرتبط با رژیم.
- تعامل با شرکای بین‌المللی برای همسو کردن اصلاحات مالی با استانداردهای جهانی و جذب جریان‌های سرمایه در آینده.
- تعویق آزادسازی پیچیده مالی یا اصلاحات ساختاری تا زمان استقرار یک دولت منتخب در قانون اساسی
- اطلاع‌رسانی منظم، شفاف و عمومی برای مدیریت انتظارات و ایجاد اعتماد با سرمایه‌گذاران داخلی و بین‌المللی.

نتایج مورد انتظار

- جلوگیری از فروپاشی بازار مالی از طریق بسته شدن به موقع و کنترل جریان سرمایه، مراقبت از ثروت ملی با جلوگیری از فروش‌های رانته و خروج غیرقانونی سرمایه.
- بازگرداندن اعتماد سرمایه‌گذاران از طریق افزایش شفافیت، تدابیر نظارتی و رهبری معتبر.
- تثبیت جریان ارز از طریق سیستم دوبرخی (به‌عنوان گام گذار) و اصلاحات هدفمند بازار ارز.
- بهبود یکپارچگی بازار از طریق حسابرسی، اصلاحات قانونی و تجدید ساختارهای حکمرانی.

- بازگشت مرحله‌ای به کارکرد عادی بازارها، با آغاز از بازار اوراق خزانه تحت قیمت‌گذاری معتبر و شفافیت اطلاعاتی.
- تقویت اعتبار بین‌المللی، پایه‌گذاری برای ادغام مجدد بازار سرمایه پس از گذار.

نظارت و ارزیابی

• معیارهای موفقیت

- انتصاب و اعلام عمومی رهبری جدید در بورس اوراق بهادار، سازمان بورس و اوراق بهادار و نهادهای مرتبط.
- وضعیت عملیاتی زیرساخت‌های کلیدی بازار (سکوها، تجاری، سیستم‌های داده) و بخش‌های بازار (TSE، بدهی شرکت‌ها، خزانه داری).
- تکمیل ممیزی‌های خارجی و بررسی‌های ارزیابی دارایی‌ها.
- تصویب مقررات حمایت از سرمایه‌گذار و شفافیت اطلاعاتی.
- کاهش شکاف روزانه بین نرخ‌های ارز رسمی و شناور.
- حجم معاملات FX پردازش شده تحت هر نرخ.
- حجم معاملات سرمایه خروجی مسدود یا بررسی شده است.
- تعداد و ارزش حساب‌های مسدود یا شناسایی شده برای اقدام قانونی.
- پیشرفت در بررسی حقوقی دارایی‌های مالی مرتبط با رژیم.
- حجم معاملات و مشارکت پس از بازگشایی‌های مرحله‌ای.
- انتشار منحنی بازده اوراق قرضه و و سنجش عمق و واکنش بازار.

• فرآیند بررسی

- جلسات هفتگی مرجع انتقال با دستور کارها و تصمیمات منتشرشده.
- اطلاع‌رسانی منظم عمومی و اعلام انتصابات رهبری، ماموریت‌ها و انتقال‌ها.
- بولتن‌های منظم در مورد شرایط بازار، تغییر سیاست‌ها، و جدول زمانی بازگشایی.
- گزارش‌های شفافیت ماهانه در مورد پیشرفت حسابرسی، اجرای کنترل سرمایه، و عملیات FX.
- حسابرسی‌های مستقل توسط نهادهای ثالث درباره صحت ارزش‌گذاری‌ها، کیفیت شفافیت اطلاعاتی و میزان پایبندی به الزامات نظارتی هیئت مشاوره خارجی برای بررسی شرایط بازگشایی بازار و معیارها.
- گزارش‌دهی داخلی استاندارد از سوی نهادهای بازار به مرجع انتقالی.
- برگزاری جلسات با مشارکت سرمایه‌گذاران برای دریافت بازخورد و اطلاع‌رسانی درباره نقاط عطف اصلاحات.

• چالش‌ها

- مقاومت وفاداران به رژیم سابق.
- اینرسی بوروکراتیک و تکه‌تکه شدن نهادی.
- عدم اجماع سیاسی در مورد اولویت‌های اصلاحات.
- بی‌اعتمادی عمومی و نوسانات سیاسی.
- دخالت در نهادهای تکنوکرات.

• استراتژی‌های کاهش

- کنترل نهادی و دسترسی فیزیکی ایمن.
- تعیین رهبری انتقالی روشن و معتبر.
- ایجاد یک ساختار فرماندهی اقتصادی متمرکز.
- ایجاد کانال‌های ارتباطی سیاسی و عمومی.
- جلوگیری از اصلاحات ساختاری و تمرکز بر اجماع ثبات.

نظارت بر بخش مالی فاقد مقررات (غیررسمی)

حداکثر ظرف دو هفته پس از فروپاشی رژیم، دولت انتقالی باید کارگروه مشترک مالی را با حضور نمایندگان از نهاد مالی موقت و دستگاه‌های امنیت ملی تشکیل دهد تا از خروج فوری منابع مالی جلوگیری کند و کنترل بر شبکه‌های پرداخت غیررسمی را بازگرداند.

این شبکه‌ها، که میان افرادی که قصد انتقال پول به خارج دارند و افرادی که وجوهی را به داخل ایران ارسال می‌کنند ارتباط برقرار می‌کنند، سال‌ها امکان انجام تراکنش‌های بزرگ و بدون نظارت را خارج از نظام بانکی فراهم کرده‌اند و ریسک‌های جدی فرار سرمایه، پول‌شویی و همچنین تامین مالی فعالیت‌های غیرقانونی یا تروریستی را افزایش می‌دهند.

کارگروه باید بلافاصله برای شناسایی، پایش و مختل‌سازی فعالیت بازیگران کلیدی در این شبکه‌ها اقدام کند. به‌عنوان نخستین اقدام اجرایی، کارگروه باید نظام ثبت‌نام و اخذ مجوز اجباری را برقرار کند؛ به‌گونه‌ای که همه افراد و نهادهایی که پرداخت‌های کلان یا برون‌مرزی انجام می‌دهند، ملزم به ثبت‌نام و دریافت مجوز شوند.

هیچ پرداخت با ارزش بالا خارج از این چارچوب مجاز نخواهد بود. همچنین کارگروه باید هماهنگی مستقیم با واحدهای اطلاعات مالی کشورهای دیگر را آغاز کند تا پیوندهای برون‌مرزی را ردیابی کند، دارایی‌های مشکوک را مسدود سازد و از انجام تراکنش‌های غیرقانونی جلوگیری کند.

در میان‌مدت، دولت باید همه انتقال‌های مشروع را از مسیر بانک‌های تحت نظارت و صرافی‌های دارای مجوز هدایت کند، با استقرار استانداردهای شفاف گزارش‌دهی و آماده‌سازی مقدمات برای پیوستن ایران به چارچوب گروه ویژه اقدام مالی (FATF).

با اینکه خصوصی سازی دارایی های متعلق به دولت و نهادهای نیمه دولتی در کوتاه مدت پس از سقوط رژیم اسلامی ممکن نیست، دولت موقت باید چارچوبی روشن و مؤثر برای تثبیت این دارایی ها و آمادگی برای اصلاحات آتی ایجاد کند.

اهداف

تمرکز در کوتاه مدت باید بر موارد زیر باشد

- حفاظت از اموال عمومی.

- بازگرداندن شفافیت.

- تضمین تداوم عملیات اجرایی روزمره.

این اقدامات نه تنها برای بازسازی اعتماد عمومی به نهادهای دولتی حیاتی هستند، بلکه پایه ای برای بازیابی اقتصادی بلندمدت و خصوصی سازی موفق فراهم می کنند.

اولویت های کلیدی

اقدامات زیر باید فوراً انجام شوند

- در اختیار گرفتن، حفاظت، ثبت و ضبط دارایی ها.

- حذف منصوبان سیاسی از شرکت های دولتی و انتصاب مدیریت موقت.

- تداوم فعالیت بنگاه های مولد و تولیدی استخدام شرکت های حسابرسی برای بررسی تراکنش های گذشته و نظارت بر امور مالی جاری و ارزیابی جامع ریسک.

- شناسایی بدهی ها و حفظ ارزش اقتصادی نهادها.

- تعریف چارچوب اولویت بندی برای خصوصی سازی.

مفروضات

- گذار عمدتاً مسالمت آمیز.

- آسیب فیزیکی حداقلی به زیرساخت های اقتصادی.

اقدامات

- تهیه فهرستی جامع از نهادهای دولتی و نیمه دولتی شامل بنیادها، موقوفات دینی و سایر نهادهای وابسته.

- در اختیار گرفتن کنترل کامل دارایی‌های این نهادها، شامل:
 - املاک و دارایی‌های فیزیکی.
 - سوابق و اسناد دیجیتال.
 - دارایی‌های مالی.
 - سهام شرکت‌ها.
 - سایر سرمایه‌گذاری‌ها.
- ایجاد یک سیستم شفاف و متمرکز برای ثبت دارایی‌ها به منظور حفاظت از آن‌ها، جلوگیری از سوءاستفاده، و آماده‌سازی برای بازسازی ساختاری.
- برکناری منصوبان سیاسی از سمت‌های کلیدی در شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی به همراه قطع نفوذ آن‌ها، به منظور بازگرداندن شایسته‌سالاری و صداقت حرفه‌ای.
- انتصاب تیم‌های مدیریتی موقت؛ شامل تکنوکرات‌ها، متخصصان صنعت و کارمندان غیرسیاسی با وظیفه حفظ ثبات نهادی و شفافیت تا زمان شکل‌گیری ساختار مدیریتی دائمی و بر مبنای شایستگی.
- ادامه بی‌وقفه‌ی عملکرد نهادهایی که خروجی اقتصادی مثبت دارند.
 - الزام مدیریت موقت به حفظ سطح تولید، اجرای قراردادهای موجود و حفظ اشتغال در کوتاه‌مدت. این اقدام از شوک اقتصادی جلوگیری می‌کند، اعتماد عمومی را حفظ می‌کند و به شرکای داخلی و خارجی اطمینان می‌دهد که زیرساخت اقتصادی کشور علی‌رغم تغییرات سیاسی همچنان پابرجاست.
- انتخاب شرکت‌های حسابرسی مستقل و معتبر داخلی و خارجی برای نظارت بر تراکنش‌های گذشته و عملیات مالی آینده.
- الزام شرکت‌های حسابرسی برای انجام حسابرسی‌های قضایی/فونرنسینگ از نهادهای بزرگ دولتی و بنیادها به منظور کشف فسادهای گذشته، اختلاس، قراردادهای جعلی، ریسک‌های پنهان یا انتقال غیرقانونی دارایی‌ها.
- الزام شرکت‌های حسابرسی به نظارت مداوم بر عملکرد مالی نهادها، با هدف پیشگیری از سوءمدیریت. این نظارت نه تنها پاسخگویی را تقویت می‌کند، بلکه پایه‌ای برای پیگیری‌های قانونی و ایجاد مکانیزم‌های شفافیت پایدار خواهد بود.
- الزام شرکت‌های حسابرسی به شناسایی تمامی بدهی‌های نهادهای دولتی، با هدف جلوگیری از انتقال ریسک‌های مالی بی‌پایان به دولت جدید. این شرکت‌ها باید راهکاری ارائه دهند که هم ارزش عملیاتی و اقتصادی این نهادها را حفظ کند و هم ریسک مالی آینده دولت را کاهش دهد.
- تدوین یک چارچوب استراتژیک و فهرست اولویت‌بندی‌شده برای خصوصی‌سازی نهادهای دولتی. این چارچوب باید بر اساس معیارهایی چون حداکثرسازی ارزش اقتصادی، حداقل‌سازی اختلال در اقتصاد و جلوگیری از تقویت وابستگیان رژیم سابق تدوین شود. خصوصی‌سازی باید به صورت شفاف، مرحله‌بند شده و هدفمند اجرا شود تا اهداف بزرگ‌تری چون احیای اقتصادی و عدالت تحقق یابند.

اهداف

- به حداقل رساندن اختلال در پرداخت‌ها و خدمات از بازنشستگان فعلی.
- اجرای اصلاحات در راستای بهبود حکمرانی و تضمین پایداری مالی سیستم کنونی، به‌عنوان گامی مقدماتی پیش از گذار نهایی به نظامی مبتنی بر مشارکت تعریف‌شده.

اولویت‌های کلیدی

- **جمع‌آوری حق بیمه‌های بازنشستگی:** دولت باید تا حد امکان به جمع‌آوری حق بیمه‌های صندوق‌های بازنشستگی فعلی (از جمله سازمان تامین اجتماعی، صندوق بازنشستگی کشوری و ...) ادامه دهد. این امر به دلیل ماهیت مبتنی بر موازنه نقدی این صندوق‌ها ضروری است، زیرا حقوق بازنشستگان فعلی از محل حق بیمه‌های پرداختی توسط شاغلان کنونی تامین می‌شود.
- **حمایت از مستمری‌بگیران فعلی:** تداوم جریان پرداخت‌ها و اعمال تعدیلات لازم متناسب با تورم.
- **تزریق منابع مالی اضطراری در صورت نیاز:** در صورت ایجاد اختلال جدی در جمع‌آوری حق بیمه‌ها در کوتاه‌مدت، دولت باید آمادگی ارائه منابع مالی اضطراری به سیستم بازنشستگی را داشته باشد.

فرضیات

- **نظام بانکی و سامانه‌های پرداخت کشور همچنان به‌قدر کافی عملیاتی و فعال باقی مانده باشند:** دولت در صورت لزوم، توانایی استقراض یا آزادسازی فوری بخشی از دارایی‌های بلوکه‌شده ایران برای حمایت اضطراری از نظام بازنشستگی را خواهد داشت.

اقدامات (برگرفته از اصلاحات پیشنهادی بانک جهانی)

- **توقف هرگونه وام‌دهی به دولت:** صندوق‌های بازنشستگی نباید نقش «قلک وام» دولت را ایفا کنند، بلکه باید در راستای منافع بازنشستگان عمل نمایند.
- **توقف انتقال دارایی‌های دولتی برای تسویه بدهی‌های دولت:** جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر به‌جای پرداخت بدهی‌های خود به صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های دولتی زیان‌ده را با ارزش‌گذاری‌های بسیار غیرواقعی به این صندوق‌ها واگذار کرده است. این رویه باید فوراً متوقف شود.

- **احیای شورای عالی تامین اجتماعی:** شورای عالی تامین اجتماعی، نهادی سه‌جانبه متشکل از نمایندگان دولت، کارگران و کارفرمایان بود که در سال ۱۳۸۹ منحل شد. وظیفه‌ی آن تعیین هیئت مدیره‌ی سازمان تامین اجتماعی بود. احیای این شورا نظارت مستقل بر فعالیت‌های سازمان تامین اجتماعی را تقویت خواهد کرد.
- **الزام برخورداری از تخصص مرتبط برای عضویت در هیئت مدیره:** اعضای جدید هیئت مدیره سازمان تامین اجتماعی و سایر صندوق‌هایی که تحت نظارت وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی قرار دارند، باید از تخصص‌های مرتبط برخوردار بوده باشند و ملزم به رعایت وظایف امانت‌داری (fiduciary duty) نسبت به منافع بازنشستگان شوند.

نظارت و ارزیابی (برگرفته از اصلاحات پیشنهادی بانک جهانی)

- در اولین فرصت و در صورت امکان با کمک‌گیری از مؤسسات حسابرسی بین‌المللی، نخستین حسابرسی خارجی از صندوق‌های بازنشستگی تحت نظارت وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی (شامل سازمان تامین اجتماعی، صندوق بازنشستگی کشوری، صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح و صندوق بازنشستگی روستائیان و عشایر) انجام شده و پس از آن به صورت دوره‌ای تکرار شود.
- بانک مرکزی به عنوان متولی مستقل این صندوق‌ها منصوب خواهد شد تا «از سلامت فیزیکی و قانونی دارایی‌ها اطمینان حاصل کند و بر معاملات مدیران دارایی نظارت داشته باشد» (بانک جهانی، ۲۰۰۳).

این صفحه عمداً سفید گذاشته شده است.

دارایی‌های ملی: بازپس‌گیری و حفاظت

اسفند ۲۵۸۴

این سپیدنامه رویکردی استراتژیک برای بازیابی دارایی‌های ایران در دوره‌ی گذار ارائه می‌دهد و بر تدوین طرحی عملیاتی تمرکز دارد که با مشارکت نهاد انتقالی و حمایت ائتلاف بین‌المللی، شناسایی، ایمن‌سازی و بازگرداندن اموال عمومی سرقت‌شده یا در معرض خطر را ممکن سازد. هدف، جلوگیری از دسترسی وفاداران رژیم به این دارایی‌ها و منع استفاده از آن‌ها برای اخلال در روند گذار است.

این سپیدنامه به‌طور ویژه بر سازمان‌ها و دارایی‌های تحت کنترل مستقیم رهبر، مانند بنیادها، ستاد اجرایی فرمان امام، آستان قدس رضوی و شرکت‌های سهامی غیرنظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و افراد مرتبط تمرکز دارد. دارایی‌های تحت کنترل وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی متعارف به‌طور جداگانه در سپیدنامه نظامی و امنیتی بررسی خواهند شد. در این چارچوب، یک برنامه عملیاتی جامع و دقیق ارائه می‌شود که حفاظت، مسدودسازی و بازیابی کلیه دارایی‌های مهم تحت کنترل رژیم جمهوری اسلامی را هدف قرار دهد و برای هر گروه از دارایی‌ها، جزئیات مشخصی در خصوص نحوه کنترل، مالکیت و انتقال ارائه می‌دهد.

اهمیت طرح پروژه بازیابی دارایی‌ها (پباد)

بازیابی دارایی‌های جمهوری اسلامی در طول دوره گذار برای تضمین پایداری مالی یک نهاد حاکم جدید بسیار مهم است. بازگرداندن این ثروت برای تامین بودجه‌ی بازسازی ملی، تثبیت اقتصاد و ارائه خدمات ضروری به مردم ایران حیاتی است. کنترل و بازیابی این دارایی‌ها از دسترسی وفاداران رژیم سابق، به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهادهای وابسته، از تامین مالی بی‌ثبات‌سازی و اخلال در گذار دموکراتیک جلوگیری می‌کند. این طرح، سنگ بنای امنیت ملی و پایه‌ای برای حکومت مشروع و پایداری اقتصادی است.

اهداف

اهداف این طرح عملیاتی روشن، استراتژیک و قابل اندازه‌گیری هستند. اهداف اصلی عبارتند از:

- **شناسایی و تامین امنیت ثروت عمومی:** شناسایی، تعیین موقعیت و تامین امنیت نظام‌مند تمامی دارایی‌های مهم، چه داخلی و چه بین‌المللی، که تحت کنترل مستقیم یا غیرمستقیم رژیم جمهوری اسلامی و نهادهای کلیدی آن هستند.
- **جلوگیری از خرابکاری:** خنثی کردن ظرفیت مالی وفاداران به رژیم و جلوگیری از استفاده آن‌ها از این منابع عظیم برای تضعیف اقتدار انتقالی یا تحریک درگیری.

- **شناسایی ساختار مالی بنیادها و مسیرهای کنترل دارایی‌ها:** بنیادها و ستاد اجرایی فرمان امام صدها شرکت را تقریباً در همه بخش‌های اقتصاد ایران از جمله مالی، ساخت‌وساز، تولید، داروسازی و مخابرات کنترل می‌کنند. مهم‌ترین سازمان‌های شبه‌دولتی عبارت‌اند از ستاد اجرایی فرمان امام، بنیاد مستضعفان و بنیاد همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که هر کدام از طریق ساختارهای پیچیده هلدینگ مجموعه دارایی‌های گسترده و متنوعی را مدیریت می‌کنند. به عنوان مثال می‌توان به بانک سینا (بنیاد مستضعفان)، گروه تدبیر (ستاد) و شرکت صنایع دریایی صدرا ایران (خاتم الانبیاء) اشاره کرد. مالکیت عمده از طریق ساختارهای هلدینگ پیچیده و چندلایه پنهان می‌شود، جایی که یک بنیاد مادر مالک یک شرکت هلدینگ است و برخورداری آن شرکت هلدینگ از مجموعه‌ای از شرکت‌های تابعه ردیابی مالکیت ذینفع نهایی را دشوار می‌کند.
- **فراهم کردن زمینه بازبایی و بازگرداندن اموال:** ایجاد زمینه‌های قانونی و عملیاتی برای بازبایی و بازگرداندن نهایی تمام ثروت‌های عمومی سرقت شده یا مورد سوءاستفاده قرار گرفته به نفع مردم ایران.
- **ترویج پاسخگویی:** حفظ سوابق مالی، بایگانی‌ها و سایر شواهد دیجیتال ضروری برای تحقیقات آینده در مورد فساد، نقض حقوق بشر و برنامه‌های نظامی و هسته‌ای رژیم.

اولویت‌های کلیدی

- اولویت‌های کلیدی حوزه‌های تمرکز استراتژیک هستند. این حوزه‌ها تخصیص منابع را برای تضمین دستیابی موثر به اهداف جهت‌دهی می‌کنند.
- **سرعت و محرمانگی در عملیات اولیه:** بالاترین اولویت، اجرای سریع عملیات اولیه توقیف و مسدود کردن دارایی‌ها از ساعت صفر تا ساعت ۷۲ با حداکثر امنیت عملیاتی است. این امر بسیار مهم است، زیرا هرگونه تاخیر یا نشت اطلاعات به افراد داخلی رژیم اجازه می‌دهد تا دارایی‌های نقد (نقدی، کریپتو، وجوه الکترونیکی) را منتقل کنند و سوابق مجرمانه را از بین ببرند. این امر تلاش‌های بازبایی بعدی را به طور فزاینده دشوارتر و کم‌ثمرتر می‌کند.
 - **ایمن‌سازی زیرساخت‌های فیزیکی و دیجیتال:** کنترل فیزیکی فوری مکان‌های حیاتی اقتصادی و اداری (مانند بانک مرکزی، دفاتر مرکزی بنیادها، مراکز داده) از اولویت‌های اصلی است. این کار برای جلوگیری از غارت توسط مردم خشمگین، خرابکاری توسط وفاداران رژیم و نابودی شواهد و سوابق نهادی حیاتی مورد نیاز برای حکومت‌داری و پیگردهای قانونی آینده انجام می‌شود.
 - **هدف قرار دادن بدهکاران بزرگ رژیم:** اولویت با شناسایی و تعقیب «بدهکاران بزرگ» کشور خواهد بود، مجموعه کوچکی از افراد و نهادهایی که بدهی‌های متمرکز و دارایی‌های برون‌مرزی آنها بزرگترین منبع ثروت نامشروع مرتبط با رژیم است. اقدامات فوری قانونی، مالی و دیپلماتیک برای انجماد، حسابرسی قانونی و بازبایی سریع این دارایی‌ها به کار گرفته خواهد شد تا وجوه بازبایی‌شده بتواند در مسیر بازسازی ملی و تامین خدمات عمومی استفاده شود.
 - **اقدام حقوقی و دیپلماتیک بین‌المللی:** اولویت همزمان، فعال‌سازی فوری سازوکارهای حقوقی بین‌المللی و کانال‌های دیپلماتیک است؛ زیرا بخش قابل توجهی از ثروت رژیم، اغلب از طریق ساختارهای مالکیت پیچیده، در خارج از کشور

نگهداری می‌شود. اطلاع‌رسانی سریع به نهادهای بین‌المللی مانند FATF، اینترپل و کشورهای شریک برای مسدود کردن این دارایی‌ها قبل از انتقال آن‌ها به حوزه‌های قضایی غیر همکار الزامی است.

- **ایجاد مشروعیت از طریق روابط عمومی موثر:** یک استراتژی ارتباطات عمومی فعال و شفاف اولویتهای حیاتی است. این امر برای ایجاد حمایت داخلی و بین‌المللی از قدرت انتقالی، کاهش نگرانی‌های عمومی، مدیریت انتظارات در مورد ثروت بازیابی شده و مقابله با اطلاعات نادرست از سوی بقایای رژیم ضروری است.

فرضیات

مفروضات زیر شروط عملی شدن این طرح هستند:

- **فرضیه اصلی:** این طرح با فرض فروپاشی قدرت مرکزی در ایران پس از قیام مردمی یا حمله خارجی اجرا می‌شود و فرصتی برای اقدام یک قدرت انتقالی ایجاد می‌کند.
- **کنترل عملیاتی:** فرض بر این است که یک قدرت انتقالی نوپا، با حمایت عناصر همکار ارتش یا یک ائتلاف بین‌المللی، می‌تواند بر مکان‌های کلیدی در تهران و سایر شهرهای بزرگ کنترل فیزیکی برقرار کند.
- **همکاری بین‌المللی:** پیش‌فرض این طرح شرکای کلیدی بین‌المللی (مانند ایالات متحده، اتحادیه اروپا، بریتانیا، سوئیس، ترکیه و امارات متحده عربی، ...) برای اقدام سریع در مورد اعلام انسداد دارایی‌ها و ارائه پشتیبانی اطلاعاتی اراده‌ی سیاسی دارند. همچنین پیش‌بینی می‌شود که تحریم‌های موجود، متناسب با شرایط جدید و در راستای تسهیل فرآیند انتقال، مورد بازنگری قرار گرفته و در مواردی لغو یا تخفیف یابند.
- **همکاری داخلی:** فرض بر این است که تعداد مشخصی از تکنوکرات‌ها، مقامات بانکی و بوروکرات‌ها در سازمان‌های هدف، در ازای عفو یا سایر مشوق‌ها، مایل به همکاری خواهند بود و اطلاعات حیاتی در مورد مکان‌های دارایی‌ها و ساختارهای مالکیت ارائه می‌دهند.
- **وجود سوابق:** این طرح فرض می‌کند که برخلاف تلاش‌های موجود برای نابودی سوابق دیجیتالی و فیزیکی قابل توجهی از مالکیت دارایی‌ها، تراکنش‌های مالی و ساختارهای شرکتی همچنان وجود خواهند داشت و در تاسیسات امن قابل دسترسی خواهند بود.

اقدامات

این اقدامات شامل وظایف مشخص و ضروری برای اجرای مؤثر این طرح عملیاتی هستند که به صورت مرحله‌ای طراحی و زمان‌بندی شده‌اند تا در شرایط پس از فروپاشی، حداکثر کارایی و اثربخشی را داشته باشند.

اقدام اساسی: شناسایی و توصیف دارایی‌ها

فهرست‌بندی دقیق تمام دارایی‌های مهم شناخته‌شده‌ی تحت کنترل رژیم:

برای جلوگیری مؤثر از انتقال، پنهان‌سازی یا نابودی دارایی‌ها در جریان فروپاشی رژیم، ضروری است که انواع مختلف دارایی‌های تحت کنترل نهادها و افراد وابسته به رژیم به‌دقت شناسایی شوند، دارندگان و واسطه‌های اصلی دارایی‌ها مشخص گردند، و روش‌های عملیاتی لازم برای شناسایی، متوقف‌سازی و بازگرداندن دارایی‌ها توسعه یابد. این طبقه‌بندی‌نمایی راهبردی از هر دسته اصلی دارایی، ریسک‌های مرتبط و اقدامات فوری لازم برای خنثی‌سازی تهدیدها ارائه می‌کند. ضمیمه‌ای عملیاتی با جزئیات بیشتر و شامل تدابیر تاکتیکی محرمانه تهیه و به‌عنوان سند طبقه‌بندی‌شده نگهداری خواهد شد.

نوع دارایی	دارندگان اصلی	کارگزاران / واسطه‌ها	سوءاستفاده‌های احتمالی	اقدامات متقابل (توقف / تشخیص / بازگردانی)
ذخایر ارزی خارجی	بانک مرکزی ایران (CBI)، بانک ملی، بانک صادرات، بانک سپه، بانک تجارت، بانک ملت.	مدیران ارشد ارزی و شبکه‌های مالی وابسته به خانواده‌های سیاسی بانفوذ، که وظیفه‌ی انتقال و پنهان‌سازی ذخایر ارزی را بر عهده دارند.	نقل و انتقالات در مقیاس بزرگ به حساب‌های برون‌مرزی در طول فروپاشی رژیم. پنهان کردن ذخایر از طریق شبکه‌های مبادله خصوصی و شرکت‌های صوری. برداشت‌های اضطراری از طریق کانال‌های مالی هماهنگ‌شده	توقف: صدور دستور اضطراری برای انسداد فوری تمامی حساب‌های ارزی بنیادها، شرکت‌های پوششی و صرافی‌های وابسته در داخل و خارج از کشور. شناسایی: پایش بی‌درنگ تراکنش‌های پرریسک و الگوهای غیرعادی تبدیل ارز بازیابی: همکاری با FATF، اینترپل و نهادهای نظارتی خارجی برای توقیف وجوه غیرقانونی.
حساب‌های ریالی داخلی	بنیادها (مستضعفان)، ستاد اجرایی فرمان امام، آستان قدس رضوی، بنیادهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.	بانک‌های تجاری دولتی، مدیران بانک‌های مورد اعتماد مرتبط با رژیم.	انتقال وجوه مرتبط با رژیم به چندین حساب پوششی. برداشت‌های ناگهانی برای تبدیل به ارز خارجی یا طلا حساب‌های پوششی موقت ایجاد شده برای پنهان کردن تراکنش‌های نهایی.	توقف: مسدود کردن حساب‌های مرتبط با بنیادها، ستاد، و نهادهای سپاه پاسداران. شناسایی: تیم‌های بانکداری قانونی را برای ردیابی جهش تراکنش‌ها مستقر کنید بازیابی: بازپس‌گیری وجوه از طریق دادگاه‌های ملی و نقل و انتقالات خزانه عمومی.
طلا و فلزات گرانبها	خزانه‌داری بانک مرکزی، بنیاد مستضعفان، واحدهای نخبه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.	شبکه‌های خانواده مورد اعتماد، اپراتورهای خزانه خصوصی، حلقه‌های قاچاق خارجی.	قاچاق طلا به خارج از کشور از طریق اپراتورهای خصوصی. تبدیل سریع طلا به ارز دریایی یا ارز دیجیتال. انحراف ذخایر طلا قبل از انتقال.	توقف: ایمن‌سازی خزانه‌های کلیدی، کارگاه‌های تصفیة طلا و گذرگاه‌های مرزی. شناسایی: پایش فروش‌های عمده‌ی طلا و ردیابی صادرات در گمرک. بازیابی: هماهنگی با سازمان‌های گمرکی خارجی برای بازیابی دارایی‌های قاچاق.

<p>توقف: شناسایی و تعطیلی مزارع استخراج رمزارز.</p> <p>مسدودسازی صرافی‌های مشکوک و تعلیق مجوز فعالیت آن‌ها.</p> <p>شناسایی: بهره‌گیری از تحلیل بلاک‌چین برای ردیابی تراکنش‌های غیرعادی و فعالیت کیف پول‌های مشکوک.</p> <p>استفاده از داده‌های مصرف برق و اینترنت برای کشف مزارع استخراج پنهان.</p> <p>بازیابی: همکاری با شبکه‌های بین‌المللی و نهادهای تطبیق رمزآرزی برای شناسایی مسیرهای انتقال دارایی و مسدودسازی حساب‌های مرتبط.</p>	<p>پول‌شویی از طریق کیف پول‌های ناشناس.</p> <p>انتقال سریع فرامرزی سرمایه خارج از نظام‌های بانکی تحت نظارت.</p> <p>استفاده از رمز ارزهای محرمانه (Privacy Coins) برای فرار از شناسایی.</p>	<p>مزارع استخراج، مدیران کیف پول رمزنگاری، صرافی‌های خارجی.</p>	<p>واحدهای سایبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شرکت‌های فناوری مرتبط با ستاد، عملیات استخراج مخفی.</p>	<p>ارز دیجیتال</p>
<p>توقف: فراخوان و ابطال قانونی تمامی اوراق بی‌نام ثبت نشده.</p> <p>شناسایی: تطبیق تراکنش‌های ارزی با اطلاعات نهادهای نظارتی خارجی.</p> <p>بازیابی: پیگیری داور بین‌المللی برای لغو فروش‌های جعلی و بازگرداندن دارایی‌ها.</p>	<p>فروش پنهانی اوراق بی‌نام به خریداران خارجی پیش از انتقال قدرت پنهان‌سازی ثروت از طریق گواهی‌های بی‌نام یا ثبت نشده.</p>	<p>شرکت‌های پوششی خارجی و کارگزاران سرمایه‌گذاری برون‌مرزی، معمولاً در کشورهای ثالث مانند امارات، ترکیه یا مالزی فعالند.</p>	<p>وزارت اقتصاد و دارایی و شرکت‌های تابعه ستاد اجرایی فرمان امام، ستادها و نهادهایی که این نوع اوراق را منتشر یا در اختیار دارند.</p>	<p>اوراق قرضه و گواهی‌های بی‌نام</p>
<p>توقف: صدور اعلام انسداد جهانی از طریق اینترپل و دولت‌های شریک.</p> <p>شناسایی: بهره‌گیری از داده‌های بین‌المللی مالکیت، سوابق مالیاتی و همکاری با مراجع نظارتی جهت کشف الگوهای انتقال یا پنهان‌سازی دارایی‌ها.</p> <p>بازیابی: طرح دعاوی قضایی در دادگاه‌های خارجی برای بازگرداندن مالکیت.</p>	<p>انتقال مالکیت به شرکت‌های پوششی خارجی. پنهان‌سازی دارایی‌ها از طریق تراست‌ها و وکلای خارجی.</p> <p>فروش فوری به خریداران وابسته با قیمت‌های کمتر از بازار.</p>	<p>شرکت‌های هلدینگ املاک در امارات، ترکیه و اروپا و کانادا.</p>	<p>بنیادها، ستاد اجرایی، آستان قدس رضوی، افراد وابسته و نزدیک به رژیم.</p>	<p>املاک و اراضی خارجی</p>
<p>توقف: تمامی معاملات ملکی مرتبط با نهادهای شناسایی شده مسدود شود.</p> <p>شناسایی: دفاتر ثبت املاک از نظر مغایرت‌ها و تغییرات مشکوک مورد ممیزی و بررسی قرار گیرند.</p> <p>بازیابی: با استفاده از احکام قضایی، نقل و انتقالات غیرقانونی باطل و سوابق از نسخه‌های پشتیبان بازسازی شوند.</p> <p>همچنین همکاری با مراجع مالی و قضایی کشورهای مقصد در چارچوب قوانین ضبط و استرداد دارایی‌ها برای ردیابی و بازگردانی</p>	<p>انتقال فوری مالکیت املاک به افراد وابسته به رژیم در لحظات پایانی.</p> <p>دستکاری داده‌های ثبت املاک برای پنهان‌سازی مالکیت واقعی.</p> <p>تخریب عمدی املاک یا سوابق برای از بین بردن مدارک مالکیت.</p>	<p>دفترخانه‌ها و سردفتران فاسد، شرکت‌های صوری داخلی، و دلالان املاک همکار.</p>	<p>بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی فرمان امام، آستان قدس رضوی، بنیاد تعاون سپاه، و همچنین اشخاص وابسته به رژیم که در فعالیت‌های غیرقانونی از جمله پول‌شویی، اختلاس و انتقال غیرقانونی</p>	<p>املاک و اراضی داخلی</p>

<p>املاک یا دارایی‌های منتقل شده از طریق شرکت‌های پوششی خارجی توصیه می‌شود.</p>			<p>دارایی‌ها دخیل بوده‌اند.</p>	
<p>توقف: استقرار نیروهای امنیتی و انتظامی برای حفاظت از تاسیسات حیاتی و جلوگیری از هرگونه خرابکاری یا تصرف غیرمجاز. شناسایی: پیش لحظه‌ای عملکرد سیستم‌ها، تطبیق بازده عملیاتی با درآمد ثبت شده و بررسی انحرافات در چارچوب یک کمیته تخصصی امنیتی-فنی. بازیابی: جایگزینی مدیران متخلف، بازگرداندن کارکرد عادی تاسیسات، ردیابی جریان درآمدهای منحرف شده و انجام ارزیابی‌های امنیتی تکمیلی با همکاری نهادهای اطلاعاتی مرتبط.</p>	<p>خرابکاری در تاسیسات نفتی، شبکه‌های برق یا زیرساخت‌های مخابراتی. انحراف منابع یا درآمدها به حساب‌های مخفی اشغال یا تصرف تاسیسات توسط پیگان‌های سپاه به‌عنوان اهرم فشار.</p>	<p>واحدهای سپاه پاسداران کنترل‌کننده امنیت، مدیران تاسیسات، و پیمانکاران دارای ارتباط سیاسی.</p>	<p>شرکت ملی نفت ایران (NIOC)، شرکت مخابرات ایران، شرکت‌های خدمات عمومی دولتی (آب، برق، گاز)، فرودگاه‌ها و بنادر کشور.</p>	<p>زیرساخت‌های حیاتی</p>
<p>توقف: تعلیق کلیه ادغام‌ها، واگذاری‌ها و انتقال سهام تا زمان ارزیابی کامل مالی و قضایی. شناسایی: استقرار حساب‌رسان فنی و کیفی برای ردیابی پرداخت‌های ناگهانی و جابجایی‌های مشکوک سرمایه. بازیابی: لغو معاملات متقلبانه از طریق احکام اضطراری و دعاوی قضایی، و بازگرداندن مالکیت شرکت‌ها به دولت موقت یا صندوق ملی بازیابی دارایی‌ها.</p>	<p>انتقال دارایی‌ها به شرکت‌های خارجی برای خارج کردن سرمایه از کشور. فروش شرکت‌ها یا دارایی‌ها به واسطه‌ها و اشخاص نزدیک به رژیم با قیمت‌های پایین‌تر از ارزش واقعی نابودی یا جعل سوابق سهام‌داران برای پنهان‌سازی مالکیت واقعی.</p>	<p>شرکت‌های حقوقی، حسابداران، شرکت‌های صوری خارجی، و مدیران وفادار در هیئت‌مدیره.</p>	<p>گروه‌هایی نظیر تدبیر (وابسته به ستاد اجرایی فرمان امام)، شرکت‌های تابعه بنیاد مستضعفان، شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران از جمله قرارگاه خاتم‌الانبیا.</p>	<p>دارایی‌های شرکتی</p>
<p>توقف: ایزوله‌سازی فوری تمامی سرورهای حیاتی در نهادهای اقتصادی، قضایی و اطلاعاتی؛ قطع دسترسی پیمانکاران خارجی و افراد مشکوک. شناسایی: تحلیل کامل لاگ‌های امنیتی و استفاده از فناوری تحلیل رفتاری برای شناسایی حذف یا انتقال غیرمجاز داده‌ها. بازیابی: بازسازی پایگاه‌های داده با استفاده از نسخه‌های پشتیبان و تیم‌های تخصصی بازیابی دیجیتال، همکاری میان قوه قضاییه، سازمان‌های بازرسی و نهادهای اطلاعاتی برای پیگرد عاملان و تقویت لایه‌های امنیت سایبری ملی.</p>	<p>حذف، رمزگذاری یا دستکاری داده‌های مالکیت و اسناد قضایی به‌منظور پنهان‌سازی تخلفات و مالکیت‌های نامشروع. کپی‌برداری و انتقال داده‌های محرمانه برای فروش، باج‌گیری یا امحای مدارک جرم. ایجاد سوابق جعلی یا تغییر مسیر داده‌ها برای تحریف مالکیت و ردپای مالی.</p>	<p>مدیران سامانه‌ها، پیمانکاران نرم‌افزار خارجی، کارشناسان فناوری اطلاعات وابسته به رژیم و عوامل نفوذی در واحدهای نگهداری داده.</p>	<p>بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان ثبت احوال، آرشبو قوه قضاییه، سازمان بازرسی کل کشور، و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی.</p>	<p>سوابق و پایگاه‌های داده دیجیتال</p>

حساب‌های بانکی داخلی

- **نام بانک‌ها:** بانک مرکزی ایران، بانک ملی، بانک صادرات، بانک ملت، بانک تجارت، بانک سپه. این موسسات برای نگهداری حساب‌های اصلی دولت، پردازش درآمدهای نفتی و تامین مالی عملیات دولتی استفاده می‌شوند. نهادهای نیمه‌دولتی مانند بنیادها نیز سبد دارایی گسترده‌ای در این بانک‌ها دارند که اغلب در حساب‌های پیچیده و چندلایه برای پنهان کردن مالکیت آن‌ها انجام می‌شود.
- **موجودی تخمینی:** اگرچه ارقام دقیق قابل دستیابی نیستند، تخمین‌ها حاکی از وجود ده‌ها میلیارد دلار ذخایر ارزی قابل دسترس در بانک مرکزی ایران و سایر بانک‌های دولتی است. حساب‌های ارزی داخلی (ریالی) که توسط بنیادها و ستادها نگهداری می‌شوند، تریلیون‌ها دلار تخمین زده می‌شود.
- **ساختارهای حساب:** استفاده از حساب‌های لایه‌ای، حساب‌های اسمی که توسط افراد مورد اعتماد نگهداری می‌شوند و انتقال‌های بین بانکی که برای مبهم کردن ذی‌نفع نهایی طراحی شده‌اند.

حساب‌های خارجی

- **حوزه‌های قضایی:** امارات متحده عربی (دبی)، کانادا، ترکیه، سوئیس، لوکزامبورگ، مالزی، چین (هنگ کنگ) و کشورهای کارائیب.
- **شرکت‌های صوری:** استفاده گسترده از شرکت‌های صوری در بخش‌های تجاری، ساختمانی و مشاوره‌ای ثبت شده در حوزه‌های قضایی فوق، برای نگهداری حساب‌ها و انجام معاملات بین‌المللی. نمونه‌های قابل توجه شامل شرکت‌های مرتبط با قرارگاه خاتم الانبیا سپاه پاسداران و شرکت‌های تابعه بنیادها.
- **واسطه‌های شناخته‌شده:** شبکه‌ای از بازرگانان مورد اعتماد رژیم، افراد دوتابعیتی و اعضای خانواده مقامات ارشد به عنوان امضاکنندگان و مالکان ذی‌نفع این حساب‌های خارجی عمل می‌کنند.

ذخایر نقدی و طلای شناخته شده

- خزانه‌داری بانک مرکزی ایران در تهران، مخزن اصلی ذخایر طلای کشور و ارزهای خارجی فیزیکی است.
- اعتقاد بر این است که مقادیر قابل توجهی پول نقد و طلای اعلام نشده در گاوصندوق‌های امن تحت کنترل بنیادها (به‌ویژه بنیاد مستضعفان) و سپاه پاسداران، خارج از سیستم رسمی دولتی، نگهداری می‌شود.

ارزهای دیجیتال یا سایر دارایی‌های دیجیتال

- این رژیم از ارزهای دیجیتال مانند بیت‌کوین (BTC) و مونرو (XMR) برای دور زدن تحریم‌ها و تامین مالی غیرقانونی استفاده کرده است.

- عملیات استخراج در داخل ایران انجام شده است و دارایی‌ها در ترکیبی از صرافی‌های داخلی و بین‌المللی و همچنین کیف پول‌های خصوصی و بدون میزبان که ردیابی آن‌ها دشوار است، نگهداری می‌شوند.

دارایی‌های فیزیکی

املاک و مستغلات

- **املاک و موقعیت‌ها:** بنیاد مستضعفان و جانبازان بزرگترین مالک املاک در ایران است که مجموعه‌ی وسیعی از زمین‌های تجاری، مسکونی و کشاورزی را کنترل می‌کند. بخش عمده‌ای از آن‌ها پس از سال ۱۳۵۷ صادره شده است؛ شامل املاک و مستغلات درجه یک در تهران، اصفهان و سایر شهرهای بزرگ و همچنین دارایی‌های قابل توجهی در خارج از کشور، به‌ویژه در اروپا و خاورمیانه، که از طریق شرکت‌های صوری نگهداری می‌شوند. ستاد اجرایی فرمان امام همچنین هزاران ملک صادره شده را کنترل می‌کند.
- **ارزش‌گذاری:** ارزش کل املاک و مستغلات تحت کنترل بنیادها و ستاد صدها میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

زیرساخت‌های نفت، گاز و پتروشیمی

- **تاسیسات:** تمام میادین نفتی بزرگ، پالایشگاه‌ها (مثلاً آبادان، اصفهان)، پتروشیمی‌ها (مثلاً بندر امام) و پایانه‌های صادراتی (مثلاً جزیره خارک) تحت کنترل دولت از طریق شرکت ملی نفت ایران (NIOC) هستند.
- **خطوط لوله و ذخیره‌سازی:** شبکه خط لوله ملی و تمام تاسیسات ذخیره‌سازی استراتژیک، دارایی‌های حیاتی دولت هستند. سپاه پاسداران، از طریق قرارگاه خاتم‌الانبیاء، نفوذ و کنترل قابل توجهی بر ساخت‌وساز و امنیت این زیرساخت‌ها دارد.

نیروگاه‌ها، شبکه‌های مخابراتی، مراکز حمل و نقل

- تاسیسات اصلی تولید برق، شبکه برق ملی و شرکت مخابرات ایران (TCI) توسط نهادهای دولتی یا مرتبط با سپاه کنترل می‌شوند. برای مثال، اکثریت سهام شرکت مخابرات ایران متعلق به کنسرسیومی مرتبط با ستاد و سپاه پاسداران است.
- مراکز حمل و نقل مانند فرودگاه بین‌المللی «امام خمینی» و بنادر بندرعباس و چابهار تحت کنترل دولت هستند و سپاه پاسداران حضور گسترده‌ای در امنیت و عملیات آن‌ها دارد.

شركت‌هاى داخلى عمده

- **نام‌ها و بخش‌ها:** بنيادها و ستاد، صدها شركت را در تقريبا هر بخش از اقتصاد ايران، از جمله امور مالى، ساخت‌وساز، توليد، داروسازى و مخابرات، كنترل مى‌كنند. از جمله اين شركت‌ها مى‌توان به بانك سينا (بنياد مستضعفان)، گروه تدبير (ستاد اجرايى) و شركت صنعتى دريائى صدرا ايران (خاتم الانبيا) اشاره كرد.
- **لايه‌هاى مالكيت:** مالكيت عمدا از طريق ساختارهاى پيچيده و چندلايه هلدينگ پنهان مى‌شود، جايى كه يك بنياد مادر مالك يك شركت هلدينگ است كه آن شركت نيز به نوبه خود مالك مجموعه‌اى از شركت‌هاى تابعه است و دريائى مالكيت نهايى ذى‌نفع را دشوار مى‌كند.

شركت‌هاى تابعه در خارج از كشور و شركت‌هاى پوششى

- شركت‌هاى تابعه و شركت‌هاى پوششى متعددى در اروپا (به‌ويژه آلمان)، خاورميانه (امارات متحده عربى، تركيه) و آسيا براى دور زدن تحريم‌ها، تهيه فناورى‌هاى دومنظوره و سرمايه‌گذارى مازاد سرمايه، فعاليت مى‌كنند. اين شركت‌ها اغلب به‌عنوان كسب و كارهاى مشروع و مستقل معرفى مى‌شوند.

دارايى‌هاى ديجيتال/معنوى

پايگاه‌هاى داده و ثبت‌ها

- كنترل بر پايگاه‌هاى داده ملى حياتى، از جمله سازمان ثبت احوال كشور، سازمان ثبت اسناد و املاك و دفاتر ثبت شركت‌ها. اين موارد براى شناسايى افراد، دارايى‌ها و شبكه‌هاى شركتى بسيار ارزشمندند.

فناورى اختصاصى

- اختراعات و فناورى‌هاى اختصاصى توسعه‌يافته توسط شركت‌هاى مرتبط با دفاع (تحت كنترل وزارت دفاع و پشتيبانى نيروهاى مسلح) و شركت‌هاى دانش‌بنيان تحت حمايت بنيادها.

بايگانى‌ها

- بايگانى‌هاى وسيعى حاوى شواهد فساد، سوابق برنامه‌هاى هسته‌اى و نظامى، پرونده‌هاى اطلاعاتى و اسناد مربوط به فعاليت‌هاى غيرقانونى بين‌المللى. اين بايگانى‌ها توسط وزارتخانه‌هاى مختلف، سپاه پاسداران و بنيادها نگهدارى مى‌شوند و در معرض خطر بالايى نابودى فورى هستند.

اقدام محوری: شناسایی سازمان‌های کلیدی

این طرح تمام سازمان‌های اصلی کنترل‌کننده منابع استراتژیک را هدف قرار می‌دهد.

نام سازمان	توضیحات	ارزش تخمینی / نفوذ اقتصادی	بخش‌های کلیدی عملیات
بنیاد جانبازان و مستضعفان	یک شرکت عظیم فرادولتی (بنیاد) که از دارایی‌های مصادره‌شده‌ی حکومت سابق تشکیل شده است. مستقیماً به رهبر گزارش می‌دهد.	بیش از ۲۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. دومین شرکت تجاری بزرگ ایران پس از شرکت ملی نفت ایران.	املاک و مستغلات، ساخت‌وساز، امور مالی (بانک سینا)، تولید، نوشیدنی‌ها، لجستیک.
ستاد اجرایی فرمان امام	یک شرکت هلدینگ شبه‌دولتی که توسط رهبر جمهوری اسلامی کنترل می‌شود و بر مصادره سیستماتیک دارایی‌های اقلیت‌های مذهبی، مخالفان و ایرانیان خارج از کشور بنا شده است.	تا ۹۵ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.	داروسازی (برکت)، امور مالی، املاک و مستغلات، مخابرات، انرژی.
آستان قدس رضوی	بنیادی که حرم امام هشتم شیعیان را در مشهد اداره می‌کند، اما در عین حال یک مجتمع تجاری عظیم با زمین‌های وسیع و دارایی‌های صنعتی است. به رهبر رژیم گزارش می‌دهد.	ده‌ها میلیارد دلار تخمین زده می‌شود و بر اقتصاد شمال شرقی ایران تسلط دارد.	کشاورزی، فرآوری مواد غذایی، املاک و مستغلات، خودرو، خدمات مالی.
قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا	بازوی اصلی مهندسی و ساخت‌وساز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به عنوان یک پیمانکار عظیم دولتی عمل می‌کند.	سالانه قراردادهای دولتی به ارزش میلیاردها دلار منعقد می‌کند.	نفت و گاز، پتروشیمی، خطوط لوله، سدها، جاده‌ها، مخابرات.
شرکت ملی نفت ایران	شرکت دولتی زیر نظر وزارت نفت که مسئول تمام تولید و فروش نفت و گاز ایران است.	دارایی‌هایی به ارزش صدها میلیارد دلار را کنترل می‌کند. شریان مالی حیاتی کشور.	اکتشاف، تولید، پالایش، بازاریابی نفت و گاز.

جدول ۱: سازمان‌های کلیدی مالی و اقتصادی

اقدام محوری: شناسایی افراد و نقش‌های کلیدی

این اقدام شامل هدف قرار دادن کارکنان کلیدی کنترل‌کننده سازمان‌های فوق است. جدول زیر نمونه‌هایی را ارائه می‌دهد؛ یک فهرست کامل و طبقه‌بندی‌شده باید تهیه و به‌طور مداوم به‌روزرسانی شود.

نام	سمت / نقش	سازمان	ارتباط با دارایی‌ها
پرویز فتاح	رئیس ستاد اجرایی فرمان امام و رئیس سابق بنیاد مستضعفان	ستاد اجرایی فرمان امام	به عنوان مدیر اجرایی، کنترل نهایی امضا و عملیات بر دارایی‌های داخلی و بین‌المللی این نهادها را بر عهده دارد. همچنین اعضای خانواده‌ی او به‌عنوان واسطه‌ها/نمایندگان احتمالی مورد ظن هستند.
حسین دهقان	رئیس بنیاد مستضعفان	بنیاد مستضعفان	وزیر دفاع سابق با پیوندهای عمیق با سپاه پاسداران. املاک و مستغلات گسترده و مجموعه شرکت‌های این بنیاد را کنترل می‌کند.
احمد مروی	متولی آستان قدس رضوی	آستان قدس رضوی	او که توسط رهبر منصوب شده است، تمام موقوفات مذهبی و امپراتوری عظیم تجاری وابسته به حرم را کنترل می‌کند.
عبدالعلی علی‌عسگری	مدیرعامل گروه تدبیر (شرکت مادر تخصصی ستاد)	ستاد اجرایی فرمان امام	مدیریت عملیات روزمره امپراتوری شرکتی ستاد و شبکه شرکت‌های تابعه آن را بر عهده دارد.
سعید محمد	فرمانده سابق قرارگاه خاتم الانبیاء	خاتم الانبیاء	بر پروژه‌های عظیم ساختمانی و زیرساختی سپاه پاسداران نظارت داشته و احتمالاً به منابع مالی و شرکت‌های صوری مرتبط نیز دسترسی داشته است.
اعضای خانواده مقامات ارشد (مثلاً خانواده‌های خامنه‌ای، لاریجانی)	پروکسی‌ها، مالکان ذی‌نفع	مختلف	به عنوان نماینده برای نگهداری دارایی‌ها، به‌ویژه املاک و مستغلات و سهام شرکت‌ها، چه در ایران و چه در خارج از کشور (مثلاً کانادا، آلمان) برای دور زدن تحریم‌ها و پنهان کردن مالکیت استفاده می‌شود.

جدول ۲: مشخصات اشخاص کلیدی (این جدول نمونه است و در طرح عملیاتی تفصیلی تکمیل خواهد شد).

اقدام مقدماتی: ارزیابی آسیب‌پذیری

این ارزیابی، ریسک‌های اصلی دارایی‌ها را در طول دوره بی‌ثباتی شناسایی می‌کند.

- **خطر غارت:** خطر بالای غارت گسترده دارایی‌های فیزیکی، به‌ویژه از دفاتر بنیادها و محل اقامت مقامات رژیم، توسط جمعیتی که از دهه‌ها فساد فقیر و خشمگین هستند. این امر می‌تواند منجر به از دست رفتن نه تنها ثروت مادی، بلکه اسناد و مدارک حیاتی نیز بشود.
- **خطر خرابکاری:** خطر بالای خرابکاری عمدی توسط وفاداران به رژیم، به‌ویژه در درون سپاه پاسداران. این شامل تخریب زیرساخت‌های حیاتی (خطوط لوله نفت، نیروگاه‌ها)، پاک کردن پایگاه‌های داده دیجیتال و سوزاندن بایگانی‌ها برای فلج کردن قدرت انتقالی آینده و پنهان کردن شواهد جنایات گذشته می‌شود.
- **خطر انتقال غیرقانونی:** بالاترین و فوری‌ترین خطر. در یک بحران، افراد داخلی رژیم بلافاصله تلاش می‌کنند دارایی‌های نقدشونده (وجوه الکترونیکی، ارزهای دیجیتال) را به حساب‌های از پیش ایجاد شده در خارج از کشور منتقل کنند. آن‌ها همچنین تلاش می‌کنند دارایی‌های فیزیکی با ارزش بالا مانند طلا، پول نقد و اوراق قرضه بی‌اسم را قاچاق کنند.
- **خطر فرار پرسنل (به همراه دارایی‌ها):** یکی از مخاطرات قابل‌توجه، خروج پرسنل کلیدی (از جمله مدیران بانک‌ها، مدیران فناوری اطلاعات و مدیران شرکت‌ها) از کشور است؛ افرادی که دانش فنی و کدهای دسترسی به دارایی‌ها را در اختیار دارند. برخی ممکن است برای همکاری آماده باشند، اما برخی دیگر ممکن است اطلاعات حیاتی را با خود خارج کرده و از آن برای «باج‌گیری» یا بهره‌برداری شخصی از دارایی‌ها استفاده کنند.

تدابیر بازیابی

این بخش، اقدامات عملیاتی متوالی برای طرح بازیابی را تشریح می‌کند.

فاز نخست: اقدامات فوری : ساعت صفر تا ۷۲

این مرحله بر ایمن‌سازی دارایی‌ها و جلوگیری از آسیب فوری متمرکز است.

● ایمن‌سازی فوری مکان‌های فیزیکی

- **هدف:** ایجاد یک کمربند فیزیکی در اطراف تمام مراکز اقتصادی و اداری حیاتی برای جلوگیری از غارت، خرابکاری و حذف اسناد یا دارایی‌ها.
- **فهرست هدف (اولویت ۱)**
 - بانک مرکزی ایران (تهران) - ساختمان اصلی و خزانه‌داری.
 - بنیاد مستضعفان (تهران).
 - ستاد فرماندهی اجرایی (تهران).
 - دفتر مرکزی شرکت ملی نفت ایران (تهران).
 - دفتر مرکزی بانک دولتی (بانک ملی، صادرات).

■ مراکز داده کلیدی برای ثبت احوال و شبکه‌های مالی.

○ اجرا

- استقرار واحدهای از پیش تعیین‌شده ارتش یا نیروهای ائتلاف با چارچوب مشخص اجرایی عملیات
- ایجاد یک محیط امنیتی چند لایه داخلی در تمام ورودی‌ها و خروجی‌ها، در حالی که لایه بیرونی دسترسی عمومی را مدیریت و از تجمع جلوگیری می‌کند.
- همزمان، «تیم‌های داخلی» متشکل از کادر تخصصی تأییدشده و پرسنل امنیتی برای ایمن‌سازی اتاق‌های سرور، بایگانی پرونده‌ها و دفاتر اجرایی وارد تاسیسات خواهند شد. از خروج همه پرسنل تا زمان پاکسازی جلوگیری خواهد شد.

● تهیه نسخه پشتیبان و مستندسازی دیجیتال به منظور حفظ شواهد

- تیم‌های فناوری اطلاعات بلافاصله شروع به تهیه نسخه‌های کامل و قابل بررسی قضایی از تمام سرورها و پایگاه‌های داده حیاتی خواهند کرد.
- دسترسی شبکه به دنیای خارج قطع خواهد شد تا از پاکسازی از راه دور داده‌ها جلوگیری شود.
- تمام سوابق دیجیتال موجود به عنوان مدرک برای اقدامات قانونی آینده حفظ خواهند شد.

● احکام قانونی و ابلاغیه‌های بین‌المللی

- مرجع انتقالی فوراً یک فرمان اضطراری صادر خواهد کرد که تمام حساب‌های مرتبط با سازمان‌ها و افراد هدف را در سیستم بانکی ایران مسدود می‌کند.
- همزمان، اطلاعیه‌های از پیش تهیه‌شده از طریق سریع‌ترین کانال‌های دیپلماتیک به گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، اینترپل (اعلان‌های قرمز برای افراد کلیدی)، طرح ابتکاری StAR بانک جهانی و دولت‌های تمام کشورهای دارنده‌ی دارایی‌های ایران ارسال خواهد شد و درخواست مسدود کردن فوری تمام حساب‌ها و اموال مرتبط با آن‌ها مطرح می‌شود.
- این فرمان اضطراری به‌طور موقت تمام فروش، واگذاری یا خصوصی‌سازی دارایی‌های مهم دولتی و شبه‌دولتی را متوقف می‌کند تا از انتقال غیرقانونی این دارایی‌ها به افراد و شبکه‌های سیاسی وابسته جلوگیری شود، تا زمانی که یک نظام شفاف و قانونی برای نظارت بر آن‌ها شکل بگیرد.

فاز دوم: اقدامات میان‌مدت (روزهای ۳+ تا ۳۰+)

● تاسیس کارگروه بازیابی دارایی‌ها

ایجاد رسمی یک کارگروه اختصاصی با کمیته‌های فرعی برای حسابداری قانونی، امور حقوقی، دیپلماسی بین‌المللی و امنیت فیزیکی.

• ایجاد فهرست ملی متمرکز دارایی‌ها

ایجاد فهرست ملی متمرکز دارایی‌ها: پس از تشکیل کارگروه بازیابی دارایی‌ها، نخستین اولویت آن آغاز ایجاد یک فهرست ملی متمرکز دارایی‌ها خواهد بود. این مأموریت شامل به‌کارگیری تیم‌های فنی تایید صلاحیت‌شده برای فهرست‌برداری نظام‌مند از تمامی دارایی‌های فیزیکی، سوابق مالی، و داده‌های دیجیتال ذخیره‌شده در فاز نخست است.

این فهرست به‌عنوان یک دفتر زنده و به‌روزشونده مداوم عمل می‌کند و پایه‌ی مستندی برای حسابرسی‌های قضایی گسترده‌تر و نیز شفافیت لازم جهت اطلاع‌رسانی عمومی فراهم می‌سازد.

• آغاز حسابرسی‌های قضایی جامع

کارگروه بازیابی دارایی‌ها تیم‌های تخصصی حسابداری قضایی را مأمور خواهد کرد تا:

- تمامی سوابق دیجیتال، تراکنش‌های بین بانکی و معاملات بین‌المللی را تحلیل و تطبیق دهند تا دامنه کامل دارایی‌های داخلی و خارجی مشخص شود.
- ساختارهای پیچیده شرکت‌های صوری و زنجیره‌های مالکیت را برای شناسایی مالکان نهایی و ذی‌نفعان واقعی ردیابی کنند.
- فهرستی دقیق و تاییدشده از تمامی دارایی‌های مالی ایجاد نمایند که مبنای حقوقی برای اقدامات بین‌المللی بازیابی دارایی‌ها و پیگردهای قضایی داخلی خواهد بود.

• برنامه حمایت از افشاگران فساد و گزارش‌دهندگان تخلف

راه‌اندازی یک کمپین عمومی که افراد داخلی را تشویق به ارائه اطلاعات در مورد دارایی‌های پنهان کند و در صورت لزوم پاداش‌های مالی و عفو عمومی ارائه دهد.

فاز سوم: اقدامات بلندمدت (از ماه دوم به بعد)

• اقدام حقوقی بین‌المللی

آغاز مراحل قانونی در حوزه‌های قضایی خارجی برای بازپس‌گیری دارایی‌های مسدودشده. این امر مستلزم استخدام شرکت‌های حقوقی بین‌المللی و همکاری نزدیک با ادارات دادگستری کشورهای شریک خواهد بود.

• مدیریت و واگذاری دارایی‌ها

ایجاد یک چارچوب شفاف برای مدیریت دارایی‌های بازیابی‌شده. این می‌تواند شامل ایجاد یک صندوق ثروت ملی برای استفاده از دارایی‌ها برای بازسازی و برنامه‌های اجتماعی باشد.

• پیگرد قانونی

با استفاده از شواهد حفظ‌شده برای آغاز پیگرد قانونی داخلی افراد درگیر در فساد و سرقت ثروت عمومی متخلفان مشمول پیگرد قانونی شوند.

توصیه‌ها

موارد پیش رو پیشنهادهایی هستند که جهت استراتژیک عملیات را مشخص می‌کنند.

• ایجاد یک ساختار فرماندهی واحد

- ایجاد گروهی یکپارچه برای بازیابی دارایی‌های عمومی که به‌طور مستقیم به رئیس نهاد انتقالی گزارش دهد. این گروه ویژه باید از اختیارات اجرایی، قانونی و عملیاتی برخوردار باشد تا بتواند با پرهیز از هرگونه کاغذ بازی قاطعانه عمل کند.

• تدوین و اجرای یک استراتژی ارتباط عمومی فعال

- **هدف:** ایجاد مشروعیت داخلی و بین‌المللی، جلوگیری از وحشت و مقابله با اطلاعات نادرست.
- **پیام‌های کلیدی:** تاکید این نکته که این عملیات «ثروت عمومی» دزدیده‌شده را هدف قرار می‌دهد، نه اموال خصوصی. اطلاع‌رسانی درباره پیشرفت‌ها به صورت روزانه و مرتب و برجسته کردن چگونگی استفاده وجوه بازیابی‌شده برای منافع عموم (مثلاً بازگرداندن حقوق بازنشستگی، تامین مالی بیمارستان‌ها، حمل و نقل عمومی و ...).
- **کانال‌ها:** استفاده فعال از تمامی رسانه‌های موجود. ایجاد یک وبسایت اختصاصی تا به عنوان منبع رسمی اطلاعات، به‌روزرسانی‌ها را ارائه دهد و شایعات نادرست را رد کند.

• بهره‌گیری از تخصص مهاجران و همکاری بین‌المللی

- **مهاجران متخصص:** استخدام و بررسی متخصصانی از میان ایرانی‌های خارج از کشور که در امور مالی بین‌المللی، حسابداری قانونی و حقوق تجربه دارند، به‌طور فعال و ایجاد یک شورای مشورتی رسمی برای کمک به گروه ویژه بازیابی دارایی‌ها.
- **همکاری بین‌المللی:** رسمیت بخشیدن به همکاری با نهادهای بین‌المللی مانند «طرح بازیابی دارایی‌های سرقت‌شده بانک جهانی (UNODC/StAR)»، گروه ویژه اقدام مالی (FATF) و اینترپل. این نهادها می‌توانند در قالب کمک‌های فنی، آموزشی و ایجاد بسترهای بین‌المللی، از تلاش‌های حقوقی و دیپلماتیک برای بازیابی دارایی‌ها پشتیبانی کنند.

• ایجاد سامانه متمرکز ثبت دیجیتال دارایی‌ها

کارگروه بازیابی دارایی‌ها باید ماموریت یابد تا یک سامانه دیجیتال متمرکز و عمومی ایجاد و نگهداری کند. این سامانه امکان پایش لحظه‌ای موارد زیر را فراهم می‌سازد:

- دارایی‌های فیزیکی مهم و ارزش تقریبی آن‌ها.
- مجموع دارایی‌های مالی بازیابی‌شده در داخل و خارج از کشور.
- وضعیت بنگاه‌های بزرگ دولتی و شبه‌دولتی که تحت نظارت و کنترل این نهاد قرار دارند.

نتایج مورد انتظار

موارد پیش رو نتایج مشخصی هستند که می‌توان از اجرای موفقیت‌آمیز اقدامات طرح مذکور انتظار داشت.

- جلوگیری موفقیت‌آمیز از فرار گسترده دارایی‌ها و ایمن‌سازی فیزیکی و دیجیتالی اکثر زیرساخت‌های اقتصادی داخلی رژیم سابق ظرف ۷۲ ساعت اول.
- مسدود شدن قانونی بخش قابل توجهی (که بالغ بر ده‌ها میلیارد دلار تخمین زده می‌شود) از دارایی‌های خارجی رژیم در عرض ماه اول.
- حفظ شواهد حیاتی مورد نیاز برای پشتیبانی از اقدامات قانونی داخلی و بین‌المللی آینده علیه مقامات فاسد.
- افزایش اعتماد و اطمینان عمومی به مقامات انتقالی، در نتیجه اقدام قاطع آن‌ها برای بازپس‌گیری ثروت ملی و پاسخگو کردن مقامات رژیم سابق.

نظارت و ارزیابی

این بخش، معیارها و فرآیندهای لازم برای پیگیری پیشرفت و تضمین پاسخگویی را تشریح می‌کند.

معیارهای موفقیت

• مالی

- ارزش کل دلاری حساب‌های بانکی داخلی مسدودشده.
- ارزش تخمینی بازیابی‌شده دارایی‌ها داخلی به صورت ریالی.
- ارزش تخمینی کل دارایی‌های بین‌المللی مسدود شده.
- مقدار طلای فیزیکی و پول نقد که در خزانه‌ها محافظت می‌شود.

● عملیاتی

- تعداد سایت‌های فیزیکی با اولویت بالا که با موفقیت ایمن‌سازی شده‌اند.
- درصد پایگاه‌های داده حیاتی که به صورت قانونی تصویربرداری و حفظ شده‌اند.
- تعداد اعلان‌های قرمز اینترپل صادر شده و اقدامات لازم انجام شده.

● حقوقی

- تعداد پرونده‌های رسمی استرداد دارایی که در حوزه‌های قضایی خارجی ثبت شده‌اند.
- تعداد کیفرخواست‌های داخلی که بر اساس شواهد به دست آمده تهیه شده‌اند.

فرآیند بررسی

- مدیریت کارگروه بازیابی دارایی‌ها، جلسات توجیهی عملیاتی روزانه را برای ۱۴ روز اول برگزار خواهد کرد.
- گزارش پیشرفت هفتگی به رهبری تیم انتقالی ارائه خواهد شد.
- برای حفظ شفافیت و حمایت عمومی، یک گزارش عمومی ماهانه از طریق وبسایت رسمی منتشر خواهد شد که ارزش کل دارایی‌های تضمین‌شده و پیشرفت تلاش‌های بازیابی را مشخص می‌کند.

این صفحه عمداً سفید گذاشته شده است.

انرژی: مدیریت زیرساخت‌های اساسی و پایداری زنجیره تامین

اسفند ۲۵۸۴

این سپیدنامه، رویکردی راهبردی برای تثبیت، بازیابی و اصلاح زیرساخت‌های حیاتی نفت، گاز، برق و تاسیسات هسته‌ای ایران در ۱۸۰ روز نخست پس از فروپاشی جمهوری اسلامی است. اجرای این برنامه بر عهده ستاد عالی انرژی در پروسه‌ی گذار خواهد بود که متشکل از نیروهای ارزیابی‌شده و متخصص است. این طرح ابعاد امنیتی، حکمرانی، فنی و ژئوپولیتیکی را در چندین مرحله با هم تلفیق می‌کند.

اهداف کلیدی

- جلوگیری از خرابکاری، هرج‌ومرج و فروپاشی عملیاتی در بخش انرژی.
- احیای جریان برق و سوخت در سراسر کشور و تضمین پایداری آن.
- از سرگیری صادرات برای تامین درآمد ملی و بازگرداندن اعتماد جهانی به ثبات انرژی خلیج فارس.
- پایه‌گذاری ساختار نهادی پایدار و بلندمدت اصلاحات قانونی و جلب اعتماد عمومی از طریق شفافیت و واگذاری تدریجی به وزارت انرژی نوین با ساختار اصلاح‌شده.

اولویت‌های کلیدی

- **تشکیل ستاد عالی انرژی در گذار:** تجمیع و متمرکزسازی مدیریت نهادهای انرژی تحت نظارت یک نهاد عملیاتی امن و معتبر به‌منظور هدایت در طول مرحله اضطراری.
- **تامین و قفل‌گذاری سیستم‌های کنترلی فیزیکی و دیجیتال:** ایزوله‌سازی فوری شبکه‌های اسکادا (SCADA)، سامانه‌های پایش و مدیریت جریان برق و سوخت و زیرساخت‌های سوخت برای جلوگیری از خرابکاری یا تصرف خصمانه.
- **تثبیت جریان برق و سوخت در کشور:** اولویت‌بخشی به بیمارستان‌ها، سامانه‌های آبرسانی و زیرساخت‌های حیاتی شهری. اجرای اصلاحات موقت از جمله اضافه کردن واحدهای تولید برق با امکان نصب سریع و کوپن‌های هوشمند انرژی برای مدیریت گذار.

- **بازآرایی و بازگشت نیروی انسانی بخش انرژی:** شناسایی، راستی‌آزمایی و بازگماری نیروهای فنی سطح میانی. آغاز برنامه جذب نیروهای متخصص ایرانی مقیم خارج برای احیای توان مدیریتی بخش انرژی.
- **انتقال تدریجی وظایف به وزارت جدید انرژی:** ادغام وزارت نفت و وزارت نیرو در قالب ساختار یکپارچه و متشکل از بخش‌های سیاست‌گذاری، اجرایی و نوآوری تا پایان فاز پنجم.
- **آغاز نوسازی زیرساخت‌ها و اصلاحات قانونی:** شروع ارتقای پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌های فرسوده برای بهبود کیفیت سوخت، کاهش قطعی برق و تضمین ایمنی عملیاتی. در کنار آن، تشکیل یک هیئت بررسی حقوقی برای ارزیابی و بازنگری قراردادهای انرژی دوران رژیم پیشین، در راستای انطباق با استانداردهای بین‌المللی.
- **بازتعریف نظارت هسته‌ای در چارچوب غیرنظامی و بین‌المللی:** تعلیق فعالیت‌ها، ایمن‌سازی مواد، آغاز بازرسی‌ها و انجام ممیزی‌های ایمنی مربوط به آلودگی و نگهداری مواد پرتوزا.
- **جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و نهادهای بین‌المللی:** تسهیل دسترسی ناظران، انتشار نقشه راه اصلاحات و راه‌اندازی «همایش گفت‌وگوی انرژی ایران» به‌عنوان بستری شفاف و قابل تعامل.

فرضیات

- امنیت پایه‌ای و کنترل سرزمینی در اغلب مناطق تولید انرژی برقرار شده است.
- پشتیبانی فنی و مالی بین‌المللی در دسترس خواهد بود.
- فرض بر آن است که حضور عناصر وابسته به نهادهای پیشین در زیرساخت‌های انرژی محدود است و امکان کنترل سریع و هدفمند آن‌ها وجود دارد.
- مهندسان و تکنسین‌های سطح میانی آمادگی همکاری با ستاد عالی انرژی در دوران گذار را دارند.
- پیش‌بینی می‌شود که در طی ۹۰ روز نخست، بخشی از تحریم‌ها با محوریت انرژی از طریق مسیرهای دیپلماتیک کاهش یابد.

فاز صفر: هماهنگی پیش از ورود (پیش از روز اول)

- **تشکیل ستاد عالی انرژی در گذار:** یک نهاد مرکزی با اعتماد بالا، متشکل از متخصصان ایرانی در حوزه‌های نفت و گاز، برق، امنیت سایبری، برنامه‌ریزی راهبردی، امنیت فیزیکی، آب و تثبیت اقتصادی به عنوان ستاد عالی انرژی در گذار (از این پس «ستاد») تشکیل می‌شود. ستاد به‌عنوان مرکز مدیریت کلیه برنامه‌ریزی‌ها، عملیات اجرایی و سیاست‌گذاری عمل خواهد کرد. همچنین یک ساختار اجرایی چندسطحی با دفاتر هماهنگ‌کننده منطقه‌ای در سطح استان‌ها راه‌اندازی خواهد کرد تا استقرار سریع تیم‌های فنی، مدیریت موقعیت‌های خاص و نظارت بر انتقال امن تاسیسات حیاتی را امکان‌پذیر سازد.

- **تفویض قانونی اختیارات:** صدور حکم رسمی و مکتوب از سوی رهبر خیزش ملی رای ماموریت‌دهی به ستاد به‌عنوان نهاد مشورتی و هماهنگ‌کننده؛ به منظور پشتیبانی از وزارتخانه‌های دوران گذار در حفظ کنترل و ثبات نهادهای انرژی بلافاصله پس از فروپاشی رژیم..
- **شناسایی و ارزیابی نیروهای متخصص داخلی:** شناسایی گسترده ساختاری از پرسنل در وزارت نفت و وزارت نیرو انجام خواهد شد. با بهره‌گیری از اطلاعات میدانی و گزارش‌های منابع درون‌سازمانی، افرادی که وابستگی آن‌ها به ساختارهای امنیتی رژیم پیشین یا سپاه پاسداران محرز باشد، برای برکناری شناسایی می‌شوند. هم‌زمان، نیروهای شایسته و فاقد وابستگی سیاسی که برای ادامه همکاری در دوران گذار مناسب تشخیص داده شوند، به‌صورت محرمانه شناسایی و برای حفظ و به‌کارگیری تحت نظارت ستاد در نظر گرفته خواهند شد.
- **تهیه نقشه تاسیسات کلیدی و رویه‌های عملیاتی:** تدوین پیش‌نویس شیوه‌نامه‌های اجرایی برای ایمن‌سازی و توقف کنترل‌شده‌ی پالایشگاه‌ها، جداسازی امن سامانه‌های پایش و کنترل (اسکادا)، بازبینی و تعیین تکلیف وضعیت نیروها و انتقال امن سایت‌ها.
- **تامین لجستیک و ارتباطات ایمن:** راه‌اندازی سامانه‌های ارتباطی رمزگذاری‌شده (ماهواره‌ای و زمینی) برای استفاده تیم‌های اعزامی. تهیه فهرست ۲۰ منطقه بحرانی، رتبه‌بندی‌شده بر اساس میزان اثرگذاری و میزان آسیب‌پذیری (از جمله پایانه‌های صادراتی، گره‌های شبکه ۵۰۰ کیلوولت، پالایشگاه‌ها، خطوط لوله اصلی و سایر زیرساخت‌های کلیدی).
- **تشکیل واحد هماهنگی بین‌المللی:** این واحد مسئول ارتباط با وزارت انرژی ایالات متحده، سرویس اقدامات خارجی اتحادیه اروپا، وزارتخانه‌های انرژی خلیج فارس، آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، اوپک، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، بانک جهانی (WB) و سایر نهادها خواهد بود تا کمک‌های فنی، تامین سوخت و اعتبار بین‌المللی را تسهیل کند.
- **تحلیل راهبردی ظرفیت پالایشی کشور:** برآورد جامع از زیرساخت‌های پالایشی ایران برای سنجش خروجی واقعی در مقابل ظرفیت اسمی، به‌ویژه در تولید بنزین، گازوئیل و سوخت هواپیما.
- **اقدامات مکمل:**
 - شناسایی و ارائه شکاف‌های عرضه و تقاضا در مناطق شهری، نظامی و خدمات حیاتی.
 - ارزیابی امکان‌پذیری فنی و عملیاتی برای احیای عرضه داخلی در ۳۰ روز ابتدایی.
 - تهیه فهرستی از مسیرهای تامین اضطراری از طریق کشورهای دوست برای جبران کمبودهای احتمالی در مرحله تثبیت.
 - ایجاد دوقلوی دیجیتال برای شبکه سراسری برق و پالایشگاه‌های کلیدی با استفاده از نقشه‌ها و دیاگرام‌های مهندسی، یک مدل مجازی از شبکه برق کشور و پالایشگاه‌های اصلی ساخته شود تا بتوان ارزیابی کرد که سیستم چگونه پس از خاموشی کامل (بلک‌اوت) دوباره به مدار بازمی‌گردد و در صورت از کار افتادن هر خط، نیروگاه یا تجهیز اصلی به‌طور منفرد، پایداری شبکه چگونه حفظ می‌شود؛ امری که مطابق با قاعده «تحمل قطع یک مؤلفه» در طراحی و بهره‌برداری ضروری است.

فاز نخست: تصرف اضطراری و تثبیت اولیه (روزهای ۱ تا ۱۰)

- راستی‌آزمایی اضطراری و اقدام سریع برای تعلیق یا برکناری مدیران و مسئولان ارشد در وزارتخانه‌های نفت و نیرو، با همراهی واحدهای حفاظتی منتخب، اجرا خواهد شد. در موارد بحرانی، دستور موقت تعلیق برای حفظ پیوستگی عملیاتی به مدت ۴۸ تا ۷۲ ساعت اعمال می‌شود تا فرایند راستی‌آزمایی کامل شود. استثنا: کارکنانی که پیش‌تر از طریق پلتفرم کارزار همکاری کلی یا مجاری قابل‌اعتماد دیگر راستی‌آزمایی و تایید شده‌اند، می‌توانند در سمت خود باقی بمانند. این اقدام موقتی است و با هدف تامین امنیت و پایداری عملیات و هم‌زمان تشویق جدایی بیشتر از رژیم پیشین و همکاری با ساختار جدید انجام می‌شود.
- واحدهای حراست مستقر در زیرمجموعه‌های انرژی، فوراً خلع سلاح و سامانه‌های نظارتی آن‌ها جمع‌آوری خواهد شد. زنجیره‌های ارتباط داخلی و گزارش‌دهی امنیتی، مسدود می‌شوند.
- سامانه‌های پایش و مدیریت دیجیتال از جمله اسکادا جداسازی امن خواهند شد. تمامی دسترسی‌های ریشه‌ای تغییر خواهند کرد و سامانه‌ها از هرگونه اتصال خارجی قطع می‌شوند. در صورت لزوم، پروتکل‌های کنترل دستی فعال خواهند شد.
- اجرای بازتنظیم امنیت دیجیتال در روز اول: تمام گذرواژه‌های سامانه‌ای تغییر داده شود، تمامی دسترسی‌های بیرونی قطع گردد، و نسخه‌های پشتیبان از داده‌های حیاتی در محل‌های امن نگهداری شود تا از هرگونه حمله سایبری، نفوذ یا خرابکاری جلوگیری شود.
- شیوه‌نامه هماهنگی مدنی-امنیتی بین ستاد عالی انرژی در گذار و نیروهای مسئول برای حفاظت فیزیکی از زیرساخت‌ها، اعمال مقررات منع رفت‌وآمد (در مناطق خاص) و تضمین بازگشت ایمن نیروهای فنی فعال خواهد شد. استقرار تیم‌های امنیتی واکنش سریع و سامانه‌های ضد پهپاد برای حفاظت از ۲۰ سایت حیاتی انرژی کشور شامل پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌ها و پایانه‌های صادراتی، به‌منظور جلوگیری از هرگونه حمله، خرابکاری یا اختلال در زیرساخت‌های کلیدی.
- فرایند بررسی، مسدودسازی و حسابرسی منابع مالی مربوط به صادرات انرژی، یارانه‌های داخلی و صندوق‌های حاکمیتی آغاز می‌شود.
- یک سازوکار ارتباط روزانه بین زیرکمیته‌های فنی ستاد و مدیران میانی تاسیسات انرژی در سراسر کشور برقرار خواهد شد (برای مثال، گزارش‌های صبحگاهی و جلسات هم‌زمان روزانه).

فاز دوم: تثبیت و امداد انرژی (روزهای ۱۱ تا ۴۰)

- حسابرسی فنی و چندرشته‌ای از تمام زیرساخت‌های انرژی کشور شامل وضعیت تجهیزات، گزارش آسیب، وفاداری پرسنل و ارزیابی پایداری عملیاتی انجام خواهد شد.
- جریان برق و سوخت در سطح ملی با اولویت‌دهی به بیمارستان‌ها، سامانه‌های آبرسانی و مراکز شهری بازسازی می‌شود. اطلاع‌رسانی عمومی برای توضیح واقعیت‌های مربوط به قیمت‌گذاری سوخت و آماده‌سازی برای اصلاح

یارانه‌ها اجرا خواهد شد. هم‌زمان، طرح‌های آزمایشی سهمیه هوشمند انرژی برای خانوارهای آسیب‌پذیر در شهرهای منتخب راه‌اندازی می‌شود.

- فرآیند بازگشت تدریجی نیروی انسانی، بر پایه غربالگری اضطراری و جذب نیروهای سطح میانی (مهندسان، کارشناسان و کارمندان فنی) آغاز می‌شود.
- واحدهای تولید برق با قابلیت نصب فوری از کشورهای همسایه اجاره یا خریداری شده و برای جبران شکاف تولیدی موقت مستقر خواهند شد.
- یک بازبینی جامع از تمامی قراردادهای فعال در حوزه نفت، گاز، برق و تامین‌کنندگان که در پنج سال گذشته منعقد شده‌اند، آغاز شود تا قانون‌مندی، شفافیت و انطباق آن‌ها با منافع ملی ارزیابی گردد. در موارد لازم، اجرای قراردادها به صورت موقت تعلیق شده و مذاکره‌ی مجدد آن‌ها در چارچوب حقوقی دوره‌ی گذار انجام شود، با این اولویت که پیوستگی عملیات حیاتی حفظ شود و در عین حال از سوءاستفاده، پرداخت‌های نامتعارف یا امتیازدهی‌های غیرشفاف جلوگیری گردد.
- تیم‌های واکنش فوری زیست‌محیطی برای رفع خطرات فوری و ریسک‌های ایمنی مرتبط با پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌ها فعال خواهند شد.

فاز سوم: تداوم عملیاتی و اعتمادسازی (روزهای ۴۱ تا ۱۰۰)

- ساختارهای امنیت فیزیکی جانشین جایگزین واحدهای حراست خواهند شد. این نهادهای تازه زیر نظر ستاد و با نظارت نهادی مدنی فعالیت می‌کنند.
- سامانه شفافیت عمومی راه‌اندازی و اطلاعات روزانه درباره تولید سوخت، ظرفیت پالایشگاه‌ها، مناطق دارای قطعی برق و خلاصه‌ی حسابرسی‌ها منتشر می‌شوند.
- برنامه‌های آزمایشی برای ادغام ساختاری وزارت نفت و نیرو آغاز خواهد شد.
- سازوکارهایی برای تشویق گزارش تخلفات و تقویت تعهد سازمانی طراحی خواهد شد تا کارکنان در فرآیند بازسازی نقش فعال داشته باشند و از انحرافات احتمالی جلوگیری شود.
- دسترسی ناظران بین‌المللی از جمله IAEA، IEA، بانک جهانی و بیمه‌گران برای ارزیابی کنترل عملیاتی، اطمینان از شفافیت و تسهیل جریان اعتبار خارجی فراهم خواهد شد.
- کارگروه اصلاح حقوقی و نظارتی برای انطباق با استانداردهای جهانی و حکمرانی شفاف آغاز به کار خواهد کرد.
- کارگروه تخصصی فنی و حقوقی برای ارزیابی انرژی هسته‌ای پس از رژیم زیر نظر ستاد عالی تشکیل می‌شود. این کارگروه درباره آینده انرژی هسته‌ای ایران همسو با نیازهای ملی و انتظارات جامعه بین‌المللی تصمیم‌گیری خواهد کرد. شالوده‌ای از اقدامات آن به شرح زیر است:
- همکاری و هماهنگی کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) برای انجام بازرسی‌های جامع و پایش مستمر تمامی تاسیسات هسته‌ای از جمله سایت‌های غنی‌سازی شامل نطنز، فردو و اصفهان.

- ارزیابی مجدد ایمنی عملیاتی و ارزش راهبردی نیروگاه هسته‌ای بوشهر در هماهنگی با استانداردها و الزامات بین‌المللی ایمنی.
- تعلیق کامل فعالیت‌های هسته‌ای به صورت نامحدود تا زمان بازنگری راهبرد ملی.
- حفاظت و نگهداری امن مواد هسته‌ای و پرتوزا تحت نظارت بین‌المللی برای جلوگیری از نشت، سرقت، قاچاق یا سواستفاده در دوران گذار.
- پایش زیست‌محیطی (آب، خاک، هوا) تا شعاع ۵۰ تا ۱۰۰ کیلومتری اطراف مراکز اصلی غنی‌سازی و همچنین سایت‌های مشکوک برای سنجش ریسک‌های محیط‌زیستی و بهداشتی.

فاز چهارم: انتقال نهادی و تثبیت ساختاری (روزهای ۱۰۱ تا ۱۳۰)

پس از تثبیت نسبی شرایط در ۱۰۰ روز نخست، تمرکز اصلی به سمت بازسازی نهادی، تثبیت منابع انسانی و انتقال تدریجی کنترل از ستاد به وزارت انرژی جدید تغییر می‌کند. هدف این فاز، حفظ پیوستگی عملیاتی در کنار شروع ساختاردهی پایدار و جلوگیری از گلوگاه‌های سیاسی یا بوروکراتیک است.

● ادغام مرحله‌ای وزارت نفت و وزارت نیرو در قالب وزارت جدید انرژی:

فرآیند ادغام در دو گام صورت می‌گیرد:

- در مرحله اول، دفتر مشترک هماهنگی با چارچوب حکمرانی اشتراکی تاسیس می‌شود.
- در مرحله دوم (در طی ۶۰ روز)، ساختار عملیاتی جدید فعال می‌گردد که شامل چهار بخش کلیدی خواهد بود:
 - نفت و گاز.
 - برق.
 - انرژی‌های نو و هسته‌ای.
 - سیاست‌گذاری راهبردی و مقررات‌گذاری.
- تمام نهادهای موجود در حوزه‌ی آب، برای حفظ ثبات در تخصیص و توزیع، به فعالیت تحت چارچوب‌های فعلی خود ادامه خواهند داد. هم‌زمان، نقشه‌راه اصلاحات نهادی جامع بخش آب تدوین می‌شود و انتقال مسئولیت‌های بخش آب به وزیر جدید، پس از دوره‌ی گذار ۱۸۰ روزه تعیین تکلیف خواهد شد.

● **تکمیل حسابرسی پالایشگاه‌ها و آغاز نوسازی:** حسابرسی فنی و عملکردی پالایشگاه‌های ملی نهایی و برنامه‌ریزی برای نوسازی فنی و زیست‌محیطی در سایت‌های کلیدی آغاز می‌شود. هدف، کاهش آلایندگی، بهبود کیفیت سوخت و انطباق با استانداردهای ایمنی بین‌المللی است.

● **انتقال سامانه‌های سایبری و فیزیکی به وزارت جدید انرژی:** فرآیند انتقال تدریجی سامانه‌های اسکادا زیرساخت‌های دیجیتال و امنیت سایبری به مراکز منطقه‌ای وزارت انرژی در قالب یک مدل دسترسی مرحله‌ای انجام می‌شود. هم‌زمان، پروتکل‌های اعتماد صفر (zero-trust) برای حفاظت از شبکه‌ها اجرا می‌شود و ستاد عالی انرژی به‌عنوان پشتیبان امنیتی باقی می‌ماند.

فاز پنجم: نوسازی زیرساختی و بازتنظیم حقوقی (روزهای ۱۳۱ تا ۱۶۰)

در این مرحله تمرکز اصلی از اقدامات اضطراری به سمت نوسازی فنی و حقوقی پایدار تغییر می‌یابد. این فاز با هدف مدرن‌سازی دارایی‌های حیاتی، فعال‌سازی طرح‌های آزمایشی انرژیهای نو، اصلاح قراردادهای دوره پیشین و پاک‌سازی زیست‌محیطی، پایه‌های یک بخش انرژی شفاف و قانون‌مند را بنیان‌گذاری می‌کند.

- **آغاز پایلوت‌های تثبیت شبکه برق:** با تمرکز بر افزایش قابلیت اطمینان شبکه و کاهش وابستگی به دیزل در استان‌های کلیدی، طرح‌های آزمایشی تثبیت شبکه‌ی طراحی و اجرا می‌شوند. هم‌زمان، فرایند انتخاب مکان برای اجرای پایلوت‌های انرژی تجدیدپذیر در فاز ششم یا سال دوم آغاز می‌گردد.
- **بازسازی مرحله‌ای نیروگاه‌های حرارتی گازسوز:** طرح نوسازی فنی برای بهبود بازدهی و توان پاسخ‌گویی بار در نیروگاه‌های قدیمی آغاز می‌شود. برنامه‌ریزی دقیق پروژه‌ها بر اساس نتایج ارزیابی‌های فنی انجام‌شده در فاز چهارم صورت می‌گیرد و پیمانکاران با اولویت داخلی بسیج خواهند شد.
- **تقویت مرحله‌ای شبکه انتقال برق:** مطالعات فنی مسیر، ارزیابی‌های امنیت حریم عبور و فرآیندهای تامین تجهیزات و تدارکات برای ستون فقرات ۵۰۰ کیلو ولتی شبکه ملی آغاز می‌شود. اجرای فیزیکی این پروژه از اواخر فاز ششم یا در سال دوم عملیاتی خواهد شد.
- **تشکیل هیئت مستقل بازنگری قراردادها:** یک نهاد حقوقی مستقل با حضور حقوق‌دانان برجسته و ناظران بین‌المللی برای بررسی، ارزیابی و در صورت لزوم بازنگری یا لغو قراردادهای انرژی بسته‌شده در دوره رژیم پیشین تشکیل می‌شود. اصول کلیدی این نهاد شامل فرآیند حل اختلاف سریع، حفاظت از سرمایه‌گذاران و انطباق با استانداردهای بین‌المللی خواهد بود.
- **ذخایر راهبردی نفت (Strategic Petroleum Reserve - SPR):** مکان‌های مناسب برای احداث مخازن راهبردی انتخاب و تامین مالی اولیه آن تثبیت می‌شود. طراحی مهندسی، برنامه‌ریزی لجستیکی و عملیات عمرانی اولیه آغاز خواهد شد. آغاز ساخت فیزیکی به نهایی شدن توافقات با حامیان مالی بستگی دارد.
- **برنامه‌های ضد فساد و ارتقای سلامت اداری:** دفتر نظارت داخلی وزارت جدید انرژی تشکیل و فعال می‌شود تا بر فرآیندهای مالی، قراردادها و رویه‌های پرسنلی نظارت کند و با تخلفات احتمالی برخورد قانونی و شفاف داشته باشد.
- **گسترش عملیات پاک‌سازی زیست‌محیطی:** دامنه‌ی پایش، نمونه‌برداری و اقدامات پاک‌سازی در اطراف تاسیسات هسته‌ای، مجتمع‌های پتروشیمی و مراکز غنی‌سازی که دارای سابقه آلودگی محیطی هستند، افزایش می‌یابد. همکاری با نهادهای بین‌المللی در این مرحله تقویت می‌شود.

فاز ششم: گشایش اقتصادی و تنظیم‌گری نهایی (روزهای ۱۶۱ تا ۱۸۰)

در فاز نهایی تمرکز بر ایجاد زیرساخت حقوقی و نهادی لازم برای حضور مجدد ایران در نظام انرژی بین‌المللی است. چارچوب‌های قانونی موقت تدوین می‌شوند، پایلوت‌های اقتصادی اجرا می‌شوند و نهادهای تنظیم‌گر مستقل آغاز به کار می‌کنند تا بازار انرژی بر اساس اصول رقابت، شفافیت و پایداری شکل گیرد.

- **تدوین منشور اضطراری انرژی:** پیش‌نویس یک منشور موقت منتشر می‌شود که اصول دسترسی به بازار، استقلال تنظیم‌گری و اهداف زیست‌محیطی را تبیین می‌کند. قانون جامع انرژی پس از مشورت‌های ملی و تخصصی ظرف ۱۲ ماه تهیه خواهد شد.
- **راه‌اندازی نهاد تنظیم‌گر مستقل انرژی:** این نهاد به‌طور موقت مسئول تدوین تعرفه‌ها، نظارت بر پایلوت‌های شبکه و تضمین دسترسی غیرتبعیض‌آمیز به زیرساخت‌های انرژی خواهد بود. این نهاد با حضور کارشناسان مورد تایید داخلی و پشتیبانی مشاوران بین‌المللی فعالیت می‌کند.
- **پایلوت بازار برق:** بازار آزمایشی پاسخگویی به تقاضا و تعرفه‌گذاری متغیر بر اساس زمان برای کاربران دولتی و تجاری در مقیاس محدود اجرا می‌شود. نقشه راه استقرار سراسری زیرساخت «اندازه‌گیری هوشمند» (Advanced Metering Infrastructure—AMI) نیز تهیه خواهد شد.
- **برگزاری همایش گفت‌وگوی انرژی ایران:** این همایش به‌عنوان بستر رسمی شفاف‌سازی، تعامل با بازیگران بین‌المللی، ارائه نتایج حسابرسی فنی، نمایش مسیرهای سرمایه‌گذاری و دریافت بازخورد عمومی برگزار می‌شود. این رویداد صرفاً جهت اعتمادسازی است و فراخوان جذب سرمایه رسمی در آن مطرح نمی‌شود.
- **انتشار نقشه راه اصلاحات انرژی:** یک سند جامع دوساله منتشر می‌شود که مراحل اصلاحات، مشوق‌های سرمایه‌گذاری، تخصیص‌های بودجه‌ای و فرآیندهای گذار بازار انرژی را تشریح می‌کند.
- **تشکیل واحد نوآوری اضطراری وزارت انرژی:** این واحد برای پاسخ سریع به چالش‌های فنی جاری مانند تشخیص نشت، تحلیل خرابی شبکه، بهینه‌سازی سامانه‌های توزیع و جذب فناوری‌های نو با همکاری نیروهای بازگشتی و دانش‌بنیان راه‌اندازی خواهد شد.

پیشنهادها

- **ایجاد شورای دائمی اضطرار انرژی تحت نظر رهبری ملی:** یک شورای عالی متشکل از اعضای کلیدی ستاد عالی انرژی در گذار، مسئولان انتقالی وزارت انرژی و مشاوران امنیت ملی تشکیل شود تا تصمیم‌گیری سریع، اولویت‌بندی منابع و هماهنگی بین بخشی (انرژی، دفاع، مالی، محیط‌زیست) را تضمین کند.
- **تثبیت همکاری‌های فنی و مالی بین‌المللی در ۶۰ روز نخست:** با نهادهای بین‌المللی و کشورهای متحد، توافق‌نامه‌های اجرایی جهت تامین اعتبارات اضطراری، پشتیبانی فنی و تایید خارجی برنامه بازسازی انرژی ایران امضا شود.
- **طراحی معماری حقوقی اولیه برای بازار شفاف انرژی:** تهیه پیش‌نویس اسناد پایه مانند «قانون اصلاح ساختار انرژی» و «منشور نهاد تنظیم‌گر مستقل» با هدف جذب سرمایه‌گذاری معتبر و اطمینان‌بخشی به افکار عمومی درباره حاکمیت شفاف و عادلانه.

- **اجرای کمپین ملی آگاهی‌بخشی درباره وضعیت واقعی انرژی و ضرورت اصلاحات:** برنامه رسانه‌ای هدفمند برای اطلاع‌رسانی به مردم درباره شرایط موجود، دلایل حذف یارانه‌ها و فواید بلندمدت اصلاحات با لحن شفاف، غیرسیاسی و هماهنگ با واقعیت‌های اقتصادی.
- **اولویت‌بندی دیپلماسی انرژی برای کاهش هدفمند تحریم‌ها:** طی ۹۰ روز نخست، کمپین هماهنگ دیپلماتیک بر محور شفاف‌سازی در بخش انرژی و همکاری هسته‌ای، به‌منظور بازگشایی دارایی‌های بلوکه‌شده، دریافت معافیت‌های بشردوستانه در حوزه انرژی و تسهیل تجارت فنی آغاز شود.

خروجی‌های مورد انتظار

- **تداوم تامین انرژی در سطح ملی:** بازگشت برق و سوخت به همه‌ی استان‌ها، با اولویت‌دهی به مراکز درمانی، شبکه آبرسانی و خدمات حیاتی.
- **تثبیت کنترل کامل بر نهادهای انرژی:** تسلط کامل بر زیرساخت‌های فیزیکی و دیجیتال از جمله سامانه‌های اسکادا، پایانه‌های نفتی و نیروگاه‌ها، با حذف نیروهای وابسته به سپاه و نهادهای امنیتی رژیم پیشین.
- **بازگشت درآمدهای صادراتی انرژی:** راه‌اندازی مجدد صادرات از پایانه‌ها و پالایشگاه‌های کلیدی و آغاز تولید درآمد برای تثبیت مالی و ارتقای اعتبار جهانی ایران.
- **افزایش اعتماد عمومی به نهادهای انتقالی:** ارتباطات روزانه، بهبود مشهود در خدمات انرژی و حذف نهادهای امنیتی وابسته به رژیم، باعث ایجاد مشروعیت و اعتماد عمومی خواهد شد.
- **ایجاد زیرساخت نهادی برای اصلاحات پایدار:** ادغام ساختاری و حقوقی وزارت جدید انرژی، فعال‌سازی سامانه‌های نظارت و شفافیت و آغاز نوسازی عملیاتی و فناورانه.

پایش و ارزیابی

- **سنجش‌های موفقیت:**
 - **بازیابی جریان برق و سوخت:** گزارش‌های روزانه تولید برق (مگاوات) و تامین سوخت در استان‌ها، با هدف بازگشت ۷۰ درصد سطح خدمت تا روز چهل و پنجم.
 - **غربالگری و جایگزینی نیروها:** درصد سمت‌های کلیدی که از طریق کمیسیون راستی‌آزمایی اضطراری پر شده‌اند، همراه با گزارش‌های دوهفتگی درباره خلأهای منابع انسانی.
 - **نوسازی زیرساخت‌ها:** داشبوردهای حسابرسی در سطح تاسیسات، شامل شاخص‌های بازگشت به کارکرد عملیاتی، اختلالات و وضعیت ارتقای فنی.

- **تامین امنیت سایبری و سامانه‌های کنترل:** گزارش‌های وضعیت شبکه و تایید حذف کامل دسترسی‌های مخرب یا مرتبط با عوامل خارجی.
- **اعتماد عمومی و ثبات اجتماعی:** پایش افکار عمومی از طریق حجم تماس با خطوط ویژه، روندهای شبکه‌های اجتماعی و اندازه‌گیری مشارکت در پایلوت‌های کوپن انرژی.
- **بازگشت و ادغام نیروهای متخصص خارج‌نشین:** تعداد نیروهای بازگشته، وضعیت تخصیص کاری و میزان ماندگاری آنان در ساختارهای ستاد و وزارت جدید انرژی.

● سازوکار بازبینی:

- گزارش‌های روزانه وضعیت از مراکز منطقه‌ای به ستاد عالی انرژی.
- جلسات هفتگی ملی انرژی با مقام انتقالی و نهادهای بین‌المللی ناظر.
- گزارش‌های عمومی ماهانه از نهاد مستقل ناظر شامل ایمنی، بازسازی و استخدام.

چالش‌های سیاسی احتمالی و راهکارهای پیشنهادی

● مقاومت نیروهای وابسته به رژیم در سطح استانی

بسیاری از مدیران میان‌رده یا عالی‌رتبه‌ی بخش انرژی دارای روابط مستقیم با سپاه یا منافع مالی وابسته به نظام هستند. حذف آن‌ها ممکن است منجر به خرابکاری یا کارشکنی شود.

راهکار: برکناری فوری دو سطح بالایی، همراه با جایگزینی فوری از میان نیروهای آموزش‌دیده ستاد و حمایت میدانی تیم‌های نظارت.

● واکنش پوپولیستی نسبت به همکاری‌های بین‌المللی یا بازگشت نخبگان مقیم خارج

جریان‌های مخالف اصلاحات ممکن است بازگشت متخصصان خارج‌نشین یا همکاری با نهادهای بین‌المللی را به‌عنوان مداخله خارجی جلوه دهند.

راهکار: تاکید بر «مالکیت ملی اصلاحات»، روایت بازگشت نخبگان به‌عنوان وظیفه‌ی میهنی و استفاده از ترکیب نیروهای داخلی و خارجی در سمت‌های کلیدی. همچنین شفاف‌سازی فرآیندها و انتشار داستان‌های موفقیت در رسانه‌ها.

● خرابکاری و جاسوسی دیجیتال در مراحل اولیه انتقال سامانه‌ها

باقی‌مانده‌های ساختار امنیتی ممکن است از روزنه‌های فنی برای خرابکاری در تاسیسات بهره ببرند.

راهکار: قطع فوری شبکه‌های اسکادا، پاکسازی دسبترسی‌های خارجی و استقرار واحدهای ضد خرابکاری با اختیار واکنش فوری.

- **مقاومت در برابر شفافسازی و حسابرسی عمومی**

ذینفعان فاسد در رژیم پیشین ممکن است تلاش کنند روندهای حسابرسی، انتشار داده‌ها یا بازنگری قراردادها را مختل کنند یا بی‌اعتبار جلوه دهند.

راهکار: گره زدن شفافسازی به مفهوم «حیثیت ملی»، استفاده از نهادهای ناظر مردمی و بین‌المللی برای تقویت مشروعیت و مقابله با پروپاگاندا.

- **تاخیر در آزادسازی منابع مالی و حمایت خارجی**

ابهام در وضعیت حقوقی دولت انتقالی ممکن است مانع آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده یا اعطای خطوط اعتباری شود.

راهکار: آغاز گفت‌وگوی رسمی با نهادهای بین‌المللی از فاز صفر، تهیه اسناد حقوقی از پیش‌نویس‌شده و تضمین تعهدات بین‌المللی نسبت به چارچوب بازسازی انرژی ایران.

این صفحه عمدتاً سفید گذاشته شده است.

صنعت: مدیریت منابع و تولید

اسفند ۲۵۸۴

این برنامه اضطراری، راهبردی ملی برای احیای تولید صنعتی، فراهم‌سازی زنجیره‌های تامین حیاتی و ایجاد بستر رشد بلندمدت مبتنی بر تولید و صادرات پس از فروپاشی رژیم ارائه می‌دهد. این برنامه بر امنیت، تثبیت نیروی کار، تداوم زیرساخت‌ها و اصلاح مدیریت در صنایع کلیدی و پشتیبان ایران تمرکز دارد.

هماهنگی اجرای برنامه بر عهده‌ی مرجع گذار برای احیای صنعت خواهد بود که با همکاری تیم‌های فنی در داخل ایران، مشاوران بین‌المللی و متخصصان منتخب ایرانی مقیم خارج انجام خواهد شد.

این برنامه سه لایه‌ی عملکردی را پوشش می‌دهد:

- **لایه ۱:** احیای فوری و محافظت از سامانه‌های حیاتی تولید (غذا، سلامت، صنایع مرتبط با دفاع)
- **لایه ۲:** تثبیت و راه‌اندازی مجدد بخش‌های بنیادین و موثر بر اقتصاد و اشتغال‌زایی (مواد ساختمانی، خودرو، معدن)
- **لایه ۳:** هماهنگی و برنامه‌ریزی برای ورود بخش‌های فناوری پیشرفته و ارزش‌افزا به فاز احیای کامل در فاز دوم (پس از روز ۱۸۰)

اولویت‌های کلیدی

- **تاسیس مرجع گذار برای احیای صنعت:** نهاد مرکزی به صورت مشترک با کمیته اجرای خصوصی‌سازی وزارت امور اقتصادی، بر دارایی‌های صنعتی حکمرانی خواهد کرد. این ساختار با استفاده از حسابداران ویژه برای هر بنگاه بر تمامی تراکنش‌ها نظارت کرده و از انتقال غیرقانونی دارایی‌ها جلوگیری می‌کند. همچنین، نظارت شرکت‌های بزرگ حسابرسی بین‌المللی بر عملکرد آن اعمال خواهد شد.
- **تامین و ارزیابی صنایع لایه ۱ (غذا، دارو، کشاورزی):** تضمین تداوم تولید غذا، توزیع، زنجیره‌های تامین دارویی و دسترسی به کود طی دو هفته.
- **انجام سرشماری ملی دارایی‌های صنعتی:** نقشه‌برداری و ارزیابی شهرک‌های صنعتی، پالایشگاه‌ها، کارخانه‌ها و مناطق بنگاه‌های کوچک و متوسط. شناسایی ریسک خرابکاری، غارت و پتانسیل راه‌اندازی مجدد.
- **راه‌اندازی برنامه تثبیت نیروی کار صنعتی:** پالایش و جذب مجدد کارگران ماهر، مهندسان، مدیران کارخانه و اپراتورها؛ جلوگیری از انحراف منابع به بازار سیاه.

- **بازیابی برق و آب برای لایه‌های صنعتی ۱ و ۲:** هماهنگی با ستاد گذار انرژی برای اولویت‌بندی مناطق صنعتی با اشتغال بالا و پیوند با غذا/دارو.
- **آغاز اصلاحات قانونی و پاکسازی موجودی:** مسدودسازی دارایی‌های صنعتی وابسته به رژیم. آغاز بررسی کارخانه‌های تحت کنترل سپاه، نهادهای دولتی و موارد سوءاستفاده از انحصار
- **ایجاد چارچوب اضطراری تسهیل واردات:** همکاری با شرکای بین‌المللی برای تامین ورودی‌های حیاتی: مواد اولیه دارویی، گندم، تجهیزات پزشکی، کود، قطعات ماشین‌آلات و بسته‌بندی بهداشتی. هماهنگی تامین مالی واردات با انتشار کوتاه‌مدت اوراق دولتی داخلی و اعمال تسهیلات بانکی، به‌منظور تضمین سرمایه در گردش برای لایه های یک و دو.
- **راه‌اندازی واحد کنترل ریسک زنجیره تامین:** پایش گلوگاه‌ها، اختکار و ریسک‌های خرابکاری در حوزه حمل‌ونقل، لجستیک کشاورزی و ورودی‌های صنعتی
- **تشکیل اتاق وضعیت صنعتی:** یک تیم میان‌بخشی فعال به‌صورت شبانه‌روزی (شامل نمایندگان حوزه‌های برق، آب، گمرک، قطعات و امنیت) ایجاد شود که موظف است موانع تولید در صد کارخانه برتر کشور را برطرف کند. این اتاق موظف است نمودار عمومی پیشرفت از تعداد موارد حل‌شده در مقایسه با موارد حل‌نشده را منتشر کند تا شفافیت و پاسخ‌گویی در روند رفع موانع صنعتی تضمین شود.
- **تهیه قانون گذار صنعتی موقت:** پایه‌گذاری حقوقی برای مالکیت کارخانه، ملی‌سازی موقت، حل اختلافات و مسیر بازخصوصی‌سازی.
- **اجرای زودهنگام تدابیر ثبات مالی:** حمایت از تعلیق موقت و سراسری معاملات در بورس تهران به‌مدت سه تا شش ماه، اعمال سقف برداشت از حساب‌ها، مسدودسازی تبدیل حساب‌های سرمایه‌گذاری و ممنوعیت واگذاری‌های اضطراری یا فروش‌های اجباری دارایی‌ها در دوره تثبیت اقتصادی.

فرضیات

- امنیت سرزمینی و انرژی تا حد زیادی تثبیت شده است (بر اساس تکمیل فازهای ۱-۲ ستاد انرژی)
- جریان داخلی سوخت و برق در بیش از ۷۰ درصد استان‌ها در حال بازیابی است
- دولت گذار، مشروعیت اولیه مردمی و شناسایی بین‌المللی دارد.
- دارایی‌های صنعتی وابسته به سپاه و بنیادها تا حدی مسدود یا ایمن‌سازی شده‌اند.
- خطوط اعتباری کوتاه‌مدت وارداتی یا ترتیبات تهاثری با کشورهای همسایه و متحدان غربی فراهم است.

- کنترل‌های سرمایه با بازه زمانی مشخص و جدول زمانی شفاف حفظ خواهد شد، درحالی‌که چارچوب‌های پولی و ارزی به تدریج به نظام نرخ ارز شناور یا شناور مدیریت شده انتقال می‌یابد و تعامل با نهاد بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی و تامین مالی تروریسم آغاز می‌شود.

فاز صفر: هماهنگی پیش از ورود (پیش از روز اول)

- تشکیل مرجع گذار برای احیای صنعت تحت فرمان رهبر خیزش ملی.
- تهیه نقشه اولویت‌بندی خوشه‌های صنعتی بر اساس لایه‌بندی: لایه ۱، ۲ و ۳.
- ایجاد سامانه پایش اضطراری زنجیره تامین: نقشه‌برداری از جریان گندم، مواد دارویی، کالاهای پزشکی و سایر اقلام ضروری.
- اعلام پیشاپیش تدابیر حفاظتی مالی: با همکاری بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی، طرح‌هایی شامل گسترش بیمه سپرده‌ها یا تضمین کامل آن‌ها، سازوکار تعطیلی موقت نظام بانکی در شرایط بحرانی و تعلیق موقت سه تا شش‌ماهه معاملات در بورس تهران تدوین و اعلام شود. هم‌زمان، تمامی شرکت‌های بورسی مشمول حسابرسی‌های خارجی شوند تا شفافیت و اعتماد عمومی حفظ گردد.
- هماهنگی با ستاد گذار انرژی و واحد اضطراری آب جهت آماده‌سازی خوشه‌های صنعتی برای بازیابی تدریجی انرژی.
- هماهنگی با شرکای بین‌المللی برای واردات سریع اقلام ضروری و موجودی پل (دارو، نهاده‌های غذایی، بذر، مواد شیمیایی کشاورزی و...).
- فهرست ۱۰۰ اولویت برتر شامل اطلاعات کارخانه، موقعیت جغرافیایی، نوع محصول، تعداد اشتغال، وضعیت خدمات زیربنایی و قطعات یدکی مورد نیاز، ظرف ۷۲ ساعت منتشر و به‌صورت روزانه به‌روزرسانی خواهد شد.

فاز نخست: تصرف اضطراری و قرنطینه (روزهای ۱ تا ۱۰)

- تصرف و ایمن‌سازی تاسیسات تولیدی بزرگ تحت کنترل نهادهای وابسته به سپاه (خاتم‌الانبیا، بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی فرمان امام)؛ بازداشت یا تعلیق مدیران ارشد و جایگزینی آن‌ها با متخصصان بومی ارزیابی شده.
- محافظت از تاسیسات لایه ۱ (آسیاب‌های گندم، کارخانجات لبنی، کارخانه‌های دارویی، تولیدکنندگان خوراک طیور) با کمک نیروهای نظامی و حمایت نیروی کار محلی.
- استقرار تدابیر امنیتی هماهنگ، شامل حضور نیروهای نظامی حفاظتی، استحکامات سریع پیرامونی و سامانه‌های پایش مردمی، به‌منظور حفاظت از کارخانه‌ها، انبارها و مراکز نگهداری مواد اولیه در برابر غارت یا خرابکاری؛ رخدادهایی که در دوره‌های گذار تاریخی، موجب از بین رفتن جبران‌ناپذیر دارایی‌های ملی شده‌اند.
- صدور فرمان مشترک مرجع احیای صنعت و بانک مرکزی:
 - تعیین سقف برای برداشت‌های نقدی روزانه از شعب و دستگاه‌های خودپرداز، با آستانه‌هایی که توسط وزارت امور اقتصادی و بانک مرکزی مشخص و به‌صورت هفتگی بازبینی شود.

- مسدودسازی تبدیل یا انتقال وجوه از حساب‌های کارگزاری و سرمایه‌گذاری به حساب‌های جاری یا پس‌انداز، به‌منظور جلوگیری از خروج شتاب‌زده نقدینگی.
- ممنوعیت انتقال یا واگذاری دارایی‌ها به‌صورت اضطراری (شامل معاملات بلوکی و انتقال‌های کنترلی) بدون تایید رسمی نهادهای ذی‌ربط.
- اجرای محدودیت حمل نقدینگی ارزی در مرزها، همراه با الزام به اظهار رسمی و اعمال جریمه در صورت تخطی از سقف مجاز.
- استقرار تیم‌های سریع ارزیابی موجودی و ظرفیت برای بررسی عملکرد خطوط اصلی صنایع کشاورزی و داروسازی.
- تصرف و ایمن‌سازی انبارهای گمرکی، مراکز ذخیره ورودی‌های صنعتی و انبارهای بازار سیاه تجهیزات پزشکی.
- ممنوعیت صادرات اقلام حیاتی غذایی و بهداشتی تا زمان تثبیت ملی.

فاز دوم: تثبیت و اولویت‌بندی (روزهای ۱۱ تا ۴۰)

- بازایی و راه‌اندازی خطوط تولید لایه ۱: آرد، بسته‌بندی برنج، روغن خوراکی، لبنیات، واکسن‌ها، انسولین، سرم‌ها، آنتی‌بیوتیک‌ها، خوراک دام و طیور، فرآوری بذر و ... همچنین باید اولویت به صنایعی داده شود که نیروی کاربر بوده و وابستگی کمی به واردات دارند، زیرا این صنایع می‌توانند به‌سرعت دوباره راه‌اندازی شوند و با جذب کارگران بیکار، موجب ثبات اجتماعی و اقتصادی در جوامع محلی شوند.
- تثبیت بخش‌های حیاتی بسته‌بندی (پلاستیک، آلومینیوم، مقوا) برای جلوگیری از گلوگاه در تحویل غذا/دارو.
- آغاز ممیزی در سطح کارخانه برای بخش‌های لایه ۲: سیمان، فولاد، مصالح ساختمانی، قطعات خودرو، کود.
- راه‌اندازی طرح اضطراری حفظ نیروی کار: حمایت موقتی از حقوق نیروی ماهر بازگشتی در صنایع لایه ۱ و ۲.
- آغاز برنامه ملی ثبت ابزارآلات ماشینی و بازفعال‌سازی: شناسایی ماشین‌ابزارهای CNC، اکسترودرها، قالب‌گیرها، کوره‌ها و تجهیزات بسته‌بندی قابل راه‌اندازی مجدد.
- اتاق وضعیت صنعتی بخش لجستیک: تعیین سه مسیر اصلی جاده‌ای، دو مسیر ریلی و دو بندر با استقرار نیروی انسانی به‌صورت شبانه‌روزی، پارکینگ‌های امن، کاروان‌های سوخت با اسکورت حفاظتی و داشبوردهای روزانه پایش حجم تردد و انتقال کالا برای تضمین تداوم زنجیره تامین و جلوگیری از اختلال در حمل‌ونقل صنعتی.

فاز سوم: تداوم صنعتی و اعتماد عمومی (روزهای ۴۱ تا ۱۰۰)

- فعال‌سازی داشبورد ملی صنعت: آمار روزانه و هفتگی تولید کالاهای حیاتی.
- راه‌اندازی واحد انطباق داروسازی با استانداردهای GMP با همکاری مشاوران فنی سازمان جهانی بهداشت (WHO) یا آژانس دارویی اروپا (EMA) برای بازسازی اعتماد به کیفیت و ایمنی داروها.
- نهایی‌سازی مناقصه‌های اضطراری برای قطعات، بذر و مواد شیمیایی برای پر کردن خلاهای تولید.

- تشکیل هیئت بازبینی خریدهای عمومی برای جلوگیری از دستکاری قیمتی، رانت سیاسی یا قراردادهای فامیلی.
- گسترش اعزام متخصصان غربت‌نشین به خوشه‌های دارو، صنایع غذایی، مصالح ساختمانی و لجستیک.
- آغاز بازبرندسازی و پاکسازی محصولات با برندهای رژیم سابق (داروها، کودها، اقلام خوراکی).

فاز چهارم: فعال‌سازی نهادی (روزهای ۱۰۱ تا ۱۳۰)

- تاسیس وزارت گذار صنعت، تجارت و تولید: ادغام وزارتخانه‌های رژیم سابق (صنعت، معدن، تجارت)، بنیادها و هلدینگ‌های کلیدی در ساختاری موقت با تمرکز بر تثبیت صنعت، اصلاح حقوقی و راه‌اندازی مجدد.
- آغاز ثبت‌نام مجدد ملی صنعت: قرار دادن همه‌ی شرکت‌های دولتی، خصوصی و شبه‌دولتی (وابسته به سپاه) تحت حمایت قانونی گذار؛ آغاز راستی‌آزمایی دارایی‌ها و صدور مجوزهای موقت توسط هیئت گذار خصوصی‌سازی.
- گسترش راه‌اندازی لایه ۲: بازگشایی خوشه‌های سیمان، مس، کود اوره، قطعات خودرو و مونتاژ ICT بر اساس وضعیت ممیزی و دسترسی انرژی؛ اولویت با حفظ شغل و تامین ورودی‌های کلیدی.
- برای صنایع مشمول تحریم مانند پتروشیمی و صنایع مرتبط با بخش دفاعی، باید راهبردی مرحله‌ای برای بازگشایی اتخاذ شود: در این چارچوب، تامین نیازهای ضروری داخلی در اولویت قرار می‌گیرند و گسترش ظرفیت‌های صادرات‌محور تا زمان مجاز شدن در چارچوب‌های بین‌المللی به تعویق انداخته می‌شود، تا از بیکار شدن نیروها و بی‌استفاده ماندن دارایی‌های تولیدی جلوگیری گردد.
- راه‌اندازی کارگروه صنایع استراتژیک ملی: تشکیل جلسات متخصصان ارزیابی‌شده داخلی و مقیم خارج برای طراحی مسیرهای صنعتی‌سازی مجدد در حوزه‌های خودرو، پتروشیمی، معدن، دفاعی و فناوری اطلاعات.

فاز پنجم: بازتنظیم حقوقی و مقرراتی (روزهای ۱۳۱ تا ۱۶۰)

- راه‌اندازی دادگاه‌های صنعتی موقت: آغاز رسیدگی حقوقی به دعاوی مالکیت، انحلال انحصارات و بازگرداندن کارگران؛ تضمین شفافیت و سلامت قضایی.
- حقوق کارگری: باید حمایت‌های موقت کارگری شامل تضمین پرداخت دستمزدها، حق مذاکره و چانه‌زنی جمعی و سازوکار رسیدگی به شکایات و اعتراضات تدوین و به‌صورت قانونی تثبیت شود، تا از سوءاستفاده از نیروی کار جلوگیری شده و ثبات اجتماعی در دوره بازسازی اقتصادی حفظ گردد.
- صدور نقشه راه انطباق صنعتی: انتشار استانداردهای موقت برای انتشار آلاینده‌ها، مصرف آب، ایمنی، حقوق کارگران و مبارزه با فساد، همسو با اصول پروژه شکوفایی ایران (IPP) و الزامات بازارهای صادراتی.
- تدابیر زیست‌محیطی: استانداردهای انتشار آلاینده‌های هوا و آب، تصفیه پسماندهای صنعتی و بهره‌وری در مصرف منابع باید در تمامی مجوزهای بازاراندازی صنایع گنجانده شود تا از تکرار آلودگی‌های مزمن و سوءمدیریت‌های گذشته جلوگیری گردد.

- گسترش هماهنگی با ستاد گذار انرژی (TECU) و تیم‌های زیرساخت انرژی: یکپارچه‌سازی برنامه‌های احیای صنعت با تثبیت مالی و دسترسی به خدمات در خوشه‌های اصلی.
- استقرار واحدهای نظارت صنعتی: تیم‌های میدانی برای پایش اجرای برنامه‌ها، جلوگیری از خرابکاری یا بازگشت انحصارات و گردآوری بازخورد از فعالان صنعتی.

فاز ششم: آمادگی سرمایه‌گذاری و تکمیل گذار (روزهای ۱۶۱ تا ۱۸۰)

- انتشار فهرست سرمایه‌گذاری صنعت: راه‌اندازی یک پایگاه داده شفاف و عمومی از دارایی‌های صنعتی بازسازی‌شده، شامل کارخانه‌های تولیدی، واحدهای فرآوری و یا زیرساخت‌ها، همراه با وضعیت قانونی، سطح انطباق و شاخص آمادگی برای جذب سرمایه.
- تدوین بسته قانونی اضطراری سرمایه‌گذاری صنعتی: پیشنهاد اصلاحات در حوزه ورشکستگی، سرمایه‌گذاری‌های مشترک (JV)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، حمایت‌های کارگری و مسیرهای خصوصی‌سازی پس از بحران.
- پیش‌شرط‌های بازگشایی: انجام حسابرسی‌های خارجی کامل برای شرکت‌های صنعتی بورسی و اثبات کنترل ریسک‌های خروج سرمایه الزامی است. همچنین، هماهنگی با یکی از اپراتورهای معتبر بین‌المللی بازارهای بورس باید مورد بررسی قرار گیرد تا شفافیت و ثبات در روند بازگشایی تضمین شود.
- تعامل با جامعه ایرانیان خارج از کشور: باید برنامه‌ای هدفمند برای جذب سرمایه‌گذاران و رهبران صنعتی دیاسپورای ایرانی اجرا شود، که از طریق طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک و تسهیلات ویژه برای ورود به بخش‌های صادرات‌محور، بازسازی صنعتی کشور را با بهره‌گیری از تجربه مدیریتی معتبر و قابل اعتماد شتاب بخشد.
- نهایی‌سازی نقشه راه دو ساله نوسازی صنعت: ادغام برنامه‌های دسترسی به انرژی، تربیت نیروی کار ماهر، توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط، هدف‌گذاری صادرات و تاب‌آوری صنعتی؛ انتشار عمومی پس از روز ۱۸۰.

توصیه‌ها

- تشکیل شورای اضطراری صنعت ملی به ریاست نماینده‌ی رهبر خیزش ملی: این شورا شامل نمایندگان مرجع گذار احیای صنعت (TIRA)، رهبری موقت وزارت صنعت، تجارت و تولید (MITP)، ستاد هماهنگی انرژی (TECU) و ناظران بین‌المللی خواهد بود.
- اولویت‌بخشی به تداوم لایه ۱ در پیام‌رسانی عمومی: به‌روزرسانی‌های روزانه، نشست‌های خبری و شفافیت برای مقابله با شایعات، فساد یا روایت‌سازی‌های عوامل رژیم پیشین.
 - تصویب پیشاپیش مسیرهای وارداتی برای نهادهای کشاورزی و بهداشتی در قالب پروتکل‌های بشردوستانه.
 - اجرای کمپین بازبرندسازی برای تمایز تولیدات پاک پساژیم از برندهای فاسد دوران گذشته.

- عدم اختلال در تامین مواد غذایی، دارو یا کالاهای صنعتی حیاتی.
- فعالیت اقتصادی ملموس در نواحی تولیدی شهری و روستایی ظرف ۳۰ تا ۴۵ روز.
- افزایش اعتماد عمومی به حکومت گذار از طریق شفافیت و ثبات.
- فعال سازی بخشی از صنایع سنگین، مصالح ساختمانی و فرآوری کشاورزی تا روز ۹۰.
- ایجاد زیرساخت حقوقی و نهادی برای احیای کامل صنعت در سال های اول و دوم.

پایش و ارزیابی عملکرد

شاخص های موفقیت

- **بازیابی تولید صنعتی**
 - درصد ظرفیت تولیدی بازیابی شده در بخش های لایه ۱ و ۲.
 - تعداد سایت های صنعتی فعال که تحت مجوزهای موقت بازعملیاتی شده اند.
- **تداوم نیروی کار و اعتماد عمومی**
 - درصد نیروی کار ماهر بازگشته و حفظ شده در واحدهای حیاتی.
 - تعداد برنامه های بازآموزی و رهبری مشترک با متخصصان مقیم خارج.
- **بازیابی صادرات و لجستیک**
 - حجم صادرات کالاهای کلیدی در مقایسه با سطح پیش از فروپاشی.
 - تعداد مسیرهای لجستیک مرزی که تثبیت و پایش شده اند.
- **حکمرانی و شفافیت**
 - تعداد حسابرسی های خصوصی سازی تکمیل شده.
 - حجم دارایی های صنعتی بازپس گرفته شده از نهادهای وابسته به سپاه.
 - تعداد ثبت نام ها در پورتال سرمایه گذاری صنعت پاک.
- **مشارکت عمومی و ارتباطات**
 - تعداد میزگردهای مردمی، جلسات هماهنگی با ذی نفعان و نشست های مشترک داخلی-خارجی.
- **فرآیند بازبینی**
 - گزارش های دوهفته یکبار به دولت انتقالی و نهاد خیزش ملی.

- داشبوردهای عملکرد عمومی در روزهای ۳۰، ۹۰ و ۱۵۰ برای ایجاد اعتماد مردمی.
- حسابرسی‌های فنی خارجی در روزهای ۶۰ و ۱۸۰ توسط ناظران بین‌المللی.
- دریافت بازخورد از اتحادیه‌های صنعتی و ادغام آن در سیاست‌های بازبینی‌شده فصلی.

چالش‌های سیاسی پیش‌بینی‌شده

چالش ۱: مقاومت انحصارهای صنعتی وابسته به سپاه

- **ریسک:** تلاش برای حسابرسی، مصادره یا خصوصی‌سازی هلدینگ‌های وابسته به رژیم (مانند خاتم‌الانبیا) ممکن است با کارشکنی یا خرابکاری پنهان مواجه شود.
- **راه‌حل:** صدور احکام حقوقی مسدودسازی دارایی‌ها، حمایت آشکار بین‌المللی از خصوصی‌سازی پاک و استقرار نیروهای امنیتی در واحدهای حساس.

چالش ۲: واکنش منفی عمومی به خصوصی‌سازی یا مشارکت ایرانی‌های مقیم خارج

- **ریسک:** جریان‌ات پوپولیستی ممکن است خصوصی‌سازی را به‌عنوان غارت خارجی یا مدیریت مشترک ایرانی‌های مقیم خارج را به‌عنوان تبعیض نخبگان جلوه دهند.
- **راه‌حل:** کمپین‌های ارتباطی عمومی با تاکید بر مالکیت ملی، اشتغال و منافع عمومی؛ برقراری ارتباط بین ایرانی‌های مقیم خارج با همکاران داخلی؛ اولویت دادن به شفافیت.

چالش ۳: قاچاق، غارت یا بازارهای غیرقانونی در دوران گذار

- **ریسک:** با بازتنظیم نظام‌های حقوقی، تجارت غیرقانونی سوخت، فولاد و داروها ممکن است افزایش یابد.
- **راه‌حل:** تشکیل نیروی ویژه گمرک تحت کارگروه صنایع استراتژیک (ISTF) با هماهنگی مرزی؛ حضور پلیس در مناطق صنعتی؛ استفاده از فناوری برای ردیابی.

چالش ۴: ادامه فرار مغزها یا مهاجرت متخصصان

- **ریسک:** باقی‌مانده متخصصان ممکن است به دلیل عدم اطمینان مهاجرت کنند و فرآیند بازراه‌اندازی را مختل نمایند.
- **راه‌حل:** ارائه قراردادهای موقت ۱۲ ماهه؛ همکاری با وزارت کار و آموزش برای بازآموزی و تثبیت.

چالش ۵: بلاتکلیفی حقوقی و تاخیر در جذب سرمایه خصوصی

- **ریسک:** نبود اصلاحات در دادگاه‌های تجاری، قانون‌های ورشکستگی یا چارچوب‌های JV ممکن است مانع سرمایه‌گذاری ایرانی‌های مقیم خارج یا خارجی شود.

- **راه‌حل:** تدوین ضمانت‌های قانونی موقت تحت نظر MITP با نظارت پارلمان گذار؛ انتشار جدول زمانی برای اصلاحات کامل.

چالش ۶: رخوت اداری از سوی مدیران میانی وابسته به رژیم سابق

- **ریسک:** برخی مدیران میانی ممکن است اجرای اصلاحات را گُند یا در آن سنگ‌اندازی کنند.
- **راه‌حل:** اجرای ارزیابی و بررسی وفاداری؛ ترکیب رهبری گذار با همکاران بومی در قالب قراردادهای موقت؛ چرخش مدیریتی منطقه‌ای.

این صفحه عمدتاً سفید گذاشته شده است.

امنیت سایبری: حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی و ارتباطات

اسفند ۲۵۸۴

این گزارش یک راهبرد ملی برای پایدارسازی و ایمن‌سازی زیرساخت‌های حیاتی سایبری و صنعتی در دوران گذار ارائه می‌کند. این راهبرد بر حفاظت از سامانه‌های فناوری عملیاتی (OT)، از جمله سامانه‌های کنترل صنعتی در بخش‌های انرژی، آب، حمل‌ونقل و تولید تمرکز دارد. همچنین شبکه‌های مخابراتی و زیرساخت‌های دیجیتال مرکزی که پشتیبان ارتباطات ملی و تبادل اطلاعات هستند نیز در بر می‌گیرد. بسیاری از محیط‌های صنعتی قدیمی که بر سامانه‌های SCADA (نوعی سیستم کنترل صنعتی) و شبکه‌های مخابراتی متمرکز متکی هستند، در برابر حملات سایبری پیچیده و خصمانه امروزی آسیب‌پذیرند. با افزایش یکپارچگی دیجیتال این سامانه‌ها، آسیب‌پذیری‌های سیستمی می‌توانند ایمنی عمومی، ثبات اقتصادی و توان بازیابی ملی را به خطر بیندازند. اختلال در سامانه‌های کنترل صنعتی یا زیرساخت‌های ارتباطی می‌تواند پیامدهای زنجیره‌ای و گسترده‌ای بر خدمات حیاتی داشته باشد. این راهبرد، کاهش سریع ریسک‌های سایبری-فیزیکی، بازگرداندن بهره‌برداری امن و قابل اعتماد از شبکه‌ها، و تقویت حاکمیت ملی همراه با شفافیت عملیاتی را در اولویت قرار می‌دهد. رویکرد پیشنهادی، ضمن حفظ تداوم امنیت سایبری، از طریق کاهش فوری سطح مواجهه با تهدیدها و توسعه توانمندی‌ها و سازوکارهای هماهنگی نهادی، وضعیت امنیت سایبری کشور را تقویت می‌کند. ایجاد چنین ثباتی، پایه‌ای امن برای نوسازی بلندمدت سامانه‌های کنترل صنعتی، زیرساخت‌های مخابراتی و چارچوب‌های حکمرانی ملی سایبری، همسو با بهترین رویه‌های بین‌المللی، فراهم می‌سازد. با ادغام امنیت سایبری در طراحی و بهره‌برداری از زیرساخت‌های حیاتی، این راهبرد از تاب‌آوری، رشد اقتصادی و تحول دیجیتال پایدار پشتیبانی می‌کند.

اهداف اساسی

- **حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی سایبری-فیزیکی**، از جمله سامانه‌های کنترل صنعتی در بخش‌های انرژی، آب، حمل و نقل و تولید، در برابر تهدیدات سایبری مخرب.
- **ایمن‌سازی سامانه‌های ملی مخابرات و اتصال دیجیتال** به منظور تضمین ارتباطات پایدار و قابل اعتماد و جلوگیری از مداخله مخرب، سوءاستفاده‌های نظارتی، یا اختلالات سیستمی در شبکه‌ها.
- **کاهش سریع مخاطرات ناشی از ساختار قدیمی فناوری عملیاتی و کنترل شبکه** که برای شرایط دیجیتال خصمانه یا به‌شدت به‌هم‌پیوسته طراحی نشده‌اند.
- **ایجاد کنترل ملی دفاعی که قابل مشاهده و هماهنگ باشد**. این کنترل بر شبکه‌های صنعتی، زیرساخت‌های مخابراتی، و سامانه‌های دیجیتال کلیدی خواهد بود.
- **پیشگیری از آثار زنجیره‌ای اجتماعی و اقتصادی** ناشی از مخاطرات سایبری که خدمات حیاتی یا شبکه‌های ارتباطی را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

- ایجاد قابلیت‌های یکپارچه‌ی پایش، کشف مخاطرات و پاسخ به تهدیدات در حوزه‌های صنعتی و مخابراتی.
- بازگرداندن حکمرانی پاسخگو و شفاف بر زیرساخت‌های ملی سایبری و جایگزینی ساختارهای کنترلی مبهم یا دارای مخاطرات امنیتی.
- ایجاد بنیان نهادی و فنی برای نوسازی بلندمدت، شامل ایجاد ساختار صنعتی امن، شبکه‌های مخابراتی با تاب‌آوری بالا و استانداردهای امنیت سایبری همسو با رویه‌های بین‌المللی.

اولویت‌های کلیدی

- اولویت دادن به حفاظت از حیاتی‌ترین سامانه‌های کنترل صنعتی و انرژی، از جمله مراکز راهبری و کنترل شبکه برق در سطح ملی، پست‌های اصلی برق، پالایشگاه‌ها، تاسیسات تصفیه‌ی آب و مراکز کنترل حمل و نقل.
- ایمن‌سازی زیرساخت‌های هسته‌ای مخابرات، شامل شبکه‌های اصلی ساختار مخابراتی، مراکز سوئیچینگ، مراکز مسیریابی داده و درگاه‌های اتصال بین‌المللی.
- حذف دسترسی‌های راه‌دور کنترل‌نشده و هرگونه اتصال خارجی غیرمجاز در محیط‌های فناوری عملیاتی و مخابراتی.
- استقرار قابلیت‌های پایش و کشف مخاطرات پیش از هرگونه تغییر عمده در سامانه‌ها تا تهدیدات و رفتار سیستم‌ها قابل مشاهده و ردیابی شوند.
- تثبیت و تداوم خدمات ارتباطات دیجیتال برای جلوگیری از قطعی، دست‌کاری یا اختلالات گسترده‌ای که می‌تواند اعتماد عمومی و هماهنگی‌های اضطراری را تضعیف کند.
- تضمین ارائه‌ی ایمن و بی‌وقفه خدمات حیاتی، از جمله برق، آب، توزیع سوخت و ارتباطات، در تمام طول مرحله‌ی تثبیت امنیت سایبری.
- ایجاد سازوکار هماهنگی متمرکز ملی برای پاسخ به رخداد‌های امنیت سایبری با ادغام اپراتورهای صنعتی، ارائه‌دهندگان خطوط مخابراتی و تیم‌های فنی دولتی.
- حفظ و تداوم عملیاتی هم‌زمان با اعمال کنترل‌های دفاعی و پرهیز از مداخلات فنی ناگهانی که می‌تواند سامانه‌های قدیمی را ناپایدار کند.
- زمینه‌سازی برای نوسازی امن و بلندمدت سامانه‌های کنترل صنعتی، شبکه‌های مخابراتی و چارچوب‌های حکمرانی ملی سایبری.

پیش‌فرض‌ها

- امنیت فیزیکی و کنترل دسترسی در اغلب تاسیسات حیاتی صنعتی و مخابراتی برقرار شده است.

- پشتیبانی فنی و کمک‌های بین‌المللی در حوزه‌ی امنیت سایبری برای حمایت از اقدامات تثبیتی در دسترس است.
- افراد مخرب یا همسو با جمهوری اسلامی در نهادهای زیرساختی حیاتی و بخش مخابرات ممکن است در ابتدا به‌سادگی قابل شناسایی نباشند؛ بنابراین کاهش ریسک در مراحل اولیه بیش از آنکه صرفاً به جایگزینی سریع نیروی انسانی متکی باشد، نیازمند مدیریت نظام‌مند ریسک‌های درون‌سازمانی، کنترل دسترسی‌ها و پایش مستمر است.
- مهندسان واجد صلاحیت، اپراتورهای شبکه و نیروهای فنی آمادگی همکاری با مرجع انتقالی امنیت سایبری را دارند.
- انعطاف‌پذیری قوانین، امکان استقرار سریع ابزارهای امنیت سایبری و پشتیبانی اضطراری ارتباطات را فراهم می‌کند.
- نوسازی بلندمدت پس از کاهش ریسک‌های فوری سایبری و مهار مواجهه‌های عملیاتی دنبال خواهد شد.

کارگروه ملی موقت امنیت سایبری

از روز صفر، یک کارگروه ملی موقت امنیت سایبری به‌عنوان مرجع عملیاتی مرکزی برای تثبیت زیرساخت‌های صنعتی، مخابراتی و دارایی‌های حیاتی دیجیتال تشکیل می‌شود. این کارگروه در مرحله‌ی تثبیت، نقش نهاد هماهنگ‌کننده‌ی ملی برای پاسخ به رخدادهای سایبری، کاهش سطح آسیب‌پذیری‌ها و هم‌ترازی فنی میان بخش‌های مختلف را بر عهده دارد.

ترکیب کارگروه شامل متخصصان داخلی گزینش‌شده، کارشناسان مورد اعتماد ایرانیان خارج از کشور، و شماری از کارشناسان فنی مستقر در اپراتورها با دانش عملیاتی حیاتی است. برای تضمین هم‌زمان اعتمادپذیری و تداوم عملیات، سازوکارهای گزینش تسریع‌شده و کنترل‌های دسترسی مبتنی بر نقش اجرا می‌شود. ساختار کارگروه دارای واحدهای عملیاتی مشخصی است که مسئولیت‌هایی چون امنیت سامانه‌های عملیاتی، امنیت مخابرات، پایش ملی و پاسخ به رخدادها، هماهنگی استانداردهای فنی، و ارتباط با بخش‌ها و صنایع مختلف را پوشش می‌دهند.

این کارگروه به‌صورت شبانه‌روزی فعالیت می‌کند و با فراهم کردن آگاهی موقعیتی متمرکز، پشتیبانی از تصمیم‌گیری سریع و ارائه‌ی دستورالعمل‌های هماهنگ به بهره‌برداران زیرساخت‌های حیاتی، ثبات عملیاتی را تقویت می‌کند. همچنین، نقش پل ارتباطی میان تلاش‌های تثبیت اضطراری و نهادهای دائمی آینده‌ی امنیت سایبری کشور را ایفا می‌کند؛ نهادهایی که در ادامه مسئولیت‌های حکمرانی و تنظیم‌گری بلندمدت را بر عهده خواهند گرفت.

چارچوب اضطراری پشتیبانی و تامین بین‌المللی امنیت سایبری

با توجه به اینکه ظرفیت فنی ملی در مراحل اولیه‌ی تثبیت ممکن است پاسخ‌گوی تمامی نیازها نباشد، این راهبرد یک چارچوب ساختاریافته برای تامین سریع، ایمن و شفاف تخصص‌ها، ابزارها و پشتیبانی عملیاتی بین‌المللی در حوزه‌ی امنیت سایبری ایجاد می‌کند. این چارچوب امکان دسترسی به‌موقع به کمک‌های خارجی مورد اعتماد را برای فناوری‌های پایش تخصصی، پشتیبانی پاسخ به رخدادها، افزایش تاب‌آوری مخابرات، و خدمات مشاوره‌ای امنیت سامانه‌های کنترل صنعتی فراهم می‌کند.

فرایند تامین از طریق فهرست‌های ازپیش‌تاییدشده‌ی فروشندگان و شرکای بین‌المللی انجام می‌گیرد و ارائه‌دهندگان در اولویت قرار می‌گیرند که معیارهای سخت‌گیرانه‌ی امنیت، شفافیت و قابلیت تعامل‌پذیری را رعایت می‌کنند. تمامی همکاری‌های فنی خارجی مشمول سازوکارهای نظارتی مشخص، محدودیت‌های دقیق دسترسی و تضمین‌های قراردادی هستند تا حاکمیت ملی، داده‌های حساس زیرساختی و یکپارچگی عملیاتی به‌طور کامل حفاظت شود.

این چارچوب تضمین می‌کند که همکاری بین‌المللی به تقویت تاب‌آوری ملی بینجامد، بی‌آنکه اختیار و کنترل ملی بر سامانه‌های حیاتی تضعیف شود. همچنین، این سازوکار به‌عنوان یک «پل ظرفیت‌سازی موقت» طراحی شده است؛ به‌گونه‌ای که تا زمان تجهیز کامل نهادهای ملی برای مدیریت مستقل و بلندمدت عملیات امنیت سایبری، از فرایند تثبیت و انتقال توانمندی‌ها پشتیبانی کند.

استراتژی مدیریت ریسک درون‌سازمانی و کنترل دسترسی

در دوره‌های گذار نهادی، ریسک‌های ناشی از عوامل درون‌سازمانی در محیط‌های زیرساخت‌های حیاتی و مخابراتی باید به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی امنیت سایبری تلقی شود. شناسایی و حذف فوری نیروهای مخرب یا همسو با رژیم، اغلب به‌دلیل ناقص بودن سوابق، وابستگی‌های عملیاتی و خطر ایجاد اختلال در خدمات حیاتی، عملی و امکان‌پذیر نیست. ازاین‌رو، این راهبرد رویکرد دفاع لایه‌به‌لایه را برای مدیریت ریسک‌های درون‌سازمانی اتخاذ می‌کند؛ رویکردی که در گام نخست بر کاهش توان هر فرد برای وارد کردن آسیب‌های سیستمی تمرکز دارد، در حالی که امکان پالایش تدریجی نیروی انسانی را نیز فراهم می‌سازد. اجرای این رویکرد از طریق ترکیبی از کنترل‌های فنی، رویه‌ای و حقوقی انجام می‌گیرد که شامل موارد زیر است:

مدیریت دسترسی‌های ممتاز: تمامی حساب‌های مدیریتی، فنی و نظارتی در سامانه‌های کنترل صنعتی و مخابراتی به‌طور کامل شناسایی و فهرست برداری می‌شوند. سطح دسترسی‌ها بر اساس اصل «حداقل دسترسی لازم» کاهش می‌یابد، احراز هویت چندمرحله‌ای در موارد امکان‌پذیر اعمال می‌شود و فعالیت نشست‌ها برای نظارت و پاسخ‌گویی ثبت و پایش می‌گردد.

محدودسازی مسیرهای دسترسی: سازوکارهای دسترسی از راه دور مدیریت نشده، اعتبارنامه‌های مشترک و اتصال‌های VPN فاقد مستندات غیرفعال می‌شوند. تمامی دسترسی‌های از راه دور باقی‌مانده از طریق درگاه‌های کنترل شده و پایش‌شونده هدایت می‌گردند.

پایش مستمر فعالیت‌ها: قابلیت‌های پایش برای شناسایی رفتارهای غیرعادی در ایستگاه‌های کاری مهندسی، سرورهای SCADA و DCS، هسته‌های مخابراتی و سامانه‌های مدیریت هویت مستقر می‌شوند. هرگونه ناهنجاری رفتاری برای بررسی سریع علامت‌گذاری می‌گردد.

اجرای کنترل تغییرات: اعمال هرگونه تغییر حیاتی در منطق کنترل صنعتی، سامانه‌های مسیریابی و تجهیزات امنیتی مستلزم تایید دومرحله‌ای مبتنی بر تفکیک وظایف و تمامی تغییرات در سامانه‌های ثبت متمرکز لاگ ذخیره و پایش می‌شود.

تفکیک وظایف: اختیارات عملیاتی، مدیریت سامانه‌ها و وظایف نظارت امنیت سایبری از یکدیگر تفکیک می‌شوند تا از کنترل یک‌جانبه و بدون نظارت بر سامانه‌های با اثرگذاری بالا جلوگیری شود.

تمهیدات حقوقی و اداری: اختیارات اضطراری برقرار می‌شود تا در صورت شناسایی فعالیت‌های مشکوک، امکان تعلیق موقت دسترسی‌ها، جابه‌جایی وظایف و لغو فوری اعتبارنامه‌ها فراهم باشد.

مرحله صفر: هماهنگی سایبری پیش از گذار (پیش از روز اول)

اهداف: ایجاد مرجعیت، آمادگی و آماده‌سازی فنی.

- ایجاد مرجع ملی هماهنگی امنیت سایبری برای دوره‌ی گذار با تمرکز بر امنیت فناوری عملیاتی و مخابرات.
 - شناسایی و اولویت‌بندی مراکز حیاتی کنترل صنعتی و گره‌های اصلی زیرساخت‌های مخابراتی.
 - تدوین رویه‌های اضطراری پاسخ به رخداد‌های امنیت سایبری و پروتکل‌های ارتباطی.
 - استقرار پیشینی ابزارهای پایش غیرفعال و تیم‌های واکنش فنی سریع.
 - تهیه‌ی فهرست‌های اولیوی ریسک دارایی‌ها با اتکا به اطلاعات موجود و همکاری اپراتورها.
 - ایمن‌سازی کانال‌های ارتباطی رمزنگاری‌شده برای هماهنگی به طور مستقل از شبکه‌های ملی.
 - تعامل با شرکای فنی مورد اعتماد داخلی و بین‌المللی برای پشتیبانی مشورتی سریع.
 - تدوین دستورالعمل‌های اضطراری برای کنترل دسترسی راه دور، بازنشانی اعتبارنامه‌ها و ایزوله‌سازی شبکه‌ها.
 - آماده‌سازی راهنمای تثبیت بخش‌محور برای انرژی، آب، حمل‌ونقل و مخابرات.
- خروجی‌ها:** ساختار فرماندهی آماده، راهنماهای فنی و سازوکارهای هماهنگی ایجاد شده‌اند، به‌گونه‌ای که اقدامات تثبیت امنیت سایبری بتواند بلافاصله از روز اول آغاز شود.

مرحله اول: تصرف اضطراری و قابلیت مشاهده (روزهای ۱ تا ۱۰)

اهداف: کاهش سریع آسیب‌پذیری‌های سیستمی سایبری همراه با ایجاد شفافیت و دید عملیاتی.

در ده روز نخست، اولویت با مهار فوری خطرناک‌ترین مسیرهای آسیب‌پذیری و هم‌زمان ایجاد آگاهی موقعیتی است. در محیط‌های صنعتی و مخابراتی با بالاترین سطح ریسک، از روز اول کنترل اعتبارنامه‌ها و ایزوله‌سازی شبکه‌های خارجی به‌صورت فوری اجرا می‌شود. این کار با تمرکز ویژه بر حساب‌های مدیریتی، درگاه‌های دسترسی از راه دور و اتصال‌های خارجی مدیریت‌نشده انجام خواهد شد. این اقدامات به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که بدون تغییر در منطق کنترلی یا ایجاد وقفه در ارائه‌ی خدمات حیاتی، خطر مداخله‌ی فعال را کاهش دهند. به‌طور موازی، قابلیت‌های پایش غیرفعال در سایت‌های اولویت‌دار مستقر می‌شود تا دید لحظه‌ای نسبت به رفتار سامانه‌ها، فعالیت‌های شبکه و ناهنجاری‌های احتمالی ایجاد گردد. این پایش به‌صورت غیرمداخله‌گرانه انجام می‌شود؛ به نحوی که نه فرایندهای کنترلی را تغییر دهد و نه بی‌ثباتی عملیاتی ایجاد کند.

اقدامات کلیدی عبارت‌اند از:

- آغاز شناسایی سراسری دارایی‌های OT و مخابرات و طبقه‌بندی ریسک آن‌ها در سطح ملی.
- محدودسازی اتصال‌های خارجی پرریسک و دسترسی‌های از راه دور کنترل‌نشده از روز اول.
- اعمال حاکمیت اضطراری بر اعتبارنامه‌ها برای حساب‌های ممتاز و مهندسی.
- استقرار حسگرهای پایش غیرفعال در نقاط حیاتی و با بیشترین سطح مواجهه با تهدید در زیرساخت‌های عملیاتی.
- فعال‌سازی رویه‌های موقت پاسخ به رخداد و پروتکل‌های عملیاتی از پیش تعریف‌شده مدیریت بحران در بخش‌های حیاتی.
- ایجاد خط مبنای آگاهی موقعیتی بدون ایجاد تغییر در منطق اصلی کنترل‌های صنعتی.

خروجی‌ها: کاهش فوری سطح حمله از طریق کنترل دسترسی و ایزوله‌سازی انجام می‌شود و هم‌زمان، پایش غیرمداخله‌گرانه امکان مشاهده‌ی لحظه‌ای محیط‌های حیاتی سایبری-فیزیکی را بدون ایجاد اختلال در خدمات ضروری فراهم می‌کند.

مرحله‌ی دوم: دیدپذیری ملی و شناسایی دارایی‌ها (روزهای ۱۱ تا ۴۰)

اهداف: تقویت وضعیت دفاعی و نهادینه‌سازی حکمرانی امنیت سایبری.

- گسترش تفکیک شبکه‌ها در محیط‌های فناوری عملیاتی و مخابرات با بهره‌گیری از اصول «ناحیه و گذرگاه» (Zone-and-Conduit).
- نهادینه‌سازی سازوکارهای دسترسی امن راه‌دور با کنترل‌های مبتنی بر هویت.
- یکپارچه‌سازی داده‌های سنجش از راه دور (Telemetry) حوزه‌های فناوری عملیاتی و مخابرات در سامانه‌های ملی پایش و پاسخ به رخداد.
- استانداردسازی ساختار پایه‌ای امنیتی و رویه‌های مدیریت تغییر.
- آغاز برنامه‌های آموزشی هدفمند نیروی انسانی برای پشتیبانی از کارکردهای عملیاتی امنیت سایبری.

خروجی‌ها: زیرساخت‌های قدیمی تحت یک چارچوب یکپارچه‌ی نظارت امنیت سایبری، بخش‌بندی، پایش و حکمرانی می‌شوند و به‌این‌ترتیب ریسک اختلال گسترده و سرایت‌پذیر به‌طور قابل توجهی کاهش می‌یابد. هم‌زمان، تداوم خدمات حیاتی از طریق آمادگی برای اختلالات گسترده‌ی سایبری یا سیستمی تقویت می‌شود. این آمادگی شامل اعتبارسنجی رویه‌های بهره‌برداری دستی و آفلاین برای سامانه‌های صنعتی حیاتی، آماده‌سازی قابلیت‌های راه‌اندازی ایمن شبکه (بلک‌استارت) پس از رخداد‌های سایبری، تضمین مسیرهای پشتیبان مخابراتی و تاب‌آوری ارتباطات اضطراری، و تعریف پروتکل‌های عملیاتی شفاف برای زمان‌هایی است که استفاده از مداخله‌ی دستی در محیط‌های کنترلی قدیمی ضروری می‌شود. این اقدامات تضمین می‌کند که خدمات حیاتی حتی در شرایط افت یا اختلال دیجیتال نیز حفظ شوند یا به‌صورت ایمن بازیابی گردند.

مرحله سوم: تثبیت دفاعی و سخت‌سازی (روزهای ۴۱ تا ۱۰۰)

اهداف: استقرار تدریجی سکوه‌های امن مدرن در کنار سامانه‌های قدیمی.

- استقرار درگاه‌های امن (Secure Edge Gateways) و گردآوری و تجمیع داده به‌منظور جداسازی پایش از محیط‌های قدیمی SCADA.
 - انتقال کارکردهای غیرحیاتی پایش و گزارش‌دهی به سکوه‌های امن یکپارچه با رایانش ابری.
 - آغاز پروژه‌های پایلوت برای خودکارسازی تفکیک‌شده‌ی پست‌ها و گردش‌کارهای امن دسترسی مهندسی.
 - استقرار الگوهای استاندارد دسترسی «اعتماد صفر» (Zero Trust) برای اپراتورها، مهندسان و پیمانکاران.
 - گسترش پوشش پایش به پست‌ها، تاسیسات صنعتی و نقاط میدانی با ارزش بالا.
- خروجی‌ها:** قابلیت‌های مدرن پایش و نظارت، فعالیت خود را به موازات سیستم‌های کنترلی قدیمی آغاز می‌کنند.

مرحله چهارم: نهادینه‌سازی دفاع سایبری (روزهای ۱۰۱ تا ۱۳۰)

اهداف: گسترش معماری امن و کاهش وابستگی به سامانه‌های قدیمی SCADA.

- انتقال عملیات توزیع به سکوه‌های امن و استانداردشده.
 - گسترش محیط‌های کنترلی مبتنی بر لبه (Edge-based) به تاسیسات و پست‌های منتخب.
 - یکپارچه‌سازی داده‌های پایش گسترده (WAMS/PMU) در سامانه‌های تحلیل پایداری و پایش مبتنی بر هوش مصنوعی.
 - جایگزینی مؤلفه‌های پرسیک SCADA قدیمی در سایت‌های اولویت‌دار.
 - نهادینه‌سازی مدیریت امنیت چرخه عمر برای دارایی‌های DCS، PLC و تجهیزات الکترونیکی هوشمند (IED).
- خروجی‌ها:** ساختار مدرن در بخش‌های کلیدی به بهره‌برداری می‌رسد و وابستگی به سامانه‌های نظارتی قدیمی به‌طور چشمگیری کاهش می‌یابد.

مرحله پنجم: آمادگی برای گذار کنترل‌شده (روزهای ۱۳۱ تا ۱۶۰)

اهداف: استقرار ساختار مدرن به‌عنوان الگوی غالب عملیاتی

- گسترش لایه‌های کنترلی ماژولار و نرم‌افزارمحور در سراسر محیط‌های انتقال و توزیع.
- توسعه خدمات ارکستراسیون امن برای تحلیل و هماهنگی در سامانه‌های EMS/DMS.
- انتقال سایر یکپارچه‌سازی‌های پایش و نظارت از وابستگی به سامانه‌های قدیمی SCADA.
- اعتبارسنجی تاب‌آوری از طریق شبیه‌سازی، آزمون با دوقلوی دیجیتال و تمرین‌های سراسری بخشی.

- آماده‌سازی برنامه‌های ساختاریافته برای از رده خارج کردن سامانه‌های قدیمی SCADA.

خروجی‌ها: ساختار امن مدرن به سکوی اصلی پایش و کنترل نظارتی تبدیل می‌شود و سامانه‌های قدیمی به نقش‌های ایزوله و محدود تقلیل می‌یابند.

مرحله‌ی ششم: آمادگی نوسازی و همسویی مقرراتی (روزهای ۱۶۱ تا ۱۸۰)

اهداف: ایجاد بنیان‌های گذار بلندمدت و نهادینه‌سازی تاب‌آوری پایدار سایبری

- محصورسازی و ایزوله‌کردن مؤلفه‌های نظارتی قدیمی پریسک مبتنی بر SCADA.
- حذف مسیرهای ناامن دسترسی از راه دور و اتصال‌های خارجی وابسته به فروشندگان.
- نهایی‌سازی برنامه‌های اولویت‌بندی‌شده برای از رده خارج کردن و جایگزینی سامانه‌های قدیمی EMS، DMS و سامانه‌های نظارتی پست‌ها.
- آغاز پروژه‌های پایلوت جایگزینی و نوسازی کنترل‌شده در محیط‌های منتخب غیرحیاتی.
- گسترش قابلیت‌های تشخیص ناهنجاری مبتنی بر هوش مصنوعی و نگهداشت پیش‌بینانه.
- ادغام دوقلوهای دیجیتال در برنامه‌ریزی عملیاتی، اعتبارسنجی تاب‌آوری و آزمون تغییرات.
- استقرار فرایندهای بهبود مستمر و هم‌راستاسازی چارچوب‌های تنظیم‌گری با استانداردهای بین‌المللی امنیت سایبری و زیرساختی.

خروجی‌ها: امنیت سایبری صنعتی به یک قابلیت مهندسی نهادینه تبدیل می‌شود که می‌تواند از عملیات زیرساختی تاب‌آور، بهینه و همسو با استانداردهای بین‌المللی پشتیبانی کند.

توصیه‌ها

- **ایجاد شورای ملی حکمرانی سایبری با گزارش‌دهی مستقیم به مقامات عالی کشور:** تشکیل نهادی عالی‌رتبه برای نظارت یکپارچه بر امنیت سایبری در زیرساخت‌های حیاتی، مخابرات، مالی، دفاعی و خدمات عمومی، با هدف تصمیم‌گیری سریع، هماهنگی بین‌بخشی و اولویت‌بندی ریسک‌های ملی.
- **نهادینه‌سازی مرجع ملی امنیت سایبری با اختیارات تنظیم‌گری و نظارتی:** تعریف اپراتورهای دیجیتال حیاتی و موثر، تعیین الزامات پایه‌ی اجباری امنیتی، انجام ممیزی‌ها و اعمال ضمانت اجرای انطباق به‌منظور تضمین استانداردهای یکسان حفاظت ملی.
- **راه‌اندازی CERT/CSIRT ملی با اختیار هماهنگی سراسری بخشی:** بهره‌برداری از مرکز ملی پاسخ‌گویی به رخدادهای سایبری به‌صورت شبانه‌روزی برای هماهنگی کشف، پاسخ، اشتراک‌گذاری اطلاعات تهدید و پشتیبانی بازیابی در شبکه‌های صنعتی، مخابراتی و دولتی.

- الزام گزارش‌دهی زمان‌بندی‌شده‌ی رخدادهای برای اپراتورهای حیاتی و ارائه‌دهندگان مخابرات: ایجاد الزام برای استفاده از رویه‌های استاندارد گزارش‌دهی، طبقه‌بندی شدت رخدادهای و سازوکارهای تشدید و ارجاع، به‌منظور تضمین اشراف ملی بر رخدادهای عمده سایبری و امکان پاسخ هماهنگ در سطح کشور.
- انتشار راهبرد ملی امنیت سایبری با نقاط عطف اجرایی قابل اندازه‌گیری: تعریف نقش‌ها، اولویت‌های تامین مالی، جدول‌های زمانی و ساختارهای پاسخگویی برای هدایت تاب‌آوری سایبری ملی و پایش پیشرفت از طریق گزارش‌دهی عمومی منظم.
- نهادینه‌سازی مدیریت ریسک سایبری در سطوح وزارتی و اجرایی: ادغام ریسک سایبری در فرایندهای حکمرانی ملی و نظارت سازمانی با تعیین مسئولیت روشن، شاخص‌های عملکرد و مالکیت ریسک.
- استانداردسازی کنترل‌های پایه‌ی امنیتی برای شبکه‌های صنعتی، مخابراتی و دولتی: الزام به تفکیک شبکه‌ها، کنترل دسترسی مبتنی بر هویت، دسترسی امن از راه‌دور، پایش مستمر و رویه‌های بازیابی آزمون‌شده در محیط‌های دیجیتال حیاتی.
- اجرای حاکمیت امن تدارکات و زنجیره‌ی تامین: الزام به پاسخگویی فروشندگان، پشتیبانی امنیتی در چرخه‌ی عمر، رویه‌های افشای آسیب‌پذیری و حقوق ممیزی قراردادی برای سامانه‌های پشتیبان زیرساخت‌های حیاتی و مخابرات.
- اصلاح سازوکارهای شنود قانونی و کنترل شبکه تحت نظارت دموکراتیک: تضمین شفافیت قانونی، نظارت مستقل و سازوکارهای پاسخگویی برای هرگونه دسترسی دولتی به زیرساخت‌های مخابراتی.
- ایجاد چارچوب ملی شفافیت و اعتماد برای عملکرد امنیت سایبری: انتشار شاخص‌های تاب‌آوری، آمار رخدادهای ناشناس‌سازی‌شده و نتایج ممیزی‌ها به‌منظور تقویت اعتماد عمومی و اطمینان سرمایه‌گذاران نسبت به ثبات دیجیتال ملی.

نتایج مورد انتظار

- تحقق قابلیت مشاهده ملی در سراسر زیرساخت‌های دیجیتال حیاتی صنعتی، مخابراتی و دولتی.
- کاهش مواجهه‌ی سیستمی با ریسک‌های سایبری در محیط‌های قدیمی فناوری عملیاتی و شبکه‌های مرکزی.
- استقرار پایش مستمر و قابلیت پاسخ هماهنگ به رخدادهای در سطح ملی.
- تثبیت خدمات حیاتی، از جمله برق، آب، حمل و نقل و ارتباطات، در برابر اختلالات سایبری.
- نهادینه‌سازی حکمرانی یکپارچه‌ی امنیت سایبری و نظارت تنظیم‌گری میان‌بخشی.

- تقویت تاب‌آوری در برابر تهدیدات سایبری دولتی و مجرمانه.
- ایجاد آمادگی نهادی برای نوسازی بلندمدت زیرساخت‌های صنعتی و مخابراتی.
- ارتقای اعتماد بین‌المللی به امنیت و قابلیت اتکای سامانه‌های دیجیتال و زیرساخت‌های حیاتی ملی.

پایش و ارزیابی

• شاخص‌های موفقیت

- **ثبات سایبری زیرساخت‌های حیاتی:** اندازه‌گیری سهم تاسیسات صنعتی و مخابراتی مهم و حیاتی که بدون اختلال ناشی از حوادث یا حملات سایبری به فعالیت خود ادامه می‌دهند؛ هدف این است که تا روز ۴۵، دست‌کم ۷۰ درصد این تاسیسات تحت پایش قرار گرفته و به وضعیت پایدار برسند.
- **قابلیت مشاهده دارایی‌ها و پوشش پایش:** اندازه‌گیری نسبت دارایی‌های حیاتی فناوری عملیاتی (OT) و مخابراتی که تحت پایش غیرفعال و مداوم قرار دارند، همراه با اهداف توسعه هفتگی برای افزایش این پوشش.
- **کاهش سطح در معرض تهدید بودن:** گزارش کاهش مسیرهای دسترسی از راه دور کنترل‌نشده، سرویس‌های در معرض دید، و بخش‌های شبکه‌ای تفکیک‌نشده در بخش‌های حیاتی کشور.
- **عملکرد شناسایی و پاسخ به رخداد:** پایش میانگین زمان کشف (MTTD) و پاسخ (MTTR) به رخداد‌های سایبری مهم در شبکه‌های صنعتی و مخابراتی.
- **اجرای کنترل‌های امنیتی:** نظارت بر پیشرفت تفکیک شبکه، اعمال کنترل دسترسی مبتنی بر هویت و استقرار دسترسی امن راه دور در تاسیسات حیاتی.
- **آمادگی نیروی انسانی و قابلیت‌ها:** سنجش تعداد نیروهای آموزش‌دیده‌ی امنیت سایبری در حوزه‌های فناوری عملیاتی و مخابرات با اختصاص به نقش‌های ملی و بخشی پایش و پاسخ.
- **ثبات خدمات دیجیتال عمومی:** پایش تداوم خدمات ارتباطی ضروری و نبود قطعی‌های گسترده ناشی از حوادث سایبری که بر عموم مردم تاثیر می‌گذارد.

• فرایند بازبینی

- **گزارش‌های وضعیت روزانه:** تهیه‌شده توسط مراکز ملی و بخشی پایش، شامل خلاصه‌ی رخدادها، تغییرات سطح مواجهه با ریسک و وضعیت پایداری سامانه‌ها.
- **گزارش‌های هفتگی ملی امنیت سایبری:** ارائه به عالی‌ترین مقامات عالی کشور با تمرکز بر روندهای ریسک، عملکرد پاسخ به رخداد و پیشرفت تثبیت.

- گزارش‌های ماهانه‌ی نظارت عمومی: انتشار شاخص‌های کلان و غیرحساس درباره‌ی ثبات زیرساخت‌ها، آمادگی پاسخ و بهبود وضعیت امنیت سایبری به‌منظور تقویت شفافیت و اعتماد عمومی.

چالش‌های سیاسی پیش‌بینی شده

- **نفوذ ریشه‌دار نهادهای امنیتی در مؤسسات مخابراتی و دیجیتال:** بازیگران قدیمی ممکن است در برابر اصلاحاتی که کنترل غیرشفاف بر شبکه‌های ساختاری، مراکز داده و سازوکارهای شنود قانونی را کاهش می‌دهد، مقاومت کنند.
- **راهکار:** ایجاد اختیار قانونی صریح و نظارت مستقل، تفکیک مدیریت عملیاتی شبکه از زنجیره‌های فرماندهی امنیتی/سیاسی، و اعمال پاسخگویی اجرایی در حکمرانی ریسک سایبری.
- **واکنش منفی به تشدید الزامات گزارش‌دهی رخداد و اختیارات ممیزی خارجی:** اپراتورها ممکن است گزارش‌دهی اجباری و ممیزی‌ها را «سیاسی‌سازی»، بار هزینه‌ای یا افشای مخاطرات امنیت ملی جلوه دهند و اجرای آن را به تاخیر اندازند.
- **راهکار:** الزام گزارش‌دهی زمان‌بندی‌شده و نظارت تنظیم‌گری به‌عنوان پیش‌نیاز تاب‌آوری ملی، با آستانه‌های روشن و کانال‌های گزارش‌دهی محافظت‌شده.
- **فضاسازی اطلاعات نادرست درباره‌ی اصلاحات سایبری به‌عنوان «کنترل خارجی»:** جریان‌های تندرو ممکن است همسویی با هنجارها و همکاری‌های بین‌المللی را به‌مثابه واگذاری حاکمیت معرفی کنند.
- **راهکار:** چارچوب‌بندی اصلاحات به‌عنوان تقویت‌کننده‌ی حاکمیت (تاب‌آوری و تداوم خدمات حیاتی)، انتشار شاخص‌های عملکرد شفاف، و تأکید بر مالکیت داخلی استانداردها و اجرای آنها.
- **خرابکاری و اختلال سایبری در دوره‌ی تحویل نهادی:** بازیگران دارای دسترسی ممتاز ممکن است در پنجره‌های گذار اقدام به پاک‌سازی لاگ‌ها، غیرفعال‌سازی پایش یا ایجاد قطعی‌ها کنند.
- **راهکار:** اجرای سریع کنترل اعتبارنامه‌ها، مدیریت دسترسی‌های ممتاز و پایش مستمر تحت مدل هماهنگی هدایت‌شده توسط CSIRT ملی.
- **مقاومت در برابر مسئولیت‌پذیری اجرایی و پاسخگویی سایبری در سطح هیئت‌مدیره:** مدیران ارشد ممکن است با مدل‌هایی که نهادهای مدیریتی را صراحتاً مسئول اقدامات کاهش ریسک سایبری می‌کند، مخالفت کنند.
- **راهکار:** تصریح قانونی مسئولیت‌ها و وظایف نظارتی رهبری در حکمرانی ملی سایبری و پیوند آن با ممیزی‌ها و ضمانت‌های اجرایی.
- **تاخیر یا شرط‌گذاری در پشتیبانی فنی و تدارکات بین‌المللی:** بی‌اطمینانی‌های ژئوپلیتیکی می‌تواند دسترسی به تجهیزات مخابراتی، ابزارهای امنیتی و برنامه‌های ظرفیت‌سازی را کند کند.

راهکار: پیش‌توافق چارچوب‌های کمک فنی، تنوع‌بخشی به تامین‌کنندگان، و استانداردسازی الزامات تدارکات امن و تعهدات چرخه‌ی عمر.

این صفحه عمدتاً سفید گذاشته شده است.

محیط زیست: مدیریت و حفاظت از منابع طبیعی

اسفند ۲۵۸۴

سپیدنامه حاضر، چارچوبی راهبردی برای حکمرانی و مدیریت محیط زیست در مرحله اضطراری دوران گذار پس از تغییر رژیم در ایران را ترسیم می‌نماید. تمرکز این برنامه بر تثبیت اکوسیستم‌های حیاتی، بازسازی کارکردهای اساسی حکمرانی محیط زیست، و کاهش فوری تهدیدات ناشی از آلودگی‌های حاد است که پیامدهایی مستقیم بر سلامت عمومی جامعه دارند. هدف این طرح همچنین، فراهم آوردن زمینه لازم برای اصلاحات بلندمدت زیست‌محیطی از طریق مشارکت ذی‌نفعان، بخش خصوصی، شبکه‌های علمی و دانشگاهی، سازمان‌های غیردولتی و عموم مردم، و همچنین احیای مشروعیت نهادی و گسترش همکاری‌های بین‌المللی است. با توجه به وضعیت بحرانی ورشکستگی آبی در ایران و پیامدهای فوری آن بر امنیت ملی، حاکمیت آب در دوره انتقالی در بخشی مجزا به صورت مستقل و در هماهنگی کامل با سپیدنامه محیط زیست برنامه گذار تدوین گردیده است.

اهمیت مدیریت محیط زیست

مدیریت محیط زیست یکی از ارکان اصلی در فرآیند بازسازی ملی و تامین امنیت در دوران گذار به شمار می‌آید. دهه‌ها حکمرانی نادرست، سوءمدیریت، فساد گسترده و سیاست‌های مخرب، ایران را تا آستانه‌ی فروپاشی زیست‌محیطی پیش برده است؛ بحرانی که به صورت کمبود و کیفیت پایین آب، آلودگی گسترده هوا، خاک و محصولات کشاورزی، فرونشست زمین، جنگل‌زدایی، نابودی تالاب‌ها و کاهش تنوع زیستی نمود یافته است. این ناکارآمدی‌های سیستماتیک، امنیت غذایی و آبی را به خطر انداخته، سلامت عمومی را تهدید و انسجام اجتماعی کشور را تضعیف می‌کنند. رسیدگی به این چالش‌ها نه تنها برای کاهش خطرات انسانی ضروری است، بلکه گامی بنیادین در جهت بازسازی اعتماد عمومی و حفاظت از میراث طبیعی کشور به شمار می‌رود. افزون بر این، اقدامات موثر در راستای بهبود وضعیت محیط زیست می‌تواند بستری برای ازسرگیری تعامل سازنده با جامعه جهانی فراهم آورده و دسترسی به تخصص فنی، منابع مالی زیست‌محیطی و همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه‌ی چالش‌های فرامرزی را ممکن سازد.

اهداف

- تثبیت و صیانت از زیست‌بوم‌های حیاتی کشور به منظور جلوگیری از تداوم و تشدید خسارات غیرقابل بازگشت زیست‌محیطی.
- کاهش و مهار تهدیدات ناشی از آلودگی‌های حاد در راستای حفاظت از سلامت عمومی.

- بازسازی اعتماد عمومی و نهادی و تعاملات بین‌المللی با ایجاد شفافیت، مشارکت مدنی و همکاری با نهادهای جهانی محیط‌زیست.
- ایجاد پایه‌های اصلاحات بلندمدت در حکمرانی محیط‌زیستی و استقرار چارچوب‌های مدیریتی پایدار و شفاف.

اولویت‌های کلیدی

- **ایجاد ظرفیت اضطراری برای حکمرانی و پایش زیست محیطی:** تشکیل «کارگروه اضطراری محیط‌زیست دوران گذار» با مسئولیت هدایت عملیات اجرایی، هماهنگی اقدامات پاسخ‌گویی، و تسهیل ارزیابی‌های سریع ملی جهت بازبینی و اولویت‌بندی نیازهای حیاتی از جمله خسارات زیست‌محیطی، کانون‌های بحرانی آلودگی، و مخاطرات مرتبط با سلامت عمومی.
- **تثبیت زیست‌بوم‌های حیاتی و پیشگیری از تخریب برگشت‌ناپذیر زیست‌محیطی در مناطق پرخطر:** تخصیص منابع اضطراری برای حفاظت از آسیب‌پذیرترین زیست‌بوم‌های کشور با هدف حفظ تاب‌آوری اکولوژیکی و جلوگیری از بروز پیامدهای بلندمدت در سطوح ملی و منطقه‌ای.
- **بازسازی کارکرد نهادی و حفظ ظرفیت زیست‌محیطی:** تداوم عملکردهای کلیدی سازمان حفاظت محیط‌زیست و دفاتر استانی از طریق حفظ و آموزش نیروهای فنی تایید شده و حفاظت از زیرساخت‌های پایش و نظارت محیط‌زیست.
- **حفاظت از سلامت عمومی با واکنش فوری به آلودگی‌های حاد:** در اولویت قرار دادن مداخلات فوری برای مهار آلودگی‌های حاد آب و هوا، آلودگی‌های ناشی از درگیری‌ها و پسماندهای خطرناک با تمرکز بر حفاظت از گروه‌های آسیب‌پذیر.
- **بازسازی اعتماد عمومی و از سرگیری همکاری بین‌المللی:** راه‌اندازی کارزار ملی آموزش و اطلاع‌رسانی برای تقویت شفافیت، مشارکت مدنی و ارتقای آگاهی عمومی نسبت به حفاظت و احیای محیط‌زیست. تعامل موثر با نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای برای تسهیل همکاری‌های فنی، جذب منابع مالی اضطراری، و پیشبرد دیپلماسی چندجانبه زیست‌محیطی در حمایت از فرایند احیای محیط‌زیست کشور.

فرضیات

- وجود ساختار سیاسی انتقالی متمرکز، کارآمد و با ثبات برای صدور فرامین اجرایی، همراه‌سازی نهادهای ملی و اجرای اقدامات اضطراری محیط‌زیستی.
- حضور و آمادگی متخصصان محیط‌زیست، به‌ویژه کارشناسان و مدیران میان‌رتبه تایید شده در سازمان حفاظت محیط‌زیست و دانشگاه‌ها، برای حمایت از دوران گذار.

- آمادگی سازمان‌های کلیدی بین‌المللی، از جمله نهادهای سازمان ملل، سازمان‌های منطقه‌ای محیط‌زیستی و موسسات تامین مالی، برای آغاز همکاری فوری، ارائه کمک‌های فنی و پشتیبانی از سازوکارهای مالی پس از شکل‌گیری چارچوب گذار.
- استقبال عمومی از شفافیت و فرصت‌های مشارکت مدنی و امکان اطلاع‌رسانی موثر، جذب داوطلبان، و مشارکت جوامع محلی در اقدامات اضطراری محیط‌زیستی.
- وجود ابزارهای قانونی لازم برای دولت گذار به منظور اعمال ممنوعیت‌ها، مشخص کردن مناطق اضطراری و بازسازی اختیارات نهادی در صورت نیاز.

اقدامات

فاز صفر – پیش از روز اول

- **تشکیل کارگروه اضطراری محیط زیست دوران گذار:** هسته‌ای فراگیر متشکل از تکنوکرات‌ها، متخصصان محیط زیست و کارشناسان، با مشارکت دانشگاهیان، نمایندگان بخش کشاورزی، صنعت و جوامع محلی تشکیل می‌شود که آمادگی لازم برای در دست گرفتن ساختارهای حکمرانی محیط زیست، تدوین پروتکل‌های فوری تثبیت وضعیت، و شناسایی مناطق اولویت‌دار زیست‌محیطی را در دوران گذار داشته باشد. بخش «حاکمیت آب در دوره انتقالی» به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از کارگروه اضطراری محیط‌زیست دوران گذار تشکیل خواهد شد و مسئولیت هدایت، نظارت و هماهنگی در مدیریت ملی منابع آب را بر عهده خواهد داشت. شرح دقیق وظایف و اختیارات این بخش در قسمت «آب» ارائه شده است. کارگروه اضطراری محیط‌زیست دوران گذار می‌بایست همکاری نزدیک و مستمری با بخش حاکمیت آب در دوره انتقالی داشته باشد تا از هم‌پوشانی وظایف و بروز تعارض منافع جلوگیری شده و اجرای برنامه‌ای منسجم و یکپارچه برای بازسازی زیست‌محیطی کشور تضمین گردد. این کارگروه و تمامی زیرمجموعه‌های آن پس از برقراری ثبات نهادی و یا با پایان دوره‌ی گذار منحل خواهند گردید.
- **تدوین نقشه ملی اولویت‌بندی زیست‌بومی (نقشه تریاژ محیط زیست):** کارگروه اضطراری محیط زیست دوران گذار با بهره‌گیری از داده‌های ماهواره‌ای موجود، گزارش‌های سازمان‌های غیردولتی و تحقیقات علمی، نقشه‌ای از بحرانی‌ترین زیست‌بوم‌های کشور از جمله تالاب‌ها، دریاچه‌ها، جنگل‌ها، مناطق ساحلی و کانون‌های تنوع زیستی تهیه می‌کند تا دولت گذار بتواند منابع را به‌صورت هدفمند به مناطقی که در آستانه فروپاشی اما قابل احیا هستند اختصاص دهد.
- **شناسایی نهادهای بین‌المللی برای دریافت کمک‌های اضطراری محیط‌زیستی:** نهادهای کلیدی بین‌المللی و سازمان‌های چندجانبه منطقه‌ای شناسایی می‌شوند تا در شرایط مناسب، هماهنگی برای دریافت کمک‌های اضطراری زیست‌محیطی آغاز گردد. این نهادها، نقشی حیاتی در اعزام سریع تیم‌های فنی، تامین تجهیزات، و بازگشایی مسیرهای تامین مالی چندجانبه زیست‌محیطی پس از تغییر رژیم خواهند داشت.

فاز نخست — پاسخ اضطراری و تثبیت (روزهای ۱ تا ۱۰)

- **اعلام وضعیت اضطراری ملی محیط‌زیست:** با صدور یک فرمان اجرایی اضطراری، اکوسیستم‌های بحرانی و کلیدی کشور تحت حفاظت قانونی فوری قرار گیرد. این فرمان بستر پاسخ‌گویی سریع به بحران‌ها را فراهم کرده، فعالیت‌های مخرب را متوقف می‌کند و نشانگر اولویت‌بخشی ملی به بقای زیست‌محیطی است.
- **توانمندسازی حکمرانی محیط‌زیست:** ساختارهای اجرایی سازمان حفاظت محیط زیست و دفاتر استانی آن حفظ و تقویت شوند. نیروهای فنی و کارشناسان میانی تایید شده در سمت خود باقی بمانند تا تداوم فعالیت‌های ضروری نظیر پایش محیط‌زیست، مدیریت مناطق حفاظت‌شده و کنترل آلودگی تضمین شود. با غربال‌گری سریع و شفاف، افراد دارای سوابق اثبات‌شده فساد یا کوتاهی سیاسی در حفاظت محیط‌زیست تعلیق شده و از همکاری افراد شایسته و با تجربه برای مدیریت برنامه‌ها و طرح‌های جدید استفاده شود.
- **فعالیت‌های پرخطر:** کلیه فعالیت‌های مرتبط با تخریب جنگل‌ها، استخراج شن و ماسه و صدور مجوزهای شکار در مناطق حساس ارزیابی شده و در مواردی که اثرات زیان‌بار آن‌ها تایید می‌شود، به‌صورت موقت تعلیق شوند تا بررسی‌های تکمیلی انجام گیرد.
- **تامین امنیت و حفاظت از دارایی‌های استراتژیک زیست‌محیطی:** نیروهای امنیتی و اجرایی به‌منظور حفاظت از مناطق راهبردی، جلوگیری از غارت تجهیزات و پیشگیری از تخریب ایستگاه‌های پایش محیط‌زیست مستقر شوند تا تداوم عملکرد شبکه‌های نظارتی تضمین گردد.
- **واکنش اضطراری به آلودگی آب و هوا:** از اقدامات بخش حاکمیت آب در دوره انتقالی در راستای تامین آب آشامیدنی سالم، استقرار واحدهای تصفیه آب سیار و اعزام تانکرهای توزیع آب به مراکز شهری و روستایی در خطر حمایت شود و کنترل‌های اضطراری در شهرهایی با سطوح بحرانی آلودگی هوا اعمال گردد.

فاز دوم — ارزیابی اضطراری و اقدام مقابله‌ای در برابر آلودگی (روزهای ۱۱ تا ۴۰)

- **ارزیابی میدانی فوری:** پایش میدانی سریع در مناطق دارای اولویت بالا آغاز شود تا گزارش‌های فوری در خصوص وضعیت عملکرد اکولوژیکی، آلودگی‌ها، نیازهای فوری و ظرفیت‌های احیا تهیه گردد. از فناوری‌های ماهواره‌ای و رایانش ابری برای غربال‌گری اولیه ریسک‌های اقلیمی و شناسایی مناطق دارای آسیب‌پذیری مضاعف ناشی از بیابان‌زایی، کم‌آبی و تنش گرمایی استفاده شود.
- **پاکسازی اضطراری آلودگی و پسماندهای ناشی از درگیری و صنعت:** ارزیابی و پایش سریع محیط زیستی به منظور شناسایی آلودگی‌های صنعتی و پسماندهای حاصل از درگیری که تهدیدی برای سلامت عمومی محسوب می‌شوند انجام گیرد و پاکسازی اضطراری کانون‌های آلودگی برای جلوگیری از بحران‌های بهداشتی ثانویه آغاز گردد. همچنین، دستورالعمل اضطراری برای کنترل و منع استفاده از مواد شیمیایی ثبت‌نشده یا غیر استاندارد در بخش‌های شهری، کشاورزی و صنعتی اجرا گردد.
- **اقدامات اضطراری کیفیت هوا:** محدودیت‌های موقت ترافیکی در شهرهای به شدت آلوده برای کاهش انتشار آلاینده‌ها اعمال شود. توقف استفاده از سوخت‌های با آلاینده‌ی بالا در نیروگاه‌ها و کوره‌های صنعتی، به ویژه در مناطق

با شرایط آلودگی حاد مورد بررسی قرار گرفته و توزیع سوخت‌های پاک‌تر برای شهرهای در معرض آلودگی بالا در اولویت قرار گیرد.

- **اجرای تدابیر اضطراری برای حفاظت از شیلات ملی:** فعالیت‌های کشتی‌های ترالر و قراردادهای مرتبط مورد بازبینی و پایش قرار گیرند و ارزیابی‌های علمی ذخایر گونه‌های آسیب‌پذیر تقویت شود. همچنین، صدور مجوزهای جدید صید صنعتی در مناطق ساحلی تا انجام بررسی‌های تکمیلی به‌طور موقت متوقف گردد تا از تنوع زیستی دریایی در معرض خطر محافظت شود.
- **اطلاع‌رسانی و آموزش عمومی محیط زیستی:** کارزار ملی اطلاع‌رسانی و آموزش عمومی با هدف اطمینان‌بخشی به شهروندان در مورد تعهد دولت گذار به حفاظت فوری از محیط زیست آغاز گردد. این کارزار باید با هدف ارتقا شفافیت درباره مخاطرات زیست‌محیطی، ترغیب مشارکت فعال شهروندان در اقدامات حفاظتی و بازسازی اعتماد عمومی نسبت به رویکرد مسئولانه دولت در مدیریت محیط زیست طراحی و اجرا شود.
- **مشارکت نیروهای محلی:** از راهبران و نمایندگان محلی مورد اعتماد برای شناسایی خطرات خاص هر منطقه، میانجی‌گری در منازعات محلی، و پشتیبانی از عملیات واکنش سریع استفاده شود تا از طریق دانش بومی و نفوذ اجتماعی آنان، اقدامات محیط‌زیستی متناسب با شرایط منطقه‌ای طراحی و هماهنگی در مناطق آسیب‌دیده بهبود یابد.

فاز سوم — هماهنگی بین‌نهادی و تدوین نقشه راه اصلاحات ساختاری (روزهای ۴۱ تا ۱۰۰)

- **ارزیابی پروژه‌های استراتژیک:** در هماهنگی با بخش حاکمیت آب در دوره انتقالی و نهادهای مربوطه، تمامی پروژه‌های کلان زیرساختی و توسعه‌ای باید تحت ارزیابی جامع اثرات زیست‌محیطی قرار گرفته و پیامدهای آن‌ها بر اکوسیستم و سلامت عمومی بررسی شود. پروژه‌هایی که فاقد ارزیابی معتبر هستند یا نیاز به ارزیابی دوباره دارند مورد بررسی قرار گیرند و بر اساس معیارهای علمی مرتبط با محیط‌زیست و بهداشت عمومی، برای تعلیق، اصلاح یا ادامه اجرا طبقه‌بندی شوند.
- **اصلاحات حقوقی و نهادی:** کمیسیون موقتی تشکیل شود تا پیشنهادهای اولیه برای ایجاد سازوکارهای یکپارچه حکمرانی محیط‌زیست را تدوین کرده و سیاست‌های آتی را با اصول عدالت محیط زیستی، توسعه پایدار کشاورزی و صنعت، و کارایی و عدالت در تخصیص منابع هماهنگ سازد. همچنین پیشنهاد حذف یا اصلاح مقرراتی که با نیازهای فعلی کشور هم‌خوانی ندارند ارائه گردد. اولویت‌ها شامل به رسمیت شناختن حقوق آب و مدیریت یکپارچه منابع آبی در هماهنگی با بخش حکمرانی آب، ارتقای آموزش و مشارکت عمومی، و اعمال اصول توسعه پایدار در سیاست‌ها است.
- **مشارکت و مشاوره‌های بین‌المللی:** نقشه راهی برای تعامل بلندمدت با نهادهای بین‌المللی و کشورهای پیشرو در حوزه محیط‌زیست و پایداری، از جمله ایالات متحده، اسرائیل، استرالیا و اعضای اتحادیه اروپا تدوین شود تا هماهنگی لازم برای جذب منابع مالی اضطراری و همکاری‌های فنی بین‌المللی در قالب چارچوبی تحت نظارت و هدایت ملی صورت گیرد. همچنین بازدید ناظران و کارشناسان بین‌المللی برای ارزیابی چالش‌های زیست‌محیطی و پشتیبانی از برنامه‌های کمک فنی و مالی تسهیل شود.

- **تقویت ظرفیت نهادی و مشارکت عمومی:** برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی سریع برای نهادهای محلی، نیروهای فنی و جامعه مدنی طراحی و اجرا گردد. آموزش محیط‌زیستی ترویج یافته، آگاهی عمومی افزایش یابد و بسترهای مشارکت جمعی ایجاد شود تا ذی‌نفعان در فرایند احیای محیط‌زیست و حکمرانی پایدار نقش فعال ایفا کنند.

فاز ۴ — زیرساخت‌های راهبردی، تقویت سامانه‌های اطلاعاتی و تضمین سازوکارهای پاسخگویی (روزهای ۱۰۱ تا ۱۸۰)

- **حفاظت از جنگل‌ها و مراتع:** ممنوعیت سراسری قطع تجاری درختان در جنگل‌های با ارزش اکولوژیکی بالا اعمال شود و گشت‌های حفاظتی محیط‌بانان تقویت گردد. پایش مردمی مراتع با مشارکت جوامع محلی ترویج یافته و اقدام‌های فوری برای بهبود سلامت خاک و احیای پوشش گیاهی اجرا شود. همچنین، الگوهای چرای دام به‌صورت تدریجی و متناسب با ظرفیت رویش طبیعی تنظیم گردد.
- **سامانه ملی هوشمند محیط‌زیست:** سامانه پایش یکپارچه با دسترسی آزاد ایجاد شود تا داده‌های محیط‌زیستی را از منابعی نظیر تصاویر ماهواره‌ای، شبکه‌های حسگر و گزارش‌های میدانی گردآوری، تحلیل و منتشر سازد. این سامانه با هدف ارتقای شفافیت، تقویت سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد، و بازسازی اعتماد عمومی و بین‌المللی به نظام حکمرانی محیط‌زیست راه‌اندازی خواهد شد.
- **برنامه راهبردی جذب سرمایه‌گذاری زیست‌محیطی:** برنامه‌ای راهبردی درباره نیازهای فوری احیای اکولوژیکی، اولویت‌های زیرساختی محیط‌زیست و فرصت‌های تامین مالی تهیه شود تا جذب حمایت‌های بین‌المللی، کمک‌های فنی و مشارکت ایرانیان خارج از کشور تسهیل گردد.
- **کمیسیون حقیقت‌یاب و پاسخگویی زیست‌محیطی:** یک نهاد رسمی تحقیقاتی برای مستندسازی جرایم زیست‌محیطی و فساد نهادی در دوره حاکمیت جمهوری اسلامی تشکیل شود. تمرکز این کمیسیون بر تخریب نظام‌مند تالاب‌ها، صدور مجوزهای صنعتی غیرقانونی، و نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پروژه‌های انتقال آب، جنگل‌زدایی و دیگر آسیب‌های گسترده به منابع طبیعی کشور خواهد بود.

توصیه‌ها

- **گنجاندن احیای محیط زیست در دستور کار کلان ایجاد ثبات ملی.** بحران محیط‌زیست باید به عنوان مسئله‌ای در حوزه امنیت ملی و مسئولیت حاکمیتی تلقی شود و پیوند آن با سلامت عمومی، انسجام اجتماعی، توسعه اقتصادی و امنیت منطقه‌ای به رسمیت شناخته شود. هماهنگی اقدامات زیست‌محیطی با بخش‌های دیگر نظیر زیرساخت، سلامت عمومی و کشاورزی، برای موفقیت بلند مدت ضروری است.
- **ایجاد سازوکار هماهنگی فوری برای اجرای اقدامات اضطراری محیط‌زیستی.** به منظور جلوگیری از ناهماهنگی نهادی و تاخیرات بوروکراتیک در دوران گذار، نهادی اجرایی و هماهنگ‌کننده با اختیارات مشخص باید مسئولیت هدایت و نظارت بر اجرای اقدامات اضطراری محیط‌زیستی را در سطح وزارت‌خانه‌ها، استان‌ها و بخش‌های فنی بر عهده گیرد.

- **اطمینان از تخصیص سرمایه اولیه بودجه‌ای و سیاسی به احیای محیط زیست.** در مراحل ابتدایی دوران گذار، می‌بایست منابع مالی اولیه و ظرفیت سیاسی لازم به اقدامات زیست‌محیطی اختصاص یابد. این تخصیص نه تنها بستر اجرایی برای آغاز اقدامات اضطراری را فراهم می‌کند، بلکه نشانه‌ای روشن از عزم دولت گذار برای اولویت‌دادن به محیط زیست در برابر افکار عمومی داخلی و نهادهای بین‌المللی خواهد بود.
- **نهادینه کردن شفافیت داده‌ها و آگاهی مشترک از وضعیت.** ایجاد و راه‌اندازی یک سامانه مرکزی برای گردآوری، تحلیل و اشتراک‌گذاری داده‌های محیط‌زیستی ضروری است تا هماهنگی در تصمیم‌گیری، بهبود کارآمدی اقدامات، و اعتماد عمومی و بین‌المللی نسبت به تعهد دولت گذار در حوزه حفاظت محیط‌زیست تقویت گردد.
- **تحقق نتایج زود هنگام و ملموس برای تقویت اعتماد عمومی.** با اولویت‌بخشی به اقدامات فوری، کم‌هزینه و قابل مشاهده که به سرعت اجرا شوند، می‌توان گسستی روشن از ناکامی‌های گذشته را نشان داد و اعتماد عمومی را تقویت نمود. تمامی اقدامات اضطراری باید بر اساس اصول عدالت زیست‌محیطی هدایت گردیده و اطمینان حاصل شود که مناطق متأثر از بی‌عدالتی‌های گذشته در برنامه‌ریزی‌های بازسازی از توجه منصفانه، تخصیص عادلانه منابع و نمایندگی موثر برخوردار شوند.

نتایج مورد انتظار

- سازوکار اضطراری حکمرانی زیست‌محیطی فعال و عملیاتی شده است.
- زیست‌بوم‌های بحرانی تحت حمایت قانونی قرار گرفته و اقدامات اولیه برای تثبیت آن‌ها آغاز شده است.
- تهدیدهای فوری ناشی از آلودگی در مناطق بحرانی شناسایی و مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند.
- تداوم عملکرد نهادهای زیست‌محیطی حفظ شده و برنامه‌ریزی برای اصلاحات ساختاری آغاز گردیده است.
- تعامل دوباره با نهادها و سازمان‌های کمک‌رسان بین‌المللی آغاز شده است.
- مشروعیت و اعتماد عمومی از طریق اقدامات ملموس و مشارکت فراگیر تقویت شده است.
- تدوین چارچوب‌های راهبردی برای گذار بلندمدت زیست‌محیطی آغاز شده است.

نظارت و ارزیابی

معیارهای موفقیت

- درصد مناطق اکولوژیکی بحرانی شناسایی شده که تحت پوشش مقررات اضطراری حفاظت قانونی قرار گرفته‌اند.
- تعداد ارزیابی‌های سریع محیط‌زیستی انجام شده و میزان دسترسی عمومی به نتایج آن‌ها.

- گستره و تعداد مداخلات اضطراری محیط‌زیستی اجرا شده؛ شامل تامین اضطراری آب، اقدامات کاهش آلودگی هوا، حفاظت از خاک و زمین و عملیات پاک‌سازی پسماندها.
- استمرار عملکرد نهادهای محیط‌زیستی ملی و استانی (بر اساس شاخص‌هایی مانند تعداد نیروهای فعال، ظرفیت عملیاتی و کیفیت ارائه خدمات عمومی).
- تعداد تعاملات رسمی برقرار شده با نهادهای و آژانس‌های بین‌المللی زیست‌محیطی و جذب منابع مالی بین‌المللی.
- سطح پوشش رسانه‌ای، میزان دسترسی عمومی به اطلاعات، و مشارکت جامعه مدنی در اقدامات زیست‌محیطی اولیه.
- میزان پیشرفت در تدوین اسناد راهبردی کلیدی از جمله سامانه ملی هوشمند زیست‌محیطی، برنامه راهبردی جذب سرمایه‌گذاری، و پیش‌نویس چارچوب اصلاحات حقوقی.

فرآیند بازبینی

- کارگروه اضطراری محیط‌زیست دوران گذار موظف است گزارش‌های پیشرفت داخلی را ماهانه و گزارش‌های عمومی را به‌صورت فصلی برای ارتقا شفافیت منتشر نماید.
- سازوکاری مستقل برای ارزیابی، متشکل از کارشناسان ملی و ناظران بین‌المللی منتخب از سوی ذی‌نفعان، نتایج را راستی‌آزمایی کرده و اعتبار گزارش‌ها را تضمین خواهد کرد.
- کلیه داده‌های پیشرفت و نتایج به‌دست‌آمده، از طریق سامانه‌های گزارش‌دهی عمومی با دسترسی آزاد، مطابق با استانداردهای جهانی شفافیت و پاسخ‌گویی در حکمرانی محیط‌زیست به صورت عمومی منتشر خواهد شد.

چالش‌های سیاسی پیش‌بینی‌شده

- **گسستگی در نهادهای مربوطه و ابهام در حدود اختیارات در دوران گذار.** همپوشانی وظایف و ابهام اختیارات در نهادهای گذار ممکن است هماهنگی و اجرا را به تاخیر بیندازد.
- **راهبرد:** کارگروه اضطراری محیط زیست دوران گذار باید به عنوان نهاد مرکزی هماهنگ‌کننده فعال شود و از طریق سازمان حفاظت محیط زیست، وزارتخانه‌ها، و ساختارهای حکمرانی استانی برای تسهیل اجرای برنامه‌ها عمل کند.
- **حساسیت‌های اجتماعی-سیاسی در مناطق دارای سابقه محرومیت، تبعیض و بحران زیست‌محیطی.** در استان‌هایی با سابقه محرومیت، تبعیض و تخریب شدید محیط زیست که بی‌عدالتی زیست‌محیطی در آن‌ها به‌شدت محسوس بوده است، ابتکارات جدید برای احیای محیط زیست ممکن است با تردید و بی‌اعتمادی مواجه شود.

راهبرد: با هماهنگی میان نهادهای محلی و ذی‌نفعان، پروژه‌های احیای زودبازده در مناطق محروم و پرخطر محیط‌زیستی شناسایی و اجرا شود. ارتباط شفاف، حضور کارشناسان محلی مورد اعتماد و سازوکارهای دریافت بازخورد مردمی به‌کار گرفته شود تا مشارکت و اعتماد عمومی تقویت گردد.

- **مقاومت گروه‌های سودجو و وابسته به شبکه‌های بهره‌برداری غیرقانونی از محیط‌زیست.** عوامل منتفع از ساختارهای رژیم جمهوری اسلامی، از جمله نهادهای نظامی-صنعتی و پیمانکاران دارای رانت سیاسی، ممکن است در برابر اجرای مقررات زیست‌محیطی تهدید کننده‌ی منافع اقتصادی نامشروع آن‌ها مقاومت نشان دهند.

راهبرد: از سازوکارهای حسابرسی حقوقی و فنی پیشنهادی برای شناسایی و تعلیق فعالیت‌هایی که ناقض مقررات زیست‌محیطی هستند یا تعارض منافع ایجاد می‌کنند استفاده شود. این سازوکار باید از اختیار قانونی لازم برای توقف پروژه‌های غیر هم‌سو و آغاز اقدامات اصلاحی برخوردار باشد.

- **محدودیت‌های مالی و الزامات فوری دیگر در روند بازسازی ملی.** دولت گذار ممکن است با چالش اولویت‌بندی نیازهای فوری زیرساختی و اقتصادی مواجه شود که توجه و منابع را از تلاش‌های احیای محیط زیست منحرف کند.

راهبرد: تدوین برنامه راهبردی جذب سرمایه‌گذاری زیست‌محیطی پیشنهادی در ۱۸۰ روز نخست برای جذب حمایت‌های زودهنگام بین‌المللی و مشارکت جامعه ایرانیان خارج از کشور ضروری است. همزمان، احیای زیست‌محیطی باید به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از چارچوب‌های کلان تثبیت ملی از جمله اقتصاد، سلامت عمومی و برنامه‌های بازسازی زیرساخت‌ها و صنایع نهادینه شود تا تخصیص منابع بین‌بخشی موجه و پایدار شود.

- **محدودیت در همکاری‌های منطقه‌ای پیرامون مسائل فرامرزی محیط زیست.** تنش‌های سیاسی در سطح منطقه ممکن است مانع از همکاری‌های اولیه در زمینه مدیریت حوضه‌های آبی مشترک و زیست‌بوم‌های فرامرزی شود.

راهبرد: همکاری فنی از طریق چارچوب‌های چندجانبه و بسترهای موجود محیط زیست سازمان ملل متحد، طبق مشروح نقشه راه مشارکت‌های بین‌المللی دنبال خواهد شد.

خطرات امنیتی محدود کننده دسترسی میدانی. ناآرامی‌ها یا اقدامات خرابکارانه ممکن است اجرای عملیات میدانی در مناطق ناامن یا دورافتاده را با اختلال مواجه کند.

راهبرد: هماهنگی با واحدهای امنیتی استانی برای حفاظت از پرسنل و استفاده از ابزارهای پایش از راه دور از طریق سامانه ملی هوشمند محیط زیست، در مناطقی با دسترسی میدانی محدود صورت خواهد گرفت.

این صفحه عمدتاً سفید گذاشته شده است.

آب: مدیریت منابع و زیرساخت‌های تامین

اسفند ۲۵۸۴

ایران با مرحله پیشرفته‌ی ورشکستگی آب مواجه است. این طرح مجموعه‌ای از اقدامات فوری و کوتاه‌مدت را برای مدیریت و تثبیت سپیدنامه آب کشور در شرایط فروپاشی جمهوری اسلامی ترسیم می‌کند. هدف این طرح، حفاظت از خدمات ضروری مرتبط با زیرساخت‌های آبی، جلوگیری از بی‌ثباتی سرزمینی مرتبط با آب در طول مرحله اضطراری ۱۸۰ روزه دوره گذار و پایه‌ریزی چارچوبی برای توسعه پایدار مدیریت منابع آب در آینده است. این طرح به تهدیدات فوری می‌پردازد، توزیع عادلانه آب را ترویج می‌کند و اصلاحات ضروری را تحت نظر «نهاد حکمرانی موقت آب» پیشنهاد می‌دهد.

اهداف

- تضمین دسترسی بی‌وقفه به آب شرب سالم و خدمات بهداشتی پایه برای تمام شهروندان در طول مرحله اضطراری دوره گذار.
- ایمن‌سازی، حفاظت و تثبیت سریع زیرساخت‌های حیاتی آبی در سراسر کشور.
- برقراری حکمرانی موقت شفاف، پاسخگو و مشارکتی برای سپیدنامه آب.
- پایه‌ریزی بنیان‌های فنی، حقوقی و مالی برای مدیریت پایدار و عادلانه منابع آب در بلندمدت، منطبق با راهکارهای بین‌المللی، استانداردهای حقوق بشر، و اهداف توسعه پایدار تعریف‌شده توسط سازمان ملل متحد.
- تقویت اعتماد عمومی و مشارکت شهروندی از طریق آموزش، ارتباط شفاف، شفافیت داده‌ها و بهره‌گیری از دانش بومی و جامعه مدنی.

فاز صفر: هماهنگی پیش از ورود (قبل از روز اول)

- ایجاد نهاد حکمرانی آب در دوران گذار: یک نهاد توانمند متشکل از کارشناسان و تکنوکرات‌ها، با حضور نمایندگان بخش‌ها و ذی‌نفعان کلیدی مانند دانشگاهیان، بخش کشاورزی، شرکت‌های آب شهری، صنعت و شهرداری‌ها، به‌منظور نظارت و هماهنگی بخش آب در طول دوره گذار تشکیل خواهد شد. این نهاد به‌عنوان یک هیئت مشورتی برای دولت گذار عمل خواهد کرد و توسط جامعه مدنی، کارگروه اضطراری موقت محیط زیست، و شرکای بین‌المللی پشتیبانی خواهد شد. مشابه کارگروه اضطراری موقت محیط زیست، نهاد حکمرانی آب در دوران گذار نیز پس از بازگشت ثبات نهادی و یا با اتمام مرحله اضطراری منحل خواهد شد.

- **هماهنگی داخلی:** ایجاد شبکه‌های ارتباطی مؤثر با مدیران و مسئولان داخلی برای اطمینان از گذار آرام در سپیدنامه آب.
- **هماهنگی بین‌المللی:** شناسایی سازمان‌ها و افراد کلیدی در سطح بین‌الملل برای تعامل سریع، به‌منظور تضمین دسترسی به‌موقع به کمک‌های بشردوستانه و فنی در صورت فراهم شدن شرایط.
- **آماده‌سازی امنیتی:** ایجاد شبکه‌های ارتباطی امن و نقاط لجستیکی پشتیبانی در مقیاس ملی.

فاز نخست: تصرف اضطراری و تثبیت اولیه (روزهای ۱ تا ۱۰)

- **ساختار سازمانی:** حفظ ساختارهای سازمانی موجود در نهادهایی که به‌صورت کامل یا جزئی مسئول بخش آب هستند، مانند سازمان حفاظت محیط زیست، شورای عالی آب وزارت کشاورزی و بخش مدیریت آب و سازمان‌های محلی در وزارت نیرو در طول دوره ۱۸۰ روزه گذار، در حالی که نقشه راهی برای اصلاحات نهادی جامع برای آینده کشور آماده می‌شود.
- **کنترل نهادی:** برکناری فوری مدیران ارشد مرتبط با فساد در بخش آب و حفاظت از تاسیسات و زیرساخت‌های کلیدی آبی در برابر خرابکاری.
- **حفظ کارکنان کلیدی:** حفظ مدیران و متخصصان میانی در وزارتخانه‌ها و ادارات مرتبط با آب، مگر آنکه شواهدی از فساد یا تضاد منافع در رابطه با آنان تایید شود.
- **هماهنگی آب و انرژی:** در فاز چهارم (روزهای ۱۰۱ تا ۱۸۰) از سپیدنامه انرژی، ادغام وزارت نفت و وزارت نیرو در قالب یک وزارتخانه واحد «انرژی» پیشنهاد شده است. این ادغام بر بخش‌های نفت، گاز، برق و هسته‌ای تمرکز دارد و ساختارهای حکمرانی آب، مانند معاونت امور آب، شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور و غیره را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد. مسئولیت‌های بخش آب در دوره گذار تحت چارچوب موجود باقی می‌مانند و به وزیر جدید منتقل خواهند شد، بدون آنکه در طول مرحله اضطراری، اختلالی در تخصیص یا توزیع آب ایجاد شود.
- **امنیت زیرساخت‌ها:** در هماهنگی نزدیک با نهادهای امنیتی، نیروهای انتظامی و تیم‌های حفاظتی برای حفاظت از سدهای کلیدی، خطوط لوله، سیستم‌های انتقال آب و ایستگاه‌های پمپاژ در مناطق آسیب‌پذیر (مانند خوزستان، فلات مرکزی، تهران، حوضه آبریز دریاچه ارومیه و غیره) مستقر می‌شوند.
- **عملیات اضطراری:** در شرایط محدودیت منابع آب، تامین آب مورد نیاز بیمارستان‌ها و دسترسی همگانی به آب شرب سالم برای کلیه جوامع شهری و روستایی باید بالاترین و یکسان‌ترین سطح اولویت و فوریت تضمین شود. در مرحله بعد، منابع آب باقی‌مانده صرف پشتیبانی از فعالیت‌های حیاتی بخش‌های صنعتی و کشاورزی می‌گردد.
- **حفاظت از آب‌های زیرزمینی:** ممنوعیت سختگیرانه حفاری غیرقانونی چاه‌های آب زیرزمینی، آغاز ارزیابی سراسری از وضعیت سفره‌های آب زیرزمینی و تعلیق موقت صدور مجوز برای حفاری‌های چاه جدید تا تکمیل ارزیابی جامع و کارشناسانه منابع آب زیرزمینی.

- **مدیریت سیلاب و خشکسالی:** در طول مرحله اضطراری ۱۸۰ روزه گذار، هیچ تغییر نهادی در سازمان‌های مسئول مدیریت سیلاب و خشکسالی ایجاد نخواهد شد. ساختارهای موجود مسئول مدیریت سیلاب مانند سازمان مدیریت بحران کشور، سازمان هواشناسی و غیره به فعالیت خود ادامه خواهند داد تا ثبات و تداوم در هشدارهای سریع واکنش اضطراری و عملیات بازیابی تضمین شود.
- **اطلاع‌رسانی عمومی:** راه‌اندازی یک برنامه ارتباطی سراسری برای آگاه‌سازی مردم از اقدامات تشییتی، ترویج همکاری مدنی و مشارکت عمومی و تقویت اعتماد همگانی.

فاز دوم: تثبیت و ارزیابی (روزهای ۱۱ تا ۴۰)

- **احیای خدمات حیاتی:** اولویت‌بندی برای بازیابی دسترسی به آب شرب و تاسیسات بهداشتی و انجام ارزیابی فنی سریع در بخش‌های کشاورزی و سایر بخش‌های مصرف‌کننده آب برای شناسایی نیازهای فوری و ریسک‌ها. تصمیم‌گیری‌ها در مورد بازتخصیص منابع آبی برای کشاورزی تا پس از فصل زراعی پیش‌رو و اتمام مرحله اضطراری به تعویق خواهند افتاد، با هدف اینکه ثبات عمومی حفظ شود، به کشاورزان زمان لازم برای تطبیق داده شود و تدوین راهبرد ملی آبی برای کشاورزی میسر گردد.
- **تامین اضطراری:** استقرار واحدهای سیار تصفیه آب و تانکرهای آبرسانی در مناطقی که دسترسی به آب شرب سالم وجود ندارد، از جمله استان سیستان و بلوچستان.
- **ارزیابی زیرساخت:** آغاز ارزیابی‌های مقدماتی از زیرساخت‌های حیاتی آبی برای شناسایی نیازهای فوری و مناطق اولویت‌دار به منظور حمایت فنی یا مالی فوری.
- **واردات کالاهای کلیدی کشاورزی:** همخوان‌سازی سیاست‌های واردات محصولات کشاورزی با میزان موجودی و دسترسی فوری به منابع آب به منظور کاهش فشار بر منابع حیاتی آب و حمایت از امنیت غذایی ملی.
- **لزوم ارزیابی اثرات محیط‌زیستی:** انجام یک حسابرسی ملی از پروژه‌های بزرگ زیرساخت آبی و صنایع آب‌بر برای شناسایی پروژه‌هایی که فاقد ارزیابی‌های اثرات محیط‌زیستی معتبر هستند یا نیاز به ارزیابی مجدد دارند.
- **مشارکت کارکنان:** تعامل و همکاری با مهندسان، متخصصان و مشاوران فنی باتجربه برای تقویت ظرفیت عملیاتی در بخش آب.
- **آموزش عمومی:** یک تلاش ملی برای آموزش و بسیج جامعه در مورد حفاظت و بهره‌وری آب راه‌اندازی خواهد شد. با افزایش آگاهی مردم نسبت به ورشکستگی شدید آبی کشور، دولت گذار استفاده مسئولانه از آب را ترویج می‌کند و از اقدامات فوری برای تثبیت چشم‌انداز امنیت آبی و جلوگیری از وخامت بیشتر حمایت خواهد کرد.

فاز سوم: تداوم عملیاتی (روزهای ۴۱ تا ۱۰۰)

- **سامانه شفافیت:** ارائه گزارش‌های هفتگی عمومی درباره وضعیت منابع آب، تراز مخازن سدها، میزان مصرف آب و اقدامات بازسازی با استفاده از داده‌های در دسترس عمومی و داده‌های پیش‌تر غیرعمومی از طریق وزارت نیرو و دفاتر منطقه‌ای. این رویکرد با هدف تقویت اعتماد عمومی و شفافیت، و فراهم‌سازی دسترسی عمومی به پایگاه ملی داده‌های آب اتخاذ می‌گردد.
- **رعایت الزامات محیط‌زیستی:** بازنگری و در صورت نیاز تعلیق پروژه‌های زیرساخت آبی و صنایع آبرابر فاقد ارزیابی‌های معتبر اثرات زیست‌محیطی معتبر، تا زمان بررسی و انجام بازبینی رسمی.
- **بازنگری پروژه‌های نهادهای خاص:** تعلیق تمام پروژه‌های بزرگ زیرساخت آبی و صنایع آبرابر زیر نظر «قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» و سازمان‌های ذیل آن تا زمان انجام حسابرسی‌های جامع کارشناسانه و همچنین بازبینی مطالعات و پروژه‌های مشاوره‌ای آبی - در مقیاس بزرگ انجام شده - توسط شرکت «مهاب قدس» و شرکت‌های مهندسی مشاور مشابه جهت شناسایی فساد، تضاد منافع و تخلفات. لازم به ذکر است که در سپیدنامه نظامی و امنیتی نیز «کتابچه مرحله اضطراری»، انحلال سپاه پاسداران پیشنهاد شده است.
- **اقدامات ضدفساد:** شروع انتشار تخصیص‌های آبی بصورت عمومی و توقف پروژه‌های با انگیزه سیاسی - ضمن حفظ پروژه‌های مربوط به تامین آب شرب - و آغاز مستندسازی موارد مشکوک به فساد در بخش آب برای اقدامات قانونی آتی توسط مراجع قضایی مستقل.
- **تضاد منافع:** از طریق حسابرسی‌های جامع، عزل و برکناری کارکنانی که به دلیل کسب منفعت از پروژه‌های زیرساخت آبی و صنایع آبرابر و یا به دلیل وابستگی به نهادهای نظامی، دارای تضاد منافع هستند.
- **مشاوره بین‌المللی:** برگزاری بازدید ناظران بین‌المللی (مانند سازمان ملل، بانک جهانی، و نهادهای مرتبط با اتحادیه اروپا) و کارشناسان مدیریت آب از کشورهایی با تخصص پیشرفته در بخش آب، مانند ایالات متحده آمریکا، استرالیا و اسرائیل، به منظور تامین حمایت فنی و مالی.

فاز چهارم: برنامه‌ریزی راهبردی و گذار نهادی (روزهای ۱۰۱ تا ۱۸۰)

- **نقشه راه گذار حکمرانی آب:** همکاری با سازمان‌ها و ذی‌نفعان کلیدی برای شروع تدوین پیش‌نویس نقشه راه ملی حکمرانی آب که یک گذار تدریجی را از سیاست‌های خودکفایی آبرابر به سمت یک اقتصاد متنوع از جمله کشاورزی و تولید محصولات غذایی پایدار هدایت می‌کند؛ مدیریت اداری غیرمتمرکز را تحت نظارت دولت مرکزی شکل می‌دهد؛ به رویکردهای پایدار برای حفظ امنیت ملی آب اولویت می‌دهد؛ مشارکت ذی‌نفعان، شفافیت و پاسخگویی زیست‌محیطی را تضمین می‌کند؛ و بستری برای قانون‌گذاری و تغییرات سازمانی در آینده ایجاد می‌کند.
- **برنامه‌ریزی اصلاحات نهادی:** تدوین پیش‌نویس تغییرات ساختاری پیشنهادی برای وزارتخانه‌ها و نهادهای مرتبط با آب به‌منظور بهبود کارایی، شفافیت و پاسخگویی، بدون اجرای تغییرات زود هنگام.

- **پیشنهادها برای اصلاح قانون اساسی آینده:** پیشنهاد حذف مفهوم «خودکفایی» در محصولات غذایی و کشاورزی از قانون اساسی آتی به منظور بهبود حفاظت از منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی.
- **تدوین پیش‌نویس چارچوب قانونی:** ارائه‌ی پیشنهادهایی برای قانون‌گذاری نوین آبی، شامل مقررات مرتبط با حقایق‌ها، مدیریت در سطح حوضه‌های آبریز و مشارکت عمومی، به منظور حمایت از توسعه قوانین مدرن در زمینه محیط زیست و آب.
- **اهداف اقتصادی:** تقویت همکاری میان نهادهای سیاست خارجی وزارتخانه‌های اقتصادی و سازمان‌های گردشگری برای توسعه برنامه‌هایی برای گذار از مشاغل بسیار آب‌بر به سمت اقتصاد و مشاغل کم‌آب یا غیرآب‌بر.
- **گردآوری تراز آب:** انجام یک ارزیابی مقدماتی از تراز آبی در سطح حوضه‌های آبریز به منظور ارائه اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری‌های فوری در زمینه تخصیص منابع آب و برنامه‌ریزی بلندمدت در حوضه‌های داخلی و فرامرزی.
- **راهبرد مدیریت آب‌های زیرزمینی:** نهایی‌سازی ارزیابی ملی وضعیت آبخوان‌ها و تدوین نقشه راهی برای بهره‌برداری پایدار از منابع آب‌های زیرزمینی به منظور راهنمایی در تهیه قوانین و مقررات آینده در حوزه مدیریت آب.
- **اولویت‌های احیای محیط‌زیست:** شناسایی و مستندسازی منابع آبی اولویت‌دار برای بازیابی پس از دوره گذار، از جمله دریاچه ارومیه و همچنین حوضه‌های آبریز و تالاب‌های آسیب‌دیده، بر پایه داده‌های مبنای و مفاهیم احیا.
- **آغاز تدوین سیاست‌های کشاورزی:** با همکاری نهادها وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مرتبط، فرآیند تدوین سیاست‌های جامع در مورد واردات، صادرات، یارانه‌ها و زمینه‌های مرتبط با کشاورزی آغاز خواهد شد تا نیازهای ملی و چالش‌های حیاتی منابع آب و امنیت غذایی مرتفع گردد.
- **شفافیت تجارت کشاورزی:** کلیه امتیازات تجاری واردات و صادرات محصولات کشاورزی و غذایی که در اختیار اشخاص حقیقی یا حقوقی وابسته به جمهوری اسلامی است لغو می‌گردد، و اطمینان حاصل می‌شود که تمامی فعالیت‌های تجاری در حوزه محصولات کشاورزی و غذایی به صورت شفاف انجام شده و به‌طور عمومی افشا می‌شوند.
- **چارچوب مشارکت بین‌المللی:** تدوین نقشه راهی برای همکاری بلندمدت با شرکای بین‌المللی و کشورهای همسایه در مورد مدیریت آب‌های فرامرزی، تاب‌آوری اقلیمی و تامین مالی زیرساخت‌های آبی.
- **چارچوب همکاری آبی منطقه‌ای:** آغاز رایزنی‌های فنی و اقدامات مقدماتی دیپلماتیک برای همکاری‌های آبی با کشورهای همسایه، به منظور پایه‌ریزی مذاکرات ساختارمند در خصوص مدیریت منابع آبی مشترک.
- **طراحی سامانه ملی داده‌های آب:** آغاز طراحی و اجرای آزمایشی یک سامانه متمرکز و متن‌باز برای داده‌های آبی کشور برای حمایت از تصمیم‌گیری‌های «مبتنی بر شواهد» در آینده.
- **حسابرسی تدارکات:** آغاز بازبینی اولیه از شیوه‌های تدارکات (خرید و قراردادهای) در بخش آب برای شناسایی خطرات فساد، ضعف‌های نهادی و بخش‌هایی که نیازمند تقویت شفافیت و نظارت در آینده هستند.
- **بازنگری تعرفه‌ها و یارانه‌های بخش آب:** انجام تحلیل فنی از ساختار فعلی تعرفه‌ها و سیاست‌های یارانه‌ای آب به منظور برجسته‌سازی ناکارآمدی‌ها، ریسک‌های مالی و نگرانی‌های مربوط به عدالت، تا مبنایی برای طراحی اصلاحات بلندمدت در زمینه مقرون‌به‌صرفه بودن و پایداری تخصیص یارانه آب فراهم شود.

- **استراتژی سرمایه‌گذاری:** تدوین یک استراتژیک سرمایه‌گذاری که نیازهای زیرساختی حیاتی، گزینه‌های تامین مالی و پروژه‌های اولویت‌دار را برجسته سازد؛ هدف از این طرح، جلب مشارکت بخش خصوصی، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، تضمین کمک‌های بین‌المللی و بهره‌گیری از حمایت ایرانیان خارج از کشور می‌باشد. برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری آتی و با اتکا بر تجارب بین‌المللی از کشورهایمانند اسرائیل و آفریقای جنوبی، باید شامل و نه محدود به، فناوری‌های نوین آبیاری، بازچرخانی آب و فاضلاب و استفاده هدفمند و بالقوه از آب‌شیرین‌کن‌ها برای تولید آب شرب در امتداد مناطق ساحلی جنوبی باشد.

اقدامات میان‌بخشی

- **عملیات ضدخرابکاری:** در همکاری نزدیک با نهادهای امنیتی و انتظامی، بازرسان، پلیس، نیروهای امنیتی و تیم‌های واکنش سریع برای شناسایی و پیشگیری از اقدامات خرابکارانه علیه زیرساخت‌های آبی مستقر می‌شوند.
- **آمادگی در برابر بحران:** انجام تمرین‌های منظم مبتنی بر سناریوهای واقعی برای مواجهه با خشکسالی، سیل، آتش‌سوزی‌های گسترده، شکست سدها، طوفان‌های گرد و غبار و حملات سایبری به زیرساخت‌های آبی.
- **تثبیت اقتصادی:** در هماهنگی با نهادهای مالی دولت گذار، پیگیری و تامین منابع مالی اضطراری بین‌المللی، برای حفظ خدمات حیاتی مانند نهادهای مسئول تامین آب آشامیدنی و همچنین پرداخت یارانه‌های موقت برای جلوگیری از اختلال در خدمات‌رسانی.
- **هماهنگی بین‌بخشی:** اطمینان از همکاری میان «نهاد گذار حکمرانی آب» و «نهاد گذار محیط‌زیست» برای همسو کردن سیاست‌ها. تصمیمات مربوط به تخصیص آب، برنامه‌ریزی زیرساختی و احیای اکوسیستم‌ها باید به‌صورت هماهنگ انجام شود تا از بروز پیامدهای منفی ناخواسته و تضاد منافع جلوگیری گردد.
- **عملیات آب-انرژی:** اطمینان از همکاری نزدیک میان بخش‌های آب و انرژی در طول دوره ۱۸۰ روزه گذار به‌منظور همسو کردن عملیات آب و انرژی. این هماهنگی، تامین برق برای پمپاژ، تصفیه و توزیع آب را تضمین می‌کند و از تداوم خدمات و پایداری عمومی محافظت می‌نماید.

ارتباطات راهبردی

- **اطلاع‌رسانی عمومی:** اجرای یک برنامه فعال ارتباطی از طریق مصاحبه‌های رسانه‌ای منظم، با تاکید بر شفافیت و پاسخگویی.
- **مشارکت اجتماعی:** تشویق مردم به مشارکت عمومی از طریق ایجاد کانال‌هایی برای گزارش مشکلات، ترویج حفاظت از منابع آب و حمایت از طرح‌های محلی برای توزیع آب.

صحنه سیاسی پرتلاطم ایران می‌تواند هر گام از این طرح را تحت تاثیر قرار دهد. عوامل قدرتمند در دوران دولت موقت، از جمله ائتلاف‌های مخالفان، مهاجران بازگشته به وطن و غیره، ممکن است بخواهند در تعیین مدیران بخش‌های استانی آب، عملیات سدها و مدیریت بودجه‌های اضطراری نقش داشته باشند. از آنجا که کنترل منابع آب هم اعتبار و هم منافع مالی به همراه دارد، این انتصابات ممکن است با رقابت شدید مواجه شود و حتی برخی جناح‌ها می‌توانند از اختلالات خدمات محلی برای شرمسار کردن رقبای خود بهره‌برداری کنند. تنش‌های دیرینه بین پایتخت و مناطق پیرامونی نیز ممکن است خطر دیگری را اضافه کند. استان‌هایی مانند خوزستان مدت‌هاست که استدلال می‌کنند استان‌های دیگر آب آن‌ها را می‌برند، در حالی که نیازهای محلی آنها نادیده گرفته می‌شود. اگر تخصیص‌های اولیه منابع آب ناعادلانه به نظر برسد، اعتراضات خیابانی می‌تواند ظرف چند هفته دوباره شعله‌ور شود و ثبات دولت موقت را در کوتاه‌مدت تحت تاثیر قرار دهد. فشارهای خارجی نیز گذار را پیچیده خواهد کرد. چندین کشور همسایه در منابع آبی با ایران مشترک هستند و ممکن است از جریان آب‌های فرامرزی برای اعمال فشار سیاسی و یا کسب امتیازات استفاده کنند. در همین حال، محدودیت‌ها یا تحریم‌های بانکی باقی‌مانده می‌توانند دریافت وجوه اهداکنندگان و حمایت‌های بین‌المللی را به تاخیر بیانندازد.

یک نگرانی سیاسی دیگر، تعهد دیرینه کشور به خودکفایی غذایی و کشاورزی است. دهه‌ها تبلیغات حکومتی، تولید داخلی غلات را معادل غرور ملی جلوه داده است، اما ورشکستگی آبی کنونی، دستیابی به چنین هدفی را به طور فزاینده‌ای غیرواقع‌بینانه می‌کند. کشاورزان و مقامات استانی ممکن است در برابر هرگونه تغییر به سمت واردات محصولات کشاورزی یا روی آوردن به محصولات کم‌آب‌بر مقاومت کنند و این تغییر را به منزله خیانت به حاکمیت ملی تلقی نمایند. خرابکاری در زیرساخت‌های آبی نیز به‌عنوان یک تهدید واقعی در خلأ قدرت، نمود پیدا می‌کند. عناصر ناراضی، باندهای سازمان‌یافته جنایی، یا گروه‌های افراطی می‌توانند سدها، ایستگاه‌های پمپاژ یا سیستم‌های کنترلی را هدف قرار دهند تا اهرم فشار کسب کنند یا اعتبار مقامات گذار را خدشه‌دار سازند. یک تخریب عمدانه یا حمله سایبری می‌تواند زنجیره‌ای از کمبودهای شدید آبی و وحشت عمومی را در پی داشته باشد. بنابراین، در هماهنگی نزدیک با بخش‌های امنیتی و انتظامی، بخش حکمرانی موقت آب و سازمان‌های مسئول زیرساخت‌های آبی به واحدهای حفاظتی واکنش سریع، سیستم‌های پشتیبان قوی و نظارت مبتنی بر جوامع محلی نیاز خواهند داشت تا تلاش‌های خرابکارانه را پیش از تشدید، شناسایی و خنثی سازند. در نهایت، بخش‌هایی از حکومت پیشین (ساختار قبلی) - پیمانکاران وابسته به نهادهای نظامی، مدیران پروژه‌های بزرگ آب‌شیرین‌کن، سدسازی یا خطوط انتقال آب و شبکه‌های فاسد تدارکات - ممکن است تلاش کنند به عرصه بازگردند. آن‌ها ممکن است برای به دست آوردن مجدد نفوذ سیاسی و اقتصادی، به پخش اطلاعات نادرست و یا تحریک ناراضی‌های محلی بپردازند. اگر نهاد حکمرانی موقت آب در ارائه اقدامات خود - که تلاش خواهد کرد به صورت شفاف و همراه با ارتباط صادقانه باشد - شکست بخورد، سرخوردگی عمومی می‌تواند مشروعیت آنها را تضعیف کرده و راه را برای بازگشت این بازیگران فراهم کند.

راهبردهای منتخب برای کاهش ریسک:

- غیرسیاسی کردن حکمرانی آب توسط نهاد حکمرانی موقت آب و شوراهای آب استانی محلی (شامل ذی‌نفعان) و تضمین تخصیص‌های ضروری برای مصارف آب خانگی و شهری در طول مرحله اضطراری.

- آغاز دیپلماسی و مذاکرات بر آب‌های فرامرزی در مورد نظارت مشترک و تبادل داده‌ها با کشورهای همسایه و همچنین درخواست مشاوره از نهادهای شاخص بین‌المللی در امور آب (مانند سازمان ملل، بانک جهانی، سازمان مهندسیین ارتش آمریکا و غیره) برای محافظت از مذاکرات در برابر استفاده کشورهای همسایه به عنوان اهرم سیاسی.
- معرفی رویکردی جدید در سیاست‌ها که نتیجه آن کاهش خودکفایی در امور کشاورزی است؛ به این رویکرد نه به عنوان از دست دادن حاکمیت ملی، بلکه به عنوان اقدامی راهبردی برای امنیت آبی که از کشاورزان و نسل‌های آینده محافظت خواهد کرد، نگریسته میشود.

نتایج مورد انتظار

- تداوم تامین آب شرب سالم و ارائه خدمات بهداشتی به جمعیت کشور در طول دوره ۱۸۰ روزه گذار.
- عدم وقوع بحران‌های عمده بهداشت عمومی مرتبط با آب یا خرابی‌های زیرساختی که ناشی از سوءمدیریت باشد.
- تایید وضعیت امنیتی و عملیاتی سدهای راهبردی، مخازن، سیستم‌های انتقال آب و تصفیه‌خانه‌ها.
- انجام حسابرسی مستندشده از پروژه‌های مهم در گذشته - شامل زیرساخت‌های آبی و صنایع و پروژه‌های آب‌بر - و شیوه‌های تدارکات (خرید و قراردادها)، با ارجاع پرونده‌های اولویت‌دار فساد به دستگاه قضایی.
- طراحی و ایجاد سامانه شفافیت با دسترسی عمومی که به‌روزرسانی‌های هفتگی در مورد تامین آب، مصرف آب و حجم کل ذخایر آبی و تصمیمات کلیدی حکمرانی آبی را ارائه می‌دهد.
- شروع توسعه سه طرح شامل: (۱) پیش‌نویس نقشه راه ملی حکمرانی آب، (۲) راهبرد پایداری آب‌های زیرزمینی-سطحی و (۳) چارچوب قانونی مدرن حقایقه‌ها، که برای تصویب قانون‌گذاری آماده شده باشند.
- همکاری با شرکای بین‌المللی برای ایجاد تفاهم‌نامه‌ها و توافق‌های تامین مالی برای پروژه‌های اولویت‌دار بازسازی و ارتقای ظرفیت در مرحله پس از گذار.

این صفحه عمدتاً سفید گذاشته شده است.

بهداشت و درمان: مدیریت زنجیره تامین دارو و خدمات درمانی

اسفند ۲۵۸۴

برنامه اضطراری نظام سلامت مسیری ساختارمند برای گذار از یک سیستم ناپایدار و در حال فروپاشی به سوی بازگشت مرحله به مرحله به ثبات ترسیم می‌کند. این برنامه بر پایه شواهد طراحی شده و از تجربه کشورهای بهره‌مندی که پیش‌تر شرایط اضطراری ملی را پشت سر گذاشته‌اند. زمان‌بندی اجرای آن نیز بر اساس اولویت‌بندی منابع و خدمات حیاتی حوزه سلامت تنظیم شده است.

سیاست کلی سلامت

اهداف

- به حداقل رساندن اختلال در نظام موجود تامین مالی و ارائه‌ی مراقبت‌های بهداشتی در ایران.
- اصلاحات هدفمند در بخش عرضه و پوشش (بیمه) برای بهبود فوری دسترسی و کاهش هزینه‌ها.

اولویت‌های کلیدی

- **جمع‌آوری حق بیمه:** دولت باید تا حد امکان به جمع‌آوری حق بیمه برای طرح‌های بیمه از جمله بیمه‌ی تامین اجتماعی (SSI)، بیمه‌ی سلامت ایرانیان (IHI) و بیمه‌ی سلامت نیروهای مسلح (AFHI) ادامه دهد. این امر احتمال مواجهه‌ی نظام سلامت با کسری بودجه را کاهش می‌دهد (یا در صورت وقوع، از شدت آن می‌کاهد).
- **حفظ یارانه‌های فعلی:** برای به حداقل رساندن اختلالات در ارائه‌ی خدمات بهداشتی و درمانی در کوتاه‌مدت، دولت یارانه‌هایی را که در حال حاضر به نظام سلامت ارائه می‌دهد (به ارزش حدود ۱/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی فعلی ایران) حفظ خواهد کرد. این یارانه‌ها شامل یارانه‌های پرداختی به ارائه‌دهندگان خدمات، یارانه‌های کاهش حق بیمه برای خریداران بیمه‌ی سلامت ایرانیان (IHI) و سهم پرداختی دولت به بیمه‌ی تامین اجتماعی (SSI) و سایر طرح‌های بیمه‌ی واجد شرایط است.
- **تزریق بودجه‌ی اضطراری در صورت لزوم:** دولت باید آماده باشد تا در صورت بروز اختلال شدید در توانایی‌اش برای جمع‌آوری حق بیمه در کوتاه‌مدت، بودجه‌ی اضافی را به صورت اضطراری به نظام سلامت تزریق کند.

فرضیات

- نظام بانکی و پرداختی کشور به اندازه‌ی کافی عملیاتی باقی بماند.
- دولت توانایی استقراض منابع مالی یا آزادسازی دارایی‌های مسدود شده را داشته باشد تا در صورت بروز اختلال شدید در ظرفیت جمع‌آوری مالیات/حق بیمه، حمایت اضطراری را برای نظام سلامت فراهم کند.
- دولت توانایی اجرای محدودیت‌های مکانی مربوط به فعالیت پزشکان را حفظ کند.

اقدامات

- **توقف اجرای کنترل‌های قیمت سازمان نظام پزشکی (IMC):** این سازمان مانند یک کارتل صنفی است که حداقل تعرفه‌هایی را برای ارائه‌دهندگان خدمات (در بخش خصوصی) تعیین می‌کند. توقف اجرای این نرخ‌ها می‌تواند بلافاصله مراقبت‌های بهداشتی را برای میلیون‌ها ایرانی ارزان‌تر کند.
- **حذف تعرفه‌های واردات دارو:** این تعرفه‌ها معمولاً برای داروهای فاقد مشابه داخلی حدود ۳ تا ۴ درصد و برای داروهای دارای مشابهی داخلی ۱۵ تا ۲۰ درصد است، اما در موارد خاص می‌تواند تا ۱۰۰ درصد نیز برسد. حذف این تعرفه‌ها بلافاصله قیمت‌ها را برای مصرف‌کنندگان کاهش داده و مشکلی کمبود مزمن دارو را که ایرانیان تحت حکومت جمهوری اسلامی از آن رنج برده‌اند، برطرف می‌کند.
- **لغو ممنوعیت فعالیت در ساعات غیراداری برای اعضای جدید هیئت علمی:** لغو این قانون ضد رقابتی، تعداد پزشکان در دسترس را افزایش داده و دسترسی و مقرون به صرفگی را برای بیماران بهبود می‌بخشد.
- **انعطاف‌پذیری بیشتر در انتخاب محل طبابت:** دولت به پزشکان اجازه خواهد داد تا آزادانه بین تمام مناطقی که امتیاز لازم برای فعالیت در آنها را کسب کرده‌اند (یعنی مناطقی با سطح توسعه‌ی اقتصادی مشابه) جا به جا شوند. این امر در عین جلوگیری از افزایش ناگهانی نابرابری در دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی میان شهرها و روستاها، باعث می‌شود تا عرضه‌ی کادر پزشکی سریع‌تر با نیازهای متغیر تطبیق یابد. انعطاف‌پذیری بیشتر اجرای این مقررات را آسان‌تر می‌کند و به دولت اجازه می‌دهد تا ظرفیت اجرایی محدود خود را در دوران گذار بر جایی متمرکز کند که بیشترین اهمیت را دارد (مانند مناطق روستایی که از محرومیت شدید رنج می‌برند).
- **گسترش پوشش شیمی درمانی در بیمه‌ی سلامت ایرانیان (IHI):** این بیمه در حال حاضر هزینه‌ی کامل جلسات شیمی درمانی انجام‌شده در بیمارستان‌های دولتی و دانشگاهی را پرداخت می‌کند. با این حال، در حالی که داروهای شیمی درمانی داخلی تحت پوشش هستند، بیمار اغلب مسئول پرداخت ۹۰ تا ۱۰۰ درصد هزینه‌ی داروهای شیمی درمانی خارجی است که می‌تواند هزینه‌ای کمرشکن باشد. با توجه به نگرانی‌های موجود در مورد کیفیت و در دسترس بودن داروهای مشابهی داخلی، گسترش پوشش IHI به تمام داروهای شیمی درمانی می‌تواند رفاه بیماران سرطانی را به‌طور قابل توجهی بهبود بخشد.

اجرای اصلاحات مرتبط با عرضه که در بخش پیش ذکر شد، احتمالاً با مقاومت‌هایی از سوی گروه‌های ذی‌نفع مواجه خواهد شد. با این حال، دوره‌ی گذار فرصتی منحصربه‌فرد برای غلبه بر این مقاومت‌ها و تغییر وضعیت موجود فراهم می‌کند، زیرا:

- انحصار عرضه‌ی دارو در ایران در حال حاضر تا حد زیادی تحت کنترل چهره‌های وابسته به رژیم است. با از بین رفتن نفوذ سیاسی این چهره‌ها در ایران پس از جمهوری اسلامی، حذف مقررات حمایتی (حمایت‌گرایانه) آسان‌تر خواهد شد.
- سازمان نظام پزشکی و گروه‌های ذی‌نفع مشابه، احتمالاً در سازماندهی و ایجاد کارزارهای فشار سیاسی در فردای پس از تغییر رژیم، با دشواری بیشتری روبه‌رو خواهند شد. آن‌ها همچنین در متقاعد کردن دولت برای اجرای اولویت‌هایشان، در حالی که دولت انتقالی منابع محدود و وظایف فوری‌تری دارد، کار سخت‌تری در پیش خواهند داشت.

عملیات‌های ویژه‌ی مراقبت‌های بهداشتی

این سند یک نقشه‌ی راه مرحله‌بندی‌شده و مبتنی بر شواهد را برای احیای خدمات بهداشتی ضروری در ۱۸۰ روز نخست پس از فروپاشی رژیم در ایران ارائه می‌دهد.

این طرح به چهار مرحله تقسیم شده است – که هر کدام اهداف، اولویت‌ها، اقدامات و معیارهای کاهش ریسک مشخصی دارند – و در نهایت به نهادینه‌سازی ساختارهای اضطراری در قالب حاکمیت دائمی بخش سلامت می‌انجامد.

این طرح بر اساس آمادگی برای بدترین سناریو تدوین شده و از شواهد علمی مدیریت بحران در سایر کشورها بهره می‌برد.

طرح گذار مرحله‌ی اضطراری (روز ۰ تا ۱۸۰) – هدف کلی

مرحله‌بندی امداد، تثبیت و نهادینه‌سازی، ضمن حفظ جان انسان‌ها، در یک افق ۱۸۰ روزه، مسیری معتبر را به سوی یک خدمات بهداشت ملی پایدار نشان می‌دهد.

چنین مرحله‌بندی، بازتاب چارچوب «اضطرار به بازیابی اولیه و توسعه» است که توسط سازمان بهداشت جهانی (WHO) و دفتر هماهنگی امور بشردوستانه‌ی سازمان ملل (OCHA) برای بحران‌های پیچیده توصیه شده است.

مرحله‌ی آمادگی (روز ۰ ← پیش از روز ۱)

مرور کلی

یک پنجره‌ی زمانی کوتاه پیش از روز اول برای تشکیل دو نهاد اصلی در نظر گرفته شده است: کمیته‌ی نظارت (OC) – یک هیئت حاکمیتی غیر سیاسی – و برنامه‌ی حوادث و تلفات انبوه (DMCP)، به‌عنوان هسته‌ی عملیاتی تروما و جراحی‌های اضطراری. هر دو باید با حداقل استانداردهای تیم پزشکی اضطراری (EMT) سازمان بهداشت جهانی (WHO) همسو باشند تا تیم‌های خارجی ورودی بتوانند به ساختارهای فرماندهی ایران متصل شوند. از جمله‌ی سایر طرح‌های آمادگی برای تلفات انبوه،

انتشار راهنماهای دوصفحه‌ای و مصور مراقبت از زخم و پیشگیری از عفونت به زبان فارسی و زبان‌های منطقه‌ای است؛ و اولویت‌بندی و بهینه‌سازی فرم‌های الکترونیکی، ماژول‌های موجودی و ثبت ارجاعات وزارتخانه، تا با اتصال ضعیف اینترنت نیز کار کنند. شواهد از سوریه و لیبی نشان می‌دهد در مناطقی که ظرف ۷۲ ساعت پست‌های فرماندهی بهداشت اضطراری را تشکیل دادند، مرگ‌ومیر ناشی از تروما به‌طور قابل‌توجهی پایین‌تر ثبت شد.

اهمیت

هماهنگی شفاف و متمرکز، از دوباره‌کاری و انحراف منابع کمیاب جلوگیری می‌کند؛ مشکلی مکرر که در درگیری‌های سوریه مستند شده است تا جایی که شکاف‌های درمانی و کمبود دارو منجر به ده‌ها هزار مرگ غیرمستقیم شد. تحلیل‌های جنگ داخلی لیبی نیز نشان می‌دهد که ایجاد زود هنگام پست‌های فرماندهی میدانی، علی‌رغم حجم بالاتر مصدومان، میزان کشندگی موارد (case-fatality ratios) را کاهش داده است.

اهداف

- کمیته‌ی نظارت (OC) سیاست‌ها و مکانیسم‌های پاسخگویی را تعیین می‌کند.
- برنامه‌ی حوادث (DMCP)، الگوریتم‌های تریاژ، مسیرهای تخلیه‌ی (بیماران) و فهرست کارکنان ویژه‌ی شرایط اضطراری را تدوین می‌کند.
- یک نقشه‌ی سراسری از ظرفیت ICU، دیالیز و اتاق عمل، مبنای داشبورد زنده‌ی تروما را تشکیل می‌دهد.

اولویت‌های کلیدی

- انتصاب اعضای دارای صلاحیت فنی در کمیته‌ی نظارت (OC)، شامل پزشکان ایرانی خارج از کشور (دیاسپورا) و رهبران پزشکان آکادمیک استانی از داخل ایران.
- تهیه‌ی یک فهرست موجودی زنده از تخت‌های تروما و گره‌های زنجیره‌ی سرد (cold-chain nodes) برای تامین داده‌ی داشبورد داده‌باز (open-data).
- مستقر کردن ماژول‌های تریاژ میدانی، کیت‌های تروما و تلفن‌های ماهواره‌ای در فرودگاه‌های منطقه‌ای.

فرضیات

- کریدورهای جاده‌ای اصلی باز باقی می‌مانند یا می‌توانند تحت ترتیبات امنیتی محافظت شوند.
- شرکای سازمان بهداشت جهانی (WHO)، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) و هلال احمر، حمایت غیرنقدی فوری در زمینه‌ی تروما و IPC (پیشگیری و کنترل عفونت) ارائه خواهند داد.
- بیمارستان‌های دولتی بزرگ از نظر ساختاری سالم هستند اما نیازمند بازیابی تاسیسات (آب، برق و غیره) هستند.

اقدامات

در عرض ۲۴ ساعت، یک فرمان اجرایی کمیته‌ی نظارت (OC) و برنامه‌ی حوادث (DMCP) را با اختیارات اضطراری مشخص تاسیس می‌کند؛ اتاق بحران وزارت بهداشت سابق به‌عنوان یک گروه‌ی هماهنگی واحد بازگشایی می‌شود؛ و قراردادهای فوری (fast-track) پرداخت‌های فوق‌العاده‌ی سختی کار (hazard pay) متناسب با تورم را برای کارکنان اورژانس (EMS)، پرستاران بخش ICU و متخصصان تجهیزات پزشکی ارائه می‌دهند.

توصیه‌ها

تشکیل یک هیئت مشورتی خارجی از متخصصان ایرانی خارج از کشور (دیاسپورا) که با متخصصان دانشگاهی ایران همکاری نزدیک داشته باشند تا همسویی با بهترین تجربیات (best practice) تضمین شده و اعتبار بین‌المللی تقویت شود. اتخاذ چک‌لیست تایید صلاحیت تیم پزشکی اضطراری (EMT) سازمان بهداشت جهانی (WHO) به‌عنوان ابزار ممیزی برای تیم‌های جراحی اضطراری داخلی.

نتایج مورد انتظار

تا ساعت ۷۲، کمیته‌ی نظارت (OC) نخستین گزارش وضعیت (situation report) خود را منتشر می‌کند؛ برنامه‌ی حوادث (DMCP)، فهرست تماس سراسری مراکز تروما را در اختیار دارد؛ و خطوط دیسپچ اورژانس (EMS) در تمام مراکز استان‌ها فعال هستند.

نظارت و ارزیابی

گزارش‌های وضعیت روزانه، تخت‌های ICU، فرآورده‌های خونی، داروهای ضروری و زمان پاسخ اورژانس (EMS) را ردیابی می‌کنند، در حالی که رزمایش‌های تیم قرمز (red-team drills) هفتگی، ارتباطات را تحت فشار می‌آزمایند. تمام داده‌ها یک داشبورد دسترسی‌آزاد (open-access) را تغذیه می‌کنند تا اعتماد عمومی تقویت شود.

ریسک‌های سیاسی و کاهش آن‌ها

جناح‌های رقیب ممکن است برای «تسخیر» کمیته‌ی نظارت (OC) تلاش کنند. پخش زنده‌ی مذاکرات، ناظران سازمان ملل و افسران رابط بهداشت جامعه که به گویش‌های محلی صحبت می‌کنند، می‌توانند این تلاش‌ها را خنثی کرده و مشروعیت را فراتر از پایتخت گسترش دهند.

فاز نخست (روزهای ۱ تا ۳۰) – جریان دارو، عملیات بیمارستانی و کنترل عفونت

مرور کلی

۳۰ روز اول بر بازگشایی بیمارستان‌ها، شروع مجدد جریان دارو و استقرار تیم‌های پیشگیری از عفونت در جوامع متمرکز است؛ در طول این «ماه طلایی»، لجستیک بر اصلاحات بلندمدت اولویت دارد.

اهمیت

بررسی‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که اتمام موجودی دارو (stockouts) در دو هفته‌ی نخست یک وضعیت اضطراری، با افزایش شدید مرگ‌ومیرهای قابل اجتناب و مقاومت ضد میکروبی (antimicrobial resistance) همبستگی دارد. احیای سریع ظرفیت جراحی همچنین مانع مهاجرت کادر درمان (clinician flight) می‌شود، همان‌طور که در سوریه‌ی پس از ۲۰۱۱ مشاهده شد.

اهداف

- تحویل داروهای ضروری سازمان بهداشت جهانی (WHO) به تمام ۳۱ استان، با اولویت ICUها، واحدهای سرطان‌شناسی و دیالیز.
- احیای خدمات پایه – آب پاک، برق، خدمات زایمان و جراحی – در حداقل ۸۵ درصد بیمارستان‌های دولتی. به تعویق انداختن جراحی‌های غیر اورژانسی (الکتیو) برای آزادسازی اتاق‌های عمل برای موارد اضطراری. اطلاعیه‌های خدمات عمومی مبنی بر اینکه واکسیناسیون روتین و ویزیت‌های مراقبت بارداری همچنان فعال هستند.
- فعال‌سازی تیم‌های پیشگیری از عفونت در جوامع و اردوگاه‌ها برای نظارت بر شیوع بیماری‌ها و خوشه‌ها.

اولویت‌های کلیدی

استفاده از ناوگان‌های نظامی و پستی برای یک مدل توزیع «فشاری» (push) متمرکز تا زمانی که عمده‌فروشان خصوصی احیا شوند. اطمینان از احیای برق و آب در بیمارستان‌های مرجع شاخص به‌عنوان یک سیگنال اعتمادساز. اعزام واحدهای سیار پیشگیری و کنترل عفونت (IPC) به‌همراه ژنراتورهای کلر و تجهیزات حفاظت فردی (PPE) به جوامع، اردوگاه‌ها و پناهگاه‌های پرتراکم.

اقدامات

انجام یک سرشماری ۷۲ ساعته از موجودی انبارهای سراسر کشور، انتشار فهرست کمبودها و صدور سفارش‌های خرید کلی (blanket purchase orders) که توسط یک صندوق مشترک اهداکنندگان تامین مالی می‌شود. فراهم کردن اسکورت‌های ترکیبی غیرنظامی-نظامی برای کاروان‌ها در کریدورهای نامن.

توصیه‌ها

گنجاندن ردیابی الکترونیکی موجودی در داشبورد کمیته‌ی نظارت (OC)؛ امضای تفاهم‌نامه‌های (MoUs) تدارکات سریع با آژانس‌های بشردوستانه‌ی منطقه‌ی خلیج فارس و سایر آژانس‌های بین‌المللی؛ و بهره‌گیری از خدمات پستی ایران و ارائه‌دهندگان خدمات خصوصی برای تحویل نهایی (last-mile delivery) داروهای بیماری‌های مزمن.

نتایج مورد انتظار

تا روز ۳۰، ۸۵ درصد بیمارستان‌ها مجدداً تامین موجودی شده‌اند، اورژانس (EMS) تمام مراکز استان‌ها را پوشش می‌دهد و قیمت‌های کمرشکن دارو در بازار سیاه کاهش یافته و عدالت (در دسترسی) بهبود می‌یابد.

نظارت و ارزیابی / ریسک‌های سیاسی و کاهش آن‌ها

داشبوردهای روزانه سطوح موجودی را ردیابی می‌کنند؛ ناظران مستقل مانند پزشکان بدون مرز (MSF) ممیزی‌های سایه (shadow audits) منتشر می‌کنند. نقشه‌های حرارتی (Heatmaps) عمومی از تحویل (کالاها)، اتهامات مربوط به سوگیری را خنثی می‌کند، در حالی که فرمان‌های اضطراری گمرکی، بازرسی محموله‌های مورد تایید WHO را تسریع می‌بخشد.

فاز دوم (روزهای ۳۱ تا ۹۰) – جهش خدمات سلامت روان، تداوم بیمه و تخصیص نیروی کار

مرور کلی

- با مسطح شدن منحنی‌های مرگ‌ومیر فوری، سامانه به‌سمت مراقبت‌های روانی-اجتماعی، حمایت مالی، ممیزی تاسیسات و تخصیص عادلانه‌ی کارکنان حرکت می‌کند. این مرحله تیم‌های حمایت روانی-اجتماعی (MHPSS) را در سراسر استان مستقر می‌کند، یک سامانه‌ی کوپن بهداشت اضطراری (EHVS) را راه‌اندازی می‌کند و یک سامانه‌ی ثبت منابع انسانی مجهز به GIS (سامانه‌ی اطلاعات جغرافیایی) را فعال می‌سازد. برای اطمینان از دسترسی و پایداری، خدمات MHPSS با ادغام شبکه‌های پشتیبانی هم‌تا (peer support) به صورت ۲۴/۷، ابزارهای تریاژ مبتنی بر هوش مصنوعی (AI) و سامانه‌های نظارت بالینی (clinician-led) تقویت می‌شوند که به‌طور چشمگیری دسترسی و ظرفیت کشور را برای سلامت روانی، عاطفی و اجتماعی گسترش می‌دهد. اجرای ممیزی‌های ایمنی سریع ۹۰ روزه (ابتدا غیرسازهای – خطوط اکسیژن، ژنراتورها، مخازن آب) و نقشه‌برداری از تاسیسات دارای برچسب قرمز/کهربایی.
- انتشار یک برنامه‌ی سرمایه‌ای برای مقاوم‌سازی لزره‌ای. راه‌اندازی یک پایگاه داده‌ی ملی بیماری‌های مزمن (دیابت، دیالیز، سرطان و سایر بیماری‌های مزمنی که نیازمند خدمات ضروری هستند) با یک برنامه‌ی ساخت ۳ ماهه.
- آغاز سامانه‌ی پزشکی از راه دور (Telemedicine) قابل‌اعتماد و ساده برای مراقبت‌های اولیه + مشاوره‌ی سلامت روان.
- انتشار یک «بسته‌ی جبران خدمت منصفانه‌ی نیروی کار سلامت» ۹۰ روزه.

اهمیت

مطالعات بلندمدت بر روی بازماندگان جنگ بوسنی نشان می‌دهد که ترومای درمان‌نشده، تقاضاهای ازکارافتادگی در آینده را سه برابر می‌کند و بر طرح‌های بیمه‌ی شکننده فشار می‌آورد. تداوم زود هنگام بیمه همچنین هزینه‌های کمرشکن پرداخت از جیب (out-of-pocket) را کاهش می‌دهد، همان‌طور که در توسعه‌ی بیمه‌ی اجتماعی رواندا نشان داده شد. با این حال، در بسیاری از زمینه‌های پس از بحران، کمبود متخصصان سلامت روان، دقیقاً زمانی دسترسی به خدمات را محدود می‌کند که نیاز روانی در سطح جمعیت افزایش می‌یابد. مدل‌های مقیاس‌پذیر پشتیبانی هم‌تا (peer support) تقویت‌شده با هوش مصنوعی، این تنگنا را با ارائه‌ی مراقبت شبانه‌روزی برای نیازهای عاطفی با شدت کم (low-acuity)، مانند سوگ، استرس خانوادگی، بهبودی از

تروما و چالش‌های ادغام مجدد (در جامعه) برطرف می‌کنند. پاسخ‌دهندگان همتای آموزش‌دیده و تحت نظارت بالینی – که با ابزارهای پردازش زبان طبیعی برای تریاژ و تشخیص خودکشی تقویت شده‌اند – می‌توانند دسترسی پزشکان را گسترش دهند، بار سامانه را کاهش دهند و مراقبت‌های متناسب با فرهنگ (culturally resonant) را در مقیاس بزرگ ارائه دهند.

اهداف و اولویت‌های کلیدی

- مستقر کردن حداقل یک تیم راهبر MHPSS در هر استان برای هماهنگی ارائه‌ی خدمات همراه با متخصصان محلی.
- عملیاتی کردن EHVS (سامانه‌ی کوپن بهداشت اضطراری) برای ۶ ماه یارانه‌ی مراقبت‌های ضروری.
- استفاده از سامانه‌ی ثبت دیجیتال برای اطمینان از اینکه ۹۰ درصد جمعیت در فاصله‌ی ۳۰ دقیقه‌ای از اورژانس (EMS) یا مراقبت‌های فوری زندگی می‌کنند.
- آموزش و استقرار پاسخ‌دهندگان پشتیبانی هم‌تا با استفاده از یک برنامه‌ی درسی ساختاریافته‌ی ۱۰۰ روزه، بر اساس مدل آکادمی حمایتی (Supportive Academy).
- ادغام ابزارهای تریاژ مبتنی بر هوش مصنوعی و تشخیص خطر خودکشی در جریان‌های کاری MHPSS برای پشتیبانی از تصمیمات ارجاع (escalation) سریع‌تر و ایمن‌تر.
- گنجاندن پروتکل‌های سلامت عاطفی در تیم‌های خط مقدم مراقبت‌های بهداشتی و واکنش بشردوستانه.

اقدامات و توصیه‌ها

آموزش تیم‌های روانی-اجتماعی سه‌نفره (متخصص/رزیدنت روانپزشکی، مددکار اجتماعی، پرستار محلی) برای بهره‌گیری از مشروعیت فرهنگی؛ راه‌اندازی کارت‌های بیومتریک EHVS با بازپرداخت از طریق پول موبایلی (mobile-money)؛ و انتشار آگهی‌های پرداخت پاداش سختی کار (hardship-bonus) برای مناطق محروم. ایجاد زیرساخت سراسری پشتیبانی هم‌تا، عملیاتی به صورت ۲۴/۷ از طریق نقاط دسترسی مبتنی بر چت و تلفن. استقرار موتورهای تریاژ مبتنی بر هوش مصنوعی که شدت پریشانی (distress) را طبقه‌بندی کرده و کاربران پرخطر (مانند افکار خودکشی، روان‌پریشی (psychosis)، بازگشت خاطرات تروما (flashbacks)) را به صورت آنی (real-time) به پزشکان ارجاع دهند. ایجاد و راه‌اندازی یک خط تلفن ملی پیشگیری از خودکشی که قادر به مسیریابی تماس‌ها/پیامک‌ها از طریق فیلترهای فوریت مبتنی بر هوش مصنوعی به سمت هم‌تایان آموزش‌دیده یا پزشکان آنکال باشد. گنجاندن ارزیابی‌های PHQ-9 و GAD-7 (پرسشنامه‌های استاندارد) در جریان‌های کاری پشتیبانی دیجیتال و حضوری برای امکان‌پذیر ساختن ردیابی طولی سلامت روان. هماهنگی با کمیته‌ی نظارت (OC) برای نظارت بر استفاده‌ی اخلاقی از هوش مصنوعی، پوشش نظارتی و حلقه‌های بازخورد.

نتایج مورد انتظار / نظارت و ارزیابی / ریسک‌های سیاسی و کاهش آن‌ها

تا روز ۹۰، پوشش ملی MHPSS (خدمات حمایت روانی-اجتماعی) حاصل می‌شود، نابرابری نیروی کار ۳۰ درصد کاهش می‌یابد و بیش از ۷۰ درصد مطالبات کوپن‌ها (voucher) ظرف هفت روز پرداخت می‌شود. نظارت هلال احمر از بازی‌های قدرت استانی جلوگیری می‌کند، در حالی که کمپین‌های آموزش عمومی رسانه‌های جمعی، انگ‌زدایی (destigmatize) از مراقبت‌های سلامت روان را انجام می‌دهند. کانال‌های پشتیبانی هم‌تا به صورت ۲۴/۷ در تمام استان‌ها فعال هستند و خدمات خط تلفن خودکشی

کاملاً عملیاتی است. نرخ‌های ارجاع (escalation) و موفقیت مداخلات با استفاده از ابزارهای معتبر و نظارت بر الگوهای عاطفی مبتنی بر هوش مصنوعی ردیابی می‌شوند.

فاز سوم (روزهای ۹۱ تا ۱۲۰) – شبکه‌ی مراقبت‌های فوری و زیرساخت سلامت الکترونیک

مرور کلی

مرحله‌ی ۳ مراکز مراقبت فوری (۲۴/۷) UCCs را نهادینه می‌کند و سامانه‌ی ملی عملیات سلامت الکترونیک (EHOS) را برای نوسازی جریان داده و امکان‌پذیر ساختن تحلیل‌های پیش‌بینانه (predictive analytics) راه‌اندازی می‌کند. اپلیکیشن‌های شهروندی یا کانال‌های پیامکی هشدارهای شیوع بیماری را ارسال کرده و خدمات نزدیک را مکان‌یابی می‌کنند.

اهمیت

مطالعات نشان می‌دهد که یک مرکز مراقبت فوری (UCC) با کارکنان کافی می‌تواند مراجعات غیر اورژانسی به بخش اورژانس (ED) را ۱۷ تا ۴۰ درصد کاهش دهد و از بار بیمارستان‌های سطح سوم (tertiary) بکاهد. بررسی‌های سیستماتیک همچنین نشان می‌دهند که پرونده‌های سلامت الکترونیک، آزمایش‌های تکراری (redundancy) آزمایشگاهی را به نصف کاهش داده و به‌طور قابل‌توجهی خطاهای دارویی را کم می‌کنند.

اهداف و اولویت‌های کلیدی

اطمینان از اینکه ۹۰ درصد جمعیت در فاصله‌ی ۲۰ دقیقه‌ای یک مرکز مراقبت فوری (UCC) عملیاتی زندگی می‌کنند. دستیابی به اتصال داده‌ی زنده (live data) از ۸۰ درصد تاسیسات. راه‌اندازی سرورهای امن و آینه‌ای (mirrored) و توزیع کارت‌های سلامت دارای کد QR.

اقدامات و توصیه‌ها

بازسازی یا برپایی مراکز مراقبت فوری (UCCs) ماژولار با تجهیزات تشخیص در محل (point-of-care)؛ استقرار غرفه‌های (pods) پزشکی از راه دور (telehealth) در مناطق کم‌جمعیت؛ ساختن سامانه‌ی EHOS بر بستر نرم‌افزارهای متن‌باز (open-source) مانند DHIS2 (نرم‌افزار اطلاعات سلامت منطقه‌ای) / OpenMRS (سامانه‌ی پرونده‌ی پزشکی باز)؛ و انتشار مجموعه داده‌های ناشناس‌سازی‌شده برای شناسایی شیوع بیماری به روش جمع‌سپاری (crowdsourcing).

نتایج مورد انتظار / نظارت و ارزیابی / ریسک‌های سیاسی و کاهش آن‌ها

تا روز ۱۲۰، ۸۰ درصد تاسیسات به‌صورت الکترونیکی گزارش می‌دهند و شهروندان ظرف ۱۰ دقیقه پس از تایید شیوع بیماری، هشدارهای پیامکی دریافت می‌کنند. پشتیبان‌گیری ابری رمزگذاری‌شده (Encrypted) در برابر حملات سایبری محافظت می‌کند، در حالی که سامانه‌های ترکیبی کاغذی-دیجیتال مناطق با اتصال اینترنتی ضعیف را پوشش می‌دهند.

فاز چهارم (روزهای ۱۲۱ تا ۱۸۰) – ارزیابی مجدد و تقویت کمیته‌ی نظارت (OC)، برنامه‌ی حوادث (DMCP)، زنجیره‌های تامین و سامانه‌های دیجیتال

مرور کلی و اهمیت

مرحله‌ی نهایی، ساختارهای اضطراری (emergency scaffolding) را به نهادهای دائمی تبدیل می‌کند. شواهد تطبیقی از استونی و رواندای پس از نسل‌کشی نشان می‌دهد که دستاوردهای پس از بحران، زمانی که در چارچوب‌های قانونی شفاف با پشتوانه‌ی مالی پایدار گنجانده شوند، دوام می‌آورند و پایداری پنج‌ساله را چهار برابر می‌کنند.

اهداف و اولویت‌های کلیدی

انجام ممیزی‌های مستقل از برنامه‌ی حوادث (DMCP)، کمیته‌ی نظارت (OC) و زنجیره‌های تامین ملی. ارائه‌ی (طرح) لایحه‌ی حاکمیت سلامت انتقالی که استقلال کمیته‌ی نظارت (OC) را تضمین کرده و استانداردهای اعتبارسنجی را تعیین کند. گسترش سامانه‌ی EHOS به ماژول‌های بیماری‌های مزمن و مادران، و اجرای یک رزمایش ملی شیمیایی/بیولوژیکی توسط DMCP.

اقدامات و توصیه‌ها

نهایی کردن قراردادهای بلندمدت میزبانی داده (data-hosting)؛ ساخت یک مرکز عملیات امنیتی سایبری ملی برای داده‌های سلامت؛ و راه‌اندازی یک مشاوره‌ی عمومی آنلاین برای شکل دادن به اولویت‌های سلامت پس از دوران گذار.

نتایج مورد انتظار / نظارت و ارزیابی / ریسک‌های سیاسی و کاهش آن‌ها

تا روز ۱۸۰، کمیته‌ی نظارت (OC) به صورت قانونی به رسمیت شناخته شده، پلتفرم‌های دیجیتال حداقل ۸۰ درصد عملیات ملی سلامت را مدیریت می‌کنند و اورژانس (EMS) در قانون حفاظت مدنی (civil-protection) گنجانده شده است.

یک گزارش عمومی ۱۸۰ روزه به یک کنفرانس ملی دانشگاهی و بهداشت عمومی ارائه خواهد شد، در حالی که درخواست‌های بودجه‌ی مرحله‌ای (staggered) مرتبط با نقاط عطف (milestones) ممیزی‌شده، فرسودگی (fatigue) (در اهداکنندگان) را به حداقل می‌رساند و بندهای حفظ حریم خصوصی داده‌ها را در برابر تسخیر حزبی (partisan capture) محافظت می‌کند.

منابع

- WHO. Classification and Minimum Standards for Emergency Medical Teams (2021).
- Brookings Institution. The War on Syria's Health System (2016).
- Mansour et al. Traumatic Injuries and Outcomes during the Libyan Civil War (2025).
- Madede et al. Stock-outs of Essential Medicines among Community Health Workers. BMC Health Serv Res (2022).
- Priebe et al. Long-Term Psychological Distress of Bosnian War Survivors. BMC Psychiatry (2019).

- Ho et al. Impact of Urgent Care Centres on ED Utilisation. BMC Health Serv Res (2021).
- Al-Omari & Al-Zoubi. Role of Urgent Care Clinics in Alleviating ED Congestion. Cureus (2025).
- Kwan & Cresswell. How Effective Are Electronic Medication Systems in Reducing Errors? J Am Med Inform Assoc (2021).
- Think Global Health. Rwanda's Healthcare Success Holds Lessons for Others (2023).
- Blue Ocean Strategy Institute. E-Estonia: From Post-Soviet Nation to Digital Republic (2021).
- The effectiveness of peer support in mental health: a systematic review and meta-analysis (2024).

این صفحه عمدتاً سفید گذاشته شده است.

نظام آموزشی: تداوم آموزش و ایدئولوژی‌زدایی

اسفند ۲۵۸۴

اصلاح سیستم آموزشی ایران نیاز به یک استراتژی مرحله‌ای و چند ساله دارد که مطابق با زمینه‌های نهادی، قانونی و اجتماعی در حال تغییر در گذار پس از جمهوری اسلامی باشد. این سپیدنامه، اصلاحات را در مرحله اول تشریح می‌کند: مرحله ۱ (شش ماه نخست) بر ایدئولوژی‌زدایی اضطراری و تثبیت نهادی تمرکز دارد.

مرحله ۱: مرحله اضطراری

در شش ماه اول پس از سقوط جمهوری اسلامی، اولویت فوری، تثبیت نظام آموزشی و در عین حال آغاز اصلاحات فوری است. تثبیت آموزش هم تداوم را تضمین کند و هم نشان‌دهنده گسست قاطع از گذشته است. این مرحله باید عمل‌گرایی اداری را با اقدام سیاسی و نمادین روشن متعادل کند. هدف از چنین اصلاحی حفظ فعالیت‌های بدون اختلال مدارس و شروع به کار فعالانه برای برچیدن پایه‌های ایدئولوژیک دستگاه آموزشی رژیم سابق است.

اولویت‌های فوری

- حفظ ساختار اداری و اجرایی؛ با هدف جلوگیری از هرج و مرج و اطمینان از تداوم فعالیت مدارس و نیز تداوم فعالیت معلمان با دریافت حقوق خود و بدون ایجاد وقفه.
- ارائه برخی خدمات ضروری؛ از جمله حمل و نقل رایگان در مناطق روستایی و توزیع وعده‌های غذایی در استان‌های محروم، با هدف ارتقا دسترسی عادلانه و نیز حفظ دانش‌آموزان مناطق آسیب‌پذیر در محیط مدرسه و کاهش ترک تحصیل.
- حذف سیاست جداسازی جنسیتی؛ در مرحله اول در مدارس ابتدایی که شامل اختیاری کردن حجاب برای دانش‌آموزان و معلمان در همه مقاطع تحصیلی و کنارگذاشتن ضوابط سختگیرانه پوشش اسلامی می‌شود.
- آموزش ضمن خدمت معلمان و کارکنان برای مواجهه با شرایط جدید و نیز حضور در کلاس‌های درس یکپارچه و مختلط.
- سیاست‌زدایی و ایدئولوژی‌زدایی از حرفه معلمی و ایجاد استانداردهای جدید استخدام بر اساس صلاحیت‌ها به جای وابستگی‌های سیاسی.

- حذف نمادهای بصری مرتبط با جمهوری اسلامی، کنارگذاشتن برخی کتاب‌های درسی و موضوعات مرتبط با القای ایدئولوژی و فوق برنامه‌های مرتبط با ایدئولوژی، به انتخاب کارگروه‌هایی که از پیش برای همین هدف تشکیل خواهند شد.

مداخلات ساختاری و قانونی

- برای حمایت از این اولویت‌ها، اقدامات قانونی، اداری و نمادین زیر باید به سرعت اجرا شوند:
- بازنگری قانونی: لغو تمام قوانین و مقررات موجود که القای مذهبی، تفکیک جنسیتی یا گنجاندن محتوای ایدئولوژیک در برنامه درسی را الزامی می‌کنند.
- توقف و ارزیابی مجدد قانون جذب معلمان و پرسنل: شناسایی و تعلیق موقت کارکنان و مربیان و مدیرانی که در سرکوب معلمان، کودکان و نوجوانان در محیط آموزش و پرورش و اجرای طرح‌های ایدئولوژیک همدست حکومت بوده‌اند. ارائه بسته‌های بازنشستگی زودهنگام با حمایت‌های شفاف از رویه‌های قانونی برای تسهیل جابجایی سازمانی بدون ایجاد بی‌نظمی و با حداقل عوارض.
- گسست نمادین: تغییر نام مؤسسات، اصلاح تابلوهای عمومی و حذف نمادها، شعارها و تصاویر جمهوری اسلامی از محوطه مدرسه برای نشان دادن واضح گذار.

چالش‌های قابل پیش‌بینی و احتمالی

- چندین خطر ممکن است این گذار را پیچیده کند:
- بوروکراسی متورم و ایدئولوژیک نهاد آموزش و پرورش - که تقریباً ۴۰ درصد از کارمندان بخش دولتی را تشکیل می‌دهد - ممکن است برابر اصلاحات مقاومت کند.
- برخی خانواده‌ها، معلمان و مدیران ممکن است با اقداماتی مانند آموزش مختلط مخالفت کنند یا از تصور از دست دادن جایگاه خود تحت سیاست‌های جدید بترسند.
- خانواده‌های فقیر ممکن است به درآمدهای حاصل از کار کودکان خود وابسته شده باشند و این امر، ادغام مجدد کودکان در آموزش رسمی را دشوار کند.
- وابستگان رژیم سابق ممکن است تلاش کنند آموزش ایدئولوژیک را از طریق مدارس خصوصی و در پوشش قانون ادامه دهند.

کاهش این چالش‌ها مستلزم ارتباطات زود هنگام و شفاف، مشارکت جامعه و اقدامات حمایتی اجتماعی، به ویژه برای خانواده‌های کم‌درآمد و کارکنان بلا تکلیف است. این مرحله باید پایه و اساس اصلاحات سیستمی عمیق‌تری را در مراحل دوم و سوم بنا نهد، اعتماد عمومی را احیا کند و ارزش‌های یک نظم آموزشی جدید و فراگیر را نشان دهد.

در طول این مرحله، گذار از سیستم آموزشی مبتنی بر تفکیک جنسیتی به مدارس مختلط باید از مقطع ابتدایی آغاز شود. با این حال، این ابتکار، چالش‌های زیرساختی و اجتماعی به همراه دارد. به علت تداوم آموزش بر مبنای تفکیک جنسیت برای پسران و دختران که بیش از چهار دهه تداوم داشته، فضای طراحی‌شده‌ای برای آموزش مختلط، جز در برخی مدارس روستایی، وجود ندارد. بر اساس چارچوب فکری و نظری یک انقلاب ملی و سکولار، مدارس را بایستی ملزم به برچیدن کامل سیاست تفکیک جنسیتی کرد. اما به خاطر شرایط فعلی، یک رویکرد مرحله‌ای ضروری است: مدارس ابتدایی باید اجرای آموزش مختلط را آغاز کنند و در عین حال بایستی برخی تغییرات فیزیکی کوچک مثلاً در سرویس بهداشتی و رختکن و ... انجام شود. چیدمان انعطاف‌پذیر کلاس درس، همراه با فضاهای جداگانه اختیاری، می‌تواند به ایجاد طیف وسیعی از سطح راحتی در طول این گذار کمک کند.

تعدیل نیروی کار آموزشی بسیار مهم خواهد بود. بسیاری از معلمان، که منحصراً در محیط‌های مبتنی بر تفکیک جنسیتی کار کرده‌اند، ممکن است تغییر به آموزش مختلط را چالش‌برانگیز ببینند. برنامه‌های بازآموزی، با تمرکز بر آموزش مختلط و فراگیر، ضروری خواهد بود. همچنین توزیع مجدد متعادل معلمان زن و مرد ضروری است، همراه با مشوق‌هایی مانند پاداش و ارتقاء برای تشویق به بازنشستگی زود هنگام.

احتمالاً در این مرحله شاهد مقاومت گروه‌ها و محافل محافظه‌کار خواهیم بود. برخی از والدین ممکن است به دلیل نگرانی‌های اخلاقی از فرستادن دختران خود به مدارس مختلط خودداری کنند. برای مدیریت این مسئله، به یک برنامه کلان فرهنگی و اجتماعی نیاز داریم. برنامه‌های مشارکت اجتماعی، از جمله کمپین‌های آگاهی‌بخشی عمومی و استفاده از روایت‌های مذهبی و فرهنگی به نفع آموزش مختلط، باید برای اطمینان خاطر خانواده‌ها راه‌اندازی شود. برجسته کردن نمونه‌هایی از کشورهای مدرن با اکثریت مسلمان می‌تواند اعتماد به نفس ایجاد کند. همزمان، سازوکارهایی برای جلوگیری از آزار و اذیت - مانند سیاست‌های گزارش‌دهی شفاف، خدمات مشاوره‌ای و آموزش کارکنان - باید در همه مدارس تعبیه شود. دانش‌آموزان نیز به حمایت نیاز خواهند داشت. با توجه به اینکه آن‌ها در محیط‌های مبتنی بر تفکیک جنسیتی و با قوانین سختگیرانه بزرگ شده‌اند، ممکن است فاقد مهارت‌های اجتماعی لازم برای تعاملات سالم مختلط باشند. برنامه‌های تربیتی، جلسات توجیهی و استراتژی‌های مشارکت ساختارمند در کلاس درس می‌توانند این گذار را تسهیل کنند. تشویق دانش‌آموزان بزرگ‌تر به مربیگری دانش‌آموزان کوچک‌تر می‌تواند به عادی‌سازی هنجارهای رفتاری جدید کمک کند.

فراتر از ادغام جنسیتی، پرداختن به مقاومت ایدئولوژیک در میان مربیان ضروری است. برخی از معلمان، به ویژه آن‌هایی که تحت نظر رژیم آموزش دیده‌اند یا وابسته به آن هستند، ممکن است در برابر اصلاحات مقاومت کنند یا از اخراج خود بترسند. ارزیابی‌های فوری باید انجام شود تا مشخص شود کدام افراد می‌توانند سازگار شوند، کدام نیاز به آموزش مجدد دارند و کدام باید حذف شوند. باید به معلمانی که صرفاً از برنامه‌های درسی اجباری پیروی می‌کردند، تضمین‌های واضح داده شود، و در عین حال کسانی که به طور فعال ایدئولوژی افراطی را تبلیغ می‌کردند باید مسئولیت‌پذیر و پاسخگو باشند. آموزش مجدد، تضمین امنیت شغلی و گزینه‌های بازنشستگی زود هنگام باید بخشی از یک گذار انسانی و عملی باشند.

دانش‌آموزان نیز به حمایت روانی و تحصیلی نیاز خواهند داشت. برخی از دانش‌آموزان دبیرستانی که غرق در روایت‌های ایدئولوژیک هستند، ممکن است آموزش سکولار را گیج‌کننده ببینند. کودکان خردسال ممکن است در میان اختلافات بزرگسالان احساس اضطراب کنند. مدارس باید فضاهای بحث ساختارمند، مشاوره و تغییر تدریجی برنامه درسی را ارائه دهند؛ حفظ دروس اصلی و محتوای آموزشی و در عین حال توسعه محتوای جدید در تاریخ، ادبیات و اخلاق بایستی در دستور کار قرار بگیرد. برای هماهنگی این اصلاحات، باید فوراً یک گروه ویژه آموزش ملی موقت تشکیل شود. این گروه متشکل از کارشناسان، مربیان و چهره‌های جامعه مدنی، باید بر اصلاحات پرسنلی نظارت کند، آموزش سریع معلمان را آغاز کند و اطمینان حاصل کند که هیچ مدرسه‌ای به دلیل کمبود نیروی انسانی یا شکاف‌های برنامه درسی مجبور به تعطیلی نخواهد شد. این سیستم باید در این مرحله حساس، کارآمد و منسجم باقی بماند.

این مرحله فقط در مورد حذف ایدئولوژی و القانات فکری نیست، بلکه پایه‌گذاری یک آموزش مدنی، فراگیر و دانش‌آموزمحور است. هنگامی که اجماع در مورد این اهداف پدیدار شود، ایران می‌تواند شروع به توسعه طرحی برای یک سیستم آموزشی جدید کند؛ با یادگیری از مدل‌های جهانی موفق و متناسب با شرایط منحصر به فرد کشور.

در نهایت، غلبه بر مشکلات مرحله اضطراری را می‌توان با تدابیری دقیق و از طریق همکاری نیروهای داخل و خارج تضمین کرد. ما نه تنها در آموزش و پرورش، بلکه در همه حوزه‌ها نیازمند تشکیل تیم‌های قدرتمندی متشکل از نیروهای متخصص و کارشناس در درون سیستم، به همراه چهره‌ها و کارشناسان خارج از کشور هستیم. تشکیل چنین تیم‌هایی موجب به حداقل رسیدن آشفتگی در دوران بعد از سقوط جمهوری اسلامی شده و آموزش و پرورش را چه در بعد مالی و اداری و چه در حوزه فرهنگی و سیاسی، از خطر تعطیلی و یا بی‌نظمی طولانی‌مدت نجات خواهد داد.

این صفحه عمدتاً سفید گذاشته شده است.